

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی

مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی

تیرماه ۱۳۸۵

جلد دوم

تدوین:

معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

سرشناسه	: کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی (نخستین: ۱۳۸۵: تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی (مجموعه مقالات) اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی تیرماه ۱۳۸۵/دبیرخانه‌ی هیأت علمی.
مشخصات نشر	: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی - ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ج: جدول
شابک	: ۱۶۰۰۰ ریال : 964-8889-49-9 (ج. ۱) : 2-48-964-8889 : ۲۵۰۰۰ ریال (ج. ۲) : 978-964-8889-47-5
یادداشت	: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیا).
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۴۸
موضوع	: زنان در اسلام - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع	: زنان - - وضع حقوقی و قوانین (فقه) - - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شاسه افزوده	: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۵ ۸۷ ک / ۱۷۲ / ۲۳۰ BP
رده‌بندی دیویی	
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۵۵۲ - ۸۵ م



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب:	حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی - ج ۲ (مجموعه مقالات)
نویسندگان:	جمعی از دانشمندان و اندیشمندان مسلمان
تدوین:	معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
ناشر:	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۸۶ هـ ش
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک ج ۲:	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۸۹-۴۷-۵
شابک دوره:	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۸۹-۴۹-۹
چاپخانه:	نیرو
	۲۵۰۰۰ ریال

تهران - ص. پ: ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفکس: ۴-۸۸۳۲۱۴۱۱

حقی چاپ و نشر محفوظ

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۷
- پیام ریاست محترم جمهوری به اولین کنفرانس بین المللی حقوق و مسئولیت‌های زن ۹
- سخنان خانم دکتر طیب زاده مشاور رئیس جمهور در امور زنان ۱۵
- بازخوانی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی ... / علی شریعتی ۲۱
- مقام و جایگاه زن در نظام خلقت / معصومه رضائی‌منش ۴۵
- حقوق زنان معلول جسمی و ذهنی / نسرین جعفری کادیجانی ۷۹
- مشاوره ژنتیک راهی برای تحکیم و سلامت خانواده / زهرا اوسطی، سید محمد اکرمی ۱۰۳
- زنان مسلمان و شیوه‌های تأثیرگذاری در نظام بین‌الملل / لیلا سادات زعفرانچی ۱۱۵
- حق و مسئولیت‌های زن در عرصه‌های اجتماعی... / اعظم افشار ۱۴۷
- حق و مسئولیت زن در عرصه اجتماعی... / اسد الله جنت بوداغی و اشرف سر سخت جنتی ۱۸۷
- شیوه‌های تأثیرگذاری جهانی زنان مسلمان / عشرت شایق ۲۱۷

۶..... حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی

دموکراسی و مشارکت سیاسی زن در اسلام - پژوهشی در فقه و تفکر اسلامی / علی محی الدین قره‌داغی ... ۲۴۷

حقوق زن و مسئولیت‌های اقتصادی او در خانواده و جامعه / احمد بن سعود السیابی ۲۷۹

سخنرانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، آقای دکتر حداد عادل در مراسم اختتامیه کنفرانس... ۳۰۳

بیانیه پایانی اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی..... ۳۰۷

پیشگفتار:

اولین کنفرانس بین‌المللی «حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی» به منظور تبیین و ارائه عالمانه نقطه نظرات و دیدگاه‌های نظام اسلامی در خصوص مسئولیت‌ها و حقوق زن و تلاش برای دستیابی و تشکیل جبهه‌ای متحد برای مقابله با توطئه‌های استکبار جهانی علیه مقام و منزلت والای زن در جامعه بشری، (۲۴ و ۲۵ تیر ۱۳۸۵/۱۵-۱۶ جولای ۲۰۰۶) در تهران برگزار شد.

در این کنفرانس جمع کثیری از متفکران، اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی از ۲۵ کشور جهان شرکت داشتند.

گفتنی است موضوعاتی نظیر "مقام و جایگاه زن در نظام خلقت"، "حقوق و مسئولیت‌های فردی زن"، "حقوق و مسئولیت‌های زن در خانواده، تشکیل و تحکیم آن"، "حقوق و مسئولیت‌های مادی و معنوی زن در ابطال نکاح و حمایت از مسئولیت مادری"، "حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی و بین‌المللی"، "حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی زن در خانواده و اجتماع" و "حقوق و مسئولیت‌های سیاسی زن در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و در رابطه با مسلمانان سایر کشورها" در این کنفرانس مطرح شد. صاحب‌نظران، اندیشمندان و نویسندگان ۲۵ کشور مختلف بیش از

۲۳۰ مقاله به دبیرخانه ارسال نمودند.

خاطر نشان می‌شود، اولین کنفرانس بین‌المللی "حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی" را مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی مرکز امور زنان و خانواده و شورای فرهنگی، اجتماعی زنان به مدت دو روز در تهران برگزار کردند.

پیام

ریاست محترم جمهوری

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

به اولین کنفرانس بین المللی حقوق

و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی

پیام ریاست محترم جمهوری به اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی

بانوان محترم، مادران و همسران

زنان فرهیخته جهان اسلام!

میلاد با سعادت اسوه کمال بشری و نمونه انسان کامل حضرت فاطمه زهرا
- سلام الله علیها - را به شما و همه زنان و مردان تبریک و تهنیت می‌گوییم.

این افتخار بزرگی برای جامعه بشری و به طور خاص برای زنان است که روز
میلاد انسانی که تمام ارزش‌های متعالی در او جلوه‌گر است، روز زن و این شخصیت
والا و ملکوتی نماد شخصیت و هویت زن باشد.

خداوند انسان را آزاد و مختار آفرید و برای او مقام خلیفه‌اللهی در زمین را رقم زد
و او را غایت کمال در صیورورت ابدی تا نقطه وصال خودش قرار داد. زن و مرد در
کنار هم به عنوان دو جلوه کمال و تعالی خلق شده‌اند و با هدایت عقل و فطرت از
یک سو و پیامبران الهی از سوی دیگر، مشمول رحمت خداوند قرار گرفته‌اند.

تربیت انسان‌ها و نسل‌ها با چنین هدف و رویکردی بر عهده زن به عنوان جلوه جمال الهی و کانون مهر و محبت و عاطفه و تجلی مهرورزی و صبوری، گذاشته شد. این نقش بی‌بدیل قوام و دوام جامعه را در صیوررت الهی به سوی الله رقم می‌زند. مرد نیز به عنوان جلوه الهی و تجلی اقتدار و صیانت از حریم خانواده و جامعه نقش آفرینی می‌کند و این هر دو جنس، مکمل یکدیگر و یار و یاور هم در نیل به قله‌های کمال و تعالی قرار داده شدند.

در طول تاریخ، شیاطین از هر نوع و جنس در کمین انصراف و انحراف مرد و زن از مسیر حقیقی رشد و سعادت بوده‌اند. بی‌تردید زن به عنوان مظهر زیبایی، گذشت و عاطفه بیشتر مورد ظلم قرار گرفته است.

این ظلم در هر عصری به گونه‌ای جلوه کرده است و در دوره جدید که اندیشه مادی و ماده‌گرایی مبنای تمدن قرار گرفته، نگاه به زن صرفاً ابزاری شده است.

ترویج رقابت و تضاد بین زن و مرد به جای مشارکت و تکمیل، از مظاهر تفکر مادی حاکم بر عصر جدید است. حاکمیت این نگاه زمینه‌های سوءاستفاده گسترده‌ای را فراهم کرده است و نه تنها به شخصیت زن آسیب فراوان وارده کرده و حریم پاک، لطافت و روحانی او را مخدوش کرد، بلکه بنیان‌های خانواده را در کشورهای غربی و برخی ملت‌های دیگر به شدت تحت تأثیر منفی خود قرار داده است.

این وضعیت ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و عدم تعادل‌ها، افسردگی‌ها و ضعف‌ها و تبعیض‌ها و خشونت‌ها و چه بسا جنگ‌هاست.

زمانی که نقش مادی و محوری خانواده و تضمین مهرورزی و عطوفت به عنوان بستر قوام و تعالی انسان‌ها جای خود را به ابزار فروش کالا و یا کامیابی سیری‌ناپذیر انسان‌های تیره دل و بدکار می‌دهد، همه بنیان‌ها فرو می‌ریزد، حرکت افراد و جامعه از مسیر سعادت خارج می‌گردد و چشم انداز تاریک انحطاط در مقابل چشم انسان‌ها قرار می‌گیرد. نظام سرمایه‌داری لیبرال بزرگترین صدمات را از این طریق بر حیثیت و

روح انسانی زنان وارد کرده و با هزینه‌های سرسام آور در صدد تحمیل این منش شکست خورده به همه بشریت است.

متأسفانه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی تحت تأثیر و سلطه نظام استکباری بازیگر این صحنه‌اند و مأموریت‌های محوله را تحت عناوین فریبنده برابری و آزادی و اسف بارتر آنکه با ترویج اندیشه تعصب زنانه یا مردانه دنبال می‌کنند.

بدون شک تنها راه سعادت دنیا و آخرت، تبعیت از مسیری است که خداوند برای زنان و مردان قرار داده و در تعلیمات انبیاء الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان ختم و نقطه کمال پیامبران به روشنی بیان شده است.

مکتب انبیا زنانی برجسته و مطهر به جامعه بشری معرفی می‌کند که آسیه و هاجر و مریم و خدیجه نمونه‌های آن هستند.

از همه برتر و بالاتر وجود حضرت فاطمه اطهر - سلام الله علیها - است که به عنوان الگوی کامل معرفی شده است که در همه عصرها و زمان‌ها، تا آخر راهنمای زنان و مردان عالم خواهد بود.

او کانون خانه‌ای است که تمام قدرت حق تعالی را در عالم متجلی کرد.

او کانون نوری است که با تابش انوار الهی، وجود زن و مرد را نورانی می‌کند و از شرارت‌ها و شیطنت‌ها حفاظت می‌کند.

او کانون مهری است که چون نقش مادر را بر قلوب می‌زند، مردانی آسمانی و ملکوتی چون حسن و حسین - علیهما السلام - و زنانی تاریخ ساز چون زینب کبری (س) به بشریت تقدیم می‌کند و این بستر تاریخی به عدالت موعود و جلوه تام حقیقت ختم خواهد شد.

جهان اسلام بلکه بشریت با وجود چنین نعمت الهی باید قالب‌های تحمیلی بر زنان را بشکند و در امواج تهاجم گسترده‌ای که تحت عنوان جهانی‌سازی به انحلال

فرهنگی و بلعیدن فرهنگ غنی ملت‌ها پرداخته است، به احیای هویت انسانی و خصوصاً بازسازی هویت حقیقی زنان همت گمارد.

امروز باید زنان برای آزادی از بردگی نوین قیام کنند و بند حصارهای اسارت نظام لیبرال سرمایه‌داری حاکم را بشکنند و راه رسیدن به کمال، زیبایی، مهر، صلح و عدالت را با اتخاذ چنین الگویی به روی بشریت بگشایند.

این اجلاس مبارک که با همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در آستانه ولادت با سعادت این بانوی بی‌همتا، تشکیل می‌گردد، فرصت مبارکی برای پایه‌گذاری حرکتی نوین در جهان است؛ چرا که شخصیت ممتاز و عظمت وجودی زهرای اطهر، نقطه وفاق همه مذاهب بلکه همه بشریت است.

امیدواریم تصویب منشور جامع حقوق زن و بازسازی هویت حقیقی زن، بر مبنای آموزه‌های دینی و فرهنگ انبیا خصوصاً نقطه کمال آن یعنی فرهنگ غنی اسلامی، دستاورد این اجلاس باشد، و نمونه ممتازی از جایگاه والا و معنوی، نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه را به جهانیان عرضه کند.

تلاش‌های ارزنده همه شرکت‌کنندگان، عالمان و فرهیختگان خصوصاً زنان و بانوان مکرم را ارج می‌نهم و توفیق آنان را از خداوند منان مسئلت دارم.

سخنان

خانم دکتر طیبزاده

مشاور رئیس جمهور در امور زنان

سخنان خانم دکتر طبیب‌زاده مشاور رئیس جمهور در امور زنان

با عرض سلام و تبریک به مناسبت سالروز ولادت دخت نبی اکرم سلام الله علیهما به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج)؛ و خوش آمد گویی به میهمانان، صاحب نظران و اندیشمندان مسلمان حاضر در همایش حقوق و مسئولیت‌های زن مسلمان.

هدف از برپایی چنین همایشی در این مناسبت شریف، معرفی الگوی نمونه‌ای همچون فاطمه زهرا - سلام الله علیها - به زنان مسلمان و کردآوری، تنظیم و تدوین آموزه‌های اسلامی مربوط به زنان در منشوری قابل عرضه به تمامی مسلمانان و حامیان واقعی حقوق زنان در جهان است.

در سالیان اخیر موضوع زن در دستور کار امنیتی دولت‌های لیبرال دموکرات غربی قرار گرفته است. علت این مهم بحران‌ها و نابسامانی وضعیت زنان اعم از مرارت‌ها، خشونت‌ها، تعدی‌ها، کمبودهای رفاهی و آموزشی و بحران‌های اجتماعی حاصل از این وضعیت است.

با نگاهی ژرف و عمیق به پدیده حاضر می‌توان ادعا کرد که آموزه‌های لیبرالیستی مبتنی بر انسان محوری، اصالت سود، لذت‌گرایی، استفاده ابزاری از زن در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و خشونت‌های جسمی و روحی را برای زنان به همراه داشته است.

طرح گزاره‌هایی همچون رد چارچوب خانواده و مخالفت با نقش‌های مادری و همسری نه تنها مشکلات زنان را مرتفع نساخت بلکه سبب ساز بحران‌های اجتماعی دیگر شد.

بن‌بست مذکور حاصل غفلت از نقش محوری زن در شکل بخشی به حیات جوامع بشری است. پس از سالیان متمادی کوشش متفکران غربی برای حل مشکل زنان، منجر به تدوین کنوانسیون منع تبعیض و خشونت علیه زنان شد. التفات به تنوع فرهنگی - جامعه شناختی دنیای معاصر این نسخه مدون را به نسخه‌ای ناکارآمد در حل مشکل زنان در کشورهای الحاقی به این کنوانسیون بدل ساخته است.

اهتمام به حل مشکل زنان در دنیای معاصر، امری ستودنی و فی نفسه مطلوب است، اما اصرار و پافشاری کشورهای غربی (کشورهای طراح) در پیروی کامل از متن کنوانسیون مذکور امری قابل تأمل و بررسی است. الگوی عرضه شده در این کنوانسیون و تجویزها و تعریف‌های ارائه شده نشان از اهمیت کنوانسیون به یکسان‌سازی فرهنگی جوامع و تحمیل الگوهای غربی برای تمامی زنان عالم است. متفکران غربی به‌خوبی به نقش سازنده زن در آینده سیاسی جوامع و انتقال آرمان‌ها و ارزش‌ها در کانونی به‌نام خانواده پی برده‌اند و از این رو زنان و نقش آنان در خانواده را هدف قرار داده‌اند.

در نگاهی واقع‌بینانه تدوین کنوانسیون مذکور، تکرار شعار حقوق بشر با محوریت زنان و اهرمی جهت اعمال فشار بر کشورهای مسلمان است، اما در نگاه خوش‌بینانه تدوین کنوانسیون منع تبعیض و خشونت علیه زنان به‌دلیل بی‌توجهی به نقش محوری زنان در خانواده و تضعیف بنیان خانواده از یک‌سو و نادیده انگاشتن الگوهای همچون حضرت مریم - سلام‌الله علیها - و حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - در مقابل الگوهای تحمیلی تعریف شده‌ای همچون زن غربی باز هم ناکارآمد و برای عرضه به همه زنان عالم نامطلوب است. علاوه بر اینکه اساساً الگوهای غربی برای حل مشکلات بومی، منطقه‌ای و شرقی به بن بست رسیده است و مردم منطقه باید

تلاش کنند تا مشکلات خود را با راه‌کارهای داخلی خود حل کنند.

متفکران، اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان با نگاه به مسئله زنان و با اشراف به بن‌بست‌های تفکر لیبرالیستی که خاستگاه فکری مؤلفان و طراحان کنوانسیون مذکور بوده است و در راستای رسالت کلیدی اسلام و اولیای عظیم الشان آن که دفاع از ارزش‌های انسانی و از جمله زنان است آموزه‌های راستین اسلامی را برترین منشور دفاع از حقوق زنان مسلمان و مدافعان حقوق زن در جهان دانسته و بر آن شدند تا برای حل نهایی بحران‌های اجتماعی و تأمین حقوق حقه زنان منشوری از آموزه‌های اسلامی در خصوص حقوق و مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان بشکل مدون عرضه کنند.

امید است زنان و جوامع اسلامی با تاسی به زنان نمونه عالم همچون مریم صدیقه و زهرای مرضیه - سلام‌الله علیهما - و بهره‌گیری از تعالیم اسلامی به جایگاه حقیقی و حقوق و مسئولیت‌های زن مسلمان دست یابند.

در اینجا جا دارد از همت عالمانه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و همپاری دلسوزانه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایجاد زمینه‌ای برای هم‌اندیشی، همفکری و هم‌رأیی متفکران مسلمان و گردآوری، تنظیم و تدوین منشور حقوق و مسئولیت‌های زن مسلمان نهایت تشکر و قدردانی را بنمائیم. از شما اندیشمندان، صاحب‌نظران و خردمندان محترم به‌خاطر این همدلی و حضور فعال سپاسگزاریم. و بسیار بجاست که از همین تریبون و همین اجتماع وزین و موقر اعتراض خود را به جهانیان و مدعیان دفاع از حقوق بشر اعلام داریم که چه بی‌رحمانه زنان، دختران، کودکان و خانواده‌های بی‌گناه را به‌خاطر طمع‌ورزی و سیاست‌های توسعه طلبانه در لبنان و فلسطین اشغالی به خاک و خون می‌کشند؛ زیرا به‌گفته رسول اعظم حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلوات‌الله علیه وآله - هر کس که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. و جهان و جهانیان در مشکل فقدان رهبری واحد است و خردمندان و خردورزان در غم این فقدان می‌سوزند. با

امید به ظهور یگانه منجی بشریت مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف.
و چه بسیارند زنانی که سعادت‌مندان در رکاب حضرتش و در دولت کریمه‌اش
خدمت می‌کنند. امیدواریم که ما نیز با هدایت‌های دایمانه مقام معظم رهبری اولین
منشور حقوق مسئولیت‌های زن مسلمان را در دولت نهم آن‌گونه که مرضی خدای
عزوجل - است اجرا کنیم.

بازخوانی
حقوق و مسؤلیت‌های زن در نظام
اسلامی و آرمان‌های انقلاب

علی شریعتی

دبیر تشکل غیردولتی شباب الجنه

و عضو مجمع مشورتی سناد کانون‌های مساجد استان تهران

بازخوانی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی و آرمان‌های انقلاب

مقدمه

سحرگاهان جمعه، بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم بعثت به ناگاه زهره‌ای در آسمان مکه طلوع می‌کند که ماه را با تمامی عظمتش به کرنش می‌افکند، دختران مکه را به ظهور عصری نوین بشارت می‌دهد، این مولود مبارک فاطمه نام می‌گیرد، نقطه‌ی اوج حکمت بشری می‌گردد و عمر کوتاه خویش را به وسعت تاریخ استمرار می‌بخشد.

و هم اینک، زن مسلمان در آستانه ظهور تمدن نوین اسلامی، فاطمه سلام الله علیها را نقطه آغاز حرکت و غایت اندیشه، محور تفاهم و تمام حیثیت خویش می‌داند و مایه‌های اقتدار را از گفتار و رفتار زهرا سلام الله علیها می‌طلبد. او در چشمان مضطرب فاطمه سلام الله علیها اشک انتظار، برچهره غمناکش بارقه رحمت و امید، برلبان تلخ‌کامش حکمت جاودانه فدکیه، بر بازوانش مهر استقامت، بر پیشانی تابناکش نور عبودیت و برپیکر مطهرش لباس عفاف می‌بیند و می‌کوشد تا انوار نهفته در سکوت و خروش فاطمه را در حیات امروزین خود بازتاب دهد.

زن مسلمان اگر چه به ظاهر خاموش است، اما حکمت خروش می‌جوید و اگر در انزواست، جامه رزم می‌دوزد و اگر با چشم اشک‌بار از کنار تجاوز پیام‌آوران تمدن

غرب به نوامیس مسلمانان در افغانستان و عراق و زندان ابوغریب می‌گذرد، و با صبر و خشم فروخورده تلاش مجامع بین‌المللی را در به رسمیت شناختن روسپی‌گری، همجنس‌گرایی و همزیستی‌های خارج از چهارچوب ازدواج، و سقط جنین در پوشش نام «آزادی» و «حق تسلط بردن» به نظاره می‌نشیند، درصدد است تا پاسخ آنان را در صحنه حیات معنوی و فرهنگی، با خلق حماسه‌ای جاویدان رقم زند و دامان مطهر خویش را مهد انسان‌های تمدن‌ساز سازد.

فراموش نکنیم که در عصر جهانی شدن ظلم و فساد، به ناگاه برگزیده خدا، به پیشاهنگی ۳۱۳ تن، از جمله پنجاه زن، قیام خواهند نمود و جهان سر به طاعت فرزند فاطمه سلام‌الله علیها خواهند سایید و جهان را از عدل و انصاف و حکمت و علم سیراب خواهند کرد. به راستی این واقعه، در زمان جهانی شدن ارزش‌های نظام کفر، بیان‌گر شکفتن زنانی راست قامت و صبور از تبار فاطمه و آسیه و مریم و خدیجه نیست که با کسب معرفت و حیاتی و پرورش انسان‌های متعالی، تمدن مادی را به زوال ابدی بشارت دهند؟

زنان، فرهنگ سازان ایران اسلامی‌اند که به پشتیبانی نفس روح الهی خمینی (ره) و خامنه‌ای و با تکیه بر قانون اساسی، سمت و سوی حرکت متعالی خویش را بازیافته‌اند و هم اکنون با گذشت ۲۸ سال از تثبیت نظام جمهوری اسلامی، به دستاوردهایی شگرف نائل شده‌اند. ارتقای سطح علمی دختران، حضور فعال و مؤثر زنان در سطوح عالی کارشناسی و پژوهش، تربیت یافتن اساتید مبرز، تاسیس مراکز علوم دینی خواهران و تربیت ده‌ها هزار خواهر طلبه، تشکیل هزاران گروه مطالعاتی، انجمن علمی و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی، حضور اجتماعی باحفظ حجاب و متانت، شرکت سامان‌مند زنان در امور عام‌المنفعه و خیریه در قالب تشکلهای غیردولتی، حضور پر نشاط و تعیین‌کننده در مواقع بحران، از جمله دفاع مقدس و حوادث غیرمترقبه، ربودن گوی سبقت از مردان در عرصه‌های حیات معنوی، جرأت انجام فعالیت‌های خطیر در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، تقویت ارتباط میان پایگاه مدرسه و خانواده،

رشد چشم‌گیر آموزش‌های غیررسمی به زنان و مادران از طریق رسانه‌های عمومی، توجه دولت به بررسی مشکلات زنان در وزارتخانه‌های مختلف و بالاخره ارتقای سطح مطالبات زنان از مباحث جزئی و سطحی به امور مهم و کلان، همگی نشان از تحول شخصیت زن به سمت عزت‌مندی و ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری پدیده‌ای نو در حضور اجتماعی زنان در خاورمیانه اسلامی است که می‌تواند الگوهای رایج در دفاع از حقوق زنان را به چالش طلبد و به همین دلیل است که نظام استکباری، موضوع «زنان» را یکی از سه محور مقابله با اصول‌گرایی اسلامی می‌داند.

مسئولیت زنان فرهیخته ما در این شرایط، آن است که با مساعدت جامعه علمی و کارشناسی، اولاً، برنامه‌هایی را که به نام دفاع از حقوق زنان، به ویژه در خاورمیانه انجام می‌شود به دقت مطالعه کنند؛ ثانیاً، مسائل و مشکلات واقعی زنان ایرانی را طبقه‌بندی و تحلیل کنند؛ ثالثاً؛ به تدوین الگوها و شاخصه‌های رشد زنان براساس آموزه‌های اسلامی همت گمارند، و بالاخره با توجه به محدودیت‌ها و شرایط، نظام را در دست‌یابی به راهبردهای اصلاحی مناسب، یاری و برحسب عملکرد نهادها نظارت مستمر داشته باشد.

در این نوشتار، ابتدا نگاهی اجمالی به فعالیت‌های اخیر نظام سلطه در ایران و کشورهای اسلامی می‌افکنیم. پس از آن، اشاره‌ای گذرا به برخی مسائل و مشکلات زنان خواهیم نمود و سپس آرمان‌های انقلاب اسلامی را در موضوع زنان بازخوانی می‌کنیم.

زنان، نظام سلطه و خاورمیانه بزرگ

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب گسترش تفکری در میان مسلمانان جهان شد که به اسلام سیاسی یا اصول‌گرایی اسلامی شهرت یافت. دولت‌های غربی از این پدیده با عنوان بنیادگرایی دینی یاد می‌کنند. مهم‌ترین شاخصه این نگرش، امکان به‌کارگیری عناصر و آموزه‌های اسلامی در حیات اجتماعی و ایجاد تمدن نوین اسلامی

است. این ایده می‌توانست گسترش فرهنگ سکولار را با چالشی اساسی، و تمدن غرب را با بحرانی عمیق روبه‌رو سازد. از این رو، دولت‌های استکباری ضمن تحلیل این پدیده، درصدد شناسایی راهکارهای مهار آن برآمدند. تقریباً یک دهه، مجله اکونومیست چاپ انگلستان از طرح مهار بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه خبر داد که بر سه رکن مهم اصلاح ساختار اقتصادی کشورها براساس بازار آزاد، اصلاحات سیاسی با محوریت دموکراسی غربی و برداشتن حریم‌های اخلاقی، به ویژه دختران و پسران استوار بود.^۱ چندی پیش نیز وزیر خارجه امریکا از طرح مشارکت خاورمیانه آمریکا خبر داد که بر سه محور اصلاحات اقتصادی، اصلاحات سیاسی و برابری زن و مرد (به معنای تشابه نقش‌ها) بنا شده بود.^۲ واقعه ۱۱ سپتامبر نیز بهانه مناسبی به آمریکا داد تا کشورهای، چون عربستان را به اصلاحات بنیادین در ساختار اجتماعی و آموزشی و پذیرش «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»^۳ وا دارد.

اعلام نظر حاکمان اشغال‌گر عراق بر ضرورت توجه به برابری زن و مرد (به مفهوم مورد نظر)، حضور نمایندگان زن کنگره امریکا در عراق و اعلام حمایت از تلاش‌هایی که به منظور دستیابی به استانداردهای مورد نظر انجام می‌شود و حمایت آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی از طرح مباحث مربوط به زنان نیز در راستای اهداف استعماری تفسیر می‌شود.^۴

پس از شکست طالبان و استقرار حکومت تحت نفوذ امریکا در افغانستان، امریکا میلیون‌ها دلار برای ایجاد کلوب‌های آموزشی، آموزش زنان روزنامه‌نگار و

(۱) ر.ک: آرزینی: محسن، «نشانه‌های خط نفوذ» رسالت، ۷۴/۱۱/۵، ص ۲.

(۲) ر.ک: حاتمی، امید، «مشارکت امریکایی خاورمیانه‌ای» بگناه حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۸۲، ص ۱۳، محمدعلی تسخیری، «جهانی سازی»، ویژه نامه جهانی شدن و دین، دی ماه ۱۳۸۱.

(۳) «احداث شهر صنعتی ویژه زنان در عربستان»، شرق، ۸۳/۳/۲۶، ص ۱۶.

(۴) ر.ک: «مجموعه گزارش‌های تحلیلی پیرامون مسائل زنان و خانواده در سال ۸۲»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۱۳، ص ۷.

راه‌اندازی مراکز زنانه در چهارده استان این کشور اختصاص داد، و هم‌چنین ۱۷۵ پروژه مربوط به زنان افغانی را به انجام رسانده است. در این مدت، صدها سازمان غیردولتی (NGO) در موضوع زنان تشکیل شده‌اند که بسیاری از آنها با بهره‌برداری از فرصت طلایی به دست آمده و در بستر نقد طالبانیسم، ایده‌های امریکایی را ترویج می‌کنند و سعی در القای این مطلب دارند که نفی سنت‌های پوسیده طالبان توسط زن افغان، ضرورتاً به معنای پذیرش الگوی مبتنی بر تشابه نقش‌هاست که آن را مجامع بین‌المللی تنظیم می‌کنند. معرفی دختری افغانی به عنوان دختر شایسته سال گذشته میلادی نیز ماجرایی از همین دست است.

از سوی دیگر، برخی سازمان‌های غیردولتی در کشور لبنان، تجربه جمهوری اسلامی را در «تفکیک فضاهای آموزشی» و «آموزش‌های مذهبی در مدارس» تجربه‌ای شکست خورده، معرفی کرده که قابلیت نمونه‌برداری ندارد و در مقابل، بر استفاده از الگوهای تجربه شده جهانی تاکید نموده‌اند.^۱

در این میان، فعالیت امریکا و کشورهای اروپایی و نهادهای بین‌المللی وابسته در ایران، سازمان یافته‌تر و مبتنی بر این تحلیل است که نظام اسلامی مهد اصول‌گرایی دینی در عصر جدید است و کنترل ایران به دلیل نقش تعیین‌کننده آن، اهمیتی ویژه دارد. این فعالیت‌ها، هم شامل فشارهای بین‌المللی، از جمله فشار اتحادیه اروپا برای پذیرش استانداردهای موردنظر، به ویژه در موضوع روابط زن و مرد، پوشش و برداشتن تمایزات جنسیتی در تمامی جوانب است، و هم فعالیت نهادهای وابسته به سازمان ملل و بنیادهای بین‌المللی را در مواردی همچون برگزاری دوره آموزش بهداشت جنسی برای نوجوانان و حمایت از سازمان‌های غیردولتی همسو و برگزاری دوره‌های توان‌مندسازی برای آنان در برمی‌گیرد.^۲

ظرفیت‌های ویژه سازمان‌های غیردولتی در ترویج یک نظریه و امکان ارتباط

(۱) همان، ص ۸

(۲) ر.ک: جمهوری اسلامی، ۸۳/۵/۵ ستون جهت اطلاع، ص ۲.

گسترده با جامعه جوان، نظام سرمایه‌داری را بر آن داشته است که این امکانات را در راستای ترویج ادبیات موردنظر خود و تضعیف دولت‌ها به کارگیرد.^۱ هم اکنون صدها سازمان غیردولتی زنان و بیش از هزار سازمان غیردولتی جوانان در کشور مشغول به فعالیت‌اند که بسیاری از آنان در امور خیریه، زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دینی نقش موثر، مفید و لازمی دارند. اما در این میان، نهادهای وابسته به سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی، از جمله بنیاد صهیونیستی امریکایی فورد، بنیاد توسعه هلند و بنیاد صهیونیستی امریکایی AID در زمینه تشکیل و توان‌مندسازی سازمان‌های غیردولتی موردنظر خود فعالیت می‌کند.^۲

این سازمان‌های زنانه، انتقاد از قوانین اسلامی و حجاب، و ترویج آموزه‌های غربی را در دفاع از حقوق زنان، به ویژه در محیط‌های آموزشی، وجهه همت خود قرار داده‌اند تا زمینه‌های ایجاد «جنبش اجتماعی زنان» را در راستای تضعیف نظام اسلامی و تحقق پروژه جهانی‌سازی فراهم آورند.

اهدای جایزه صلح نوبل به یک زن ایرانی که برخلاف برندگان قبلی این جایزه، در دوران فعالیت اجتماعی خود اصلاً به موضوع صلح، نه در مقیاس جهانی و نه در مقیاس منطقه‌ای، نپرداخته، به گونه‌ای که در رسانه‌های غربی در توجیه انتخاب وی سعی کردند تا میان موضوع حقوق زنان و کودکان (موضوع اصلی فعالیت وی) و صلح، ارتباطی برقرار کنند، نشان از این واقعیت دارد که نظام سرمایه‌ای در صدد تقویت سازمان‌های غیردولتی غرب‌زده و ایجاد مرکزیتی در کشور برای هدایت جریان‌های فمینیستی است.

چندی پیش، کنفرانس جهانی پکن + ۱۰ برگزار گردید. در این راستا از ماه‌ها قبل،

(۱) «در محفل سعادت آباد چه گذشت؟»، کیهان، ۸۱/۹/۲۷، ص ۱۴، و عباس منصوران، «سازمان‌های غیردولتی (NGOS)»، جنبش دوم، ش ۹، ص ۱۱۱.

(۲) رک: رزاقی، سهراب «ظرفیت‌سازی و دوران‌گذار سازمان‌های غیردولتی»، *وقایع اتفاقیه*، ۸۳/۳/۹، ص ۱۰.

فعالیت‌های گسترده‌ای در دو محور انجام شده است: ۱. برگزاری کنفرانس‌های متعدد توسط نهادهای بین‌المللی، ۲. رایزنی‌های گسترده با کشورهای مختلف به منظور بررسی پیشرفت کشورها در زمینه‌های موردنظر سازمان ملل، و بررسی موضوعات قابل بحث در این کنفرانس جهانی.

مباحث مطرح شده در کنفرانس‌های منطقه‌ای و مقدماتی از این حکایت دارد که موضوع حق تسلط بر بدن و مصادیق آن، از جمله جواز سقط جنین، همجنس‌گرایی و روابط آزاد جنسی از موضوعات اصلی مورد بحث و مناقشه در این کنفرانس خواهد بود.^۱

چنان که قرائن نشان می‌دهد، کنفرانس جهانی پکن + ۱۰ محل تقابل دو گروه عمده است؛ از یک سو، آن دسته از سازمان‌های غیردولتی (NGO) که غالباً از حمایت بنیادهای بین‌المللی و نهادهای وابسته به سازمان ملل برخوردارند،^۲ با هدف تشدید فشارهای بین‌المللی برای پیشبرد اصلاحات دیکته شده و تلاش برای نشان دادن اجماع جهانی در حمایت از استانداردهای غربی دفاع از حقوق زنان، به سیاه‌نمایی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران خواهند پرداخت.^۳ و از سوی دیگر، سازمان‌های غیردولتی مذهبی و غیر وابسته، تفسیر لیبرال آزادی و برابری را به چالش خواهند کشید، ادبیاتی مبتنی بر ارزش‌مندی زن و رعایت تعادل و تناسب و حمایت از عمل کرد زنان مسلمان، به زنان جهان معرفی خواهند کرد و تعرض نیروهای اشغال‌گر

(۱) ر.ک: «تلخ و شیرین از اجلاس تایلند»، گزارشی از فعالیت‌های گروه‌های شرکت‌کننده ایرانی در اجلاس منطقه‌ای سازمان‌های غیردولتی زنان آسیا و پاسیفیک، رسالت، ۸/۵/۸۳، ص ۱۳.

(۲) ر.ک: همان؛ و سحر نمازی خواه، «دولتمردان شفاف عمل کنید» (غیردولتی‌ها در آستانه اجلاس جهانی پکن + ۱۰)، شرق، ۷/۴/۸۳، ص ۱۲.

(۳) جان کلام را در سخنان نقر امام باید جست: «راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند ساکت نشسته است، جز این است که تفسیر و تاویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که از اساس با آزادی مقدس مخالف‌اند؟ (تبیان، دفتر هشتم، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۷۸، ص ۹۷.

به زنان عراقی و ممنوعیت حجاب در فرانسه را مورد اعتراض قرار خواهند داد و به افکار عمومی جهان نشان می‌دهند که آزادی در مفهوم غربی آن، جاده‌ای یک طرفه است که به توسعه شهرات و از خود بیگانگی انسان می‌انجامد.^۱

زنان، مسائل و مشکلات

نه می‌توان چون گروهی جامد، چشم بر مشکلات عینی زنان فروبست و تمام مسائل آنان را شبهه افکنی‌هایی دانست که صرفاً نیازمند پاسخ‌گویی علمی است، و نه چون گروهی سطحی و هویت‌گریز، مسائل زنان را غیرواقع‌بینانه در کلیشه‌های وارداتی محدود ساخت. مشکلات زن ایرانی مشکلاتی است که صرفاً در تحلیلی جامع و کلان و مبتنی بر مولفه‌های فرهنگ اسلامی ایرانی قابل شناخت است. گرچه ارائه فهرستی جامع از مشکلات زنان نیازمند همت کارشناسان و انجام تحقیقات بسیار در قالب یک پروژه ملی است، اما می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود:

– **تأثیر فقر و فساد:** فقر و فساد خود از مقولات جنسیتی نیستند، اما آثار مختلفی بر دو جنس برجای می‌گذارد. بار سنگین ناشی از جنگ، فقر و اعتیاد، بیش از همه بر مادرانی وارد می‌آید که به حکم قانون یا به اضطرار، مسئولیت سرپرستی خانواده را برعهده می‌گیرند. هم اکنون بیش از یک میلیون زن سرپرست خانوار و تعداد بیشتری زن بدون سرپرست، بار سنگین تأمین هزینه‌های خانواده را بر دوش می‌کشند.^۱ و به همین دلیل در این خانواده‌ها، مادران و دختران بیش از دیگران در معرض آسیب‌های جسمی، روحی و اخلاقی‌اند، این در حالی است که سیستم‌های موجود حمایتی نیز تنها بخش کمی از مشکلات آنان را مرتفع می‌کنند.

(۱) ر.ک سخنان دکتر آمنه ستاره فروزان (مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی)، گزارش هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان «اولویت‌ها و رویکردها»، چاپ اول، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.

(۲) «ازدواج جوانان ۱۴ ساله روسی»، کیهان، ۱۶/۸/۸۱، ص ۱۵.

– سوء معاشرت با زنان در خانه: بیشترین مشکلات زنان در خانه که در واقع، ناشی از تحقیر شخصیت آنان است، واداشته شدن به فعالیت‌های غیرموظف، ترک اتفاق و احیاناً خشونت‌های فیزیکی است که به دلیل خصوصی بودن حریم خانواده و عدم دسترسی به شهود یا عدم تمایل زن به افشای اسرار خانوادگی، اثبات‌پذیر نیست. راه‌کارهای ارائه شده در حمایت از این بانوان، از جمله اعطای حق طلاق و ترغیب آنان به اشتغال هم، بیشتر به جابه‌جایی مشکلات منجر شده است تا از میان برداشتن آن‌ها. آسیب‌های روحی و روانی همسران و دختران و نیاز به همسر و پدر را نمی‌توان با اعطای حق طلاق، جبران نمود. در راهبرد اساسی اصلاحات، به ویژه در حوزه روابط خانوادگی باید به اصلاحات فرهنگی و روش‌های پیش‌گیرانه در کنار راه‌کارهای حقوقی توجه کرد.

– بالا رفتن سن ازدواج: سن ازدواج دختران به سرعت افزایش می‌یابد و آمارها نشان می‌دهد که گروهی از دختران، به ویژه دختران روستایی (به دلیل افزایش مهاجرت پسران به شهرها) فرصت ازدواج را از دست می‌دهند. معمولاً علت عدم تمایل به ازدواج را، فقدان امکانات اقتصادی برای برگزاری مراسم ازدواج، تهیه جهیزیه، نبودن مسکن مناسب و بی‌کاری عنوان کرده‌اند. در کنار این عوامل، تغییر نگرش‌های فرهنگی را نباید از نظر دور داشت. بالا رفتن سطح انتظارات و مقدرات نظام تحصیلی از عوامل موثر در این پدیده‌اند. از این رو، در طرح کلان آسان‌سازی ازدواج، باید به سیستم‌های آموزشی انعطاف‌پذیر برای پسران و دختران، و ترویج الگوی ازدواج ساده نیز اندیشید.

– کاهش امنیت اجتماعی دختران: ضرورت‌های زندگی در عصر جدید و شرایط کشور پس از انقلاب اسلامی، گرایش به حضور اجتماعی را در زنان افزایش داده است، اما متناسب با این تمایل، به پاک‌سازی فضای اجتماعی اهتمام نشده است. از این رو، حضور در عرصه‌های اجتماعی، به ویژه برای دختران مخاطراتی در پی دارد و به امنیت روانی آنان آسیب می‌رساند. بی‌برنامگی نسبت به مقابله با پدیده روسپی‌گری نیز

پرسش‌های بسیاری در ذهن‌ها در مورد عملکرد قوای سه‌گانه ایجاد کرده است. امروزه، ضرورت هماهنگی نهادهای قانون‌گذار، فرهنگ‌ساز و دستگاه‌های اجرایی برای حل معضلات اجتماعی به شدت احساس می‌شود.

- ابتدال در پوشش و آرایش: آموزه‌های دینی، عفاف را از واجبات، و شخص عقیف را به منزله مجاهد شهید دانسته‌اند. در این میان، توصیه به عفاف بانوان جایگاهی ویژه دارد، چرا که خروج زن از مواضع عفاف علاوه بر پیامدهای شخصی، مخاطرات اجتماعی بیشتری در پی دارد. رعایت پوشش، حفظ اعتدال در رفتار و پرهیز از تبرج، شرط لازم برای تحقق عفاف است که پیامد آن، پاک‌سازی فضای عمومی، ایجاد زمینه‌های امنیت اجتماعی و افزایش نشاط عمومی برای فعالیت اجتماعی است. پس از توصیه رهبران انقلاب به حفظ حجاب، انتظار آن بود که در طراحی کلان و هماهنگ، همزمان در سه زمینه اصلاح نگرش‌های عمومی، اخلاق و تمایلات عمومی، و رفتار عمومی اقدام شود. در دهه اول انقلاب، تنها به جنبه قانونی حجاب پرداخته شد. ناکارآمدی این روش و پس از آن، سیاست‌های تسامح‌گرایی توسعه‌ای، برخی مسئولان و کارشناسان را به بی‌تفاوتی نسبت به پی‌گیری موضوع با تغییر نگرش در مورد آن، سوق داد. البته در این میان، تلاش مجامع بین‌المللی و غرب‌زدگان داخلی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

- فقدان الگوی اشتغال و مشارکت اجتماعی: رهبران نظام اسلامی همواره بر لزوم مشارکت اجتماعی زنان پای فشرده و زمینه‌سازی مناسب برای دستیابی به این مهم را خواستار شده‌اند. مع‌الاسف دستگاه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور تا کنون الگویی از مشارکت اجتماعی زنان، متناسب با کارکردها و ویژگی‌های زنان و هماهنگ با موقعیت خانوادگی زنان ارائه نکرده است.

سردرگمی در این مهم، به پارادوکس میان دو حوزه خانه و اجتماع منجر شده است و زنان در بسیاری اوقات، حضور اجتماعی را به قیمت کاهش کارآمدی در

عرصه حیات خانوادگی و کم شدن ارتباط کیفی با فرزندان به دست می‌آورند؛ یا آن که به دلیل دغدغه‌های مادرانه و زنانه و احساس ناهماهنگی میان عرصه خانواده و اجتماع، از حضور در عرصه‌های مهم حیات اجتماعی محروم می‌مانند. این نابسامانی، بیشتر خود را در عرصه اشتغال زنان نشان می‌دهد.

ارائه الگوی اشتغال زنان که در آن برانعطاف‌پذیری فعالیت زنان، توسعه مشاغل نیمه وقت و مشاغل خانگی، توسعه مشاغل محلی، امکان به دست آوردن مجدد فرصت شغلی پس از وقفه چندساله به دلیل انجام فعالیت‌های مادرانه، کم کردن اختلاط در محیط کار، حذف کشیک‌های غیرضروری در ساعات شب و ایجاد فرصت‌های جدید در عرصه‌های متناسب با روحیات زنانه، ضروری به نظر می‌رسد.

- نظام تحصیلی نامتناسب: امروزه کارشناسان به چندمشکل اساسی در نظام آموزشی پی برده‌اند:

۱. اختلاط در فضای آموزش عالی علاوه بر پیامدهای آموزشی، به افزایش اضطراب روانی و مخاطرات رفتاری می‌انجامد؛

۲. نادیده گرفته شدن ویژگی‌های جنسیتی زنان و مردان در روش آموزش، محتوا و حجم متون درسی، هم به کاهش کارآمدی دختران و پسران در عرصه‌های حیات خانوادگی و اجتماعی می‌انجامد و هم آنان را به عرصه‌های مشاغل غیر متناسب با ویژگی‌های زنانه و مردانه می‌کشاند.

۳. انعطاف‌ناپذیری سیستم آموزشی، مانع تشکیل خانواده در سنین تحصیل می‌شود و زمینه را برای بالا رفتن سن ازدواج فراهم می‌سازد.

اگر در کنار این نکته‌ها به تأثیر شگرف ازدواج در اوایل سنین جوانی در کنترل مخاطرات اجتماعی و جلوگیری از بزه‌کاری توجه کنیم و به یاد آوریم که به تازگی دولت روسیه، به منظور کاهش خطر بزه‌کاری و اعتیاد جوانان، سن ازدواج را از

۱۸ سالگی به ۱۴ سالگی کاهش داده است،^۱ بر ضرورت بازنگری در نظام تحصیلی و ارائه الگویی متناسب با انتظارات طبیعی و اجتماعی پای می‌فشاریم.

— **سنت‌های غلط و جاهلی:** برای جامعه‌ای که پیوند ۱۴۰۰ ساله با فرهنگ اسلامی دارد و خود را پیرو امامت و پیشرو جوامع اسلامی می‌شمارد، تأسف انگیز است سنت‌هایی که ریشه در جاهلیت قومی و تعصبات قبیله‌ای دارد، بر فرهنگ جامعه تحمیل شود. امروزه گناه بخشی از قتل‌های ناموسی، خودکشی زنان و فساد دختران، بر عهده نگرش‌هایی است که راه را برای بازگشت بزه‌دیدگان یا بزه‌کاران تائب به آغوش خانواده و جامعه بسته است.

بر اساس کدام منطبق جزایی اسلام دختران بزه‌کار پس از تحمل حدود شرعی باید گرفتار مجازات‌های سنگین طایفه‌ای شوند و طبق کدام روش تربیتی، دینی، دختر فراری آسیب‌دیده باید احساس کند که راه بازگشت به خانواده بر وی بسته است و باید تا پایان عمر به سیاه‌کاری ادامه دهد؟! آیا گناه تجاوز از حدود الهی از گناه تسامح در اجرای حدود کمتر است.

حذف سنت‌های غلط صرفاً در قالب طرحی کلان که متکی بر فرهنگ و قانونی باشد که با مساعدت قوای سه‌گانه و نهادهای مذهبی، همراه گردد.

زنان و بازخوانی آرمان‌های انقلاب اسلامی

نگرش کلی و اهداف کلان نظام اسلامی به زن و خانواده که در قانون اساسی و سخنان امام امت و رهبر معظم انقلاب اسلامی تجلی یافته، لزوم اصلاحات بنیادین به منظور حل مشکلات زنان را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر ساخته است. پایان دوره هشت‌ساله دولت قبلی، تدوین برنامه چهارم توسعه در این دولت و آغاز فعالیت مجلس هفتم فرصتی مناسب است تا از یک سو، سیاست‌ها و برنامه‌های قوه مجریه در

(۱) «ازدواج جوانان ۱۴ ساله روسی»، کیهان، ۸۱/۸۲، ص ۱۵.

زمینه حل مشکلات زنان و ارتقای وضعیت خانواده با توجه به قانون اساسی و سخنان رهبران نظام، بازخوانی و در سال پیامبر اعظم (ص) با کمک مسئولان دولتی ذی‌ربط تحلیل شود و از سوی دیگر، نمایندگان محترم مجلس با استفاده از ظرفیت‌های نهفته در قانون اساسی، طرح‌های اصلاحی لازم و ضروری تدوین کنند. مقدمه قانون اساسی به بیان گزاره‌های توصیفی در مورد زن و خانواده می‌پردازد. دیدگاه تدوین‌کنندگان قانون اساسی نسبت به زن و خانواده را از گزاره‌های زیر می‌توان دریافت:

- ارزش و کرامت والاتر زن به دلیل آن که علاوه بر هم‌رزمی با مردان در عرصه‌های فعال حیات، پرورش دهنده انسان‌های مکتبی نیز هست.
- لزوم تصحیح نگرش به زنان از شیء‌انگاری و یا ابزار کاربردن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار و بازیافت هویت واقعی زن.
- اولویت استیفای حقوق زنان به دلیل ستم‌پیشتری که از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند.

- خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون رشد و تعالی انسان است.

- تأکید بر وظیفه پرارج مادری و پرورش انسان‌های مکتبی.

اصل دهم و بیست‌ویکم قانون اساسی، وظایف اختصاصی حکومت را نسبت به زنان و خانواده بیان می‌کند:

- اصل دهم: از آن جا که خانواده، واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه مقررات و قوانین و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.
- اصل بیست‌ویکم: دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.
۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی.

بازبینی سخنان حکیمانه امام امت و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز نکته‌هایی به دست می‌دهد که برخی، تفسیری بر عبارت‌های قانون اساسی و برخی، تکمیل‌کننده آن است؛ این محورها عبارتند از:

- ضرورت احیاء و رشد گوهر انسانی و معنوی در زنان.
- تاکید بر لزوم دخالت زنان در مقدرات اساسی و سازندگی کشور.
- ترغیب زنان به انجام فعالیت‌های علمی، فرهنگی اجتماعی و سیاسی، و تشکیل گروه‌های فرهنگی.
- عرصه‌های علمی، مهم‌ترین زمینه فعالیت اجتماعی زنان.
- نقش ویژه زنان در تعلیم و تربیت.
- تاکید بر نقش مادری به عنوان مهم‌ترین مسئولیت زنان.
- اهمیت نقش زنان به عنوان همسر.
- ضرورت توجه ویژه به تشکیل خانواده و آسان‌سازی ازدواج.
- اصلاح روابط خانوادگی با توجه به تفاوت روحیات زن و مرد.
- ضرورت مقابله با اجحاف و خشونت نسبت به زنان به ویژه در محیط خانواده.
- دفاع از برابری زن و مرد در برخوردارهای حقوقی، و انتقاد شدید از تشابه حقوقی زن و مرد.
- لزوم حفظ عفاف و حجاب در جامعه و ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت اجتماعی زنان.
- ضرورت پرهیز زنان از حضور در عرصه‌های مردانه اشتغال.
- ترغیب زنان به ورزش در عین پرهیز از تبرج، خودنمایی و آمیختگی با مردان.

- لزوم پرهیز از به کارگیری الگوهای غربی در دفاع از زنان.^۱

امروز، پس از گذشت ربع قرن از تصویب قانون اساسی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، زنان فرهیخته فرصت را مغتنم شمرده‌اند، تا به بازخوانی اهداف و سیاست‌های نظام اسلامی پرداخته و آن را سنجه‌ای برای ارزیابی برنامه‌های توسعه، سیاست‌های تدوین شده و عملکرد بیست و هفت ساله حکومت قرار دهند و ضمن پاسداشت تلاش‌های خالصانه انجام شده، به ویژه در زمینه‌سازی برای سوادآموزی و رشد علمی زنان، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، تشکیل دادگاه خانواده، اعطای وام ازدواج، توجه نسبی به ورزش همگانی بانوان و موارد بسیار دیگر، به بررسی نقطه‌های ضعف و شناخت عوامل کاستی‌ها و عقب‌گردها پردازند و روش‌های موجود را تا حد توان اصلاح نمایند.

هم اکنون، دولت در اولین سال حیات ۴ ساله خود که به ابتکار مقام معظم رهبری سال پیامبر اعظم (ص) نامگذاری شده است، برنامه چهارم توسعه را به عنوان برآیند نگرش اصلاح‌طلبانه خود در معرض قضاوت قرار داده و سابقه هشت‌ساله فعالیت دولت قبل را چه در وزارتخانه‌ها و چه نهادهای خاص زنان، در پرونده دارد. ماده ۱۱۴ از برنامه ۱۶۶ ماده‌ای توسعه چهارم، به طور خاص به زنان پرداخته است: دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد:

الف - تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان، مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.

۱) ر.ک: نیان، دفتر هشتم جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، چاپ ششم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵؛ وامیر حسین بانکی پور فرد، آیینة زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری (دام عزه)، چاپ اول، کتاب طه، ۱۳۸۱.

ب - تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده، جهت تصویب در مراجع ذیصلاح.

ج - انجام اقدام‌های لازم، از جمله تهیه برنامه‌های پیش‌گیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان.

د - حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکلهای زنان.

تبصره - کلیه دستگاه‌های اجرایی، موظف‌اند اعتبار لازم را برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده که مرتبط با وظایف قانونی آنهاست در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت‌زنان به عمل آورند.

مطالبی درباره ماده ۱۱۴ از برنامه ۱۶۶ ماده‌ای توسعه چهارم:

۱. ماده ۱۱۴ صرفاً به مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آن‌ها در جامعه توجه کرده است. بنابراین، برنامه توسعه به تقویت شخصیت فردی زنان و بعد معنوی و تربیتی زندگی آنان (که در مقدمه و اصل بیست و یکم قانون اساسی به آن اشاره شده است) توجه نداشته و خانواده را نیز صرفاً ابزاری برای تقویت نقش اجتماعی زنان می‌داند.

۲. در توسعه مشارکت زنان به پاک‌سازی فضای اجتماعی، تقویت امنیت اجتماعی، گسترش فضای اجتماعی و گسترش فضای عفاف در جامعه، اشاره‌ای نشده است.

۳. برنامه تنظیم شده به قدری مجمل است که قرائت‌های گوناگون را برمی‌تابد، به گونه‌ای که به غیر از بند «ب» هیچ بخش دیگری از ماده ۱۱۴ نمایان‌گر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی یک جامعه دینی نیست. از این رو، به مباحثی چون ترغیب زنان به عرصه‌های فعالیت متناسب با ویژگی‌های زنان و کم کردن زمینه‌های اختلاط در محیط‌های کاری، توجه نشده است. افزون بر این، به توسعه برخورداری‌های زنان از

طریق انفاق سرپرست خانواده و زمینه‌سازی برای تحقق انفاق متناسب با شئون و شخصیت زن توجه نشده است.

۴. چنان که گفته شد، در بند «ب» تنها به تحکیم نهاد خانواده، آن هم به منظور توسعه نقش‌های اجتماعی، توجه شده است. بنابراین، دولت برای کاهش سن ازدواج و آسان‌سازی تشکیل خانواده، برنامه‌ای ارائه نکرده است.

۵. حمایت از ایجاد و تشکیل سازمان‌های غیردولتی زنان به قدری کلی و مبهم است که گروه‌های غیردینی فعال در کشور و هماهنگ با اهداف نظام سلطه جهانی نیز تحت‌الحمایه قرار خواهند گرفت.

۶. در مشارکت اجتماعی زنان، موضوع اشتغال، اصل قرار گرفته و از فعالیت‌های علمی و فرهنگی آنان غفلت شده است.

۷. اصولاً اشکال مشترک در اسناد بین‌المللی و برنامه‌های توسعه داخلی آن است که در بحث خانواده بیشتر به عبارت‌هایی، چون «توجه به بنیان خانواده» پرداخته می‌شود و آن گاه که نوبت به تنظیم شاخص‌های کمی رشد و توسعه می‌رسد اثری از تحکیم بنیان خانواده نیست، و بالاخره معلوم نمی‌شود که مثلاً سیاست مشخص برنامه چهارم توسعه در تحکیم بنیان خانواده چیست و چه تمهیدی را برای عدم تعارض فعالیت اجتماعی زنان با فعالیت خانوادگی آنان پی‌می‌گیرد و سن ازدواج دختران را طی یک برنامه پنج ساله به چه میزان کاهش یا افزایش می‌دهد و آمار طلاق را ثابت نگه می‌دارد یا کاهش خواهد داد؟ مقایسه بند «ب» از ماده ۱۱۴ با اصل دهم قانون اساسی نشان می‌دهد که برخلاف انتظار اولیه، برنامه توسعه که علی‌القاعده باید سیاست‌های راهبردی را برای تحقق قانون اساسی تبیین کند، کلی‌تر و مجمل‌تر از قانون اساسی است.

در مجموع به نظر می‌رسد، بخش مربوط به زنان در برنامه توسعه چهارم با نگاهی کارشناسانه و توجه به اهداف و سیاست‌های مطرح شده در قانون اساسی، اولویت‌های مطرح شده رهبران نظام و نیازهای اساسی جامعه تنظیم نشده است.

دولت و نهادهای دولتی نیز در سال جدید با ارائه کارنامه خود، فعالیت‌های انجام شده را با مسئولیت‌های قانونی در راستای تحقق قانون اساسی و فرامین رهبران نظام، مقایسه خواهند کرد و از جمله به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهند:

۱. در راستای تحقق اصل دهم قانون اساسی که حکومت را موظف می‌کند تا همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت آسان‌سازی تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی قرار دهد، دولت چه سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌هایی را در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و... پیش گرفته است؟ و آیا بالا رفتن سن ازدواج، سخت شدن امکان تشکیل خانواده، افزایش آمار طلاق و تنش در روابط خانوادگی، نسبتی با نظام برنامه‌ریزی موجود ندارد؟

۲. برنامه‌های دولت برای افزایش ضریب امنیت اجتماعی و اخلاقی زنان، و توسعه فرهنگ عفاف چه بوده است؟

۳. قانون اساسی، تحکیم روابط خانوادگی را برپایه حقوق و اخلاق به رسمیت می‌شناسد. برنامه‌های دولت برای اصلاح روابط اخلاقی در خانواده چه بوده است؟

۴. چه زمینه‌های برای احیای حقوق معنوی زن (مفاد بند ۱ از اصل بیست‌ویکم) به عمل آمده است؟

۵. چه برنامه‌هایی برای مقابله با مصرف‌زدگی زنان (که در مقدمه قانون اساسی به آن اشاره شده) تدارک دیده شده است؟

۶. برای تحقق اصل چهل و سوم قانون اساسی که به تامین امکانات لازم برای تشکیل خانواده اشاره می‌کند چه برنامه‌های اساسی تنظیم شده است؟

۷. برای تدوین الگویی هماهنگ به منظور ایجاد تناسب در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به گونه‌ای که دفاع از زنان در چهارچوب نظامی هماهنگ انجام پذیرد، چه اقدامی شده و چه شاخصه‌هایی برای رشد و توسعه زنان در نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده و اگر تنظیم شاخصه‌ها از وظایف نهادهای

بازخوانی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی و آرمان‌های انقلاب ۴۱

دیگر (غیر از دولت) است، اصولاً آیا دولت آن‌ها را به ضرورت این اقدام متوجه کرده است؟

۸. تعامل دولت با بنیادها و نهادهای بین‌المللی فعال در عرصه زنان چیست و فشارها و یا تعاملات بین‌المللی فعال در عرصه زنان چیست و فشارها و یا تعاملات بین‌المللی چه آثاری در توسعه یا تحریف اصلاحات داشته است؟

۹. حوزه‌های کارشناسی چگونه با مسائل زنان پیوند برقرار می‌کنند؟ آیا جامعه کارشناسی در زمان مناسب و به منظور اعلام نظر کارشناسی در جریان برنامه‌ریزی‌های مربوط به زن و خانواده قرار می‌گیرد، یا پس از تصویب قانون از طریق رسانه‌های گروهی با آنان ارتباط برقرار می‌شود؟

۱۰. ارتباط با نهادهای دینی و شخصیت‌های دین‌شناس به شکل نهادینه و به منظور اصلاح برنامه‌ها انجام می‌شود یا آن که صرفاً گزینشی است؟

۱۱. دولت و نهادهای دولتی که به طور خاص در موضوع زنان فعالیت می‌کنند، چه سیاست‌ها و اولویت‌هایی را در فعالیت‌های خود به ویژه در حمایت مالی از برنامه‌ها و پروژه‌هایی کارشناسی اعمال کرده‌اند؟

پاسخگویی به پرسش‌های یاد شده، ایجاد کننده فضای گفتمان مناسبی برای شناخت امکانات و مقدرات، شناخت شرایط منطقه‌ای و جهانی، بررسی ضعف و قوت سیاست‌ها و برنامه‌ها، و ایجاد نشاط در جامعه علمی کشور برای شرکت شریک‌ها در فرآیند اصلاحات است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان نوروزی سال‌های قبل خود به ضرورت پاسخگویی قوه قضاییه نیز تصریح کردند. نهاد قضایی کشور نیز در حوزه زنان موظف به پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. قوه قضاییه چه ارتباط سازمان‌یافته‌ای با جامعه کارشناسی کشور (آسیب شناسان اجتماعی، حقوق‌دانان، فقها و...) به منظور آسیب‌شناسی مستمر و اصلاح قوانین، به ویژه قانونی مدنی انجام داده است؟

۲. سیاست روشن قوه قضاییه در جهت‌گیری اصلاحات در حوزه زن و خانواده چیست؟

۳. برنامه‌مشخص قوه قضاییه در زمینه آیین دادرسی و تسهیل رسیدگی به مشکلات زنان، به ویژه دعاوی مخاطره‌انگیز خانوادگی چیست؟

۴. در دعاوی حقوقی چه روش‌هایی اتخاذ شده است که به حفظ کانون خانواده بیانجامد؟

۵. سیاست روشن قوه قضاییه در مورد اجرای حدود و برخورد با مزاحمان نوامیس و عوامل فحشا چیست؟

۶. نظارت دیوان عدالت اداری بر عملکرد نهادهای حکومتی در موضوعات مربوط به زنان و خانواده چگونه صورت گرفته است؟

پاسخ‌گویی آن گاه که با رعایت جوانب علمی و کارشناسی و با هدف دستیابی به افق‌های روشن، رفع موانع موجود، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر دنبال شود، طلبه‌های مبارک است که می‌تواند منشاء آثاری شگرف گردد و به همین دلیل نباید آن را به نهادهای حکومتی محدود نمود. مناسب است که تمام نهادها، به ویژه نهادهای دینی و غیرحکومتی، پاسخ‌گویی را از خود آغاز کنند و کارشناسان دلسوز را برای آسیب‌شناسی و رفع نواقص گذشته به استمداد طلبند.

زنان مجلس هفتم و بایسته‌ها

مجلس هفتم با نگاه امیدوارانه میلیون‌ها ایرانی و شعار خدمت‌رسانی آغاز شده است. تحقق این وعده تنها زمانی میسر است که نمایندگان ملت با نگاهی آسیب‌شناسانه به فعالیت مجالس گذشته، روش‌های قانون‌گذاری را ترسیم و اصلاح کنند. در یک نگاه، می‌توان آسیب‌های قانون‌گذاری پس از انقلاب را ضعف کارشناسی و فقدان رابطه نظام‌مند با جامعه علمی حوزه و دانشگاه، حقوق زدگی و کم‌توجهی به ضرورت هماهنگی اصلاحات حقوقی با اصلاحات فرهنگی و اجتماعی، جزیی‌نگری

و فقدان نگاه نظام‌مند، عدم تدوین منشور زنان و شاخص‌های رشد و توسعه زنان در نظام اسلامی و فقدان نظارت سامان‌مند دانست. این مشکلات اساسی، مجالس گذشته را با وجود اهتمام به حل مشکلات زنان، ناکارآمد می‌ساخت.

با این نگاه می‌توان مهم‌ترین اولویت مجلس هفتم را تشکیل شورای کارشناسی در حوزه زن و خانواده، مرکب از کارشناسان نخبه حوزه و دانشگاه دانست. وظیفه اصلی این شورا عبارت است از:

۱. تنظیم الگوی جامع شخصیت زن در نظام اسلامی: این الگو که برگرفته از آموزه‌های وحیانی، روش‌های عقلانی و تجربی و با توجه به ظرفیت‌ها و شرایط جامعه ایرانی تنظیم می‌گردد، برآیندی از الگوی حیات معنوی، روابط خانوادگی، مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

۲. تنظیم شاخصه‌های رشد زنان براساس الگوی جامع: این شاخصه‌ها کیفیت‌های موردنظر را قابل محاسبه و ارزش‌یابی خواهد نمود.

۳. تبیین و تحلیل وضعیت موجود و تعیین مهم‌ترین معضلات زنان.

۴. تنظیم پیش‌نویس سیاست‌های کلان و اصلاحات در حوزه زن و خانواده به منظور ارائه به مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۵. تدوین پیش‌نویس برنامه کلان اصلاحات در حوزه زن و خانواده: در این طرح به سهم اصلاحات قانونی، فرهنگی و اجتماعی توجه شده و نقش هریک از قوای سه‌گانه و نهادهای دولتی و غیردولتی را در پی‌گیری راه‌کارها به خوبی ترسیم می‌نماید. به عنوان مثال، در زمینه آسان‌سازی ازدواج، با شناسایی تمام موانع فرهنگی و اقتصادی تشکیل خانواده، و شناسایی استعداد تمامی نهادهای حکومتی و غیرحکومتی، طرحی تدوین گردد که با نگاه توسعه‌ای، اصلاحات اساسی را در راستای آسان‌سازی ازدواج پیش‌بینی نماید، از جمله:

- اصلاح نگرش‌ها و موانع فرهنگی با کمک کلیه نهادهای فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌ها، از جمله از طریق تبیین محاسن تشکیل خانواده در اوان جوانی، آموزش‌های

لازم به دختران و پسران به منظور آمادگی برای تشکیل خانواده و برقراری رابطه‌ای مبتنی بر احترام و حفظ حقوق متقابل، تبلیغ ساده‌زیستی، ترویج سنت‌های حسنه، از قبیل صلح‌رحم و مشارکت خویشاوندان در ازدواج جوانان.

- اصلاح قوانین کشوری، از جمله قوانین نظام وظیفه و قوانین استخدامی به منظور حمایت از سرپرست خانواده.

- توسعه فرصت‌های شغلی.

- تشکیل بانک یا بیمه ازدواج به منظور حمایت ویژه از ازدواج جوانان.

- اصلاح نظام تحصیلی به منظور امکان ازدواج در سنین اشتغال به تحصیل.

- پی‌گیری سیاست‌هایی که زمینه دست‌یابی به مسکن‌های ارزان قیمت یا

مسکن‌های استیجاری دولتی را فراهم آورد.

گرچه در نگاه اول، مجلس صرفاً متصدی امر قانون‌گذاری تلقی می‌شود، اما از یکسو جایگاه ویژه این نهاد در ارتباط با قوای دیگر، و از سوی دیگر، ضرورت هماهنگی در انجام اصلاحات در نظام اسلامی، مسئولیتی خطیر را متوجه نمایندگان می‌سازد.

در پایان توفیق نهادهای دولتی و غیردولتی را در پیگیری و پاسخگویی و موفقیت زنان فرهیخته و کارشناسان را در شناخت هرچه‌بهر مسائل زنان و حضور حکیمانه در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی خواستاریم.

مقام و جایگاه زن در نظام خلقت

اشتراکات و اختلافات تکوینی زن و مرد

ونقش‌های متفاوت و تکمیلی آنان

معصومه رضائی منش

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب

مقام و جایگاه زن در نظام خلقت

اهمیت انسان‌شناسی

بحث انسان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌شناسی در هر مکتب بر مبنای هستی‌شناسی آن مکتب شکل می‌گیرد. هستی‌شناسی به نوبه خود وابسته به جهان بینی است. در جهان‌بینی روشن می‌شود که در نظام هستی یک موجود واجب به نام خدا هست و مابقی از او هستند. به عبارت دیگر، نظام عالم در جهان بینی الهی ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد. پس هستی انسان به آفرینش حق وابسته است و معرفت او نیز با معرفی حق به دست می‌آید. همان‌گونه که انسان در اصل هستی به خداوند نیازمند است، در معرفت نفس هم چنین است. بهترین راه برای این که انسان خود را بشناسد، این است که ببیند خداوند که خالق اوست، او را چگونه معرفی کرده است.^۱

انسان‌شناسی قرآن کریم

قرآن کریم، زن و مرد را از یک گوهر وجودی می‌داند و به خلقت انسان اشاره

(۱) آیت الله جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۳-۲۳.

می‌کند و بالاترین مقامی را که برای انسان فرض می‌شود، خلیفه الهی است. در این خصوص یعنی مقام خلیفه الهی که مقام انسانیت است، بین زن و مرد تفاوتی نیست و هر دو می‌توانند به این مقام نایل شوند.

قرآن کریم مقامات علمی و عملی را ناظر بر مقام انسانیت می‌داند. هم زنان و هم مردان می‌توانند مشمول آیه "ای نفس مطمئن و آرام (به یاد خدا) امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خوشنود به نعمتهای ابدی او و او راضی از اعمال نیک توست" (سوره فجر آیه ۲۷-۲۸) باشند؛ همین طور هم زنان و هم مردان می‌توانند مصداق "اولئك کالا نعام بل هم اضل" (اعراف. ۱۷۹) (آنها مانند چهار پایانند، که بسی گمراه ترند) باشند. دستیابی به هر یک از این مراتب، بستگی دارد به این که زن یا مرد چگونه بیندیشند و عمل کنند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذکر أو انثی و هو مومن فلنحییه حیاة طیبه» (سوره نحل. ۹۷). هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا بجای آورد، ما او را در زندگانی خوش و با سعادت زنده می‌گردانیم. و یا در جای دیگر می‌فرماید: پس خدا دعاهایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم، عمل هیچ کس را از مرد و زن بی‌مزد نگذارم. (آل عمران. ۱۹۵)

تاکید دیگر بر جایگاه انسان‌شناختی زن در نگاه قرآن، دو مثالی است که قرآن کریم برای مردم خوب و بد ذکر می‌کند.

قرآن کریم نمونه مردم بد را با نقل داستان دو زن بد تبیین می‌کند و می‌فرماید: خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو بنده صالح ما بودند و به آنها نفاق و خیانت کردند و آن دو شخص با وجود مقام نبوت نتوانستند آنها را از قهر خدا برهانند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان در آتش افکنید. (تحریم ۱۰).

قرآن نمی‌فرماید "ضرب الله مثلا للنساء الکافرات" بلکه می‌فرماید: "ضرب الله، مثلا للذین کفروا" و نمونه مردم کافر را ذکر می‌کند. این للذین کفروا به معنای مردم تبهکار و بزهکار است و زن بد نمونه مردم بد است، نه نمونه زنان بد.

همچنین قرآن کریم دو نمونه خوب از زنان را نیز به عنوان الگو ذکر می‌کند: (تحریم ۱۱)، خدا برای مومنان، آسیه، زن فرعون را مثل آورد هنگامی که از شوهر کافرش بیزاری جست و عرض کرد بارالها من از قصر فرعون و عزت دنیوی او در گذشتم، تو خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش از قوم ستمکار نجات بخش.

قرآن در اینجا تعبیر نمی‌کند که همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه زن خوب الگویی برای جامعه اسلامی است.^۱

قرآن در مسائل ارزشی، زن و مرد را یکسان دانسته؛ چون انسانیت آن‌ها مورد نظر است؛ اگر می‌بینیم قرآن در جایی از مردان شایسته، مانند لقمان حکیم سخن می‌گوید، (لقمان ۱۲) در جایی دیگر از زنان شایسته، مانند همسر فرعون و حضرت مریم(س) نام می‌برد.^۲

انسان‌شناسی تورات

در دین یهود، زن به نسبت مرد، وجودی فرعی است. در تورات (تکوین ۲: ۲۳-۲۴) آمده است که پس از این که آدم نتوانست در میان موجودات زنده زوجی مناسب برای خود بیابد، خداوند او را به خواب فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و حوا را از آن آفرید. آدم بلافاصله دریافت که این موجود قسمتی از گوشت و استخوان اوست، لذا آن را زن (عبری: ISHAH) نامید، زیرا از مرد (عبری: ISH) گرفته شده است. بنابر تورات، این زن بود که به واسطه مار اغوا شد، تا از میوه ممنوعه، درخت معرفت خیر و شر بخورد و هم او بود که مقداری از آن میوه ممنوعه را به همسرش داد. خوردن میوه ممنوعه منجر به بلوغ عقلانی ایشان شد و برای زن درد زایمان و

۱) شهید مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.
۲) shabestan-ir.htm - شبستان.

انقیاد از شوهر و برای مرد کار سنگین را به دنبال داشت (تکوین ۳: ۲۰). در هگاده آمده است که زن از دنده سیزدهم طرف راست آدم آفریده شده است. محققانی که با روش تاریخی به بررسی مباحث دینی می‌پردازند، آفرینش زن از دنده مرد که در تورات آمده است را متأثر از اسطوره بهشت سومری، انکی، ونین هورسنگ می‌دانند. در (تکوین ۱: ۲۷) آمده است که آدم موجودی دوجنسی است که این هم ممکن است اشاره به این داشته باشد که زن و مرد در آن واحد از آدم آفریده شده‌اند.

عهد جدید (NEW TESTAMENT) از فریب خوردن آدم توسط حوا سخن می‌گوید (قرن‌تیا ۲، ۱۱، ۳) و بر تقدم رتبی آدم تاکید می‌ورزد، تا از این نظریه که زن باید مطیع باشد و کمال خود را در تولید مثل بیابد، حمایت کند.^۱ (تیمائوس ۱: ۱۱-۱۵؛ قرن‌تیا ۱، ۱۱: ۱۲۸).^۲

در سفر جامعه تورات آمده: من و دلم بسیار گشتیم (من با کمال توجه بسیار گشتم) تا بدانم از نظر حکمت و عقل جرثومه شر یعنی جهالت و حماقت و چون چیست، و کجاست؟ دیدم از مرگ بدتر و تلخ‌تر زن است که خودش دام و قلبش طناب دام است و دستهایش قید و زنجیر است، تا آنجا که می‌گوید من در میان هزار نفر مرد یک انسان پیدا می‌کنم، اما میان هزار نفر زن یک انسان پیدا نمی‌کنم.^۳

قرآن و خلقت انسان

آنچه حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، قلب و روح انسانی است. از دیدگاه قرآن، زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، ۱) ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و

۱) ویلیام گلن، هنری مورتن، کتاب مقدس عهد عتیق و جدید.

۲) [htm](#) تبیان جایگاه انسان شناسانه زن در ادیان الهی.

۳) [htm](#) پژوهش: موسسه گفتگوی ادیان- به نقل از ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ص ۱۴۰.

همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.^۱ بنابراین، مایه اصلی آفرینش زن و مرد یکی بوده، هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد. به بیان قرآن هر دو مکمل و نیازمند هم هستند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱) و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.^۱

منظور از نفس، گوهر و ذات و واقعیت عینی شیء است. پس مفاد آیه این است که همه انسانها از هر صنف، خواه زن یا مرد، از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبدا قابل آفرینش همه افراد یک چیز است. از این رو، اولین زن که همسر اولین مرد است، از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده است، نه از گوهر دیگر و فرع بر مرد و زاید بر او و طفیلی او در وجود نیست، بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات و اصلی آفریده است که همه مردها و زن‌ها را از همان اصل خلق کرد.^۲

استاد علامه شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

در کنار این مساله اسلام به اختلافات طبیعی زن و مرد توجه نموده است. زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی دو گونه انسانند، با دو گونه خصلت و دو گونه روان‌شناسی و این اختلاف ناشی از عوامل جغرافیایی یا تاریخی یا اجتماعی نیست، بلکه طرح آن در متن آفرینش ریخته شده است. طبیعت از این در گونگی‌ها هدف داشته است و هر گونه عملی برضد طبیعت و فطرت، عوارض نامطلوبی به بار می‌آورد.^۳ گرانبها بودن زن به این است که میان او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد؛ یعنی اسلام اجازه نمی‌دهد چیز کانون

(۱) shabestan-ir.htm - شبستان.

(۲) آیت الله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۳-۳۵.

(۳) مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۱-۲۳.

خانوادگی، یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد. هم ایشان در جای دیگر می‌گوید:

تاریخی که اسلام ترسیم می‌کند، تاریخی مذکر نیست که به دست جنس مذکر به طور مستقیم ساخته شده باشد و جنس مونث در آن هیچ نقشی نداشته باشد؛ بلکه تاریخی مذکر- مونث است. به این معنا که هم به دست مرد ساخته شده است و هم به دست زن، ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش. نه این که زن در مدار مرد قرار گیرد و مرد در مدار زن.

نکته مهم در بحث خلقت انسان، داستان آدم و حواست. در قرآن، خداوند می‌فرماید هر دو وسوسه شدند.

خداوند به هر دو فرمان می‌دهد به درخت نزدیک نشوید "لاتقربا هذه الشجرة". شیطان هر دو را وسوسه کرد. "فوسوس لهما الشيطان". آدم همان مقدار لغزش کرد که حوا، و حوا همان مقدار لغزش کرد که آدم. اسلام بیان داشت که در جریان عصیان انسان چنین نیست که شیطان زن را وسوسه می‌کند و زن مرد را و بنابر این زن یعنی عنصر گناه.^۱ بنابراین، برای اینکه انسان آینده ال و شایسته مقام رفیع خدادادش را در زمین داشته باشیم، باید واقعیت وجودی و جوهر ماهوی انسان را از دیدگاه خالقش در قرآن بدانیم. (۱۳) خداوند آفرینش یا خلقت وجودی انسان را در آیات مختلف قرآن چنین بیان فرموده است: «ما انسان را از گل خشکیده فراهم آمده از گل تیره شده گندیده‌ای بیافریدیم.» (الحجر / ۲۶).

- « ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریده‌ایم. سپس او را به صورت نطفه‌ای در آورده و در قرارگاه استواری جای می‌دهیم. سپس نطفه را به صورت لخته خونی، و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده‌ای، و این تکه گوشت جویده را بسان استخوان ضعیفی در می‌آوریم، و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم و از آن پس او را

(۱) شهید مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۲۴.

- آفرینش تازه‌ای بخشیده و پدیده دیگری خواهیم کرد. (المومنون / ۱۲-۱).
 - « انسان را از گل چسبیده ناچیزی آفریده‌ایم. » (الصافات / ۱۱).
 - « من انسان را از گل می آفرینم. » (ص / ۷۱).
 - « خداست که از آب انسان‌ها را آفریده است. » (الفرقان / ۵۴).
 - « شما را از خاک آفرید و سپس شما انسان‌ها پراکنده گشتید. » (الروم / ۲۰).
 - « خدا کسی است که شما را از خاک می آفریند، سپس به منی تبدیل می گرداند و بعد به زالو گونه‌ای تبدیل می نماید و آنگاه به شکل نوزادی بیرون‌تان می آورد. » (غافر / ۶۷).
 - « خداوند شما را از خاک بیافرید، سپس شما را از نطفه خلق کرد و آنگاه شما را به صورت زوجها در آورد. » (فاطر / ۱۱).
 - « خدا انسان را از گل خشکیده همچون سفال آفریده است. » (الرحمن / ۱۴).
 - « ما انسان را از نطفه آمیخته آفریده ایم. » (الانسان / ۲).
 - « او (انسان) از آب جهنده ناچیز آفریده شده است. آبی که از میان استخوان پشت و استخوانهای سینه بیرون می آید. » (الطارق / ۷).
 - « آیا منکر کسی شده‌ای که تو را از خاک ناچیز و سپس از نطفه بی ارزشی آفریده است، و بعد از آن تو را مرد کاملی کرده است. » (الکهف / ۳۷).
 - « خداوند هر جنبنده ای را از آب آفریده است. » (النور / ۴۵).
 - « آفرینش انسان عیان است. سپس خداوند ذره او را از عصاره آب ضعیف و ناچیز آفرید. آنگاه اندام‌های او را تکمیل و آراسته کرد و از روح خود در او دمید. » (السجده / ۷-۹).

از متن آیات فوق کاملاً روشن است که خلقت انسان به صورت زوج صورت گرفته که در کیفیت ساختار وجود انسان زن و انسان مرد، اندک‌ترین تفاوتی نسبت به برتری یکی بر دیگری مشاهده نمی‌شود. از بافت آفرینش و خلقت انسان چنین درک و فهمی بدست می‌آید که انسان خودش بعد از تولدش در نظام اجتماعی - سیاسی

جامعه عامل زشتی‌ها و زیبایی‌ها، بدی‌ها و خوبی‌ها، ویرانی‌ها و آبادانی‌ها، خداجویی‌ها و ضد خداطلبی‌ها، تمدن‌خواهی‌ها و ضد تمدن‌نگری‌ها و... می‌گردد، نه از سوی خدا و نه از طبیعت.

بنابراین ثابت است که خداوند جنس مذکر (نرینه) را حاکم و جنس مؤنث (مادینه) را محکوم خلق نکرده است، بلکه خلقت زن و مرد یکسان است. با منطق علمی امروزه هم، خلقت و آفرینش انسان زن و انسان مرد مساوی بوده و این نظام اجتماعی - سیاسی انسان در پرتو تکامل تاریخ بوده که خالق در نظام اجتماعی گردید، نه از جانب خداوند لایزال. لذا از همین جهت خدا ظالم نیست.^۱

هویت زن در ادیان الهی

هویت زن در آیین یهود

دین یهود، مبتنی بر نظامی حقوقی است. بعد از فروپاشی معبد دوم (۷۰ سال بعد از میلاد) توسط رومیان، شاهد عرفی شدن نظام حقوقی هستیم. اولین گام در این زمینه، تعطیل کردن اجرای احکام حدود مانند اعدام و قطع دست تا «ظهور منجی عالم بشریت» است. در اروپا فعالیت دادگاه‌های یهودی تا قرن ۱۸ برای تنفیذ قوانین یهودی (به جز قصاص و حدود) ادامه داشت. با طرح اندیشه‌های جدید در زمینه «خودمختاری نوع بشر» و تأکید بر حق قانون‌گذاری عام توسط انسان، شاهد محدودتر شدن حوزه فعالیت دادگاه‌های یهودی امور ازدواج، طلاق، ارث و وصیت هستیم. لذا طی فرآیند گفته شده شریعت یهودی به مرور زمان به قوانین عرفی تبدیل می‌شود. اگر چه علمای یهود در برابر عرفی شدن قوانین خانواده مقاومت کردند. از نظر ایشان، وجود قوانین سخت‌گیرانه فعلی ازدواج، ضامن استحکام خانواده است. همچنین ثواب تنها در چارچوب خانواده شرعی رخ می‌دهد، لذا ضرورت دارد از حریم خانواده دفاع

۱) به نقل از کتاب: دای فولادی، ایمان و آزادی، ص ۵۱-۵۳ و article.144.htm

شود. سهم دختر یهودی از میراث پدری، صرفاً "جهیزیه" است. اگر چه با اصلاح قانون، سهم ایشان به یک دوم سهم پسران افزایش یافت. دختر یهودی، مانند دختران مسلمان، حق درخواست طلاق (و طلاق غیابی) را ندارند. اگر چه با گسترش فرقه «رفورمیست‌ها» در امریکا شاهد دور زدن قوانین یهودی هستیم.

در بحث طلاق، پیشنهاد قرار دادن حق طلاق به عنوان شرط ضمن عقد در «گنگره جهانی زنان یهود» ارائه شد، اما این راه حل تنها زمانی عملیاتی است که مقاومت در برابر طلاق ابتدا برچیده شود. در آیین یهود مذهب از مادر به ارث می‌رسد. در تورات تشخص زیادی به زن داده شده است. خداوند در تورات می‌گوید: «ما تورات را به دست زنان سپرده‌ایم». در برداشت ارتدکس از آیین یهود، هویت زن در نهاد خانواده به صورت مادر، خواهر و همسر معنا می‌یابد.^۱

هویت زن در آیین زرتشت

۳۷۴۳ سال از ظهور آیین زرتشت می‌گذرد و زن کاملاً برابر با مردان است. اهورا مزدا شش ویژگی دارد که سه ویژگی (خرد مقدس، نظم و قانون، قدرت و توانایی) آن‌ها نشانه روح مذکر و سه ویژگی (عشق، کمال و رسایی، و جاودانه) دیگر به روح زنانه اختصاص دارد. نعمت‌های خدا به انسان دو چیز است: حق‌گزینش و خرد مقدس. زرتشت دو دختر داشت که دومین آن پورچیستا بود. زرتشت زمانی که جاماسب از پورچیستا خواستگاری کرد وی را در انتخاب همسر آزاد گذاشت و گفت: «بررسی کن آیا با توجه به خرد مقدس تو جاماسب مطلوب تو است». از نظر کریستین سن، راز موفقیت هخامنشی برابری زن و مرد بود.

در دین زرتشت قبل از مسیحیت شاهد تثلیث هستیم. تثلیث زرتشت حول

(۱) htm پژوهش: موسسه گفتگوی ادیان - از سخنان خانم مرجان یشابایی، مرجان یشابایی (نماینده انجمن کلیمیان) در مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید. نشست «هویت زن در ادیان» دوباره نقش و جایگاه زن در دین یهود، دوشنبه ۸۴/۷/۱۱

اهورامزدا، میترا (روح مردانه/ آفتاب و گرمی) و آناهیتا (روح زنانه / آب پاک و میرا، ایزد بانوی آب) شکل می‌گیرد. در آیین زرتشت زن و مرد با هم پیمان همسری می‌بندند تا فرزندان به دنیا بیاورند که به نیروی نیکی کمک کند و با نیروی بدی مبارزه کند تا زمینه «ظهور نجات بخش انسانیت» فراهم شود. در آیین زرتشت به جز در موارد خاص (زانیه یا نازا بودن زن) طلاق وجود نداشته اگر چه با تصویب قانون خانواده در سال ۱۳۴۸ طلاق قانونی شد. بعد از مرگ پدر، مادر ولی قهری فرزندان است. زن در آیین زرتشت در صورتی که جهیزیه به خانه شوهر نبرده باشد سهمی برابر با مرد در ارث دارد، اما در صورت ازدواج و دریافت جهیزیه، سهم ارث وی نسبت به پسر نصف می‌شود. در صورتی که شوهر ناتوان از اداره خانواده یا محجور باشد، زن می‌تواند ولی شوهر خود شود. در اوستا زن به «روشنی و فروغ خانه» تشبیه شده، مرد «صاحب، آقا و کدخدای خانه» است. همچنین زن و مرد لازم و ملزوم یکدیگر بوده «مکمل هم هستند»^۱.

هویت زن در آیین مسیحیت

هویت زن مسیحی را می‌توان با خواندن عهد عتیق و عهد جدید فهمید. تنها قانون موجود در عهد جدید عبارت است از توصیه به اینکه «یکدیگر را دوست بدارید». در عهد جدید، هویت زنان با آرزوی باکره بودن که بنیاد رهبانیت است، گره خورده است. عیسی آشکار کرد که «ثمره تنها قانون موجود در عهد جدید عبارت است از توصیه به اینکه «یکدیگر را دوست بدارید». در عهد جدید، هویت زنان با آرزوی باکره بودن که بنیاد رهبانیت است، گره خورده است. عیسی آشکار کرد که «ثمره بکارت، ایمان است». زن از مرد آفریده شده است و موافق و معاون مرد است. در

۱) htm . پژوهش: موسسه گفتگوی ادیان - از سخنان (خانم توران بهرامی) (نماینده انجمن زرتشتیان) در مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید. نشست «هویت زن در ادیان» درباره نقش و جایگاه زن در دین یهود، زرتشت، مسیحیت، دوشنبه ۸۴/۱۱/۷

مسیحیت رابطه زن با مرد برابر با رابطه مسیح با کلیسا است. مسیح می‌گوید: «ای زن‌ها از شوهرانتان اطاعت کنید، چنان‌که کلیسا مطیع مسیح است». انجیل خطاب به شوهران می‌گوید: «ای شوهران، همسران خود را آن‌قدر دوست بدارید که مسیح کلیسا را دوست دارد». مسیح به خاطر کلیسا کشته شد. شما نیز از همسرانتان مراقبت کنید. زن همانند بدن مرد است و مرد از آن باید حراست کند. ازدواج رابطه‌ای ناکستنی است و طلاق (جز با زنا) باعث نمی‌شود در صورت ازدواج دوباره مرد با زن جدید، زناکار باشد، همچنین هر زنی شوهرش را ترک کند، زناکار است. کاتولیک‌ها طلاق را مشروع نمی‌دانند، اما جدایی را می‌پذیرند. در مواردی همچون زناکاری و معلولیت، جدایی به مدت هفت سال صورت می‌گیرد. بعد از هفت سال اگر یکی از طرفین ازدواج فوت کند، طلاق جاری است. پولس رسول زنان را دعوت به حضور در اجتماع عبادی با حجاب و رعایت سکوت می‌کند و می‌گوید اگر سنوالی داشته باشند باید از شوهرانشان بپرسند، نه از کلیسا. زن نمی‌تواند تعمید دهد و کشیشی زن ممکن نیست. زنان نمی‌توانند به مردان چیزی (مطالب مذهبی) یاد دهند، زیرا باعث تسلط زنان بر مردان می‌شود.^۱

هویت زن در آیین اسلام

زرتشت، مسیح، یهود و اسلام به ترتیب دو، بیست و پنج، سی و پنج، و سیصد آیه دربارهٔ با زنان بیان کرده‌اند که نشانه رشد تدریجی بحث زنان در این متون است. آیات قرآنی مرتبط با زنان به چهار دسته تقسیم می‌شود:

- آیاتی که به جنبه تکوینی و شخصیت زن پرداخته‌اند.
- آیاتی که به توان زن برای کسب کمالات اشاره کرده‌اند.

(۱) htm پژوهش: موسسه گفتگوی ادیان - از سخنان ژانست صلیبی (عضوهیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی) در مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید. نشست «هویت زن در ادیان» درباره نقش و جایگاه زن در دین یهود، زرتشت، مسیحیت، دوشنبه ۸۴/۱۱/۷

- آیات مرتبط با مسائل خانواده.

- مشارکت اجتماعی زنان در بعد تکوینی.

زن در آفرینش، برابر با مرد است. خدا بشر را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را برابر می‌خواند. در الگوی تحلیلی قرآن، هر جا که می‌خواهد زن را به صورت خاص خطاب می‌کند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم «بشر» اشاره به زن و مرد بطور مشترک دارد.

در بعد دوم که اشاره به توانمندی‌های زنان دارد، شاهد مثال از زنانی همچون فرعون و مریم در کنار مردان هستیم. قرآن احساس مادر مریم هنگام زاده شدنش را روایت می‌کند؛ از این که با تولد دختری، وی نمی‌تواند نذر خود را که همانا خادم شدن کودک است، به جا آورد. اما قرآن در جمله‌ای معترضه می‌گوید «تو نمی‌دانستی و خدا می‌دانست. مرد، زن نمی‌شود». (این جمله حکایت از جایگاه زن در امری است که ظاهراً در انحصار مردان باید باشد). لذا می‌توان گفت راه برای سیر و سلوک زنان همانند مریم باز است.

در حوزه خانواده، زن و مرد مکمل یکدیگرند. مودت و رحمت امری طرفینی است. زنان و مردان به طور مشترک به احترام والدین دعوت شده و مشاوره زن و مرد در امور مشترک توصیه شده است.

حوزه چهارم، مشارکت اجتماعی است. قرآن به شرح حال ملکه سبا می‌پردازد که در یمن فعلی حکمرانی می‌کرد. همچنین از دختران شعیب یاد می‌کند که چوپانی می‌کردند اما در هر دو مورد نقدی بر اعمال آنها نمی‌زند. همچنین مفاهیم سیاسی و اجتماعی (همانند بیعت، هجرت، مباحله، کسب و کار اقتصادی، مالکیت بر درآمد و امر به معروف و نهی از منکر) به تصریح به صورت برابر مطرح شده است.^۱ مشاهده و تجربه این معنا را ثابت کرده که مرد و زن، دو فرد از یک نوع و از یک

(۱) سخنان حجت الاسلام مهریزی در مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید. نشست «هویت زن در ادیان» درباره نقش و جایگاه زن در دین یهود، زرتشت، مسیحیت، اسلام دوشنبه ۸۴/۱۱/۷

جوهرند، جوهری که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده شده، در صنف زن نیز مشاهده شده است، (اگر در مرد فضائلی از قبیل سخاوت، شجاعت، علم، خویشترداری و امثال آن دیده شده در صنف زن نیز دیده شده است) آن هم بدون هیچ تفاوت. بطور مسلم ظهور آثار نوع، دلیل بر تحقق خود نوع است، پس صنف زن نیز انسان است، بلکه این دو صنف در بعضی از آثار مشترکه (نه آثار مختصه از قبیل حامله شدن و امثال آن) از نظر شدت و ضعف اختلاف دارند ولی صرف شدت و ضعف در بعضی از صفات انسانیت، باعث آن نمی‌شود که بگوئیم نوعیت در صنف ضعیف باطل شده و او دیگر انسان نیست.

نظری به موقعیت زن در تاریخ

ددمنشی مردم جاهل تاریخ نسبت به جنس زن فوق العاده شگفت‌آور است. آنان که جدای از منطق حق و نور وحی می‌زیستند، زن را همچون ابزار و وسیله برای زندگی بوالهوسانه مرد می‌شناختند، و وی را عامل تهیه انواع لذت‌ها برای مرد می‌دانستند. خواندن و نوشتن را برای او خطرناک می‌دانستند، و از خانه بیرون رفتن را برای امور طبیعی زندگی و دید و بازدید ارحام مجاز نمی‌دانستند. مکان زندگی او را منحصر به چهار، دیوار خانه قلمداد می‌کردند، و وی را در مقابل مرد که موجودی فعال ما پنداشتند بی‌اختیار می‌دانستند، در مناطق مسیحی نشین که ۱۸۰ درجه از آئین الهی مسیحیت انحراف داشتند، می‌گفتند: زن را باید مانند دهان سگ دهن‌بند زد، و مرد بودند که روح زن آبا روح بشری یا روح حیوانی است!!

در آفریقا، زن حکم کالا و ثروت را داشت و برای او ارزشی بیش از گاو و گوسپند نمی‌دانستند، هر کس زن بیشتری در اختیار داشت ثروتمندتر شناخته می‌شد، خرید و فروش زن و بکار گرفتن وی برای شخم زمین امری معمولی و عادی بود.

در کلد و بابل، زنان را مانند سایر کالاها می‌فروختند، و هر سال بازاری برای این کار داشتند تا دختران به سن ازدواج خود را بفروشند.

در هندوستان، دختر را از سن پنج سالگی شوهر می‌دادند، و برای آن‌ها حقی قائل نبودند، حیات زن را طفیل مرد می‌دانستند، و چون شوهرش می‌مرد او را با شوهر می‌سوزاندند، و هیچ موجودی را پست‌تر از زن شوهر مرده نمی‌دانستند.

امروز همچنانکه در مطبوعات آمده است، بسیاری از هندوها از ترس فراهم نشدن جهیزه، دختران خود را در کودکی نابود می‌کنند!!

در چین و تبت، زنان جز در کار چهار دیوار خانه حقی نداشتند، و برای کاستن قدرت راه رفتن زن، پس از تولد او پایش را در قالب آهنی می‌بستند و پس از رسیدن به سن پانزده سالگی آن قالب را از پایش جدا می‌کردند!

در یونان، که مرکز علم و دانش و فلسفه و حکمت بود، زائیدن دختر به وسیله زن جرم بود و تا دو بار در دادگاه محاکمه و محکوم به پرداخت جریمه و بار سوم محکوم به اعدام می‌شد.

در عربستان، چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: زنده به گورکردن دختران امری عادی و ساده می‌نمود: «وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلْأَسَاءُ مَا يَحْكُمُونَ». (نحل ۵۸-۵۹)

چون یکی از آنان را به فرزندی که دختر بود مژده می‌آمد از شدت غم و اندوه رخسارش سیاه و سخت و ناراحت می‌شد و به خاطر این خبری که به خیال خودش زشت بود روی از قوم می‌گرداند و فرار را برقرار ترجیح می‌داد، و به فکر می‌افتاد که آن دختر را با خفت و خواری نگاه دارد، یا زنده به خاک گور اندازد، بدانید حکم آن بی‌خردان نسبت به دختر بد بود، و قضاوتشان زشت.

این مسائل گوشه‌ای از جنایاتی است که مردم بی‌خبر و بی‌خرد نسبت به جنس زن روا می‌داشتند، این مسائل در کتب مربوط به حیات زن به تفصیل ثبت است.

در قرآن مجید آمده است:

سَأْوَكُم حَرْتٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْتَكُمْ أَيُّ شَيْئِكُمْ وَ قَدُّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ

مُلاقوه وَ بَشَّرَ الْمُؤْمِنِينَ. با تعبیر لطیف و پرمعنای حرث «کشتزار»، می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند، که زن یک وسیله اطفاء شهوت نیست بلکه زمینه پاک و وسیله پاکیزه‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است.

امام ششم می‌فرماید: أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ. بیشترین خیر در زنان است. که منبع اکثر خیر را زن دانسته؛ آری، ازدواج با زن، حفظ نصف دین، و رعایت حقوق او عبادت، و محبت به او طاعت حق، و پیدا کردن فرزند صالح از او توشه آخرت، و خدمت به او موجب رضایت حق، و به تعبیر رسول خدا درباره زنانی که مادرند: «بهشت زیر پای مادران است»، و این آن اکثر خیری که امام صادق (علیه السلام) فرموده است.

از نگاهی دیگر، که یک دختر مسیحی مسلک، پس از اسارت در جنگ و آمدن به خانه حضرت هادی (علیه السلام)، و قرار گرفتن در سایه تربیت الهی به وسیله امام دهم و حضرت حکیمه خاتون دامن پاک و والایش آماده برای بوجود آمدن امام دوازدهم (ع)، گستراننده عدل جهانی شد.

اگر انسان با رعایت حقوق زن و احترام به شخصیت او، از او فرزند صالح و شایسته‌ای پیدا کند، عملش حتی پس از مرگ قطع نمی‌شود و از آثار پاکی و صالح بودن فرزندش بعد از مرگ بهره خواهد برد.

زن دارای چنین چشمه‌ای از کمالات و حقایق بالقوه است، که با تابش نور هدایت وحی و معلم خیر به فعلیت رسیده و منشأ آثار جاوید و منابع ابدی خواهد شد.

رسول باکرامت اسلام از سویی، محبت به زن را در عرض علاقه به بوی خوش و نماز قرار داده‌اند: حُبِّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءِ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ. ^۱ محبوب من از دنیا زن، بوی خوش، و نور چشم من در نماز است.

رسول خدا می‌فرماید: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ

۱) بحار ج ۱۰۳/ص ۲۳۰ - کافی ج ۵/ص ۳۲۰ - وسائل ج ۲/ص ۲۲ - روضة الواعظین ج ۲/ص ۳۷۵.

عَلِمَ يُتَّفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. چون انسان بمیرد، عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: از کار خیری که دوام دارد، از دانشی که دیگران از او سود ببرند، از فرزند شایسته‌ای که برای وی دعا کند. پس پدران و مادران قدر دختر را بدانید، و مردان از همسران پاک و شایسته خود قدردانی نمائید، که دختر داری و زن داری منبع خیری برای دنیا و آخرت انسان است.^۱

تغییر وضعیت زن در ادیان توحیدی:

در تمدن‌های کشورهای از قبیل یونان، مصر، روم، ایران و امثالهم خوب به مشاهده رسید که با تأثیر پذیری از ادیان توحیدی، وضع زن اندکی بهبود یافت و تدریجاً زن به حیث «شریک» زندگی مرد به حساب آمد. ولی با آنهم مردان، شخصیت حقوقی زنان را سرود می‌شمردند و زنان تابع بی‌چون و چرای مردسالاران بودند. این تحول تابع حرکت زمان، شکوفایی زیربنای امور مادی، هنری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی از یکسو، فرسوده شدن نظام بردگی از جانب دیگر و با نقش و نفوذ ادیان توحیدی در جوامع بشری آن زمان بود که تغییر اندکی در وضعیت زنان ایجاد کرد، تا اینکه زن «شریک» زندگی مرد شناخته شد که در آن عصر باز هم خیلی غنیمت بود.^۲

تفاوت زن و مرد، چرا؟

از نظر قرآن، تفاوت بین زن و مرد روشن و مشخص است، و با حقایق علمی و تجربی مطابق است. اما این تفاوتها به هیچ وجه به معنی اینکه مرد یا زن جنس برتر است و یکی پایین‌تر و پست‌تر و ناقص‌تر مربوط نیست. قانون خلقت از این تفاوتها منظور دیگری داشته است. قانون خلقت این تفاوتها را برای این به وجود آورده که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر کند و

(۱) [htm](#). نظام خانواده در اسلام.

(۲) [article.144.htm](#) مقاله انجینیر غ. سخی ازنگانی (آلمان).

شالوده وحدت آنها را بهتر پی‌ریزی کند. قانون خلقت این تفاوتها را به این منظور ایجاد کرده است که حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کند. قانون خلقت تفاوت‌های زن و مرد را شبیه اختلافات میان اعضای یک بدن ایجاد کرده است. اگر هر یک از چشم و گوش و پا و دست و ستون فقرات را در وضع مخصوصی قرار داده است، نه از آن جهت است که با دو چشم به آنها نگاه می‌کرده و نظر تبعیض داشته و به یکی نسبت به دیگری جفا روا داشته است.^۱

نظریه افلاطون

در کتاب جمهوریت افلاطون با کمال صراحت مدعی است که زنان و مردان دارای استعداد‌های مشابهی هستند و زنان می‌توانند همان وظایفی را عهده‌دار شوند که مردان عهده‌دار می‌شوند و از همان حقوقی بهره‌مند گردند که مردان بهره‌مند می‌گردند. دو نکته در گفته افلاطون هست: یکی اینکه اعتراف می‌کند که زنان از مردان چه در نیروهای جسمی، چه در نیروهای روحی و دماغی ناتوان‌ترند؛ یعنی تفاوت زن و مرد را از نظر «کمی» اعتراف دارد، هر چند مخالف تفاوت کیفی آنها از لحاظ استعدادهاست. افلاطون معتقد است استعدادهایی که در مردان و زنان وجود دارد مثل یکدیگر است؛ چیزی که هست زنان در هر رشته‌ای از رشته‌ها از مردان ناتوان‌ترند و این سبب نمی‌شود که هر یک از زن و مرد به کار دیگری اختصاص داشته باشند. افلاطون به همین جهت که زن را از مرد ضعیفتر می‌داند، خدا را شکر می‌کند که مرد آفریده شده نه زن. می‌گوید: «خدا را شکر می‌کنم که یونانی زاییده شدم نه غیر یونانی، آزاد به دنیا آمدم نه برده، مرد آفریده شدم نه زن».

افلاطون و ارسطو، رو در روی یکدیگر

بعد از افلاطون، شاگرد وی ارسطو در کتاب سیاست، عقاید خویش را درباره

(۱) shabestan-ir.htm - شبستان تفاوتها.

تفاوت زن و مرد اظهار داشته و با عقاید استاد خود افلاطون سخت مخالفت کرده است.

ارسطو معتقد است که تفاوت زن و مرد تنها از جنبه «کمی» نیست، از جنبه کیفی نیز متفاوتند. اومی گوید: نوع استعدادهای زن و مرد متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آنها گذاشته و حقوقی که برای آنها خواسته، در قسمت‌های زیادی با هم تفاوت دارد. به عقیده ارسطو فضایل اخلاقی زن و مرد نیز در بسیاری از قسمت‌ها متفاوت است: یک خلق و خوی می‌تواند برای مرد فضیلت شمرده شود و برای زن فضیلت نباشد. بر عکس، یک خلق و خوی دیگر ممکن است برای زن فضیلت باشد و برای مرد فضیلت شمرده نشود.

نظریات ارسطو نظریات افلاطون را نسخ کرد و دانشمندانی که بعدها آمدند، نظریات ارسطو را بر نظریات افلاطون ترجیح دادند.

دنیای امروز و زن و مرد

دنیای جدید تنها به حدس و تخمین متوسل نمی‌شود؛ سر و کارش با مشاهده و آزمایش است، آمار و ارقام و مطالعات عینی است. در دنیای جدید در پرتو مطالعات عمیق پزشکی، روانی و اجتماعی تفاوت‌های بیشتر و فراوان‌تری میان زن و مرد کشف شده است که در دنیای قدیم به هیچ وجه به آن‌ها پی نبرده بودند.

در دنیای قدیم، زن و مرد را که ارزیابی می‌کردند، تنها از این جهت بود که یکی درشت اندام‌تر است و دیگری کوچک‌تر، یکی خشن‌تر است و دیگری ظریف‌تر، یکی بلندتر است و دیگری کوتاه‌تر، یکی کلفت آوازتر است و دیگری نازک آوازتر، یکی پرپشم و مودارتر است و دیگری صافتر. حداکثر که از این حد تجاوز می‌کردند، این بود که تفاوت آن‌ها را از لحاظ دوره بلوغ در نظر می‌گرفتند و یا تفاوت آن‌ها را از لحاظ عقل و احساسات به حساب می‌آوردند؛ مرد را مظهر عقل و زن را مظهر مهر و عاطفه می‌خواندند.

اما امروز علاوه بر اینها قسمت‌های زیاد دیگری کشف شده است؛ معلوم شده است دنیای زن و مرد در بسیاری از قسمت‌ها با هم متفاوت است.

مجموع تفاوت‌های زن و مرد

۱- تفاوت‌های جسمانی

مرد به طور متوسط درشت اندام‌تر است و زن کوچک اندام‌تر. مرد بلندقدتر است و زن کوتاه‌قدتر. مرد خشن‌تر است و زن ظریف‌تر. صدای مرد کلفت‌تر و خشن‌تر است و صدای زن نازک‌تر و لطیف‌تر. رشد بدنی زن سریعتر است و رشد بدنی مرد ببطی‌تر. حتی گفته می‌شود جنین دختر از جنین پسر سریعتر رشد می‌کند. رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است. مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماریها از مقاومت مرد بیشتر است. زن زودتر از مرد به مرحله بلوغ می‌رسد و زودتر از مرد هم از نظر تولید مثل از کار می‌افتد. دختر زودتر از پسر به سخن می‌آید. مغز متوسط مرد از مغز متوسط زن بزرگتر است ولی با در نظر گرفتن نسبت مغز به مجموع بدن، مغز زن از مغز مرد بزرگتر است. ریه مرد قادر به تنفس هوای بیشتری از ریه زن است. ضربان قلب زن از ضربان قلب مرد سریعتر است.^۱

۲- تفاوت‌های روحی روانی

خداوند، زن را با عاطفه‌تر و مرد را عقلانی‌تر خلق کرده و هر دو در کنار یکدیگر مکمل هم هستند؛^۲ احساسات زن از مرد جوشانتر است. زن از مرد سریع‌الهیجان‌تر است، یعنی زن در مورد اموری که مورد علاقه یا ترسش هست زودتر و سریعتر تحت تاثیر احساسات خویش قرار می‌گیرد، و مرد سرد مزاج‌تر از زن است. زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش و مدهای مختلف علاقه زیاد دارد

(۱) htm تفاوتها و shabestan-ir.htm- شبستان.

(۲) htm. مقام انسانی زن از نظر قرآن.

برخلاف مرد. احساسات زن بی‌ثبات‌تر از مرد است. زن از مرد محتاط‌تر، مذهبی‌تر، پرحرف‌تر و ترسوتر و تشریفاتی‌تر است. احساسات زن مادرانه است و این احساسات از دوران کودکی در او نمودار است. علاقه زن به خانواده و توجه ناآگاهانه او به اهمیت کانون خانوادگی بیش از مرد است.

زن در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد نمی‌رسد ولی در ادبیات، نقاشی و سایر مسائل - که با ذوق و احساسات مربوط است - دست کمی از مرد ندارد. مرد از زن بیشتر قدرت کتمان راز دارد و اسرار ناراحت کننده را در درون خود حفظ می‌کند و به همین دلیل ابتلای مردان به بیماری ناشی از کتمان راز بیش از زنان است. زن از مرد رقیق‌القلب‌تر است و فوراً به گریه و احیانا به غش متوسل می‌شود.^۱

۳- از نظر احساسات [نسبت] به یکدیگر

مرد بنده شهوت خویشتن است و زن در بند محبت مرد است. مرد زنی را دوست می‌دارد که او را پسندیده و انتخاب کرده باشد و زن مردی را دوست می‌دارد که ارزش او را درک کرده باشد و دوستی خود را قبلاً اعلام کرده باشد. مرد می‌خواهد شخص زن را تصاحب کند و در اختیار بگیرد و زن می‌خواهد دل مرد را مسخر کند و از راه دل او بر او مسلط شود. مرد می‌خواهد از بالای سر زن بر او مسلط شود و زن می‌خواهد از درون قلب مرد بر مرد نفوذ کند. مرد می‌خواهد زن را بگیرد، زن می‌خواهد او را بگیرند. زن از مرد شجاعت و دلیری می‌خواهد و مرد از زن زیبایی و دلبری. زن حمایت مرد را گرانبهارترین چیزها برای خود می‌شمارد. زن بیش از مرد قادر است بر شهوت خود مسلط شود. شهوت مرد ابتدایی و تهاجمی است و شهوت زن انفعالی و تحریکی.

با وجودی که هر دو از یک گوشت به وجود آمده‌اند، جسم‌های متفاوت دارند و از نظر ترکیب به کلی با هم فرق می‌کنند. علاوه بر این، احساس این دو موجود هیچ

۱- [htm](#) . تفاوت‌های زن و مرد و مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام.

وقت مثل هم نخواهند بود و هیچ گاه یک جور در مقابل حوادث و اتفاقات عکس العمل نشان نمی دهند. زن و مرد بنا به مقتضیات جنسی رسمی خود به طور متفاوت عمل می کنند و درست مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می کنند. آنها می توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند ولی هیچ گاه یکی نمی شوند و به همین دلیل است که زن و مرد می توانند با هم زندگی کنند، عاشق یکدیگر بشوند و از صفات و اخلاق یکدیگر خسته و ناراحت نشوند.

شاهکار خلقت در نیمه دیگر بشر - راز تفاوتها

هرچند تفاوت های زن و مرد موجب تفاوت هایی در حقوق و مسؤولیت های خانوادگی زن و مرد می شود، اما در یک نگاه خردمندانه باید گفت یکی از عجیب ترین شاهکارهای خلقت است؛ درس توحید و خداشناسی است، آیت و نشانه ای است از نظام حکیمانه و مدبرانه جهان، نمونه بارزی است از اینکه جریان خلقت تصادفی نیست، و دلیل روشنی است از اینکه بدون دخالت دادن اصل «علت غایی» نمی توان پدیده های جهان را تفسیر کرد.

دستگاه عظیم خلقت برای اینکه به هدف خود برسد و نوع را حفظ کند، جهاز عظیم تولید نسل را به وجود آورده است؛ دائما از کارخانه خود، هم جنس نر به وجود می آورد و هم جنس ماده، و در آنجا که بقا و دوام نسل احتیاج به همکاری و تعاون دارد دو جنس (مخصوصا در نوع انسان) برای اینکه این دو را به کمک یکدیگر در این کار وادارد، طرح وحدت و اتحاد آنها را ریخته است؛ کاری کرده است که خودخواهی و منفعت طلبی - که لازمه هر ذی حیاتی است - تبدیل به خدمت و تعاون و گذشت و ایثار گردد، آنها را طالب همزیستی با یکدیگر قرار داده است؛ و برای اینکه طرح کاملا عملی شود و جسم و جان آنها را بهتر به هم بیوندد، تفاوت های عجیب جسمی و روحی در میان آنها قرار داده است و همین تفاوتهاست که آنها را بیشتر به یکدیگر جذب می کند، عاشق و خواهان یکدیگر قرار می دهد.

اگر زن دارای جسم و جان و خلق و خوی مردانه بود محال بود که بتواند مرد را به خدمت خود وادارد و مرد را شیفته وصال خود نماید، و اگر مرد همان صفات جسمی و روانی زن را می‌داشت ممکن نبود زن او را قهرمان زندگی خود حساب کند و عالیترین هنر خود را صید و شکار و تسخیر قلب او به حساب آورد. مرد، جهانگیر و زن مردگیر آفریده شده است.

قانون خلقت، زن و مرد را طالب و علاقه‌مند به یکدیگر قرار داده است، اما نه از نوع علاقه‌ای که به اشیاء دارند. علاقه‌ای که انسان به اشیاء دارد از خودخواهی او ناشی می‌شود؛ یعنی انسان اشیاء را برای خود می‌خواهد، به چشم ابزار به آنها نگاه می‌کند، می‌خواهد آنها را فدای خود و آسایش خود کند. علاقه زوجیت به این شکل است که هر یک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می‌خواهد، از گذشت و فداکاری درباره دیگری لذت می‌برد.

مقام انسانی زن از دیدگاه قرآن:

خداوند در مورد اعمال مکلفین، یکسان برخورد می‌کند: «إِنِّي لَا أُنَبِّئُكُمْ بِشَيْءٍ عَمَلٍ وَعَمَلٍ مِّنْكُمْ مَّن ذَكَرَ أَوْ أَنْتَى بَغْضُكُمْ مِّنْ بَغْضٍ...» (آل عمران، ۱۹۵) من عمل هیچ عمل کننده از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما ممنوعید و از جنس یکدیگر... نزد خداوند، عمل صالح ملاک است؛ از هر کس که باشد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنُخْرِتَنَّهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنان را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» بنابراین، این جا باید میان مسائل حقوقی و ارزشی فرق گذاشت.

قرآن در مسائل ارزشی، زن و مرد را یکسان دانسته؛ چون انسانیت آنها مورد نظر

است؛ اگر می‌بینیم قرآن در جایی از مردان شایسته، مانند لقمان حکیم سخن می‌گوید، (لقمان، ۱۲) در جایی دیگر از زنان شایسته، مانند همسر فرعون و حضرت مریم (ع) نام می‌برد؛ (تحریم، ۱۱؛ آل عمران، ۴۳ و...).

قرآن هم چنان که همه حقایق را بیان کرده، از مقام والای زن نیز دفاع نموده و حقیقت وجودی شخصیت او را معرفی کرده است.

اما در مسائل حقوقی، چون تفاوت‌هایی میان زن و مرد وجود دارد و یکسان نیستند، به طور طبیعی حقوق این دو نمی‌تواند یکسان باشد؛ ممکن است حقوقی مربوط به زن‌ها باشد و مردان از آن بی بهره باشند و بالعکس.

در برخی از جوامع، حقوق زنان، پایمال شده است؛ مثل برخوردی که در دوران جاهلیت با دختران داشتند و آن‌ها را زنده به گور می‌کردند. قرآن از زنان حمایت جدی کرده، می‌فرماید:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَرَّى مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكُنُ عَلَىٰ هُنَّ أَمْ يَكْتُمُهُ فِي الثَّرَابِ إِلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل، ۵۸ و ۵۹) در حالی که هرگاه به یکی از آنان بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد؛ (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکم می‌کند.»

قرآن با توجه به اختلاف تکوینی زن و مرد - جز در موارد مخصوص که فرق گذاردن بین این دو جنس، لازمه وجود و ذات آنان است - تمام حقوقی که برای مردان قرار داده، برای زنان نیز مقرر کرده است و در مواردی که برای یکی از این دو

جنس، حقوق بیشتری قرار داده، وظایف بیشتری نیز بر عهده او نهاده است.^۱
 قرآن در زمینه تساوی حقوق می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى
 بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ...» (نساء، ۳۲) آرزو مکنید
 چیزهایی را که خداوند برخی را بر برخی دیگر به آن فزونی داده است، مردان را از آن
 چه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و زنان را از آن چه کسب کرده‌اند بهره‌ای. اینک به
 بخشی از حقوق زنان در اسلام اشاره می‌کنیم:

۱- حقوق اجتماعی: از جمله حقوق اجتماعی، حقوق خانواده است؛ مثل: حق
 انتخاب همسر، مسکن، مهر، نفقه، حضانت اطفال تا سنین معین، حق دریافت اجرت
 برای کارهای خانه و...

۲. حق مالکیت استقلالی در کنار مردان: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ
 وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء، ۷)
 برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی
 است و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی، خواه آن
 مال کم باشد یا فراوان؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. مگر در مورد نذر که
 حکم ویژه‌ای در فقه اسلامی دارد.

۳. از نظر قرآن، حضور زن در اجتماع و بیرون از خانه در صورتی که موجب
 اختلال در روابط خانوادگی و عفاف او نشود و شوهرش او را منع نکند، جایز است؛
 چنان که دختران حضرت شعیب (۱) چنین بودند. (قصص، ۲۳ - ۲۸).

(۱) - ن- ک: زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، مبحث زن در قرآن / شخصیت زن از
 دیدگاه قرآن، ص ۲۳ - ۲۲، هادی دوست محمدی / حقوق مسلمانی زوجین در شخصیت زن از
 دیدگاه قرآن، ص ۲۳ - ۳۲، هادی دوست محمدی / حقوق مسلمانی زوجین در زمان زناشویی دائم
 از نظر قرآن، دکتر محمدباقر محقق، نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری (ره) / حقوق خانواده،
 لنگرودی و...

۴- معاف شدن از برخی کارهای سخت و دشوار، هم چون: شرکت در جهاد و قضاوت و... - مگر در موارد خاص با توجه به لطافت روحی و جسمی زن که مقتضای آفرینش حکیمانه اوست، زن نیز هم چون مرد در برابر حقوقی که دارد، وظایفی نیز برعهده دارد که باید به آنها عمل کند و در قرآن به بسیاری از آنها اشاره شده است. که بحث از حقوق زنان از دیدگاه اسلام و قرآن خارج از موضوع منتخب می‌باشد.^۱

جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

امام خمینی به مناسبت‌های مختلف در بیانات‌شان جایگاه و منزلت حقیقی زنان را از دیدگاه اسلام بیان داشته‌اند. در دیدگاه امام - قدس سره - زن دارای مرتبه و منزلتی است که هیچ مکتب و مرام فمینیستی - که زن را تا سطح یک ملعبه و یا ابزار کار نزول داده است - یارای دسترسی به آن را ندارد. ایشان با بیان منزلت حضرت فاطمه (س) در باره جایگاه زن می‌فرماید:

روز زن... روز بزرگی است، یک زن در دنیا آمد که مقابل همه مردان است. یک زن به دنیا آمد که نمونه انسان است، یک زن به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه‌گر است. روز مبارک زن؛ روز شرافتمند عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های والای خلیفه الله در جهان است. روز پرافتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است.^۲ از خداوند تعالی مسالت دارم که همه

(۱) ن- ک: زن در آینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی، مبحث زن در قرآن / شخصیت زن از دیدگاه قرآن، ص ۲۳ - ۳۲. هادی دوست محمدی، حقوق مدنی زوجین در شخصیت زن از دیدگاه قرآن، ص ۲۳ - ۳۲. هادی دوست محمدی / حقوق مدنی زوجین در زمان زناشویی دانم از نظر قرآن، دکتر محمدباقر محقق / نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری (رحمه الله) / حقوق خانواده، لنگرودی و...

(۲) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

زن‌های محترمه را در راهی که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است، همان راه را بروند و به مقاصد عالیّه اسلامی برسند. برای زن‌ها کمال افتخار است که روز تولد حضرت صدیقه(س) را روز زن قرار داده‌اند، افتخار است و مسؤولیت.^۱

از کرامت وجودی زن در مکتب امام خمینی(ره)، بسیار گفته شده و در اوج والایی قرار دارد، ایشان در این باره می‌فرمایند: اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آنقدری که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده است، شما می‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده. در زمانی که پیغمبر اسلام(ص) آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند اسلام زن‌ها را قدرت داده است. (۵۱۳۲)

امام همچنین به اغراض سوء دیدگاه‌های فمینیستی و انتظاری که از زن دارند، توجه داشته و همواره برجایگاه آنان و تاثیری که در جوامع دارند تأکید می‌ورزیدند. — اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.^۲

اسلام برای شما آنقدر احترام قایل است که برای مردها نیست، اسلام شما را می‌خواهد نجات بدهد، اسلام می‌خواهد از این که اینها می‌خواهند شما را ملعبه قرار بدهند نجات بدهد، اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند. زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ، زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است.

سعادت و شفارت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش

(۱) شرح چهل حدیث، ص ۱۲۶.

(۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴۳.

(۳) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

(۴) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۹.

(۵) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

(۶) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.^۱

- زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. (۴۲) زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز، اگر زن‌های انسان‌ساز، از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد.^۲

آزادی و تساوی زن و مرد از دیدگاه امام(ره)

در منظر امام - قدس سره - اسلام زنان را سربلند و شایسته می‌خواهد و آنچه دین‌گريزان برای زن قایلند، چیزی جز تباهی و ملعبه شدن نیست، ایشان می‌فرمایند: مقام زن مقام والاست، عالیرتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند.^۳ ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد.^۴

اسلام زن را مثل مرد در همه شؤون می‌داند، همان‌طوری که مرد در همه شؤون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد، همان‌طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زن‌ها نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشوند، زن‌ها نباید مقام خودشان را منحل کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم

(۱) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۹.

(۲) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

(۳) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

(۴) - بیانات مقام رهبری از سایت خیرگزاری زنان ایران- در پرتو رهبری به مناسبت تولد حضرت زهرا(س) www.balagh.net کلام و اعتقادات اسلامی.

(۵) - بیانات مقام رهبری از سایت خیرگزاری زنان ایران- در پرتو رهبری به مناسبت تولد حضرت زهرا(س) www.balagh.net کلام و اعتقادات اسلامی.

فاسد قرار بگیرند. زن‌ها باید انسان باشند، زن‌ها باید تقوا داشته باشند، زن‌ها مقام کرامت دارند، زن‌ها اختیار دارند، همان‌طوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است.^۱ اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد، اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره‌العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آن‌ها را سربلند و سرافراز کرد، اسلام آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد.

نقش زن در بیانات مقام رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است.

خدا زن را این‌گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هرچا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هرچا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی

(۱) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطوفت و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است.

اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات».

البته نقش زن به عنوان همسر هم، داستان بسیار طولانی دیگری است. دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم‌آمیز بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند، هم زن را تضعیف می‌کند، هم خانواده را نابود می‌کند، هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می‌کند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه‌روز هم دارد بیشتر می‌شود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می‌شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمی‌شود؛ اینها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان می‌دهد؛ و نشانه‌های این بحران‌های اخلاقی در غرب الان دارد بروز می‌کند.

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم

منع کند. فاطمه‌ی زهرا (س) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شوون مختلف. زینب کبری (ع) نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند.

زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه‌ی آرامش زندگی پُرچالش و پُر تلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. ارزش فاطمه‌ی زهرا (س) به عبودیت و بندگی خداست.

منابع:

- ۱- آیت الله جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، تهران، نشر فرهنگی رجاء.
- ۲- آیت الله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، تهران، رجاء، ۱۳۷۱.
- ۳- حضرت امام خمینی (ره)، صحیفه نور، دفتر نشر آثار حضرت امام (ره).
- ۴- حضرت امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، دفتر نشر آثار حضرت امام (ره).
- ۵- هادی دوست محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۶- ناهید اعظم رام پناهی، نقش تربیتی زنان، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.
- ۷- علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، برادران اسماعیلیان.
- ۸- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا.
- ۹- شهید مرتضی مطهری، حماسه حسینی، قم، صدرا.
- ۱۰- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۱۱- ویلیام گلن، هنری مرتن، کتاب مقدس عهد عتیق و جدید، ترجمه همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹.
- ۱۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، قم، موسسه آل البیت (ع).
- ۱۳- محمدبن حسن فنال نیشابوری، روضه الواعظین، قم، نشر رضی.
- ۱۴- shabestan-ir.htm - شبستان.
- ۱۵- htm تبیان جایگاه انسان شناسانه زن در ادیان الهی.
- ۱۶- htm پژوهش: موسسه گفتگوی ادیان .
- ۱۷- article.144.htm « مقاله انجینیرغ سخی ازنگانی (آلمان).
- ۱۸- htm « مقام زن در اسلام و آیین های دیگر.
- ۱۹- htm . نظام خانواده در اسلام.

۲۰. htm تفاوتها.

۲۱. htm مقام انسانی زن از نظر قرآن.

۲۲. htm تفاوتها ی زن و مرد.

۲۳ - www.balagh.net کلام و اعتقادات اسلامی.

حقوق زنان معلول جسمی و ذهنی

نسرین جعفری کادیجانی

کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی

حقوق زنان معلول جسمی و ذهنی

جایگاه زن در اسلام

هر موجودی در جهان هستی جایگاه خاصی دارد که معلول مرتبه وجودی و ویژگی‌های خاص آن موجود است. لذا قوانین حاکم، ارزش‌های وجودی، نحوه بهره‌دهی و بهره‌گیری، شیوه کار و حدود فعالیت‌های یک موجود، وابسته به آن است. این مطلب را می‌توان به قاعده‌ای کلی و سستی تغییر ناپذیر دانست، به گونه‌ای که خروج از این سنت و قاعده، افراط و تفریط و یا خروج از حد تعادل تلقی می‌شود. (امین زاده، ۱۳۸۰)

جایگاه هر موجودی در جهان، تابع اصل عدل و حکمت الهی است. به همین جهت، در آفرینش موجودات هیچ‌گونه افراط و تفریطی نبوده و نخواهد بود و ایرادی هم به آن وارد نیست، زیرا هر مخلوقی، به جای خود نیکو آفریده شده است. پیروی از این سنت تکوینی، دور از افراط و تفریط، عدالت و نظم اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

زمانی که جایگاه افراد که معلول استعدادهای به فعلیت رسیده و ویژگی‌های خاص ادراکی و روحی است، در یک نظام اجتماعی مشخص شود، و حدود شیوه فعالیت‌ها و کارها و ... نیز بر اساس جایگاه واقعی افراد تعیین گردد، جای نگرانی وجود نخواهد داشت و نظم عادلانه در اجتماع و اجرای قانون بدون هیچ‌گونه انحرافی، سازمان

خواهد یافت. زیرا تبعیض و بی‌عدالتی و فساد و افراط و تفریط در امور معلول این است که بی‌فضیلت را بر با فضیلت، شاگرد را بر معلم، بی‌تدبیر را بر مدبر و بی‌استعداد را بر پر استعداد و عاطفه و احساس را بر عقل مقدم داشته و در یک معنا جایگاه افراد را به طور نامناسب عوض کنند.

در نظام الهی تباین وجود ندارد. هر چند در تکوین، تفاوت‌هایی به حسب مراتب وجود و در تشریح، به حسب مراتب وسع فعلی استعدادها، وجود دارد. مرتبه وجود نفس و جسم، عقل و ماده با هم تفاوت دارند، یکی عالی‌ترین مرتبه وجودی را در جهان داراست و دیگری، نازل‌ترین مرتبه را؛ ولی هر دو تحت یک نظام حکیمانه هستند. مرتبه وسع فعلی شکوفایی استعدادهای رسول خدا (ص) با مرتبه وسع فعلی و شکوفایی استعدادهای سلمان و ابوذر تفاوت دارد. پیامبر عالی‌ترین ظهور را که مناسب ایشان است و سلمان، ظهوری در حد وسع خویش دارد. هر دو تحت نظم واحد دینی قرار داشته و مکلف به تکالیف الهی هستند، اما هر یک به حسب وسع استعدادهای خویش؛ (همان).

بنابراین، در شرع مقدس اسلام با توجه به تفاوت‌های ساختاری در آفرینش انسان‌ها، تفاوت در نحوه انجام تکالیف وجود دارد. چنانکه در قرآن می‌فرماید: لا یکلف الله نفسا الا وسعها... (بقره ۲۸۶)

در نظام هستی، هر موجودی دارای سه جایگاه است: جایگاه عام، خاص و اخص. که هر سه معلول سنت‌های الهی است.

سنت عام، بدون استثنا هر موجودی را در بر گرفته است.

سنت خاص، برخی آفریده‌ها را شامل می‌شود.

سنت اخص، نوع یا صنف بسیار خاص یا مرتبه‌ای ویژه از مراتب موجود را در بر گرفته است.

سنت عام، عبارت است از همان واقعیتی که در کلام امام چهارم، حضرت سجاد(ع) آمده است: ... (خدایی که) به قدرت خود موجودات را از نیستی به هستی

آورد و به اراده خویش لباس وجود بر آنان پوشانید، سپس آنها را در راهی که اراده کرده بود، سوق‌شان داد و در طریق محبت خویش برانگیخت. (صحیفه سجادیه/دعای اول).

موجوداتی که از یک سنخ و گروه هستند، سنت خاص بر آنها حاکم است. سنت حاکم بر روح این است که از حیات ذاتی و جاودانگی برخوردار است. در صورتی که ماده و جسم از چنین سنتی برخوردار نیستند، بلکه سنت حاکم بر ماده و جسم، حرکت مدام و در حال تغییر و تحول بودن آنهاست. پس سنت خاص روح، برخوردار از حیات و ثبات و سنت خاص حاکم بر جسم و ماده حرکت و تغییر و تحول آنهاست. به همین ترتیب این سنن در مورد تمام موجودات قابل تبیین هستند؛ چنانکه جایگاه عام زن، همان جایگاه موجودات دیگر، به عنوان آفریده خدای متعال است و آن تسبیح و تقدیس و ستایش خدا در تمام مراتب وجودی اوست. زیرا در تمام آن مراتب به خدا وابسته بوده و در عین حال مشمول هدایت عام و آفرینش نیکو نیز هست. (طه/۵، سجده/۷)

جایگاه خاص زن، به لحاظ داشتن حیات و نفس، دارای مراتب به ظهور رساندن قوا و استعدادها در همه مراتب آنهاست که در دو مرتبه نباتی و حیوانی به طور تکوینی و طبیعی شکوفا می‌شوند.

شکوفایی قوا در مرتبه انسانی و عقلی، اختیاری و ارادی و بر اساس آگاهی و هدف خاص امکان‌پذیر است. زن در آن دو مرتبه با حیوانات و گیاهان مشترک است و همان سنت خاص حاکم بر آنها بر وجود زن نیز حاکم است.

اما جایگاه اخص زن، این است که با تشخیص حق از باطل و پذیرش دین، فطرت پاک انسانی را در خویش شکوفا سازد و با آراستن نفس به فضایل اخلاقی، به ابعاد روحی خویش رنگ الهی بدهد. زن به مقتضیات خلقت خویش از جایگاه ممتازی برخوردار است که هیچ مخلوق دیگری قابلیت جانشینی آنرا ندارد، جایگاهی بزرگ که تعیین کننده وظیفه و مسوولیت اجتماعی اوست. وظیفه‌ای آنچنان بزرگ که انجام

آن، محور و اساس صلاح فردی و اجتماعی بوده و عدم انجام آن، اساس فساد فردی و اجتماعی است. مسوولیتی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و تکلیف عقلی و دینی به انجام رساند، به کمال انسانی خواهد رسید و بهشت را زیر پای خویش خواهد دید. رها ساختن و کنار نهادن آن جایگاه، که زیربنای تکوینی مسوولیت انسانی و تکلیف الهی است، زن را به پایین‌ترین مرتبه وجودی تنزل خواهد داد. چنین جایگاهی عبارت است از:

پرورش و آماده‌سازی انسان برای ظهور فعلی جایگاه اخص، مسوولیت‌پذیری در دنیا و در ارتباط با خود و به طور کلی، با تمام وجود تسلیم حق شدن، کسب رضای خدا و تحقق بخشیدن به غرض آفرینش و در مرحله تشریح، تولد و تربیت نسل‌های آینده.

زنی که جایگاه انسانی خود را حفظ کند، وظیفه اجتماع و نظام در برابر او سنگین است. او مسوولیت عظیمی را بر عهده دارد و نقش پراهمیتی را در قبال اجتماع دارد که وجود امکانات کافی را ایجاب می‌کند. بنابراین، روشن است که زن از جایگاهی عظیم برخوردار است که توجه به آن زمینه‌ساز پیدایش جامعه انسانی و الهی بوده و نفی آن مساوی با مفاسد خانواده و اجتماع بشری است. (مطهری، ۱۳۷۸)

حقوق و مبانی حقوق بشر در اسلام

واژه حقوق در زبان فارسی به معانی متفاوتی به کار می‌رود که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- مجموعه مقررات حاکم بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند. یعنی مجموعه بایدها و نبایدهایی که اعضای یک جامعه، به رعایت آن ملزم می‌شوند.
- مجموعه امتیازهای فردی یا گروهی شناخته شده در جامعه که از مقررات و قوانین حاکم بر جامعه ناشی می‌شود. (منصوری، ۱۳۸۰)
- حقوق اسلامی: عبارت است از مجموعه مقررات و قوانین اسلامی که متضمن

حکم الزامی برای اعضای جامعه همراه با ضمانت اجرایی کافی برای آن است. در هر عمل ارادی صادر شده بر اساس عقل، هدفی مورد نظر است که کوشش می‌شود با انجام مقدمات آن، تحقق یابد. بنابراین، هدف در یک نظام حقوقی، عبارت است از علت غایی و نهایی آن نظام. این علت بسته به ارزش‌ها و اعتقادات خاص هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است. از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که بین اهداف و مبانی نظام‌های حقوقی، ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد. به طور مثال، اصل عدالت، در بیشتر نظام‌های حقوقی، مبانی حقوق شناخته می‌شود. همین عدالت برای نظامی که غایت آن رسیدن به نظام عادلانه و عاری از ستم است، می‌تواند هدف آن محسوب شود. مبانی حقوق بشر در اسلام، شامل اصول و حقوق حیات، آزادی و عدالت است، که عبارتند از:

حق حیات: حیات حق و وظیفه‌ای برای همگان است؛ (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری).

قرآن کریم اقسام حیات و رابطه آنها با یکدیگر را در دو گونه حیات مادی و معنوی ترسیم کرده است و در هر دو صورت حیات برای تمام موجودات گیتی اعم از انسان‌ها و حیوانات و گیاهان و ... حق مسلم است. در بسیاری از آیات، تبیین شده است که خداوند با فرستادن باران گیاهان را می‌رویانند و انسان‌ها را نیز به همین‌سان زنده می‌سازد. این حیات، حیات گیاهی است و به نظر می‌رسد در آیه «وجعلنا من الماء کل شیء حی» (انبیاء/۳۰) نیز سخن از این نوع حیات است. برتر از این مرحله، حیات حیوانی است. در این مرحله، پای احساس و عاطفه و مهر و کین و دوستی و دشمنی به میان می‌آید و نظام کنونی جهان بر همین حیات حیوانی استوار است. قرآن کریم آنگاه که از حیات حیوانی سخن می‌گوید، انسان را اهم‌دیف چهارپایان می‌داند: «این نعمت‌ها از آن شما و چهارپایانان» (نازعات/۳۳).

اما آنجا که سخن از حیات انسانی است، نام انسان در کنار فرشتگان ذکر می‌شود:

«خدا در همه حال به پاداشتن عدل و داد جهانی گواهی داده‌است که جز او معبودی نیست و نیز فرشتگان و دانشمندان به این مطلب گواهی می‌دهند». (آل عمران/۱۸)

حق آزادی: آزادی از دیدگاه اسلام یعنی رها شدگی از بردگی و اطاعت غیر خدا (جاثیه/۲۳).

حق عدل: عدل عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود.

یک حقوق‌دان آنگاه که می‌خواهد عدل را بشناسد، باید در تشخیص مصداق‌های آن هوشیاری ورزد و برای انجام این کار، باید هم پدیده‌های هستی را شناخت و هم جایگاه هر پدیده را در نظام آفرینش دریافت و هم دانست که چگونه می‌توان هر پدیده را در جای خود نشانند. یکی از نکات مهم در این زمینه همه‌گسری عدل است؛ (طه/۵۰). پس قسط و عدل در ساختار هستی هر چیزی نهاده شده و همه آفرینش دارای گوهر عدل است. (جوادی آملی).

بنا به تعبیر قرآن، بهترین نظام حقوق آن است که ابزار تشخیص حق را از باطل به تناسب مختصات خود برگزیند و به پیروانش عرضه کند. نظم حقوقی با روح و جان انسان پیوند دارد؛ از اینرو ابزار شناخت حق از باطل باید از روح آدمی ریشه گیرد. این ابزار عبارت است از "پسند و ناپسند خود" که با این میزان، انسانی که خواستار لذت‌ها و خیرات برای خود است، همان‌ها را برای دیگران هم می‌خواهد و نیز ستم و تعدی را که برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم روا نمی‌دارد. امام علی(ع) به امام حسن(ع) می‌فرماید: «خواست خود را در روابط میان خویش و دیگران قرار ده؛ (نهج‌البلاغه/نامه ۳۱/بند ۵۵)».

به همین سبب قرآن کریم انسان‌ها را فرا می‌خواند تا همواره «خود» باشند و از «خود» فرا نروند و بدانند که معیار تشخیص حق و باطل، همان «خود» آنهاست. چنانکه در سوره مانده آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «بر شما باد که مواظب خود باشید». (بقره، ۱۳۷).

مقام انسانی و حقوق زن از منظر اسلام و مقایسه آن با مکاتب الحادی

اسلام برای تمام انسان‌ها در مورد حقوق‌شان، فلسفه خاصی دارد که گاهی با آنچه در جهان امروز می‌گذرد مغایرت است. اسلام برای زن و مرد در همه امور یک نوع حقوق و وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است و در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در مواردی دیگر وضع متفاوتی در نظر گرفته است. به این ترتیب که با در نظر گرفتن تساوی حقوق و نه تشابه حقوق، و علیرغم اینکه انسان‌ها را واجد حقوق یکسانی می‌داند تشابه را، متناسب با تفاوت‌های فردی بین زن و مرد قبول می‌کند.

نگرش اسلام به زن، با نگرش مکاتب الحادی بسی متفاوت است. مکاتب غیر الهی گاهی زن را به جامعه عرضه می‌کنند تا از این منظر، به خاک و زمین دست یابند. اما دین، زن را آزاد می‌گذارد تا با عاطفه خویش، به انسان‌ها درس مهر بیاموزد و آنها را رشد دهد. زن شایسته در مکتب الهی، نه فقط الگوی زنان صالح، بلکه الگوی همه انسان‌های صالح است، چرا که آنچه در انسان اصالت دارد جان اوست. از این رو، مایه سنجش میان دو انسان، امکان رشد روحی است؛ (جوادی آملی).

بنابراین، در اسلام حقوق زن و مرد مساوی است و آنجا که سخن از روح و جان است، تساوی است؛ ولی در تظاهرات مادی تشابه وجود ندارد. چرا که هر موجودی به تناسب توانایی خویش، تکلیف خاصی دارد و بر این مبنا حقوق خاصی را می‌طلبد.

معلولیت

انسان‌ها، تماما موجوداتی متفاوت و منحصر به فرد هستند، چرا که در عین شباهت‌های ظاهری و کلی انسانی، هیچ فردی عینا شبیه دیگری نیست و هر کس خصوصیات ویژه خود را که ناشی از عوامل ارثی، خانوادگی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی اوست، دارا است. با این وجود، عده‌ای از افراد به اندازه‌ای با دیگران تفاوت

دارند که رشد آنها وابسته به بذل توجه ویژه است. این انحراف به طور کلی و در تمام خصوصیات جسمانی، عاطفی، عقلانی، و اجتماعی آنها دیده می‌شود که باعث اشکال و مانعی بزرگ در سازگاری آنها با محیط اجتماعی می‌گردد. تفاوت افراد استثنایی نسبت افراد عادی باید به آن اندازه باشد که برای شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه خویش به خدمات آموزشی ویژه‌ای نیاز داشته باشند. متخصصان این زمینه، تفاوت‌های افراد در این حوزه را به طبقاتی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

افرادی که در زمینه توانایی‌های هوشی با دیگران متفاوتند، افراد مبتلا به ناتوانی‌های ارتباطی، ناشنوایی و کم شنوایی، نابینایی و کم بینایی، رفتاری و عاطفی، معلولیت‌های چندگانه شدید و معلولیت‌های جسمی؛ (کرک و گالاگر، ۱۳۷۲).

طبق آمار سازمان جهانی بهداشت، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر از ساکنان جهان به علل مختلف جسمی، روانی و اجتماعی دچار ناتوانی و معلولیت هستند. حدود ۸۰ درصد این افراد در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند و دو سوم این افراد را بزرگسالان تشکیل می‌دهند. حال آنکه حداقل سه درصد از افراد جامعه ما از نوعی معلولیت بارز رنج می‌برند.

معلولان به عنوان اعضای جامعه بشری همواره با چالش‌هایی از نظر زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و اشتغال روبرو بوده‌اند. از سویی، باید اظهار داشت که معلولیت بیش از آنکه جنبه پزشکی داشته باشد جنبه اجتماعی دارد و در ساده‌ترین تعریف، آن را موجد اختلال در رابطه بین فرد و محیط دانسته‌اند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که افراد معلول با موانع فرهنگی، اجتماعی و یا فیزیکی مواجه می‌شوند. بنابراین، معلولیت، فقدان یا محدودیت فرصت‌ها در راه مشارکت در زندگی اجتماعی در سطحی همانند دیگران است؛ (گاهنامه توانمند، ۱۳۸۳).

حقوق معلولان و زنان معلول

اولین بار در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۲) در اعلامیه حقوق کودک، به حقوق

کودکان عقب مانده ذهنی اشاره شده است و سپس در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل به تصویب رسید که اشاره به مواردی از حقوق معلولان نیز داشت. آن گاه در سال ۱۹۵۹ در اعلامیه حقوق کودک در مجمع عمومی سازمان ملل، به حقوق کودکان معلول اشاره شد. در سال ۱۹۷۱، اعلامیه جهانی حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی و در نهایت در سال ۱۹۷۵، اعلامیه حقوق افراد دارای معلولیت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. در این اعلامیه به حقوق مدنی و سیاسی افراد دارای معلولیت، مشابه با سایر افراد جامعه اشاره شده است:

حق برخورداری از تامین اقتصادی، اجتماعی و دست یابی به شغل دلخواه و مولد، حق زندگی در کنار خانواده و حضور در فعالیت های اجتماعی و تفریحی از جمله حقوقی است که در مورد این افراد به رسمیت شناخته شده است. به دنبال این اعلامیه ها، در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، پیمان جهانی حقوق کودک به صراحت، حقوق کودکان دارای معلولیت را مطرح نموده است. در خلال تصویب این اعلامیه ها در سال ۱۹۸۱، به عنوان سال جهانی معلولین و در فاصله سال های ۱۹۸۳-۱۹۹۲ به عنوان دهه جهانی معلولین و فاصله سال های ۱۹۹۳-۲۰۰۲ به عنوان دهه معلولین آسیا و اقیانوسیه - اسکاپ نامیده شده است.

در یک نگاه داخلی به موضوع حقوق معلولین در ادبیات قانون گذاری ایران، می توان گفت، تنها خلاء قانونی، مشکل فرا روی معلولین نیست، بلکه طراحی نظامی جامع که دست یابی به رفاه اجتماعی را برای این قشر به ارمغان آورد از نظرها دور ماند و صرفاً ارائه خدمات خاصی به معلولین را در دستور کار قرار داده است. در مجلس ششم (۱۳۸۲) قانون جامعی برای به رسمیت شناختن حقوق معلولین تصویب شد و از همان سال، سازمان بهزیستی کشور اجرایی شدن آن را در دستور کار خویش قرار داده است؛ (پژوهشکده استثنایی).

مواجهه با پدیده معلولیت نیاز به نگاهی فراتر از ملیت، جنسیت، دین، نژاد و ... دارد. در این پدیده با چند حق اساسی: پیشگیری، شناسایی، توانبخشی، تساوی

فرصت‌ها و حمایت‌های اجتماعی روبرو هستیم؛ (کانون زنان ایران) برای این منظور با دو نوع اقدام پیشگیرانه اولیه و ثانویه یعنی "اتخاذ موازینی برای جلوگیری از بروز اختلالات حسی، جسمی و ذهنی" (اولیه) و نیز "اقداماتی که از گسترش اختلال پس از وقوع آن جلوگیری می‌کند" (ثانویه) مواجه هستیم. به همین دلیل در مواجهه با معلولیت پیش از هر چیز لازم است تا معلولیت را به عنوان یک محدودیت و نه محرومیت مورد توجه قرار دهیم.

نکته دیگر، اهمیت تشخیص و شناسایی به موقع است. سلامتی جنبه اساسی زندگی است و شامل وجود چندین توانمندی مهم در شخص؛ مثل نیرو، سرزندگی، هوشیاری و توانایی‌های حسی حرکتی است. بررسی ویژگی‌های سلامت برای افراد معلول، علاوه بر تاثیر بر عملکرد آنها، بر سنجش، عوامل محیطی، نیاز به حمایت و خدمات نیز تاثیر می‌گذارد. بعد سلامتی در افراد دارای معلولیت، طیفی از بسیار تسهیل کننده تا بسیار مانع شونده را شامل می‌شود. به عنوان مثال، توانایی‌های جسمانی عالی، جوان ورزشکار مبتلا به نابینایی را در رقابت المپیک معلولین پیروز می‌کند و از سوی دیگر، شخص مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی که از فلج مغزی شدید رنج می‌برد و نیازمند بستری شدن است و سرانجام مشکلات حرکتی، تحرک ناچیز یا حتی نزدیک به صفر باعث نیاز به حمایت همه جانبه و مراقبت دائمی می‌گردد؛ (روت لاکامون و همکاران، ترجمه ماهر).

کنش اکثریت افراد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی در جایی بین این دو حد نهایی است. اگر سلامت، اثر متفاوتی بر عملکرد افراد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی داشته باشد، این اثر ممکن است تاحدی ناشی از محیطی باشد که فرد در آن زندگی می‌کند. فرد یاد می‌گیرد، کار می‌کند، اجتماعی می‌شود و با دیگران تعامل برقرار می‌کند. محیط‌های زندگی آنها ممکن است موجد خطاهای منحصر به فردی بوده و یا از حمایت و درمان مناسب آنها ناتوان باشد؛ (کونروی، ۱۹۸۵، به نقل از ماهر، ۱۳۸۰).

علاوه بر این محدودیت‌های هوشی معلولان ممکن است موجب شود که نتوانند با

مشکلات جسمانی سازگار شوند. ناسازگاری، ممکن است به شکل مشکلاتی در تامین و استفاده از علایم مرضی جایگزین و رفتارهای بد تفسیر شده، مثل رفتار خود آسیبی، بروز نماید.

بنابراین، تشخیص به موقع و شناسایی میزان نقایص افراد معلول، نقش به سزایی در اقدامات درمانی و برنامه‌ریزی‌های مربوط به عملکرد آنها خواهد داشت؛ (کافمن و گالاگر، ترجمه جوادیان، ۱۳۷۷).

معلولان با نیاز به آموزش بهداشت انفرادی، برای کنار آمدن با چنین مشکلاتی نیازمند اقداماتی به موقع و با کمترین تاثیر نامطلوب جهت توانبخشی و استفاده از توانایی‌های موجود هستند. توان‌بخشی فرایندی است هدفدار که افراد معلول را قادر به استفاده و ارتقاء حداکثر توانایی خود می‌نماید. عملکرد واقعی جسمانی افراد معلول تحت‌تأثیر وجود مشکلات بهداشتی، ماهیت محیط زندگی فرد، نگرش جامعه و خانواده و آثار محدودیت‌های هوشی و سازشی برای کنار آمدن با اختلال‌های جسمانی قرار می‌گیرد و همه این تاثیرات دلایلی مهمی برای سنجش و شناسایی به موقع و حمایت هستند.

بنابراین، حق بعدی را می‌توان برابری یا تساوی فرصت‌ها دانست، که به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن نظام کلی جامعه، مانند محیط فیزیکی، فرهنگی، مسکن، حمل و نقل، خدمات اجتماعی، بهداشتی، فرصت‌های آموزشی شغلی، زندگی اجتماعی، تسهیلات ورزشی، تفریحی و ... در دسترس کلیه افراد دارای معلولیت قرار گیرد.

سرانجام این‌که، برای حمایت و ایجاد فرصت‌های برابر، باید با نگاهی به ظلم اجتماعی [در عدم پذیرش این گروه] و توانمندی‌هایشان، به فرهنگ سازی در این‌باره پرداخت تا زمینه‌های ظهور اجتماعی معلولان و خصوصاً زنان معلول هموار شود. زنان معلول از مصائب نگرش جنسیتی ایمن نبوده‌اند - اگر چه در مورد حقوق مردان معلول نیز مسائل عدیده‌ای وجود دارد - و نگاه محدود و ناتوان‌انگارانه به زنان معلول،

شرایط فیزیکی و روانی دشواری را برای حضور اجتماعی آنان ایجاد کرده‌است. بنابراین به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق و حتی زمینه‌ای برای احقاق سایر حقوق زنان معلول، نیاز است تا با همکاری سازمان‌های تاثیرگذار در تغییر نگرش اجتماعی نسبت به حضور معلولان در حیطه‌های مختلف، فرهنگ سازی صورت پذیرد تا با ایجاد امنیت محیطی و روانی برای این گروه، مجال حضور ایجاد شود. علی‌رغم تدوین حقوق آنان دست‌یابی به آن وابسته به نحوه اجرای این قوانین در اجتماع و نگرش جامعه نسبت به این گروه و نیازهای آنان و پذیرش اجتماعی آنهاست. زیرا، اصولاً از طریق وضع قانون، به تنهایی نمی‌توان به طور مستقیم به اصلاح فرهنگی دست یافت. بدیهی است که در صورت نبود نگاه مناسب اجتماعی به معلول به عنوان یک فرد انسانی و دارای حقوق برابر با سایر شهروندان در استفاده از امکانات رفاهی جامعه، این قوانین از پشتوانه اجرایی برخوردار نخواهند شد.

بنابراینچه ذکر شد، زنان معلول به عنوان گروهی ویژه از معلولان که نیازمند خدمات حمایتی و آموزشی ویژه‌ای هستند، باید مدنظر قرار گرفته و با شناسایی نیازهای اساسی این گروه، به تدوین قوانین مربوط به ایشان اقدام گردد.

ضرورت بررسی حقوق زنان معلول

بنابر اصول اولیه علم حقوق، نمی‌توان از حقوق گروهی یا فردی سخن گفت بی‌آن‌که همه مسوولیت‌ها و تکالیف آنان را عنوان کرد. پر واضح است که زنان معلول نیز به عنوان اعضای جامعه، در پردازشی متقابل به حقوق خود دست یافته و مسوولیت‌های فردی و گروهی خویش را اجرا خواهند نمود. بنابراین، جوامع نیز به ازای صرف هزینه‌های مربوط به رشد و پرورش آنها، قادر به بهره‌برداری از نیروهای بالقوه و بالفعل آنان شده و اهداف دموکراتیک و عدالت محور، با رعایت حقوق فردی مبتنی بر آزادی و عدالت، تحقق یافته و دولت‌ها نیز قادر خواهند بود حقوق خود را در برابر این افراد خواستار شوند و تاثیرات مطلوب فردی، روحی، روانی، خانوادگی،

اجتماعی، اقتصادی پرداختن به حقوق این گروه را شاهد باشند؛ (ساوجی، ۱۳۷۱)

پرداختن به حقوق زنان معلول، کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی نسبت به این گروه و عواقب ناشی از ازدواج، تولد فرزند، نگهداری و پرورش آنان، مسایل جنسیتی و شناختی مربوط به زنان معلول تاثیر بسزایی در کارکرد اجتماعی این گروه و نسل‌های آینده آنان خواهد داشت.

حقوق زنان معلول با نگاهی به منشور حقوق زنان

منشور حقوق و مسولیت‌های زنان شامل ۳ بخش و ۱۴۸ بند است. در مقدمه آن آمده است که این منشور با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام‌مند حقوق و مسولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. این منشور بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام اهتمام داشته و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه‌های والای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب و با بهره‌گیری از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی نظام و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان است. لذا، مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تاسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌هاست. در توضیحات این منشور آمده است: در این منشور، حق به معنای توانایی، امتیاز و مصونیت است و مسولیت به معنای تکالیفی است که زن نسبت به دیگران بر عهده دارد و ... در جای دیگری ذکر شده است:

از آنجا که در قوانین اسلامی، افراد نسبت به خدا، خود، جامعه و هستی مسوول هستند سعی شده تا مسولیت زنان نیز نسبت به آن‌ها ذکر گردد. پرواضح است که در صورت فقدان شرایط عام تکلیف (عقل، بلوغ، اراده و ...) زنان نیز فاقد مسولیت

خواهند بود. با بکار بردن کلمه حق یا مسوولیت، نوع ارتباط زنان با مساله مورد نظر مشخص شده است؛ (منشور حقوق زنان، به نقل از زن شرقی ۱۳۸۴). بنابراین، در این منشور به وضعیت و میزان عقل و بلوغ توجه شده و حدود بهره برداری زنان از حقوق حقه آنها با توجه به مبانی انسانی و اسلامی، در نظر گرفته شده است.

عناوین و سرفصل‌های منشور حقوق زنان، عبارتند از:

حقوق و مسوولیت‌های فردی، حقوق و مسوولیت‌های خانوادگی (شامل: حقوق و مسوولیت‌های دختران در خانواده، حقوق و مسوولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده، حقوق و مسوولیت‌های زنان در صورت انحلال خانواده)، حقوق و مسوولیت‌های اجتماعی زنان، حقوق و مسوولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان (شامل: فرهنگ عمومی، آموزش، پژوهش)، حقوق و مسوولیت‌های اقتصادی زنان (شامل: حقوق و مسوولیت‌های مالی در خانواده، حقوق و مسوولیت‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان)، حقوق و مسوولیت‌های سیاسی زنان (شامل: حقوق و مسوولیت‌های زنان در سیاست داخلی، حقوق و مسوولیت‌های زنان در امور دفاعی - نظامی)، حقوق و مسوولیت‌های قضایی زنان، که همگی مستلزم بستر سازی اجتماعی و تفهیم این حقوق به جامعه زنان است.

با نظری بر وضعیت زنان معلول جسمی و ذهنی و با در نظر گرفتن میزان توانمندی آنان، احقاق حقوق همگانی زنان در مورد آنان نیز صادق است؛ افزون بر آن این عده با توجه به نیازهای ویژه و محرومیت‌های فیزیکی و ذهنی، به خدمات افزون‌تری برای دستیابی به عدالت و برابری در بهره برداری از امکانات دارند و در برابر آنان جوامع مسوولیت‌های ویژه‌ای بر دوش دارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نگرش ادیان و مکاتب مختلف فکری و نظری و شکل‌گیری جنبش‌های گوناگون مربوط به حقوق زنان - با جهت‌گیری‌های مختلف و موفقیت‌ها و شکست‌های بدست آمده بر اساس این نگرش‌ها - منشورهای حقوقی متفاوتی ارائه شده است. اما اسلام با نگرشی همه‌بعدی و کامل نسبت به تمام کائنات و انسان‌ها، به نقش زن به عنوان زیربنای خلقت و منشا رشد و باروری جوامع پرداخته است. بررسی حقوق زنان و تلاش در جهت احقاق آن بر اساس این مکتب فکری الهی تاثیر بسزایی در رشد و توسعه جوامع و نگرش آنها نسبت به زنان خواهد داشت. در این زمینه، زنان معلول به عنوان گروهی که با توجه به تفاوت‌های ناشی از معلولیت ذهنی و جسمی، نیازمند بذل توجهی خاص هستند مورد نظر قرار گرفته‌اند تا با شناسایی و تشخیص مشکلات و نیازهای آنان و تلاش در برآورده ساختن امکاناتی برای ایجاد فرصت‌های برابر، قادر به بهره‌برداری از توانمندی‌های موجود بوده و تاثیر مناسب و مورد انتظار را در جامعه داشته باشند.

در حالی که زنان معلول نیز به عنوان اعضای جامعه بشری می‌بایست از حقوق و مزایا و امکاناتی برخوردار باشند تا به فرصت‌هایی مشابه سایرین دست یابند، همواره با چالش‌هایی از نظر زندگی خانوادگی، اجتماعی، کار و حرفه مواجه بوده‌اند. حال آن‌که، مشکلات فرا روی آنها، لزوماً ناشی از شرایط جسمی و ذهنی نبوده، بلکه طرز تلقی غلط جامعه، امر مشارکت آنان در امور اجتماعی و زیستن بدون اتکا به دیگران را مختل ساخته است. زیرا نگاه سستی به معلول، نگاه به ناتوانایی آنان است نه توانایی‌ها. معلولیت پدیده‌ای است که بیش از آنکه جنبه پزشکی داشته باشد، جنبه اجتماعی دارد، چنانکه در ساده‌ترین تعریف آن را موجد اختلال در رابطه بین فرد و محیط دانسته‌اند. این اتفاق زمانی رخ می‌نماید که زنان معلول، با موانع فرهنگی، اجتماعی و یا فیزیکی مواجه شوند. بنابراین، معلولیت فقدان یا محدودیت فرصت‌ها در راه مشارکت در زندگی اجتماعی در سطحی همانند دیگران است. نیازهای زنان

معلول با توجه به حقوق حقه آنها دارای سیری از بدو تولد مبنی بر پیشگیری، شناسایی و تعیین میزان محدودیت، ارائه حمایت‌های آموزشی، خانوادگی، بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، شهر سازی و ... است.

در اغلب کشورها، مسولیت نهایی در این زمینه بهبود شرایط و ایجاد این امکانات است که موجب کاهش موانع برای معلولین می‌گردد و به دولت‌ها واگذار شده‌است. اما این موضوع، مسولیت سایر ارگان‌ها، همچون سازمان‌های غیر دولتی، افراد جامعه، خانواده‌ها و انجمن‌های خود گردان معلولین و ... را برطرف نمی‌سازد.

بنابراین، در مواجهه با این پدیده، ابتدا پذیرش معلولیت به عنوان یک محدودیت، نه ناتوانی باید مورد عنایت قرار گرفته شود و آموزش‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازی در این زمینه انجام پذیرد. گام دوم اهتمام و اقدام در جهت توان‌بخشی است، چرا که "توان‌بخشی فرایندی است هدفدار که افراد دارای معلولیت را قادر به استفاده و ارتقاء حداکثر توانایی خود می‌نماید." گام سوم، برابری یا تساوی فرصت‌ها، به معنای فرایندی است که در آن نظام کلی جامعه، مانند محیط فیزیکی، فرهنگی، مسکن، حمل و نقل، خدمات اجتماعی، بهداشتی، فرصت‌های آموزشی (در زمینه‌های تحصیلی، شخصیتی، جنسی، اجتماعی، حقوقی و شغلی)، زندگی اجتماعی (تسهیلات ورزشی و تفریحی و...) در دسترس کلیه افراد دارای معلولیت قرار گیرد.

زنان معلول که از یک‌سو با توجه به نیازهای خاص خود و از سوی دیگر مشکلات و توانمندی‌های مورد نیاز یک زن برای حضور در جامعه، در معرض آسیب‌های فراوانی هستند، در صورت هموار بودن شرایط، قادرند به عنوان افرادی سازنده در محیط اجتماعی ظاهر شده و تاثیر موثر داشته باشند و در حد توان باری از دوش جامعه بردارند، در حالی‌که در صورت غفلت از آن، با تأثیر از مسایل عدیده توانمندی‌های - هرچند اندک - موجود آن‌ها نهفته باقی‌مانده و باری بر دوش جامعه خواهند بود.

دشواری کار و نیاز به زمان برای آن، هزینه و ضرورت همکاری‌های چند جانبه

سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، از یک سو و عدم آگاهی زنان معلول از حقوق انسانی و بالقوه خویش از سوی دیگر، آنان را در صدر افراد آسیب پذیر قرار داده و فضای لازم را برای سو استفاده فرار گرفتن توسط افراد ناباب هموار می‌سازد. مسایل جنسی و بیماری‌های همزمان، قدرت باروری و عدم آگاهی از روش‌های بهداشتی و کنترلی و محدودیت‌های پرورشی فرزندان برای این بانوان، عدم هماهنگی‌های محیطی و همراهی اطرافیان و ... ضرورت پرداختن به این مساله را تبیین می‌نماید.

زنان معلول که متناسب با شرایط و محدودیت‌های خود از امکانات عملی متفاوتی برخوردارند (با توجه به نوع معلولیت و میزان توانایی)، با آگاهی و کسب آموزش‌های لازم در حفظ امنیت فردی و اجتماعی خود و با تکیه بر توانمندی‌های موجود، قادر به حرکت و ورود به جامعه و جنبش و تکامل هستند و البته، امنیت اجتماعی و فرهنگی کمک به‌سزایی خواهد داشت.

حقوق انسانی و قانونی زنان معلول، با توجه به تفاوت‌های فردی با مردان از یکسو و تاثیرپذیری از محدودیت‌های ناشی از معلولیت از سوی دیگر، در مواجهه با موانع احقاق حقوق زنان در سیر تاریخی آن که شامل جلوگیری از رشد و آگاهی زن به دلایلی همچون استثمار، مردسالاری، مسائل اقتصادی، ازدواج‌های زودرس و ... مورد غفلت و بی‌توجهی واقع شده‌بود امروزه با توجه به ظهور جنبش‌های موجود و باور به اثرگذاری مطلوب زنان در گسترش و پیشرفت جوامع، و تاثیر استفاده از توانمندی‌های محدود ولی موجود زنان معلول نیاز به تدوین قوانین مربوط به حقوق زنان معلول و برنامه‌ریزی مربوط به احقاق حقوق آن را ملموس می‌نماید.

امید است تلاش‌های مربوط به شناخت و ارائه آگاهی از این نیازها، زمینه‌ای برای پایه‌ریزی و تدوین نظام‌های قانونی، مدنی و عملی بوده و شرایط احقاق حقوق زنان معلول را فراهم نماید.

زنان معلول علاوه بر حق برخورداری از همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی، سیاسی، و همه عرصه‌های دیگر، حق

زندگی، حق برابری، حق آزادی و امنیت شغلی، حق حمایت بالسویه قانونی، حق آزادی از همه اشکال تبعیض، حق بهره‌وری از بالاترین میزان ممکن سلامت جسمی و روانی، حق شرایط عادلانه و رضایت‌بخش برای کار، حق عدم شکنجه یا دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز از حقوق ویژه‌ای متناسب با نیازهای خاص خود نیز برخوردار است. که از آن جمله: حق شناسایی نوع و درجه معلولیت، پیشگیری از پیامدهای معلولیت و تولد فرزند معلول دیگر، پیشگیری از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، برخورداری از حقوق قضایی در زمینه‌هایی مانند حق انتخاب در ازدواج و سهم‌الارث، تغذیه و بهداشت مناسب، توانبخشی، تامین اجتماعی، اشتغال، آموزش در موارد مورد نیاز، امکانات فرهنگی، هنری، ورزشی، اصلاح نگرش جامعه و تامین امنیت اجتماعی، با مشارکت رسانه‌ها و گروه‌های اجتماعی ذیربط است.

حال آن‌که دستیابی به این حقوق بدون مشارکت سازمان‌های دولتی و مردمی، به عنوان پشتوانه و همراه یکدیگر، غیر ممکن خواهد بود. این مهم، بدون مشارکت سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان، رسانه‌های گروهی، و ... میسر نخواهد بود. آموزش و پرورش آن‌ها به روش‌ها و منابع متنوعی از آموزش و پرورش ویژه و فراگیر نیازمند است؛ تردد در معابر عمومی به مهندسی ویژه شهرسازی نیاز دارد. محدودیت‌های ذهنی و جسمی، نیازهای آموزشی و مشاوره‌ای مربوط به محافظت و ایمنی را طلب می‌کند، به دلیل امکان بیشتر ابتلا به بیماری‌ها، به حمایت سازمان تامین اجتماعی نیاز خواهد بود، برای اشتغال و برخورداری از مسکن مناسب به مشارکت وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت مسکن و شهرسازی و نظام بانکی نیاز است، برای برخورداری از امکانات فرهنگی عمومی و اصلاح نگرش جامعه نسبت به آن‌ها، همکاری سازمان‌های فرهنگی، وزارت ارشاد، مطبوعات، صدا و سیما نیاز است، برای کاهش دشواری‌های تحصیلات عالی،

مشارکت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضروری است. برخورداری از مشارکت آن‌ها در امر ورزش بدون همکاری سازمان تربیت بدنی میسر نیست. برای حفظ حقوق خانوادگی و اجتماعی آن‌ها وزارت دادگستری و دستگاه‌های قضایی به عنوان نماینده مدعی العموم باید مداخله نمایند، برای آگاهی از حقوق زنانه خود و حمایت‌های موجود به یاری گروه‌های مدعی احقاق حقوق زنان نیاز خواهد بود. هماهنگی نهادها در این امور، برای تدوین و تصویب قوانین خاص و سیاست‌گذاری کلان لازم است. در کنار تمام این موارد، عزم ملی و حرکتی همه جانبه مورد نیاز است.

بنابراین، به منظور فراهم ساختن زمینه لازم جهت برخورداری زنان معلول از کلیه حقوق انسانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، علاوه بر نیازمندی به تدوین قوانین و همکاری گروه‌های ذیربط، نیاز به حرکتی اجتماعی و بازسازی نگرش جامعه و فراهم کردن مجال حضور برای این گروه از زنان وجود دارد.

پیشنهادها و راهکارها

- ✓ ارائه آموزش‌های فرهنگی عمومی برای پیشگیری از معلولیت.
- ✓ ارائه خدمات حمایتی (مشاوره، آموزش و ...) به خانواده‌های دارای فرزند معلول.
- ✓ ایجاد امکانات آموزشی (تحصیلی، جنسی، ...) جهت ارتقا توانایی‌ها، توانبخشی و استفاده از امکانات موجود، چرا که آنان نیازمند آموزش انفرادی در باره مسایل مربوط به بهداشت و سلامت جسمانی و نیز روش‌های مراقبتی ویژه مربوط به مسایل زنان در بهره‌گیری از سیستم‌های حمایتی و درمانی هستند.
- ✓ ارائه آموزش در مسائل جنسیتی، قاعدگی، بارداری، فرزند پروری.
- ✓ دسترسی به خدمات بهداشتی مانند معاینه، برنامه‌های واکسیناسیون و پیشگیری و ایمن سازی.

- ✓ خدمات بهداشتی مربوط به بیماری‌های همزمان با رویکردی هماهنگ و بین رشته‌ای از سوی متخصصان مختلف.
- ✓ ارائه خدمات بهداشتی و سلامتی جهت تامین نیازهای روانی زنان معلول.
- ✓ ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی حمایت جهت بازسازی شناختی زنان معلول.
- ✓ مشاوره و راهنمایی جهت بررسی میزان توانمندی‌های موجود، امکان ازدواج، شرایط باروری و فرزند پروری.
- ✓ ایجاد خدماتی جهت فراهم نمودن شرایط ازدواج زنان معلول و راهنمایی و هدایت این بانوان برای انتخاب همسر مناسب.
- ✓ شرایط بهره‌وری از دایه (هم مادر) جهت یاری در پرورش فرزندان زنان معلول.
- ✓ تامین بودجه مورد نیاز در موارد مذکور و حمایت‌های اجتماعی از راه‌های همچون بیمه‌های ویژه زنان معلول.
- ✓ خدمات آموزشی و تحصیلی متناسب با نوع و میزان معلولیت زنان معلول .
- ✓ آموزش‌های زیربنایی برای اشتغال زنان معلول.
- ✓ ایجاد فضای کاری مرتبط با آموزش‌های دیده شده در دوران تحصیل، جهت اشتغال زنان معلول.
- ✓ طراحی سیستمی برای به کار گیری توانمندی‌های حرفه‌ای زنان معلول (کاریابی).
- ✓ تامین ابزارها و وسایل مورد نیاز برای استفاده از حداکثر توانایی‌ها، طراحی وسایل مورد نیاز متناسب با نوع معلولیت این بانوان برای تردد در خیابان‌ها و معابر (راهنمای همراه، اخطار دهنده‌های صوتی و ... برای نابینایان، اخطار دهنده‌های دیداری و ... جهت ناشنویان، وسایل حمل و نقل عمومی دارای ویژگی‌های مورد نظر

برای این معلولیت‌ها و ...).

✓ فرهنگ سازی در جهت تغییر نگرش نسبت به حضور اجتماعی زنان معلول و پذیرش آنها در جامعه.

✓ ارائه اطلاعات و آگاهی به زنان معلول از وجود خدمات حمایتی موجود و پوشش آنها.

✓ تفهیم حقوق قانونی و اجتماعی زنان معلول به ایشان و خانواده‌های آنها و جامعه.

✓ ایجاد و تامین محیطی امن در جامعه اطمینان از وجود محیط امن برای همه کسانی که معلولیت دارند و توانایی آنها برای آگاهی و پاسخ به خطر محدود است، ضروری است. بسیاری به خطا فکر می‌کنند این کار از طریق ایجاد محیطی محدود میسر است، در صورتی که، حضور در جامعه‌ای امن با وجود شرایط و ابزارهای مورد نیاز و حمایت‌های مناسب مانند آموزش ایمنی فردی، حمل و نقل امن و قابل دسترس، سرپرستی در طول فعالیت‌های اجتماعی، حفاظت در برنامه‌های زندگی گروهی، واریسی گزارش‌های جنایی، بهبود قوانین جنایی و تعقیب متخلفان، می‌تواند خطرهای محیطی حضور زنان معلول را بدون محدود ساختن فعالیت‌های آنان کاهش دهد و عملکرد مطلوب را در جامعه تسهیل سازد.

✓ کمک و زمینه سازی برای دستیابی بانوان معلول به حقوق حقه‌شان در منشور حقوق زنان، متناسب با نوع و میزان معلولیت آنها.

✓ همکاری و همراهی سازمان‌های ذیربط جهت هموار شدن مسیر و تخصیص بودجه مورد نیاز در زمینه‌های مذکور با هدف بازگرداندن سرمایه‌ها با کار و بروز توانمندی‌های زنان معلول.

فهرست منابع

- امین زاده، محمدرضا. جایگاه و مقام زن. (۱۳۸۰). تهران: بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- پایگاه اطلاع رسانی پژوهشکده استثنایی کشور
- جوادی آملی، عبدالله. سلسله بحث‌های فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر. مرکز نشر اسرا. روزنامه همشهری - ۸۴/ ۴/ ۳۰
- ساوجی، مریم، حقوق زن در اسلام و خانواده. (۱۳۷۱). مجرد.
- کانون زنان ایران.
- گاهنامه توانمند. سال پنجم. شماره دوم. (۱۳۸۳)
- لاکامون، روت. کوکلا، دیوید. پولاری، ادوارد. ریس، استیون. شالوک، رابرت. استیل، مارتا. اسپتالینک، دیورا. عقب ماندگی ذهنی: تعریف طبقه بندی و سیستم‌های حمایت. ترجمه فرهاد ماهر. (۱۳۸۰). تهران: رشد.
- مجله زنان، شماره ۱۷، اسفند ۸۴
- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری: زن و حقوق انسانی. (۱۳۸۰). برگ زیتون.
- مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. (۱۳۷۸). تهران: صدرا.
- منصوری، سید مهدی. حقوق و مبانی و فلسفه آن. (۱۳۸۰). دانش و اندیشه معاصر
- میلانی فر، بهروز؛ روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. (۱۳۷۴). قوس - کسرک، ای سامونل، گالاگر، جیمز جی. آموزش و پرورش کودکان استثنایی. ترجمه مجتبی جوادیان (۱۳۷۶)، آستان قدس رضوی.
- هالاهان، دانیل پی. کافمن، جیمز ام؛ کودکان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه؛ ترجمه مجتبی جوادیان (۱۳۷۷)؛ آستان قدس رضوی.
- یشیری قمی، سید علی؛ حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی؛ (۱۳۷۶) سازمان تبلیغات اسلامی.

**مشاوره ژنتیک راهی برای تحکیم
و سلامت خانواده**

زهرا اوسطی

محقق مطالعات زنان

دکتر سید محمد اکرمی

(استادیار ژنتیک دانشگاه علوم پزشکی تهران)

مشاوره ژنتیک راهی برای تحکیم و سلامت خانواده

مقدمه

انسان اشرف مخلوقات است و قابلیت رشد به عالی‌ترین مراحل کمال را دارد. جالب است انسان در مقایسه با سایر موجودات، نسبت به مادر از همه وابسته‌تر بوده و برای رشد و نمو به مهربانی مادر نیاز دارد. رحمت الهی چنین تعلق گرفته است که کودک ماهها در رحم مادر با جسم و روح او اتصالی تنگاتنگ و تا مدت‌ها پس از تولد نیز برای تغذیه و رشد خود نیاز ویژه به مادر داشته باشد. مدت‌ها طول می‌کشد تا با کمک او و با اتکا به توانایی‌های خود بتواند سخن بگوید، راه برود و خوردن و آشامیدن فرا گیرد. در این خلقت ویژه، فرزند در سایه صبر و بردباری مادر و خصوصا دانش او به کمال می‌رسد.

این دانش برای مادر، تنها به دوران بارداری و پس از آن محدود نمی‌شود، بلکه به دوران قبل از بارداری و حتی ازدواج باز می‌گردد؛ تا جایی که در روایات دینی برای مادران علاوه بر محافظت و رسیدگی فیزیکی و غیر فیزیکی پس از ولادت فرزند، نقش عمده‌ای در امر وراثت، تغذیه و آموزش پیش از آن مطرح شده است. به خوبی قابل درک است که سلامت جسمانی زنان، در کنار بهداشت روانی آنان اهمیت دارد. امروزه، تحقیقات و مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف از جمله ایران نشان

می‌دهد که جامعه زنان به دلایل مختلف در مقایسه با مردان از مشکلات و مسائل بیشتری رنج می‌برند. زنان در دسترسی به آموزش، اشتغال و خدمات بهداشتی - درمانی و بهره‌مندی از حقوق حقه خود از وضعیت یکسانی در مقایسه با مردان برخوردار نیستند و هر جا که این تفاوت بیشتر باشد، وضعیت فرزندان و خیم‌تر و به تبع آن خانواده محروم‌تر به نظر می‌آید. بنابراین، آموزش زنان در امور سلامت جسمانی آن به بهبود سلامت روانی آن نیز می‌انجامد. تولد کودک معلول (مثلاً عقب مانده ذهنی) به مثابه زنگ خطری برای اجتماع است چرا که این به سبب نقص و معلولیت علاوه بر آن که در پیشرفت جامعه چندان مؤثر نیستند، بار اقتصادی سنگینی را بر خانواده و جامعه تحمیل می‌کنند.

ازدواج و ژنتیک

ازدواج، سستی الهی برای آرامش انسان و امتداد نسل بشری است و از سنت‌های مورد تاکید در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی است. بر اساس این احادیث، ازدواج موجب تکمیل ایمان و استنکاف از آن مذموم و موجب پیوستن به جرگه‌ی پیروان رسول گرامی اسلام (ص) می‌گردد «النکاح سستی فمن رغب عن سستی فلیس منی».

ازدواج خویشاوندی در کشور ما امری رایج است و از نظر شرعی نیز امری پسندیده تلقی می‌شود. امروزه پیامدهای زناشویی این چنینی، از نظر سلامت جسمی فرزندان در دانش پزشکی روشن و بدیهی است. از این رو، بررسی دیدگاه مکتب اسلام در این خصوص از اهمیت ویژه برخوردار است.

اگر چه در قرآن کریم نکته خاصی در تأیید و یا تشویق به ازدواج خویشاوندی نمی‌توان یافت^(۱) اما در حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) توصیه به پرهیز از ازدواج با اقوام نزدیک نقل شده است چرا که منجر به ناتوانی فرزند می‌گردد «ولا تنکحوا القرابه القریبه فان الولد یخلق ضاویا»^(۲).

با بررسی ازدواج‌های معصومین (ع) به عنوان بهترین الگوهای انسانی، فقط دو

مورد ازدواج خویشاوندی دیده می شود: ۱) امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) (ازدواج فرزندان پسر عمو)، ۲) امام سجاد(ع) و دختر امام حسن مجتبی(ع) (پسر عمو - دختر عمو). قابل توجه است که در اکثر موارد (۸۴٪) نه تنها ازدواج‌ها فامیلی نبوده بلکه مادران ائمه اطهار از نژادهای کاملاً جدا انتخاب شده‌اند، مانند مادر امام سجاد(ع) - شهربانو دختر یزدگرد (ایرانی)، مادر امام کاظم(ع) - حمیده بربری یا مصفاة (الجزایری)، مادر امام جواد(ع) - سیبکه یا خیزران (نوبه: حبشه)، مادر امام هادی(ع) - سمانه مغربیه (حبشه)، مادر امام حسن عسکری(ع) - سمانه یا سلیل یا حدیث یا سوسن (غیر عرب) و مادر امام عصر (عج) - نرجس (رومی).^(۳)

ازدواج خویشاوندی برای صدها سال انجام شده است. دلایل واقعی ترجیح این نوع ازدواج فامیلی بیشتر فرهنگی اجتماعی است. مزایای ازدواج فامیلی در تقویت ارتباطات خویشاوندی، شناخت بیشتر طرفین و انتظارات کمتر تصور می‌شود. و از اختلافات اقتصادی - اجتماعی که در ازدواج غیرفامیلی احتمال وجود آن بیشتر است بطور خودبه‌خودی پرهیز می‌گردد. معمولاً ترتیبات و آداب ازدواج در ازدواج‌های هم‌خونی ساده‌تر برگزار می‌شود و ارتباط عروس و داماد با خانواده همسر عادی‌تر به‌نظر می‌رسد.

خطرایجاد بیماری مادرزادی در هر حاملگی در جمعیت عمومی (general population) یک در چهل (حدود ۲/۵ در صد) است.^(۴) در ازدواج‌های فامیلی حدود ۵ تا ۶ درصد، احتمال تولد کودک دارای ناهنجاری در خانواده وجود دارد که این ریسک با احتمال تکرار معلولیت در فرزندان بعدی خانواده نیز همراه است. به‌عبارت دیگر احتمال تولد کودک معلول در ازدواج‌های فامیلی ۲ تا ۳ برابر ازدواج‌های معمولی است.

خطر اصلی ازدواج‌های همخون، در واقع در مشابهت‌های وراثتی زوجین (۲/۵٪) است. به‌دنبال ازدواج همخونی، ژنهای معیوب و بیماری‌زای نهفته (مغلوب

(Recessive) که ممکن است در افراد به ظاهر سالم (ناقل Carrier) وجود داشته باشد به دلیل مشابهت وراثتی پدر و مادر، در کنار هم قرار گرفته و به صورت انواع بیماری‌های مادرزادی و معلولیت‌های جسمی و عقب ماندگی های ذهنی (ناتوانی یادگیری) در کودکان ظاهر می‌شود. شایان توجه است که در ازدواج‌های دو طرفه یعنی زنانشویی‌هایی که زوجین از یک سو، پسرعمو- دخترعمو و از سوی دیگر پسرخاله - دخترخاله باشند، شباهت وراثتی دو برابر و به تبع آن ریسک خطر افزایش می‌یابد.

آمارهای متفاوتی در مطالعات مختلف در خصوص ازدواج فامیلی در ایران ارائه شده است. براساس جدیدترین مطالعه، ازدواج بیش از ۳۰۰ هزار زوج ایرانی از نژادهای مختلف و حدود ۲۸٪ از نوع خویشاوندی است که بیش از ۲۷٪ آنها First Cousin (درجه ۳ فامیلی) می‌باشند^(۵). در کشور ما، ازدواج‌های فامیلی در روستاها و مناطق عشایری بیشتر از نقاط شهری است و این به دلیل بافت فرهنگی و روابط قومی حاکم بر این مناطق است. این امر فرصت مناسبی برای محققان ایرانی ایجاد کرده تا میزان و حد نقش این نوع ازدواج‌ها به‌ویژه در بیماری‌های چند عاملی دریابند.

مشاوره ژنتیک

مشاوره ژنتیک نقش به‌سزایی در تحکیم و سلامت خانواده دارد. مشاوره ژنتیک برقراری ارتباط بین متخصص ژنتیک (فرد مشاور) و والدین یا یکی از اعضای خویشاوند در مورد یک بیماری ژنتیکی است. افزایش سطح آگاهی بیمار و خانواده، کمک به تصمیم‌گیری و نحوه تطابق و سازگاری با شرایط روحی و اجتماعی بیماری خاص از اهداف اصلی آن بوده که در یک پروسه علمی دنبال می‌گردد. این مشاوره منجر می‌شود به راهنمایی اعضای خانواده نسبت به بیماری، شناخت درمان‌های موجود و آشنایی با نتیجه بیماری در صورت عدم درمان، شناخت علت بیماری از بعد ژنتیکی

و احتمال بروز مجدد آن در خانواده و دانستن راههای پیشگیری و روش‌های آزمایشگاهی تشخیص بیماری، با مشاوره ژنتیک بهترین انتخاب را در خصوص اقدامات پیش رو بر اساس وضعیت بیماری، وضعیت اجتماعی یا اقتصادی و شرایط روحی و روانی خانواده و فامیل می‌توان برگزید.

مشاوره ژنتیک در بیماری‌های شایع نیز امری مهم به‌نظر می‌رسد. در صورت درگیری بیش از یک نفر در خانواده‌ها و احتمال برخورد با موارد نادر می‌توان با انجام مشاوره ژنتیک به خانواده‌ها کمک شایانی کرد. به‌عنوان مثال با مراقبت‌های قبل از بارداری مادر دیابتیک می‌توان ریسک سقط خودبه‌خودی و ناهنجاری‌های مادرزادی را کاهش داد^(۶).

از اصلی‌ترین اهداف مشاوره ژنتیک، مشخص کردن خطر وقوع یا تکرار یک بیماری ارثی است. تمام افرادی که هر یک از موارد زیر را در خود یا اجداد خود دارند، قبل از تصمیم به ازدواج یا قبل از فرزنددار شدن یا در حین حاملگی و یا بعد از زایمان باید تحت مشاوره ژنتیک قرار گیرند:

ازدواج‌های فامیلی، حاملگی در سن ۳۵ سال یا بالاتر، وجود نقایص مادرزادی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال رشد، نازایی یا سقط‌های مکرر، تکرار برخی بیماری‌ها در فامیل نظیر سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی، فشار خون بالا و بیماری‌های چند عاملی دیگری که ارث در آن دخیل است مانند دیابت، اختلالات لپیدی یا متابولیک و اختلالات رفتاری.

با پیشرفت و بهبود وضعیت مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه دوران کودکی و مبارزه با بیماری‌های عفونی، مرگ و میر اطفال کاهش یافته و منجر به افزایش توجه به اهمیت بیماری‌های ژنتیک در جامعه می‌گردد^(۷). در این میان نقش ژنتیک اجتماعی (Community Genetics) در بررسی اثر شهرنشینی، مدرنیزه شدن، کنترل جمعیت

و نیز تمایل به داشتن خانواده‌های کوچکتر، در میزان شیوع بیماری‌های اتوزومال مغلوب مهم به‌نظر می‌رسد. براساس آمارهای جهانی ۳ تا ۴ درصد مرگ و میر نوزادان به دلیل اختلالات ژنتیکی رخ می‌دهد.

ناهنجاری‌های مادرزادی، علت مهم مرگ و میر، موارد بستری، مشکلات خانوادگی و معلولیت‌ها در جامعه است. اختلالات مادرزادی گروهی از اختلالات آناتومیکی یا ساختاری هستند که به هنگام تولد وجود داشته و یا بعداً خود را بروز می‌دهند. این ناهنجاری‌ها در ۳ درصد متولدین زنده دیده می‌شود و علل آن‌ها در سه گروه عمده ژنتیکی، محیطی و محیطی-ژنتیکی قرار گرفته و بیشترین عامل موثر در بروز ناهنجاری‌های مادرزادی، علل ژنتیکی است. بالا یا پائین بودن سن مادر، ابتلا مادر به بعضی از بیماری‌ها، مصرف دارو، مواد شیمیایی و مواد غذایی خاص، ازدواج‌های خویشاوندی از عوامل موثر در بروز ناهنجاری‌های مادرزادی هستند. نکته مهم، ارجاع این قبیل خانواده‌ها برای مشاوره ژنتیک دقیق و علمی و و بررسی بیشتر و دقت در دوران حاملگی (قبل از هفته ۱۲ حاملگی) است که شامل نشانگرهای خونی نظیر (HCG, AFP β)، سونوگرافی دقیق جنین (anomaly scanning, detailed fetal) و در صورت لزوم نمونه‌گیری از پرزهای جنینی (CVS) یا آمنیوسنتز و بررسی مولکولی و سیتوژنتیک است.

در عین حال، حق انتخاب با زوجین است، چراکه برخورد قضاوت‌گونه و مستقیم و نهی از انجام این نوع ازدواج، در مشاوره ژنتیک مغایر با اصول اخلاقی در مشاوره ژنتیک بوده و غیر موثر به‌نظر می‌رسد.

در مطالعه موردی حسین و بیتل^(۸) ارتباط بین باروری و ازدواج همخونی در جمعیت‌های آسیایی (بیشتر هند و پاکستان) مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه ازدواج همخونی با برخی عوامل مستقیم و غیرمستقیم مؤثر بر باروری، شامل

سطح سواد کمتر مادر، سن کمتر مادر در هنگام ازدواج، استفاده کمتر از داروهای جلوگیری از بارداری و زندگی در روستا مرتبط شناخته شد.

اگرچه این بحث قابل تامل است که بیشتر فرزندان حاصل از ازدواج همخوانی کاملاً سالم هستند و منافع اجتماعی این امر بیش از ناهنجاری‌های مادرزادی و مرگ اطفال است، لیکن معلولیت نیز در این خانواده‌ها چیز کمیابی نیست و در صورت وقوع بیماری‌های اتوزومال مغلوب نظیر تالاسمی ماژور یا X linked نظیر هموفیلی و ... آسیب جدی به بیمار و خانواده وارد کرده و بار سنگینی بر سیستم مراقبت بهداشتی است.

بنابراین، بایستی به بیماری‌های ژنتیک که معمولاً در ایران کمتر مورد دقت قرار گرفته بیشتر توجه شود.

اکنون، زمان مناسبی است که با ثبت بیماری‌های ژنتیکی، میزان شیوع آن را در مناطق مختلف کشور و نژادهای گوناگون مورد مطالعه قرار داد و بودجه و امکانات بیشتری را برای آموزش متخصصان و کارشناسان مربوط در امر مشاوره ژنتیک صرف نمود. در این راستا توجه بیشتر به ژنتیک پزشکی در امر آموزش پزشکان و پیراپزشکان نیز از اولویت جدی برخوردار است.

بحث

سالانه به خاطر عوارض بارداری قریب به نیم میلیون زن و ۱۲ میلیون نوزاد در جهان از دنیا می‌روند^(۹). محققان ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که سلامت زنان در ایران می‌تواند از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار باشد. آسیب‌های فیزیولوژیکی، عارضه‌های پس از بارداری و زایمان از عواملی هستند که سلامت آنان را به مخاطره می‌اندازد.

آمارهای منتشر شده از سوی مرکز امور مشارکت زنان نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از زنان بین ۱۵ تا ۴۹ ساله دچار کم‌خونی هستند و این رقم در بعضی از استان‌ها به بیش از این مقدار هم می‌رسد. علاوه بر این، کمبود ید در زنان ایرانی دو برابر مردان اعلام شده است. پوکی استخوان (استئوپروز) نیز در زنان ایرانی شیوع بالایی دارد.

بر اساس منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران^(۱۰) در بخش اول، حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان (ماده‌ی ۳۳) بر حق باروری، بارداری، تنظیم و کنترل آن و بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات مناسب اشاره دارد. همچنین در بخش سوم، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان؛ فصل اول، حقوق و مسئولیت‌های سلامت جسمی و روانی زنان (مواد ۴۷ تا ۵۲) به حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسئولیت حفاظت از آن، حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار و...) و اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز، حق مشارکت زنان در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب برای پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان، حق زنان در انتخاب مرکز ارائه‌کننده خدمت در امر سلامت، براساس ضوابط اسلامی و استانداردهای علمی و پزشکی و بهره‌مندی از اطلاعات مناسب و کافی برای انتخاب آگاهانه و بهینه آنان و بالاخره به حق آگاهی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کنترل باروری و تنظیم خانواده اشاره می‌کند.

اکثر ناهنجاری‌های ژنتیکی قابل پیش‌بینی بوده و با در نظر گرفتن قوانین وراثت و مشاوره ژنتیک و انجام آزمایش‌های مختلف قبل از ازدواج‌های فامیلی، می‌توان از

تولد تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان معلول و عقب مانده ذهنی جلوگیری کرد. بایستی به بیماری‌های ژنتیک که در ایران معمولاً کمتر مورد دقت بوده بیشتر توجه شود و به تبع آن آموزش مسایل ژنتیک برای مادران که هسته‌های مهم سلامت جسمانی در خانواده هستند، مورد اهمیت قرار گیرد. امید می‌رود با انسجام نیروهای متخصص ژنتیک و همکاری پزشکان و سایر کارکنان بهداشتی درمانی و افزایش سطح آگاهی‌های مردم بویژه توسط رسانه‌های گروهی، تشخیص و درمان بیماری‌های ژنتیکی و پیشگیری از تولد نوزادان مبتلا، به نحو موثرتری صورت پذیرد تا شاهد جامعه‌ای شاد و سالم باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

1. Hussain R. (1999) "Community perceptions of reasons for preference for consanguineous marriages in Pakistan". *Journal of Biosocial Science* 31, 449-461..
- ۲) منبع حدیث: محمد غزالی، ۱۳۵۹، *احیاء علوم الدین*: آداب النکاح، آغاز ربع عادات، ص ۱۲۴. به این حدیث در کتاب *الحدائق الناظره* شیخ یوسف بهرانی ج ۳ ص ۱۸ و *تذکره الفقها علامه حلی* ج ۲ ص ۵۶۹ و *نهایه الاحکام* شیخ طوسی ج ۳ ص ۱۰۶ و *القواعد و الفوائد* شهید ثانی شیخ زین‌الدین ج ۱ ص ۳۸۱ قاعده ۱۲۷، *تلخیص الحییر* ابن حجر عسقلانی ج ۳ ص ۱۴۶ و کتاب *استفتانات جدید* آیه الله ناصر مکارم شیرازی جلد ۲ صفحه ۳۲۲ (۱۳۸۰) قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب(ع) نیز اشاره شده است.
- ۳) *ازدواج معصومین*، ابراهیم بابایی آملی. ۱۳۸۰ قم: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیا.
4. Mueller RF, Young ID. *Emery's Elements of Medical Genetics*, Edinburgh; Churchill Livingstone. Eleventh edition. 2001; pp100.
5. Saadat M, Ansari-Lari M, Farhud DD. *Consanguineous marriage in Iran*. *Ann. Hum. Biol.*, 2004, 31(2): 263-9.
6. Kendrick JM. *Preconception care of women with diabetes*. *J Perinat Neonatal Nurs*. 2004;18(1):14-25.
7. Bittles AH. Endogamy consanguinity and community genetics. *Journal of Genetics*, 2002, 81(3): 91-98.
8. Hussain R, Bittles AH. *Assessment of association between consanguinity and fertility in Asian populations*, *J. Health Popul. Nutr.*, 2004, 22(1): 1-12.

۹) سازمان جهانی بهداشت. بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰. ژنو ۱۹۸۱.

۱۰) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ۵۴۶، مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱.

**زنان مسلمان و شیوه‌های تأثیرگذاری
در نظام بین‌الملل**

لیلا سادات زعفرانچی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی

زنان مسلمان و شیوه‌های تأثیرگذاری در نظام بین‌الملل

مقدمه:

تحولات گسترده در جهان معاصر نشان از تغییرات شگرفی در وضعیت زندگی بشر دارد. منازعات و درگیری‌هایی نظامی در کشورهایی چون افغانستان و عراق پس از رخداد ۱۱ سپتامبر عدم پویایی و تأثیرگذاری سازمان ملل متحد را در عرصه جهانی به نمایش گذاشت. این در حالی است که توصیه‌های جهانی جهت تغییر نقش‌های به اصطلاح کلیشه‌ای زنان همچنان با ارائه معاهدات گوناگون نظیر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) به سیاستگذاران کشورهای اسلامی توصیه می‌شود.

نکته جالب توجه عدم دقت نظر محافل بین‌المللی بر آسیب و صدمات وارده به زنان و کودکان در مناطق جنگی عراق، افغانستان و آوارگی هزاران زن و کودک فلسطینی است که به‌وضوح به عنوان یک ظلم علیه این قشر بی‌دفاع و بی‌گناه در جهان مطرح است. تبیین جایگاه و منزلت والای زن در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به کوشش و تلاش دوباره دارد. در این میان زنان مسلمان جهان با تکیه بر مبانی الهی اسلام و با تکیه بر ادبیات مشترکی چون اخلاق، عدالت، ظلم ستیزی و... که می‌تواند همراهی اذهان عمومی زنان آزادی‌خواه جهان را به همراه آورد که در این راه پیشرو و حادّه‌آفرینند.

این مقاله می‌کوشد تا با ارائه نقطه نظرهایی پیرامون وضعیت زنان مسلمان در عرصه‌های تأثیرگذاری نظام بین‌المللی چون سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان‌های غیردولتی و..... به بهبود نقش آفرینی آنان در فضای جهانی بپردازد.

۱- زن مسلمان در فرایند جهانی‌سازی

صاحب‌نظران معتقدند که درگیری‌های آینده جهانی برپایه عوامل اقتصادی و سیاسی شکل نمی‌گیرد، بلکه براساس عوامل فرهنگی شعله‌ور خواهد شد. نزدیکی ملل با یکدیگر به واسطه پیشرفت ارتباطات و رشد تکنولوژی به طور مداوم و پویا و ارسال سریع آن به کشورها موجب شده است تا آموزش‌های جهانی یکپارچه و فضای گفت‌وگو در عرصه بین‌المللی بیش از پیش مهیا شود. ارتقای آگاهی جهانی و افزایش اطلاعات عموم مردم دورترین نقاط جهان، از دستاوردهای مثبت جهانی‌سازی به شمار می‌آید.

فضایی که ترسیم شد، در حالی انسان را احاطه کرده که فضای رایانه‌ای^۱ با این شعار که «بگذارید مقرراتی وجود نداشته باشد» گرایش به بی‌قانونی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی یا شأن اجتماعی را افزایش داده است. (ریتر، ۱۳۷۹)

در انبوه زیبایی‌های مصور در فرهنگ و هنر، آنچه قابل رؤیت است اصرار بر زندگی فارغ از هیاهو و از همه مهم‌تر به دور از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی است. در این فرآیند، انسان با دور شدن از معنویات، خواهان استفاده هر چه بیشتر از زمان و مکان و کلیه ابزارهای مالی است که بدون هیچ بی‌قید و شرطی، برای لذت و رفاه بیشتر، در اختیار او قرار می‌گیرد.

امروزه، کلیه وسایل ارتباط جمعی و ابزار اطلاع‌رسانی به‌گونه‌ای آشکار در دسترس کشورهایی است که از لحاظ قدرت صنعتی و برتری اقتصادی حرف اول را می‌زنند.

1. Cyber space

نتیجه این نظرگاه این است که معاملات فرهنگی بین غرب و کشورهای دیگر نامتعادل و نابرابر است، لذا جهانی شدن پدیده‌ای است که اساساً غربی به نظر می‌رسد و غیرغربیان در روند مواجهه نابرابری فرهنگی، ناچار از انقیاد و اطاعت از غرب می‌شوند. (فرهنگ، ۱۳۸۲: ۱۴۰ و ۱۴۱)

متفکران بر این عقیده‌اند که جوامع جدید در اواخر قرن بیستم، به دلیل رشد روزافزون ارتباطات فراملی، با بحران هویتی روبه‌رو هستند که در نهایت به «همسان‌سازی» و «هویت مشترک» مبدل خواهد شد. گرایش بیشتر به مقوله جهانی شدن، فروپاشی همه هویت‌های مستحکم فرهنگی، مصرف‌گرایی بین‌مللت‌ها، اشکال این «هویت مشترک» است. از آنجا که فرهنگ ملی، بیشتر در معرض تأثیرات خارجی قرار می‌گیرد، حفظ هویت به صورت دست نخورده برای انسان امروزی از هر زمان دیگر دشوارتر است؛ (مردانی گیوی، ۱۳۸۱: ۱۱۱ و ۱۱۴).

با گذشت زمان و رخدادهای تاریخی، ابهاماتی در فرضیه بالا پدید آمد. آنچه موجب بروز شبهه در امر «همسان‌سازی» فرهنگ شد، استواری بعضی اعتقادات و ارزش‌های ملی در جوامع بود. بسیاری از کشورها با وجود رنگ‌باختگی ظواهر فرهنگی، در آرمان‌ها و ارزش‌های خود راسخ بودند. در تاریخ معاصر، رویدادهای بسیاری برگوناگونی فرهنگ‌ها در عرصه جهانی دلالت دارند. بروز درگیری در کنفرانس حقوق بشر در «وین» طی چند ماهی که از انتشار مقاله «برخورد تمدن‌ها» می‌گذشت، بین غرب به سرکردگی وزیر امور خارجه وقت امریکا که «نسبی‌گرایی فرهنگی» را تقبیح می‌کرد و ائتلاف کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی که «جهان‌گرایی غربی»^۱ را نفی می‌کردند، نمونه‌ای از این رویدادها است؛ (امیری، ۱۳۷۵: ۹۷).

با رخداد یازدهم سپتامبر، بازگشت دوباره چندگونگی‌های ایدئولوژیکی در جهان مطرح شده است. در حالی که سیاستمداران و صاحبان قدرت در ایالات متحده آمریکا

1. Cultural Relativism.
2. Western Universalism

و حتی در برخی از کشورهای غربی هم پیمان، به ویژه در ایتالیا، اسلام را به‌عنوان دیدگاه متخاصم غرب و در واقع به منزله دشمن ایدئولوژی لیبرال دموکراسی مطرح کرده‌اند و سیاستمداران امریکایی و در رأس آنها رئیس‌جمهور این کشور، دنیا را بر بنیان ایدئولوژی و گرایش‌های اعتقادی به دو بخش «با ما یا بر ما» تقسیم کرده است، در کشورهای اسلامی حرکت‌های گسترده و مداومی در حمایت از مردم مسلمان افغانستان و مردم مظلوم عراق به چشم می‌خورد و در واقع صحنه‌های غیرقابل انکار یک تقابل ایدئولوژیک در جهان را به نمایش می‌گذارد؛ (پوراحمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۱).

ظهور و بازگشت چندگانگی‌های فرهنگی به‌عنوان نوعی مقاومت و چالش فرهنگی در مقابل فرآیند جهانی‌سازی، بیانگر این واقعیت است که جهانی‌سازی قادر نبوده است یک فرهنگ همگانی را به جهان عرضه کند. جهانی‌سازی فرهنگی آن هم با تأکید بر مبنای غربی و لیبرالیسم اگرچه توانسته است حضور خود را در عرصه مصرف، تجمل، زیاده‌خواهی و فراموشی انسان به اثبات برساند، توانایی ارائه یک ایدئولوژی تأمین‌کننده آرمان‌ها، اهداف و منافع تمامی ملل جهان را نداشته است.

شاید نظریه هانتینگتون^۱ مبنی بر جنگ تمدن‌ها خود اثناسی برایین مدعا باشد که تئوری پردازان غربی در ادامه حیات نظام بین‌الملل به این مشکل واقف‌اند و به دنبال راه‌چاره‌ای برای پر کردن این خلأ هستند. جنگ‌های اخیر دولت قدرتمند جهانی در منطقه خلیج فارس گویای این مطلب است که فرهنگ و جهانی شدن آن، اگر چه ابزار پر قدرت و تأثیرگذار بر توده‌ها است، لیکن اهداف استعماری سرمایه‌داری را به طور کامل تأمین نمی‌کند؛ و لذا در زمانی که رسانه‌های ارتباطی نمی‌توانند به عمق اعتقاد ملت‌ها نفوذ کنند و موجب شوند آنها از مواضع خود عقب‌نشینی کنند، حضور نظامی و برتری قدرت تسلیحاتی، کارت برنده‌ای در دست صاحبان قدرت در عرصه بین‌المللی است.

1. Hantington

«زیکمونت باومن» معتقد است پس از جنگ سرد، گرایش‌های بنیادگرایانه همان قدر در جهانی شدن مشروعبیت دارند که گرایش‌های طرفدار آمیزش فرهنگی در این فرآیند نقش بازی می‌کنند؛ (باومن، ۱۹۹۸: ۳-۲).

یکی از ایده‌های مطرح در جهانی‌سازی، حل مسئله ارتباط زن و مرد است. در این زمینه غیر از طرفداران جهانی‌سازی، پست مدرن‌ها نیز معتقدند سرنوشت بشریت بستگی به آن دارد که رابطه زن و مرد از حالت سنتی و مذهبی خارج شود و با وضعیت پست مدرن، متناسب گردد، یعنی رابطه زن و مرد از حالت رابطه خویشاوندی به مثابه تمهیداتی برای تثبیت پیوندهای اجتماعی تبدیل شود؛ (نوروزی، ۱۳۷۹: ۷۳۶).

به هر حال زن در جهانی‌سازی براساس ارزش‌های غرب به عنوان جزئی از جامعه باید در اختیار اقتصاد جهانی باشد، و در این راه خانواده، ارزش‌های اخلاقی و سنتی و سایر موارد نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و یا کنار گذاشته می‌شود.

جهانی شدن در صورت برخورد مناسب و غیرانفعالی از سوی نخبگان جهان، می‌تواند به عنوان حربه‌ای مهم در دست مردم جهان باشد تا از منافع خود محافظت کنند و افکار خود را آنگونه که می‌خواهند پیاده نمایند. به عبارت دیگر ارتباط نزدیک‌تر مردم جهان با یکدیگر امکان ارائه نظرات قوی‌تر و منطقی‌کارتر را فراهم می‌کند، به شرط آنکه صاحبان اندیشه برتر بتوانند از این فرصت استفاده و تهدیدهای پیش‌آمده را به فرصت‌های مغتنم تبدیل کنند. در این راستا، مسلمانان جهان باید پیشتاز مردمی باشند، که از جهانی شدن به بهترین نحو در جهت مهمترین هدف خود که ایجاد همدلی در جهان است، بهره‌برند و با استفاده از امکانات منحصر به فرد جهانی شدن و برخورد صحیح با آن، اندیشه‌های درخشان اسلام اصیل را که سالیان زیادی در غربت عزلت گرفتار شده است به سراسر جهان ابلاغ نمایند. اسلام، اولاً منشاء کرامت را «تقوی» می‌داند، و ثانیاً زن و مرد را از یک «جنس» برمی‌شمارد، ناگفته پیداست هیچ کرامت از قبل تعیین شده‌ای برای هیچ‌یک از جنس زن و مرد نمی‌شناسد و تنها میزان و حدود تقوی در هر فرد را ملاک و میزان کرامت و بزرگی در انسان تعیین می‌کند.

بنابراین، اگر در طول قرن‌های متمادی، همین آیات ملاک قرار می‌گرفت، این‌گونه ظلم مضاعف از سوی اجتماع به زنان تحمیل نمی‌شد؛ (حقیقت‌بین، ۱۳۸۲: ۵۶).

در پیش الهی اسلام، تکامل‌گرایی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزش‌ها و ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه است. مسائل زنان تنها به مسائل حقوقی آن‌هم در قبال مردان، محدود نمی‌گردد، بلکه زنان باید خود را عنصری مؤثر در تغییر ارزش‌ها، باورها و اخلاقیات جامعه بدانند. برخلاف بعضی تفکرات دیگر، از منظر اسلام، زن صرفاً به خود دعوت نشده است و به رعایت مصالح خود توجه نمی‌کند، بلکه به کمال عمومی جامعه و مشارکتی که می‌تواند در دستگیری از افراد دیگر جامعه و حتی در سطح کشورهای اسلامی و بالاتر از آن «مستضعفین فی الارض» بنماید، فراخوانده شده است.

حاصل آنکه تکامل‌گرا نبودن زن در جهانی‌سازی غربی مبدأ انزوای او، و انزوای او مبدأ اسارت او و اسارتش مبدأ حقارتش و حقارتش مبدأ فساد وی گشته و جامعه‌ای که با چنین چالشی رو به رو گردد، از سرانجام خوشایندی برخوردار نخواهد بود.

طبیعی است گشودن چنین افق‌هایی از امید فراروی فعالیت زنان بسیار متفاوت با شرایط و ایده‌آل‌هایی است که در امر جهانی‌سازی فراروی زنان جوامع قرار می‌گیرد و به صورتی سراب‌گونه آزادی و برتری بر مردان را به عنوان هدف غایی به آنان نوید می‌دهد.

زایش جنبش‌های عدالت‌جویانه را می‌توان از مهمترین پیامدهای جهانی شدن دانست، زیرا آگاهی، عدالت‌زاست و زایش عدالت باید همراه با جنبش‌های عدالت‌جویانه باشد. در این میان زنان مسلمان در صورت برخورد جدی، می‌توانند دارای نقش تعیین‌کننده و حتی نقش پیش‌تاز و رهبرگونه (همانطور که در انقلاب اسلامی مشاهده شد) باشند، به عبارت دیگر، از آنجا که زنان معمولاً وابستگی کمتری به منابع قدرت دارند و می‌توانند آلام جامعه بشری را بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر درک کنند و به شکل گسترده‌تری هم نسبت به بی‌عدالتی‌ها از خود واکنش نشان می‌دهند.

زنان مسلمان با گرفتن ابتکار عمل می‌توانند امکان دستیابی به اهداف اصیل اسلام را فراهم نمایند، که همانا ابلاغ رسالات الهی، عدالت‌جویی، پیکار با ظلم، هدایت مردم به سوی رستگاری و آشنایی مردم جهان با حقایق اسلام و... است. این ویژگی‌های مهم می‌تواند آنان را پیش‌تاز جنبش‌های عدالت‌خواهانه نماید. در این راستا ارتباط کانون‌های زنان مسلمان سراسر جهان در بستر جهانی شدن می‌تواند این نقش مهم را برجسته‌تر نماید.

۲- سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان

یکی از مهمترین مکانیزم‌هایی که در دنیای جهانی شده مدنظر است، کارکرد سازمان‌های غیردولتی است. این سازمان‌ها بصورت خودجوش و با توجه به قابلیت‌ها و کارایی‌های ذاتی خود به فعالیت می‌پردازند و بدون اتکا به بودجه دولتی اهداف مورد نظر خود را دنبال می‌کنند. در این میان زنان کاراثرترین و مؤثرترین اعضای سازمان‌های غیردولتی را تشکیل داده‌اند. این قابلیت مهم زنان، متأسفانه بیشتر در جنبش‌های فمینیستی نمود عینی داشته است. بنابراین، همانگونه که اخیراً در گردهمایی بزرگ زنان اروپایی اعلام شد، زنان جهان باید به‌جای «تساوی» در همه جنبه‌ها در پی ایجاد روابط عادلانه با مردان باشند. فرمول فوق اگر به‌جای مرد ستیزی در دستور کار سازمان‌های غیردولتی زنان قرار گیرد، می‌تواند با توجه به ویژگی خلاقیت زنان، جهان را هر چه سریع‌تر به ایستگاه عدالت جهانی وارد نماید؛ (حقیقت‌پیان، ۱۳۸۲: ۶۲).

امروزه حضور گسترده سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان در کنفرانس‌ها، نشست‌ها، همایش‌ها و سمینارهای بین‌المللی بر روند شکل‌گیری مصوبات بین‌المللی تأثیر چشمگیری داشته است. از آنجایی که ابقای صلح و امنیت بین‌المللی عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و توانمندسازی زنان است، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان خواستار کاهش هزینه‌های نظامی در سراسر جهان و همچنین

کاهش تجارت، خرید و فروش و تکثیر بین‌المللی اسلحه شده‌اند. در اکثر کشورها هزینه‌های زائد بر نیاز از جمله هزینه‌های نظامی جهان و سرمایه‌گذاری در راستای تولید و تحویل اسلحه، منابع موجود برای توسعه اجتماعی را کاهش داده است، که فشار ناشی از آن بیشتر بر زنان و کودکان تحمیل می‌شود. همچنین حمایت از مذاکرات بی‌درنگ جهت انعقاد پیمان جامع و عام، منع آزمایش‌های سلاح‌های اتمی و... از دیگر خواسته‌های سازمان‌های غیردولتی زنان در سراسر جهان است. برطرف کردن تمامی این خواسته‌ها تقویت تلاش‌های جهانی برای ترویج فرهنگ صلح، عدم خشونت و تحقق دکترین گفت‌وگو را می‌طلبد. زنان مسلمان و سازمان‌های تشکیل یافته آنان در کنار هنرمندان، متفکران و اندیشمندان و شاید پیشروتر از آنان، قهرمانان حقیقی و راستین میدان گفت‌وگویند؛ (مولاوردی، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

هم‌اندیشی پژوهش و عملکرد زنان مسلمان به عنوان یک سازمان غیردولتی از سال ۱۹۷۶ در سریلانکا به منظور بررسی چهره زن مسلمان آغاز به کار کرد، این مؤسسه در سال ۱۹۸۶ به ثبت رسید. از اهداف این سازمان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ارتقای آگاهی زنان مسلمان سراسر دنیا به حقوق و جایگاه اجتماعی خود.
- توانمندسازی زنان برای تشخیص ظرفیت‌های وجودی خود.
- ایجاد نشست‌های ملی و بین‌المللی به منظور توجه به مسائل زنان مسلمان.

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان در پیگیری مسائل جهانی و مختص بانوان، تلاش می‌کنند، رشیده شوئیب^۱ استاد دانشگاه مالزی می‌گوید: اگرچه تنوع زیادی در جهان اسلام دیده می‌شود، اما این تمایل برای نهادینه شدن هم‌بستگی در جوامع اسلامی به‌خصوص فعالان موضوعات زن چشمگیرتر است؛ (NGO Forum-2004).

خدیجه حفاجی^۱ که از فعالان مسلمان زن در دانشگاه اتاوا کانادا است اظهار می‌دارد: بیش از ۶۰ سازمان غیردولتی مسلمان از ۱۲ کشور در کنفرانس پکن حضور داشتند که می‌توانستند ایمان و مذهب را در این سند وارد نمایند، لیکن این فرصت را از دست دادند. وی اذعان می‌دارد که صدای زنان مسلمان با نظرگاه اسلامی به صورت مشخصی خاموش می‌شود. وی بیان می‌دارد که در کارگاهی برای موضوع زنان مسلمان فعالیت کرده است و برگزار کنندگان آن غیرمسلمان‌ها بوده‌اند اما اجازه صحبت در مورد زنان مسلمان و وضعیت آنان به ایشان داده نشده است؛ (Beijing plus five).

نکته مهم در دقت نظر فعالان سازمان‌های غیر دولتی بانوان مسلمان، ارائه چهره‌ای دقیق از وضعیت موجود زنان در جهان، بحران‌ها و چالش‌ها و طرح سنوال بزرگی در اذهان جامعه جهانی است که: «چه باید کرد؟».

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...^۲
 بگو ای اهل کتاب بیاتید از آن کلمه حق که میان شما یکسان است (و همه حق می‌دانیم) پیروی کنیم (و آن کلمه این است) که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم...

دقت در مضمون آیه شریفه روشن می‌سازد که نمایندگان سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان باید با دقت نظر بر مشترکات ادیان و ملل و کشف زبان مفاهمه یکسان در جهت ایجاد همدلی زنان در نظام بین الملل کوشا باشند. رتبه‌بندی اولویت‌ها در امر رسیدگی به مشکلات زنان در جهان، بحث وحدت زنان، بازگشت به تعالیم الهی، برقراری عدالت و بازگشت به اخلاق در کنار ظلم ستیزی و کشف نقاط اصلی علل سقوط منزلت بانوان در جهان از جمله محورهای کلیدی برای ارائه زبان مشترک و ادبیات یکسان گفت‌وگو در نظام بین الملل است.

به‌نظر می‌رسد، آنچه پیش از همه اذهان شرکت کنندگان مسلمان زن را در نشست‌های بین‌المللی به‌خود معطوف نموده‌است، ارائه پاسخ‌های مناسب و قابل توجه به شبهات وارده به احکام اسلامی (از جمله قانون ارث، دیه و...) است. اگر چه لزوم اهتمام به این مهم بر کسی پوشیده نیست، لیکن ایستایی اعضای سازمان‌های غیردولتی و فعالان سیاسی زنان مسلمان در این جایگاه و عدم تلاش برای حضوری مؤثر و ارائه طرح برتر جهانی می‌تواند از نقاط ضعف جهت‌گیری اعضای سازمان‌های غیردولتی به شمار رود.

هدف اصلی زنان مسلمان از شرکت در نشست‌های بین‌المللی، جریان سازی در نظم بی‌قاعده جهانی است و برگ برنده بانوان مسلمان، بیان مقاومت در مقابل زور و استکبار جهانی، رشادت‌های زنان مسلمان فلسطین و طرح شعار مبارزه با مستکبران و همدلی با مستضعفان عالم است.

هوشیاری سازمان‌های غیردولتی زنان مسلمان در استفاده از فرصت‌های پیش آمده به منظور تأثیر بر اذهان بیدار و آزادی‌خواه جهان، حادثه آفرینی و ارائه طرح برتر الگوی زنان عالم در نظام بین‌الملل و ارائه شاخصه‌های نوین جهت ارزیابی منزلت زنان از نقاط کلیدی موفقیت در ارائه چهره اسلام عزیز به جهانیان به‌شمار می‌رود. امروزه جهان بیش از هر زمان دیگر خواهان منادیانی است که آوای عدالت و حق‌طلبی را خارج از چهارچوب بی‌قاعده نظام جهانی طرح نمایند.

۳- سازمان کنفرانس اسلامی و نقش زنان مسلمان

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان تنها سازمانی که با انگیزه پیگیری نگرانی‌های کشورهای اسلامی در سه دهه پیش تشکیل گردید، اکنون پس از پشت سر گذاردن فراز و نشیب‌های مختلف، در صدد است تا با دستور کاری به وسعت تمامی موضوعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مورد علاقه ۵۶ کشور عضو، مشارکت خود را در صحنه بین‌المللی افزایش دهد. از جمله موضوعاتی که در دستور

کار اجلاس مورد توجه اعضا قرار گرفته، بحث زنان و چگونگی مشارکت آنان در جوامع اسلامی است.

اولین اجلاس سران این سازمان در سال ۱۹۶۹ در ریاض، پایتخت مراکش تشکیل گردید. در این اجلاس و اجلاس بعدی سران، وزیران خارجه کشورهای عضو از زنان و کودکان فلسطینی و سایر کشورهای اسلامی که در جنگ به سر می‌بروند و یا مستعمره سایر کشورها بودند، حمایت کردند. در واقع به دلیل مسائل و مشکلات فراوان از جمله درگیری‌ها و اختلافات بین کشورهای اسلامی عضو و سایر کشورها از جمله فلسطین، کشمیر و قبرس و همین‌طور فرایند تدریجی نهادینه شدن سازمان تا اوایل دهه ۸۰، شاهد طرح برخی مباحث به طور مستقل در بخش فرهنگی و سیاسی از قبیل حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان بوده‌ایم.

در چهاردهمین اجلاس وزرای خارجه در بنگلادش (۱۹۸۳)، قطعنامه‌ای تحت عنوان سازمان بین‌المللی زنان مسلمان به تصویب رسید که به پیشنهاد جمهوری اسلامی پاکستان مطرح شد. از این اجلاس به بعد شاهد تصویب قطعنامه‌های متعدد مربوط به سازمان بین‌المللی زنان مسلمان و ایفای نقش زنان در جامعه اسلامی هستیم.^۱

فعالیت در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی، زنان را برای دستیابی به حقوق مختلف خود با تکیه بر قوانین و مقررات اسلامی یاری می‌کند. وحدت زنان مسلمان و تشکیل سازمان‌های زیرمجموعه‌ای سازمان کنفرانس اسلامی، آنان را در تغییر تفکر در فضای پیرامونی جوامع، برنامه‌های ملی و بین‌المللی و اصلاح قوانین و مقررات برای بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توانمند می‌سازد. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و حوزه خلیج فارس همچنین به دلیل اشتراک در فرهنگ اسلامی، با تبادل

۱) مرکز امور مشارکت زنان، امور بین‌الملل ایران و ارتقای نقش و جایگاه زنان در سازمان کنفرانس اسلامی، بهمن ۱۳۸۳.

تجربیات خود می‌توانند راه بهبود شرایط و پیشرفت زنان را با اتکاء به فرهنگ غنی اسلام طی نمایند.

۴- زنان مسلمان طلایه‌داران آزادی و عفاف

با گذشت زمان و عدم تعهد جوامع به رعایت قوانین الهی، سرنوشتی دیگر برای زنان رقم خورد به گونه‌ای که جاهلیت مدرن، جایگزین جاهلیت اولی گردیده‌است، بنابراین نه تنها وضعیت زنان بهبود نیافته، بلکه علیرغم ادعای صاحبان به اصطلاح اندیشه‌های نوین، باز هم شاهد سیر نزولی منزلت زنان هستیم. رسیدن به جایگاه ارزشمند انسانی برای زن، که می‌بایست با بهره‌گیری از عقل و حکمت آمیخته با وحی حاصل شود تا وی به راه هدایت و رشد و تعالی برسد، متأسفانه و در عرصه جدال حق و باطل، بهره‌گیری توأمان از عقل و دین از یاد رفته‌است.

ویلیام جیمز^۱، نویسنده آمریکایی می‌گوید: «هرگاه بشر سالم زندگی کند، حتماً خدا را تجربه کرده است.» اما متأسفانه با از یاد رفتن قوانین و احکام خدایی، تجربه خدا از یاد می‌رود، در نتیجه سیر قهقرایی زندگی بشر آغاز می‌گردد، که وی را تا مرحله پست حیوانیت سوق می‌دهد. در این میان زنان نسبت به مردان تحت ظلم مضاعف قرار می‌گیرند و اعتراض‌های آنان ثمربخش واقع نمی‌شود. این نوع نگرش به زن، سبب اعتراض جامعه زنان غربی شده و جنبش زنان برای کسب جایگاه انسانی خویش پای می‌گیرد.^۲

این جنبش‌رهایی‌بخش در ابتدا آزادی زن را از ظلمی تاریخی نوید می‌داد، اما به مرور زمان به چالش‌های جدی دچار گردید. به گفته خانم سوزان فالودی^۳ در کتاب

1. William James

۲) آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه دکتر هما زنجانی‌زاده.

3. Sosan Faludi.

بک‌لش^۱ (تازیانه بر پشت) در پس این شادی و سرور و بزرگداشت پیروزی زنان آمریکایی و در ورای اخباری که همواره و بی‌وقفه تکرار می‌شود که مبارزه برای حقوق زن به ثمر نشست، پیام دیگری بروز می‌نماید. این پیام به زنان می‌گوید: «اکنون شما آزاد و برابر هستید، ولی هیچ وقت بدبخت‌تر از این نبوده‌اید.»

اما سؤال اساسی این است که چرا مدرنیته و مدرنیسم به سمتی حرکت کرد که حقوق، جایگاه، نقش و هویت واقعی زنان را نادیده انگاشت؟ با جست‌وجو در مبانی معرفت‌شناختی^۲ حاکم بر دوران مدرنیته و مدرنیسم باید گفت، آنچه در مدرنیسم اتفاق افتاد، روند معرفت‌شناختی مبتنی بر بنیادگرایی و عینیت‌گرایی^۳ بوده است، به این معنی که آنچه عینیت‌پذیری آن بیشتر باشد، ارجحیت و اعتبار بیشتری دارد. بنابراین، تأکید بر بنیادهای ثابت و ویژگی‌های متأثر از آن همچون طبیعت ثابت و متفاوت زن و مرد به تدریج باعث این ایده و تصور شد که آثار و خدمات مردان در جامعه عینیت و ظهور بیشتری دارد و زنان قادر به ارائه چنین نقشی در امر توسعه نیستند، به همین دلیل نگرش معرفت‌شناسی مدرنیته کم‌کم به حوزه قضاوت‌های انسان‌شناختی نیز وارد شد و زنان موجوداتی تصور شدند که توان و حق برابری و رقابت با مردان را ندارند. در نتیجه در دوران مدرنیته و مدرنیسم، عینیت‌گرایی به صورت غلبه و سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر و انسانی بر انسانی دیگر جلوه‌گر شد؛ (Bleich, 1990: 132).

خانم وندی شلیت^۴ در کتاب «بازگشت به عفاف»^۵ می‌نویسد:

«قرار بود دوران ما، دوران آزادی بزرگ باشد، در حالی که اغلب مردم اکنون ناگزیر هستند به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، اجازه دهند تا برای آنان انتخاب

1. Back lash.

2. Epictemological.

3. Objectemological.

4. Wendy shalit

5. A Return to Modesty.

کند. برخلاف آنچه می‌پنداریم، گزینش‌های ما به ندرت از درون ما سرچشمه می‌گیرد. به عبارتی می‌توان گفت که انتخاب‌های ما همواره به ما «داده» می‌شوند. پس اکنون که قرار است چنین باشد، چرا به جای اینکه اجازه دهیم به عنوان مثال مؤسسه نظرسنجی گالوپ برای ما تصمیم بگیرد، این گزینش‌ها را از خداوند و از سستی که پر از گنجینه‌های حکمت است، دریافت نمائیم؟

خانم شیلت ابتدا به پوشش موقرانه در کشورهای اسلامی اشاره می‌کند و مطلبی را از مجله آتلانتا نقل می‌نماید:

«در ترکیه، کویت و دیگر کشورهایی که حجاب در آنها الزامی نیست، زنان بنیادگرا از «پاک‌دامنی‌رهای بخش» سخن می‌گویند.»^۱ (Atlanta, 1992).

وی همچنین به مطلب خبرنگار مجله فایننشال تایمز در مورد مصر اشاره می‌کند: «بسیاری از والدین از تصمیم دخترشان مبنی بر استفاده از پوشش سستی گنج شده‌اند. مونا، فارغ‌التحصیل جوانی که در یک بانک خارجی کار می‌کند، علی‌رغم میل والدین و برادرانش، اخیراً پوشش اسلامی را انتخاب کرده و معتقد است که این نوع لباس به هیچ‌وجه فعالیت او را مختل نمی‌کند. او می‌گوید این نحوه پوشش او را قابل احترام می‌سازد» (walker-1989). این بازگشت به پاک‌دامنی در قالب پوشش، تنها متعلق به کشورهای اسلامی نیست. چنین به نظر می‌رسد که در آمریکا نیز حدود ۱۹۸۹ انقلابی در موضوع پوشش آغاز شده است. مجله تایمز از «موج عظیم گرایش به پاک‌دامنی» سخن می‌گوید و نشریه پوشش زنان گزارش می‌دهد^۲ که تقاضا برای لباس‌های پوشیده سال به سال افزایش می‌یابد و این افزایش به سبب «تغییراتی است که در فضای اجتماعی به وجود آمده است.»

عملکرد زنان بخصوص زنان مسلمان در جهان گویای آن است که امروزه حجاب

-
1. Deborah Scriggins, "women of the Veil", Atlanta journal and constitution, June 28, 1992.
 2. Women's wear Daily, 1991

هم پوششی منتسب به مکتبی فکری و مذهبی در نظام بین‌الملل است و هم نشانه‌نوعی بیش‌به‌منظور نشان دادن اختیار فردی زنانی است که به سادگی، آزادی و انتخاب خود را به دست دیگران نمی‌دهند. حجاب بانوان مسلمان نمادی از یک حرکت خروشان است که با طی مرزهای جغرافیایی، ریشه‌های خود را به سرتاسر جهان می‌گستراند و اذهان زنان حق‌جو و آزاده جهان را با خود همراه می‌نماید؛ و همین امر است که در تقابل با دیدگاه‌های مادی و انسان‌مدار غرب همواره مستکبران جهانی را به ضدیت با این نحوه تفکر وادار می‌کند. اگرچه به نظر می‌رسد انتخاب نوع پوشش از ارکان اصلی آزادی به‌شمار می‌رود، اما چرا مدعیان آزادی در جهان اینگونه بی‌رحمانه با این باور و اعتقاد مبارزه و مخالفت می‌کنند؟

امروزه حجاب نمادی از یک مبارزه است، مبارزه زنان آزادی‌خواه جهان با نظام سلطه جهانی. طی سال‌های اخیر رسانه‌های غربی سعی دارند چهره زنان مسلمان و حجابشان را بدجلوه دهند، یعنی موجوداتی بدبخت و اسیر توتم‌ها و سنت‌های کهنه که ناامیدانه چشم به جهان متمدن دارند تا جنبش‌های رهایی‌بخش زنان، آزادی را برای آنان به ارمغان آورد. غرب، با ظرافت سرگرم اینگونه هجمه‌های فرهنگی، علیه حجاب زن مسلمان در کشورهای اسلامی بود که ناگهان فریاد حجاب‌خواهی از قلب اروپا و از سوی زنان و دختران تازه مسلمان سر برآورد.

تیری دوبومن، روزنامه‌نگار معروف فرانسوی، می‌نویسد: «از زمانی که اسلام را مورد مطالعه قرار دادم، مسلمان شدن زنان فرانسوی همواره تعجب مرا برمی‌انگیخت. به‌ویژه تعداد زنان مسلمان شده فرانسوی حدود صد هزار نفر است. همیشه این سؤال را مطرح می‌کردم که چرا زن فرانسوی، آزادی و برابری خود را که ثمره ده‌ها سال تلاش است، با اعتقاد به دینی که به گفته غربیان حقوق زن را پایمال می‌کنند، به تدریج از دست می‌دهد؟

به نظر می‌رسد، موج اسلام‌خواهی و در پی آن حجاب‌خواهی در غرب، قبل از

آنکه نیازمند تحلیل جامعه‌شناسانه باشد، نیازمند تحلیلی روان‌شناختی است. «اسلام‌خواهی» در غرب علاوه بر آن که یک جریان اجتماعی است، یک خواش و نیاز عمومی است. زنان مسلمان غرب، حجاب را حق و تکلیف خود می‌دانند. انسان برای رشد و تکامل نیازمند محیط باز اجتماعی و آزادی اجتماعی است، هم‌چنان که روح نیازمند رهایی از تعلقات است، عفت و پاکدامنی از جمله نیازهای اساسی روح انسان‌هاست تا به وسیله آن فرد و جامعه، با آزادی از بند شهوات، مسیر رشد و کمال را پیمایند، همین‌طور حفظ عفت از طریق حجاب، نیازی است اساسی و به همین دلیل یک حق است.

تصویب قانون منع حجاب در فرانسه و آلمان، اولین اعلام و اعتراف رسمی دولت‌مردان اروپا به اسلام است که، پایه‌های فرهنگی تمدن سرمایه‌داری را به لرزه در آورد.

منع حجاب، محدود به مدارس فرانسه نماند و به سراسر اروپا کشیده شد. منع حجاب در فرانسه، سرآغاز یک حرکت علنی و رسمی علیه رشد و گسترش اسلام در غرب بود. یکی از مقامات رسمی دولت فرانسه در مصاحبه با خبرگزاری BBC درباره علت تصویب قانون منع حجاب می‌گوید: «این قانون وسیله‌ای است برای دفاع از فرانسه و اروپا در برابر گسترش اسلام».

از این پس تظاهرات شهرهای اروپا منحصر به افزایش حق دستمزد، معضل بیکاری و حفظ محیط زیست نخواهد بود، بلکه سیر تظاهرات به سمت بسط و تعمیم ارزش‌های اخلاقی و معنوی از حوزه فردی به حوزه‌های مختلف اجتماعی پیش خواهد رفت.

مسلمانان و دیگر شهروندان شعارها و حرف‌هایی در این تظاهرات‌ها، مطرح می‌کنند که نشان از تحولی عمیق در بطن فرهنگی جامعه اروپا دارد. در تظاهرات لندن علیه منع حجاب خانم «سلما یعقوب» مسئول ائتلاف «جنگ را متوقف کنید»، خطاب

به جمعیت می‌گوید: «این حمله به حجاب ما، ادامه همان جنگ با تروریسم است... من به شما می‌گویم که چه ارتباطی بین آن دو وجود دارد. اگر آنها این جنگ با تروریسم را به راه نینداخته بودند، نمی‌توانستند به خوبی به مسلمانان اروپا حمله کنند. آنها باید به گونه‌ای دروغ‌هایشان را توجیه کنند... آنها اعلام کردند که ما برای حفظ حقوق زنان مسلمان در افغانستان به آنجا حمله می‌کنیم. پس چرا حقوق زنان مسلمان را در اینجا رعایت نمی‌کنند؟ افراط‌گرایی طالبان به همان میزان غیرقابل قبول است که افراط‌گرایی بنیادگرایی بنیادگرایان سکولار، اینجا در فرانسه.»^۱ (مؤید، ۲۰۰۶)

نتیجه تلاش برای سرکوب موج اسلام‌خواهی و حجاب موجب شد حجاب، به نماد هویت زنان مسلمان در غرب تبدیل شود. تصویب قانون منع حجاب، آغاز تحولات عمیق فرهنگی - اجتماعی جدید در اروپا است. در این گفتمان جدید، آزادی معنوی در کنار آزادی اجتماعی، عدالت در کنار توسعه و اخلاق در کنار علم و فن خواهد بود.

۵- زنان مسلمان و بازگشت دین به عرصه بین‌الملل

در قرون اخیر، توجه به مسائل زنان، عمدتاً از دو ناحیه مختلف، با اهداف متفاوت و گاه متضاد دنبال شده است؛ گروه اول، زنانی که باور دارند در طول تاریخ، جایگاهشان فرودست است و باید مسیر حرکت تاریخ را به سمت رشد و اقتدار زنان، هدایت کنند؛ و گروه دوم، نظام سرمایه‌داری است که با استفاده از فرصت، سعی دارد جنبش اجتماعی زنان را در مسیر اهداف خود به خدمت بگیرد. «تجدد» در دوران معاصر فریبنده در جهان دیگر وارد شده و سلطه امپریالیسم را حاکمیت می‌بخشد.

۱) م. مؤیدی، تحلیلی برچالش نظام سرمایه‌داری با حجاب زن مسلمان و راه سوّم، پایگاه رسمی، انتشارات سوره مهر، ۱۵/۵/۲۰۰۶

فرانسیس فوکویاما، انقلاب فاجعه‌آمیز جنسی و اقتصادی را «فروپاشی بزرگ» نام داده، فروپاشی‌ای که بی‌تردید هم‌اکنون به وقوع پیوسته است. (fox-gelovefe-2002)

به قولی دیگر نظریه سود حداکثر و استیلا بر بازارهای جهانی، زمینه‌ساز فرهنگ عجیب و مبتدلی است که همه چیز را در خود فرو می‌برد. مشکل اصلی بعضی کشورها و به‌خصوص کشورهای اسلامی جدا نمودن این دو محور یعنی تجدد از اهداف توسعه و دیدگاه سرمایه‌داری است. تصور تجددی که بر پایه فلسفه مادی بنا شده باشد و از جانبی به هویت و ارزش‌های پایدار جامعه و به‌خصوص دین و دیانت اصالت دهد، پوچ و بیهوده است. جدایی دین از سیاست که از دیر باز به عنوان راه چاره‌ای جهت نفوذ در کشورهای دین‌مدار پی‌ریزی شده، خود گویای این واقعیت است.

در دکترین مادی‌گرایی، کلیه احاد جامعه اعم از زن و مرد در بحران‌اند و بزرگ‌نمایی مشکلات قشر زن که بعضی ریشه در تاریخ خاص تمدن غربی دارد تزویر دیگری جهت سرپوش نهادن بر این سیل ویران‌کننده است؛ (یاس، ۱۳۸۱: ۱۰).
خانم بتی فریدان^۲ وضعیت آرمان‌گرایی زنان را در جوامع غربی چنین طرح می‌کند:

«اکنون زنان به یک بحران جدید هویت مبتلا شده‌اند که اسم خاصی ندارد. چطور ممکن است زنانی که در چنین مشکلات و بحران‌های بغرنج و خطرآفرینی به سر می‌برند، خوشبخت نامیده شوند. اگر زنان به آنچه می‌خواستند رسیده‌اند، پس دیگر مشکل چیست؟ جواب این معما یک چیز بیشتر نیست و آن همان برابری حقوق مرد و زن است که موجب همه این بلایا شده است. زنان افسرده و غمگین هستند چون آزادند، زنان اسیر و برده‌آزادی خود شده‌اند... حرکت و نهضت زنان برای کسب

1. Francis Fukuyama

2. Betty Friedan

آزادی و برابری که بارها در گوش ما زمزمه می‌شد، دشمن سرسخت خود زنان شده است.^۱

به گفته شهید استاد مطهری: «در این نهضت به این نکته توجه نشده که مسائل دیگری هم غیر از تساوی و آزادی هست. تساوی و آزادی شرط لازم‌اند نه شرط کافی. تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق مطلب دیگر. برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و همگنی و همسانی چیز دیگری. در این نهضت سهواً یا عمداً تساوی به جای تشابه به کار می‌رود و برابری با همانندی یکی شمرده می‌شود و کیفیت، تحت‌الشعاع کمیت قرار می‌گیرد و انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن وی می‌گردد. بدبختی‌های قدیم غالباً معلول این جهت بود که انسان بودن زن به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی‌های جدید از آن جهت است که عمداً یا سهواً زن بودن و موقعیت طبیعی و فطری‌اش، رسالتش، تقاضاهای غریزه‌اش، استعدادهای ویژه‌اش به فراموشی سپرده شده است.»^۲

لذا طرح احقاق حقوق بانوان در جوامع غربی به تدریج با شعارهایی مبنی بر حذف اعتقادات، ارزش‌ها و به‌خصوص مذهب توأم شد و این نقطه سرآغازی بود جهت تفکیک حوزه‌های آرمانی زنان معتقد به مکاتب و مذاهب و زنانی که مذهب و اخلاقیات را به عنوان سدی در مقابل ارتقاء وضعیت خویش می‌دیدند. جنبش‌های زنان در جوامع اگرچه براساس ظلم تاریخی صورت گرفته بر آنها ظهور نمود، لیکن به دلیل حذف ارزش‌ها، سنت‌ها و به‌خصوص اعتقادات مذهبی به بیراهه رفت.

امروزه فمینیست‌ها نمی‌توانند پیامی را بپذیرند که بویی از مسیحیت داشته باشد. در حقیقت کلیسا از نظر آنان یک نهاد پدرسالار است که در فرهنگ جامعه جایی ندارد. متأسفانه این اعتقاد اکثر سخن‌گویان فرهنگی امروز است که در واقع تفسیر پست‌مدرن از واقعیت است.

پست‌مدرن‌ها عقیده دارند که همه ارزش‌ها نسبی هستند و اخلاقیات یک انتخاب

۱) فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۷.

۲) نظام حقوق زن در اسلام؛ شهید مرتضی مطهری.

فردی است. از نظر آنان مفهوم وجود یک قدرت مطلق حاکم (خدا)، یک «فکر کهنه» است و کسانی که اعتقاد به حقیقت مطلق دارند به عنوان افرادی نابردبار تلقی می‌شوند.

در سال ۱۹۶۳، کتاب بتی فریدان^۱ با عنوان رمز و راز زنانگی^۲، فمینیسم را تبدیل به جریانی کاملاً غیردینی کرد.

کلیسا تلاش می‌کرد مفاهیمی را مطرح سازد، ولی سرگرمی و تفریح فرهنگ و صنعت دست‌به‌دست هم داده و صحنه‌هایی تماشایی‌تر از کلیسا به‌راه انداختند. در نتیجه یک نسل کامل از زنان، پیام خداوند را نشنیدند.

امروزه بازیگران سیاسی قدرتمند جهانی در حرکت بین‌المللی خود در عرصه زنان، در مقابل ادیان، سه هدف را دنبال می‌کنند:

۱- سلب مرجعیت و تأثیرگذاری دین در اصلاح وضعیت زنان: در این خصوص، اجماعی نسبی در عرصه بین‌الملل صورت گرفته است؟، به‌گونه‌ای که کمتر دولتی خارجی از گفتمان سکولاریستی غالب، تن به مباحثه و چانه‌زنی می‌دهد.

۲- قرار دادن ادیان به عنوان متهم ردیف اول در ستم به زنان: هم‌اکنون علاوه بر پیش‌نویس‌های ارائه شده به اجلاس‌های بین‌المللی از جمله اجلاس تایلند (۲۰۰۴) مبنی بر اینکه ادیان عامل ستم به زنان‌اند، متن آموزشی حقوق انسانی زنان و دختران نیز از طرف یونسف و یونیفم با حمایت مالی «بنیاد صهیونیست فورد» تنظیم شده است که به صراحت بیان می‌کند: «کلیه ادیان دارای ویژگی‌های فرهنگی هستند که در نتیجه آن به زنان ستم می‌شود».^۳

1. Betty friedan

2. *Feminine mystique*

۳) در سومین اجلاس بین‌المللی وزیران فرهنگ کشورهای عضو یونسکو که در شهریور ماه ۱۳۸۱ شمسی با موضوع میراث فرهنگی برگزار شد، نماینده ایران، گنجاندن عبارت «نقش دین در حفظ میراث فرهنگی کشورها» را در بیانیه مطرح کرد، که در ابتدا دبیرکل یونسکو، با درج پیشنهاد مذکور مشروط به تغییر واژه «دین» به «ادیان»، در بیانیه موافقت کرد، اما پس از مخالفت کشورهای غربی، این پیشنهاد را نیز پس گرفت. (به نقل از روزنامه/ایران ۱۳۸۱/۷/۲).

۳- به‌کارگیری ادیان برای تحقق اهداف نظام مادی: در این نگاه، ادیان مستقلاً از صحنه رقابت حذف می‌شوند، بازسازی مفاهیم و اصلاحات بنیادین دین، به ابزاری برای توسعه فرهنگ حاکم تبدیل می‌شود. اصولاً جریان فمینیسم اسلامی در کشورهای مسلمان با چنین ایده‌ای مورد حمایت قرار گرفته است.

هم‌خوانی بنیادهای فرهنگ غرب با ادبیات لیبرالیستی نظام سرمایه‌داری، دستیابی به نتیجه را برای تحقق اهداف مادی تسهیل می‌نماید. اما در کشورهای اسلامی، به دلیل تضاد فرهنگی، چنین نتیجه‌ای چندان به‌دست نمی‌آید. مفاهیمی چون: غیرت، عفاف، قناعت و اخلاق‌محوری، مانع اساسی نفوذ در جوامع اسلامی است و غرب که موضوع زن را یکی از مهمترین عوامل نفوذ در جوامع اسلامی و تحقق اهداف لیبرالی می‌داند، با وجود این مفاهیم با مشکل بزرگی روبروست. ویژگی خاص جوامع اسلامی سبب می‌شود تا اصلاحات مورد نظر غرب به آهستگی پیش رود. نظام بین‌الملل برای جهانی نمودن لیبرالیسم به‌ویژه در کشورهای اسلامی از چهار ابزار مهم سود می‌برد، (حوراء، ۱۳۸۲):

- ۱- سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته از جمله: یونسکو و صندوق جمعیت.
- ۲- بنیادهای بین‌المللی از جمله: بنیاد فوردر آمریکا، مؤسسه AID آمریکا و بنیاد توسعه هلند.
- ۳- دولت‌های بزرگ و اتحادیه اروپایی.
- ۴- سازمان‌های غیردولتی همسو.

ادبیات حاکم برگزیده جهان در خصوص موضوعات زنان برگرفته از ارزش‌گذاری مادی و بررسی کمی فرآیند زندگی است. از مهمترین مسائلی که می‌تواند مورد توجه زنان مسلمان قرار گیرد، تحلیل‌های آماری کلی است که در تعیین جایگاه زنان در کشورهای اسلامی کارآمد به‌نظر نمی‌رسد. حوزه‌های توسعه انسانی و متداول‌ترین آنها در حیطه وضعیت زنان سه حوزه آموزش، بهداشت و درآمد است که از محوری‌ترین قلمروها در تبیین برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود. سیطره

کمیت‌گرایی و غفلت از کیفیت زندگی از دیگر عوارض برنامه‌های توسعه است و در نهایت شاید بزرگترین انتقاد به شاخصه‌های توسعه، به روح فردگرایی حاکم بر این برنامه‌ها بازمی‌گردد، که منبعث از روح تمدن غربی در دوران مدرنیته است. در بحث زنان و نظام بین‌الملل، اگرچه حل مسائل شخصی و فردی زنان در مرتفع نمودن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان مثبت و ارزنده است، اما به معنای نگاهی زیرمجموعه‌ای به مسائل زنان از منظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیست.

یکی از ضروریات در برخورد زنان مسلمان و نظام بین‌الملل بازنگری در تعریف وضعیت آرمانی زنان و تعریف شاخص‌ها و معیارهایی مطابق با اخلاقیات، ارزش‌ها و در حقیقت عناصر گمشده‌ای است که در زندگی مادی امروزی جایگاه خاصی ندارند. معرفی این معیارها به زنان آزادی‌خواه جهان و همراه کردن حرکت‌های ظلم ستیز زنان در جهان می‌تواند با هدایت بانوان مسلمان جهان به نظام و ساختار بین‌المللی سمت‌گیری و جهت‌دهی تازه‌ای بخشد.

۶- نگرش اسلام به مسئله توسعه و جایگاه ویژه زنان

اعتقادات مذهبی و ارزش‌ها و رفتارهای دینی از عناصر بسیار مهم و تعیین کننده فرهنگ به شمار می‌رود و در جهت‌گیری‌ها، اشکال و اهداف توسعه نقش اساسی دارند.

هدف از بعثت پیامبران، چیزی به جز یک توسعه فراگیر، متکامل و واقعی در جوامع بشری نبوده است، توسعه‌ای که هم در دنیا و هم در آخرت سعادت را برای بشر به ارمغان می‌آورد. دین اسلام به منزله کامل‌ترین ادیان الهی، در بطن خود دارای عناصری است که احیای آن می‌تواند مدل فرهنگی متعالی را بوجود آورد. عناصر فرهنگی اسلام مانند طلب علم، کار و تولید، پیوستگی مادیت و معنویت، مذمت فقر مالی، اهمیت اقتصاد برای تأمین معیشت، وهم وسیله‌ای برای عبادت و جهاد در نظر گرفته شده است، مبارزه با خرافات، دعوت به تعقل و تحقیق، تعاون و همیاری..... و

بالاخره جایگاه ویژه زنان و ارزش والای آنان، مدل فرهنگی توسعه را براساس تعالیم الهی ارائه می‌دهد.

کمرنگ شدن اخلاقیات و ارزش‌های اجتماعی بشر و اصل قرار گرفتن حداکثر منفعت مالی، بشر امروزی را برای رسیدن به حداکثر لذت و رفع نیازهای تعریف شده در نظام بین‌المللی به گونه‌ای مخرب بر ارزش‌ها پا گذاشته است. با این رویکرد، با بالا رفتن بسیاری از شاخص‌های به ظاهر توسعه‌یافتگی در کشورهای مدرن، آمار مربوط به خشونت، قتل، تجاوز و بی‌عدالتی افزایش یافته است.

در مبحث توسعه اسلامی رویکرد توسعه مبتنی بر تعالیم الهی براساس تکامل فرد و در نهایت تعالی جامعه است. در سایه این توسعه همه جانبه، بحث اخلاق و عدم تفکیک‌پذیری آن از منافع اقتصادی بشر امری گریزناپذیر است. لذا تفکیک توسعه مبتنی بر دیدگاه مادی از دیدگاه الهی پیوند اخلاقیات با منافع اقتصادی بشر است. در توسعه هدفمند اسلامی با محوریت اخلاق و عدالت به عنوان مهمترین سرفصل توازن اجتماعی، نقش زنان به عنوان سکان‌داران مهمترین گروه اجتماعی یعنی «خانواده» به گونه‌ای برجسته مطرح است. خانواده که امروز در نظام جهانی به گونه‌ای شگرف در حال اضمحلال است، از منظر اسلام مانع انحرافات اجتماعی، شیوع جرم و جنایت و بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی، و در نهایت تأمین امنیت اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی است.

نگاه اسلام به زن، فارغ از نگاه مادی و سودجویانه، براساس انسانیت و به دور از نگرش ابزاری و تعامیلات وی شکل می‌گیرد. زنان براساس تعالیم اسلامی با قابلیت‌ها و توانمندی‌های فطری و ذاتی خود در تکامل نظام الهی جایگاهی ویژه دارند.

۷- آموزش و توانمندسازی زنان با رویکردی به توسعه اسلامی

در منظر فرهنگ توسعه اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی الهی است و همین احترام برکرامت انسان، نخستین اصلی بود که شعله‌های هدایت و ایمان را در دل آحاد

مردم برافروخت و سبب گردید انسان‌ها، اعم از زن و مرد فوج فوج به دامن پرمهر اسلام، پناه آورند. از این منظر دسترسی بشر به آگاهی و علم یکی از راه‌های شناخت هستی و در نهایت شناخت الهی توصیف می‌گردد.

اسلام هر انسانی را با توجه به توانمندی و استعداد و امکانات، برخوردار از حق آموزش و فرهنگ می‌داند. تأکید بر استیفای این حق تا حدی است که در مواردی، یادگیری از واجبات دینی است و یا حتی در ضرورت نیازمندی‌های دنیوی، این «حق» به «تکلیف» بدل می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»^۱ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟
و نیز می‌فرماید:

«انما یخشى الله من عباده العلماء»^۲ از میان بندگانش خداوند، فقط دانشوران از او خوف و خشیت دارند.

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»: فراگیری علم بر هر مسلمانی واجب است.

در دیدگاه توسعه اسلامی، زن و مرد در آموزش و فرهنگ دارای حقی مساویند. بی‌تردید در اسلام میزان توانمندی زنان در مشارکت مؤثر اجتماعی با میزان علم و آگاهی آنان همراه است. این روند نه تنها موجب به وجود آمدن نوعی توازن اجتماعی می‌گردد، بلکه به برهم زدن برخی از بایدها و نبایدها که جنبه سنتی داشته و ریشه‌های مذهبی آن جای شک و تردید دارد کمک می‌کند.

در دیدگاه توسعه اسلامی، زنان با آموزش و دستیابی به اندیشه‌های خلاق، مطابق با مقتضیات زمان و مصالح نظام، جایگاه خود را در جامعه اسلامی بدست خواهند آورد. شواهد تاریخی و روایی بسیاری در دست است که نشان می‌دهد، زنان در آغاز

(۱) زمر، ۹.

(۲) فاطر، ۲۹.

دوران تمدن اسلامی فضای خوبی برای فراگیری علوم داشته‌اند و لذا در رشته‌های مختلف همانند: علوم قرآن، حدیث، فقه و بسیاری دیگر از معارف و دانش‌ها، درخشیده‌اند و حتی بسیاری از شخصیت‌های مرد و زن در محضر ایشان آموزش می‌دیدند.

بنابراین شیوع جهل و بی‌سوادی در میان زنان برخی از ملل اسلامی ناشی از نظام تربیتی اسلام نبوده است، بلکه به سبب انحراف مسلمانان از قواعد اصیلی بوده که اسلام در شئون تعلیم و تربیت بنیان نهاد.

توصیه و پیشنهادها در امر توانمندسازی زنان مسلمان در ابعاد اقتصادی و فرهنگی:

- ۱- نقش زنان مسلمان در ایجاد و انتقال فرهنگ عمومی اقتصاد بسیار با اهمیت است. هدایت مازاد مصرف به پس‌انداز مولد و سوق دادن آن به مبادی سرمایه‌گذاری در کشورهای اسلامی از اهم فعالیت بانوان در مباحث اقتصادی است. سازمان‌های بین‌المللی از موفق‌ترین پروژه‌ها در تجهیز پس‌انداز زنان و حضور ایشان در بازارهای مالی از سه پروژه بانک (گرامین) در بنگلادش، طرح (سواد) در هند و پروژه (اختیار) در مالزی نام می‌برند؛ (شادی طلب، ۱۳۷۹).
- ۲- حمایت از تولیدات کشورهای اسلامی در افزایش اشتغال و ارزشی نمودن مصرف کالاهای خودی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های سرمایه اجتماعی باید به عنوان یک مهم مد نظر زنان مسلمان قرار گیرد.
- ۳- دولتمردان و نهادهای اجرایی باید زمینه‌ساز فرهنگ تحصیل و فراگیری دانش به عنوان محوری‌ترین نیاز هر انسان اعم از زن و مرد در کشورهای اسلامی باشند. در این راستا باید از اهرم‌های حمایتی به‌گونه‌ای استفاده کرد تا بتوان برخی از باورها و آداب و رسوم جاهلانه را که مانع ارتقاء آموزش زنان است از میان برداشت.
- ۴- با وجود اینکه زنان متأهل با نقش خود به عنوان عنصر مولد و یاری دهنده اقتصاد خانواده می‌توانند مؤثر واقع شوند، بیشتر آنها نگران پیامدهای کار خارج از خانه

هستند. انعطاف قوانین اشتغال در کشورهای اسلامی از قبیل: ایجاد شغل‌های نیمه وقت، انعطاف در کاهش ساعات کار و تأکید بر بهره‌وری و کارایی علی‌رغم عدم حضور در محل کار، ایجاد و تعریف مشاغلی که بانوان بتوانند در کنار مسئولیت خانواده در محیط منازل به انجام آن مبادرت ورزند، همه از سرفصل‌هایی است که با دقت و برنامه‌ریزی می‌توان از حضور اقتصادی زنان همراه با تأمین امنیت روانی ایشان در ایفای نقش مادری و همسری بهره جست.

۵- از مهم‌ترین ویژگی‌های کشورهای اسلامی در بحث فرهنگ، حاکمیت ارزش‌های الهی بر کلیه شئون جوامع به خصوص بانوان مسلمان است. در این میان نقش بانوان کشورهای مسلمان در احیاء و حفظ ارزش‌های دینی به عنوان راویان هویت اسلامی بسیار شگفت‌انگیز است. زنان مسلمان در سراسر جهان با پیوستن به این هویت مشترک جهانی در حقیقت «فرهنگ اسلام» را در ساختار بین‌المللی تعریف کرده‌اند.

۶- در کشورهای اسلامی علی‌رغم بالا بودن امید به زندگی، افزایش درآمد سرانه و آموزش نسبتاً خوب زنان، فرصت‌های کمی برای حضور در تصمیم‌سازی و مدیریت جوامع مسلمان برای آنان ایجاد شده است. این نقصان در توانمندسازی زنان به خصوص کشورهای مسلمان امری است که باید با برنامه‌ریزی‌های ملی و اهتمام دولت‌های اسلامی مرتفع گردد.

۷- با توجه به ساختارهای اقتصادی ممالک اسلامی به‌ویژه کشورهای خلیج‌فارس و صادرات تک محصولی نفت، حضور اقتصادی زنان نه به عنوان مصرف‌کنندگان کالاهای وارداتی بلکه در امر تولید و ایجاد ارزش افزوده در جلوگیری از بحران تخریب منابع تجدید نشدنی حائز اهمیت است. رویکرد ارتقاء صادرات غیرنفتی با تکیه بر توانمندی اقتصادی بانوان مسلمان در افزایش صادرات غیرنفتی محوریت دارد.

۸- بازنگری در ساختار سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان محوری‌ترین نهاد بین‌المللی هماهنگ کننده کشورهای اسلامی و ایجاد بخشی مستقل در رابطه با مسایل مربوط به زنان که دارای زیربخش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - اجتماعی و ...

است، ضروری می‌نماید.

۹- اگرچه نباید از نقش حیاتی بانوان در ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در زمینه توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان غافل ماند، لیکن در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی صرف تساوی بین دو جنس راه‌حل نهایی نبوده و معضلات را به‌گونه‌ای بحرانی پیچیده می‌نماید. اگرچه معاهدات بین‌المللی سعی در برطرف نمودن خلأهای قانونی جهت مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی دارند، لیکن مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، غارت منابع و نابرابری‌های جهانی شدن اقتصاد و عدم زمینه مناسب فرهنگی در پذیرش بهبود منزلت بانوان، وسیع‌تر از مشکل عدم فعالیت اقتصادی زنان در اینگونه کشورها است.

۱۰- ایجاد تشکل‌های غیردولتی و حمایت دولت‌های اسلامی از مدیران و مجریان زن در این راستا امری خطیر به حساب می‌آید. برنامه‌های توسعه منطقه‌ای در کشورهای مسلمان باید با درایت خاص درباره بانوان و تأکید بر سرفصل مهم عدالت زمینه‌ای جهت حضور و بروز استعدادهای بالقوه زنان مسلمان را مهیا سازد.

۱۱- امروزه در سیستم استعماری اقتصاد، خانواده و در نهایت هویت زنان نیز قربانی منافع بنگاه‌های اقتصادی و سودآوری شرکت‌های چند ملیتی شده است. شایان ذکر است که زنان مسلمان در فرآیند توسعه و جهانی شدن اقتصاد با بهره‌گیری از تجربه تلخ زنان کشورهای صنعتی در حوزه اقتصاد و تأثیر آن بر فروپاشی خانواده و شکست بینش فمینیستی هیچگاه در انتخاب‌های خود، خانواده و هویت خویش را فدای منافع چرخ‌های صنعتی اقتصاد نخواهند نمود.

۱۲- رشد فناوری اطلاعات به عنوان یکی از فرصت‌های ایجاد شده جهانی شدن می‌تواند به نوعی مفید، در فرایند تجارت بانوان مسلمان مؤثر واقع گردد. به‌طور مثال در هندوستان، از طریق بازاریابی با استفاده از عکس‌های دیجیتالی تولیدات بیش از ۶۰۰۰ زن روستایی به بازار عرضه شد. چنین فرایندی به عرضه مستقیم تولیدات با حذف واسطه‌ها انجامیده و منافع بیشتری از فروش محصولات به زنان اختصاص می‌یابد. (Sobhy, 2003)

۱۳- در احتساب درآمد ملی کشورها با توجه به تعاریف رایج اقتصادی، کار خانگی زنان به علت غیر قابل فروش بودن و مصرف اعضای خانواده، کاری فاقد ارزش اقتصادی ارزیابی می‌گردد. احتساب این نرخ در تولید ناخالص ملی و ارزیابی دقیق‌تر از فعالیت‌های زنان در کشورهای مسلمان اذهان عمومی جهان را به طور چشم‌گیری تغییر خواهد داد.

۱۴- کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از تعالیم الهی اسلام در خصوص شاخصه‌های امنیت اجتماعی و روانی به مزیت‌هایی دسترسی دارند که بسیاری از کشورهای به اصطلاح توسعه یافته فاقد آن هستند. توصیه زنان مسلمان به مجامع بین المللی بر تعریف و تاکید شاخصه‌های فراگیر که علاوه بر دستیابی به منافع مادی در برگیرنده امنیت، توازن و اعتدال اجتماعی باشد، می‌تواند موج جدیدی در جریان ساختارهای بین المللی ایجاد نماید.

ضروری است براساس توسعه با محوریت دانش، نقش زنان کشورهای اسلامی را دولت‌های مسلمان مورد توجه قرار دهند و از توانمندی‌های ویژه بانوان در عرصه تکامل جامعه جهانی و در راستای برقراری توازن، تعادل و امنیت بین‌المللی یاری جست. در این بین تعاملات کشورهای مسلمان، به‌ویژه حضور زنان مسلمان در رایزنی‌های بین کشوری، خود باعث همگرایی بیشتر نظرات و تأثیرگذاری قوی‌تر در سیستم جهانی و اتخاذ استراتژی‌های محوری در نظام بین‌المللی می‌گردد.

در نهایت امید است که براساس الگوی بنیادین اسلام بتوان از توانایی‌های بانوان در ارتقاء و بهبود وضعیت ایشان در راستای جهانی شدن ایدئولوژی اسلامی با توجه به زیرساخت‌های بومی و ملی حاکم بر جوامع مسلمان کوشش لازم را به عمل آورد.

فهرست منابع فارسی

۱. امیری، مجتبی. هانتیکتون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه و ویراسته دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل. تهران.
۲. پوراحمدی، حسین. «فرآیند جهانی شدن و چالش‌های مفاهیم در رخداد یازدهم سپتامبر»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۵، ش ۴.
۳. حقیقت بیان، مجید، زنان و جهانی شدن. ریحانه. فصلنامه فرهنگی پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان، شماره ۳.
۴. زینر، جفری. ۱۳۷۹. چالش حقوقی و اجتماعی فضای رایانه‌ای. ترجمه بابک در بیگی. ج ۱. تهران: خانه کتاب.
۵. زعفرانچی، لیلاسادات. جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد و تأثیر آن بر وضعیت زنان، فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. زعفرانچی، لیلاسادات. زن امروز، تجددگرایی یا واپس گرایی، ماهنامه فرهنگی اجتماعی، اطلاع رسانی یاس.
۷. شادی طلب، ژاله. نقش زنان روستایی در تأمین و تجهیز منابع مجموعه مقالات زن و صرفه جویی - ۱۳۷۹.
۸. «مغنیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳»، همایش سراسر زنان، مسائل فرهنگی، اجتماعی و جهانی سازی - اردیبهشت ۱۳۸۳.
۹. م. مؤیدی. تحلیلی بر چالش نظام سرمایه‌داری با حجاب زن مسلمان و راه سوم، پایگاه رسمی انتشارات سوره مهر، ۲۰۰۶/۵/۱۵.
۱۰. مردانی گیوی، اسماعیل. ۱۶ مرداد ۱۳۸۱. «جهانی شدن و هویت ملی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۸۰-۱۷۹.
۱۱. مسئله بین المللی زنان، عرصه تقابل دو نگاه، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان - ماهنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان - دفتر مطالعات و تحقیقات زنان - شماره ۲.
۱۲. «مسئله بین المللی زنان، عرصه تقابل دو نگاه»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، حوراء، ماهنامه علمی - فرهنگی و اجتماعی زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۲.
۱۳. مولاوردی، شهیندخت، سازمان‌های غیردولتی و گفت‌وگویی تمدن‌ها. آوای مشارکت، مرکز امور مشارکت زنان.
۱۴. نوروزی، حسین علی. پست‌مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، نشر نقش جهان.

منابع انگلیسی:

1. *Ashia Pasific NGO Forum on Beijing + 10* , Bankok-2004.
2. Bauman, Zygmunt.1998. *Globalization: The Human Consequen*. New York: Colombia University Press.
3. *Beijing Plus Five: The United Nation' s Advance on Islam*
4. Bleich, D.(1990) *Sexism in Academic Styles of Learning: University of Rocheste* , New York, P:1320.
5. Deborah Scroggins, "Women of The Veil", *Atlanta Journal and Constitution*, June 28, J9921.
6. Fox- gelovefe, Elizabeth and et.2002. *Women and The Future of The Family*.
[http://www.Soundvision.com/jnfo/Women/Unthrea To Islam](http://www.Soundvision.com/jnfo/Women/Unthrea%20To%20Islam).
7. Tony Walker, "Arab Women Clothe Financial times Limited, June16, 1989.
8. Wendy, Shalit. *A Return To Modesty*, Published in The U.S.A by Simon Schuster, 1999.
9. *Women's Wearily*, 1999.
10. Sobhy, H. (2003) "Women and globalization" available at [www.gdnet.org/pdf/fourth annual conference/parallels 5/ globalization gende/sobhy-paper.pdf](http://www.gdnet.org/pdf/fourth%20annual%20conference/parallels%205/globalization%20gende/sobhy-paper.pdf)

**حق و مسئولیت‌های زن در عرصه‌های اجتماعی،
تأمین و حفظ امنیت اجتماعی
و رعایت حجاب**

اعظم افشار

حق و مسئولیت‌های زن در عرصه‌های اجتماعی، تامین و حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حجاب

مقدمه

مشارکت اجتماعی زنان و حضور کارآمد آنان در عرصه‌های گوناگون از مسایلی است که همواره در محافل علمی - سیاسی مورد بحث بوده است، و امروز بر آن تأکید بیشتری می‌شود. این مساله زمانی اهمیت ویژه می‌یابد که جامعه اسلامی عمیقاً نیازمند توسعه مشارکت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است. زیرا زنان مسلمان از یک طرف با جایگاه زن در غرب مواجه‌اند که بر تشابه و یکسانی حقوق بین زن و مرد، حضور بی قید و شرط زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی - سیاسی تأکید می‌کند، و از طرف دیگر با نگرشی روبرو است که بر تفاوت‌های بیولوژیک بین زن و مرد، کارکردهای متفاوت و رسالت اصلی خانه داری و تربیت فرزندان تأکید می‌ورزد، و حضور او را در عرصه سیاست به صلاح نمی‌بیند. درگیری دو نگرش افراطی و تفریطی، جامعه اسلامی زنان را به چالش کشیده و با این پرسش مواجه ساخته که اصولاً زن مسلمان در چه عرصه‌هایی باید فعال باشد و چگونه می‌تواند حضوری کارآمد و متناسب با شأن و جایگاه خود در نظام دینی پیدا کند؟ و در پرتو کدام نگرش می‌توان بین حق مشارکت سیاسی زن و حفظ ارزش‌های اسلامی توازن

ایجاد کرد؟ بنابراین شایسته است نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های سیاسی و بایستگی آن مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد و قلمرو آن با نگاه دینی و متناسب با زمان و مکان مشخص گردد، چرا که زنان نیمی از پیکره اجتماع‌اند. در صورتی که از ظرفیت و توانایی‌های این مجموعه عظیم انسانی به گونه ای متناسب و بهینه استفاده شود، باعث ترقی جامعه می‌گردد، و اگر این نیروی بزرگ درست هدایت نگردد، و به حقوق و وظایف آنان توجه نشود، عامل بازدارنده است؛ (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۷).

رویکردهای موجود نسبت به مشارکت سیاسی واجتماعی زنان: بحث مشارکت سیاسی زنان و چگونگی آن از جمله مباحث دامنه دار جامعه بشری است که تحولات و فراز و نشیب‌هایی را داشته است. و امروز سه رویکرد عمده نسبت به آن در سراسر جهان و کشورهای اسلامی وجود دارد: رویکرد رادیکال، سستی و تکامل مدار که به طور گذرا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- **رویکرد رادیکال:** رویکرد رادیکال بر مبنای عدم تفاوت بین جنسیت زن و مرد، بر یکسانی و تشابه حقوق و وظایف زنان و مردان تأکید می‌ورزد، این نگرش که خاستگاه غربی دارد. بازتاب افراطی رویکرد سستی نسبت به زن در جهان غرب است که شعار اصلی آن نفی گونه‌های تبعیض و تفاوت بین حقوق زنان و مردان است. این رویکرد در کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» با صراحت تمام مورد اشاره قرار گرفته است.

ماده ۷ کنوانسیون مزبور چنین مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو برای محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد و به ویژه حقوق زیر را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهد کرد»؛ (کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹).

الف) رأی دادن در کلیه انتخابات و داشتن اهلیت برای انتخاب شدن در تمام ارگان‌های منتخب مردمی و عمومی.

ب) شرکت در تعیین سیاست‌های دولت و اجرای آن و انتصاب در سمت‌های رسمی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح آن. چنان که می‌بینیم روح کلی حاکم بر این کنوانسیون، تساوی مطلق و تشابه نام در همه ابعاد بین زنان و مردان است. این دیدگاه توسط روشنفکران و گروه‌های رادیکال در کشورهای اسلامی نیز مطرح می‌شود و خواهان حضور بدون قید و شرط زنان در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی و حکومتی است. جامعه اسلامی چنین نگرش افراطی را بر نمی‌تابد، زیرا اصل یکسانی و برابری بین زن و مرد در غرب تجربه شد و تساوی حقوق بین آن دو عملاً بی نتیجه ماند. و از آنجاست که مهم‌ترین بن بست جهان سرمایه داری غرب، بحران هویتی است که زنان دچار آن شده‌اند. با نام آزادی و مشارکت فعال در عرصه‌های کوناگون اجتماعی، زنان را اسیر کردند، و آنان نمی‌توانند در مقاطع حساس تصمیم‌گیری حضور یابند. در نظام سرمایه‌داری، زن ابزار توسعه اقتصادی و جذب سرمایه محسوب می‌شود، نه انسانی که خواهان کمال و سعادت است.

موناشان نویسنده آمریکایی، در مقاله‌ای تحت عنوان «اشتباه فمینیست‌ها» می‌نویسد: «آزادی زنان برای ما افزایش درآمد سیگار ویژه زنان، حق انتخاب برای تنها زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران، تجاوز، اعتبار فردی، عشق، آزادی و بیماری‌های زنان را به ارمغان آورد. لیکن به ازاء آن چیزی را به غارت برد که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو آن بود و آن وجود همسر و خانواده است» (کتاب تقد، ش ۱۳، پانیز ۷۸، ص ۶۹).

واقعیت این است که جنش طرفداری از حقوق زنان که با شعار «تساوی» و «تشابه» در غرب آغاز شد، دارای انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی بود. زوایای تاریخ غرب گویای این مهم است که در مقاطع حساس، «زن» ابزار سودآوری بوده است. به همین دلیل اوج این رویکرد و طرح عملی آن به دوران جدیدی باز می‌گردد که سرمایه‌داری نوین به ابزارهای کم هزینه نیاز مبرم دارد. به گفته ویل دورانت: «زن

اروپایی در غفلت تفکر و تمدن جدید به بندی کشیده شد که نتوانست درک کند عامل پیشرفت‌های اقتصادی با سودآوری هر چه بیشتر صاحبان ثروت‌های انبوه گردیده، بدون آن که در آن سود سهیم باشد.» (لذات فلسفه، ۱۳۴۴، ص ۱۵۴)

۲- رویکرد سنتی: این رویکرد، بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیک بین زن و مرد، حوزه فعالیت هر یک را جداگانه تعریف می‌کند و بر نوعی تقسیم کار کلاسیک بین زنان و مردان تاکید می‌ورزد. ریشه تاریخی این نگرش به ساختار زندگی قبیله ای در زمان گذشته باز می‌گردد. در این نگرش زن به عنوان موجودی ناتوان در استخدام مرد و در حمایت او قرار دارد. وظیفه اصلی زن، خانه‌داری و تربیت فرزندان و خوب شوهرداری کردن است. او نباید وارد عرصه سیاست شود، چون سیاست فنی پیچیده است و نیازمند اندیشه قوی، اعصاب نیرومند و اطلاعات کافی، که در توان زنان نیست. سابقه این نگرش را در همه جامعه‌ها می‌توان دید؛ در جهان غرب نیز تا سده هفدهم میلادی جریان مرد سالاری حاکمیت مطلق داشت. (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

در جهان اسلام چون برخی از آموزه‌های شریعت با نظریه منع مشارکت سیاسی زنان موافق بودند. این نگرش طی زمان به عنوان یک تفکر اسلامی نسبت به زن پذیرفته شد و بدین ترتیب رسالت زن مسلمان به خانه داری، همسر داری و تربیت فرزندان محدود گشت؛ (همان، ص ۱۱).

۳- رویکرد تکامل مدار: براساس این نظریه که مورد تائید اسلام است، زنان مانند مردان در عرصه اجتماعی پایگاه و موقعیت مناسب دارند و مسئولیت‌های اجتماعی متعددی به طور یکسان متوجه زن و مرد است. زن مانند مرد رسالت الهی و انسانی دارد. تنها مصالح و منافع خود را نمی بیند، بلکه وظیفه دارد به منافع عمومی و مشارکتی و تحقق زمینه همیاری افراد در جامعه و در عرصه بین المللی، بیاندهد.

واقعیت این است که هیچ مکتبی به اندازه اسلام نسبت به هویت زن و تغییر نگرش جاهلی درباره وی و ارایه قوانین حقوقی که در سرنوشت انسان تأثیر مثبت داشته، عنایت ندارد. احکام اسلامی چون مطابق با فطرت بشری است، اگر به طور

صحیح درک و در جامعه اجرا شود جامعه با توسعه متوازن به سوی سعادت هدایت می‌شود و امنیت فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

نظام حقوقی زن در این نگرش بر مبنای برابری حقوق زن و مرد تبیین می‌گردد، نه تشابهی که افراط‌گرایان به اسم آزادی زن و تساوی مردان و زنان مرتکب می‌شوند. براساس این رویکرد، موردی که زن صلاحیت تصدی آن را ندارد، مقام حاکمیت است؛ (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

دلایل رویکرد تکامل مدار از دیدگاه قرآن و سنت، از دیدگاه قرآن کریم حضور زن در مسائل اجتماعی- سیاسی نشانه بلوغ و ایمان است. دین از آن جهت که بشر را با دید جمعی می‌نگرد و سرنوشت افراد جامعه را به هم مرتبط می‌بیند، یک سلسله حقوق و تکالیفی را در عرصه اجتماع مطرح و مسلمانان را اعم از زن و مرد به انجام آن فرا می‌خواند. قرآن کریم مؤمنان راستین را این‌گونه معرفی می‌کند: «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند.» (نور: ۶۲).

با این نگاه وظیفه رهبر اسلامی تشویق انسانها به امر مشارکت است بدون تفکیک جنسی آنها. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که به امور جامعه اسلامی اهتمام نوردد، مسلمان نیست.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳). این حدیث نه تنها ناظر به توصیه در مشارکت است، بلکه بی‌توجهی نسبت به آن را جایز نمی‌داند، چرا که از دیدگاه دین، انسان‌ها در سرنوشت جامعه مشارکت دارند، و حدیث نبوی شاهد بر این مدعاست «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸). در پرتو این نگرش، قرآن کریم صحنه‌های با عظمت حضور زنان را در عرصه سیاسی نظام اسلامی نقل و تاریخ اسلام به آن افتخار می‌کند؛ (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

سیره زنان بزرگ صدر اسلام، حضرت زهرا (س) و دخترش زینب کبری (س) و... با عملکردشان در مقاطع حساس و سرنوشت ساز تاریخ، بهترین الگو برای زنان عالم هستند و سیره آنان بهترین گواه و مدرک بر حضور فعالشان در امور سیاسی

اجتماعی و دلیل احسن بر جواز مشارکت سیاسی زنان است؛ (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).
 شرایط مشارکت زنان در اسلام در رویکرد تکامل مدار، طرفداران مشارکت سیاسی زنان برای حضور و مشارکت آنان شرایط و آدابی قائلند یعنی این‌ها در پرتو یک سری اصول و آداب، فعالیت سیاسی زنان را جایز می‌دانند و تعدی از آن را هرگز مجاز نمی‌دانند. بنابراین زن مسلمان باید با مراعات اصول اعتقادی، در تمامی عرصه‌های سیاسی- اجتماعی و تعیین سرنوشت خود شرکت فعال داشته باشد. در بیان زیر به عمده‌ترین آداب و شرایط مشارکت سیاسی زنان اشاره می‌کنیم؛ (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

۱- وظیفه مادری: در این زمینه گفتنی‌ها فراوان است «مادر با یک دست گهواره و با دست دیگر جهان را به حرکت درمی‌آورد».

۲- رعایت آداب دینی: بدون تردید در یک نظام اسلامی و جامعه مسلمان، مشارکت سیاسی زنان و فعالیت‌های اجتماعی آنان مشروط به آدابی است که دین معین کرده است و در رأس آنها رعایت حریم عفاف و حجاب اسلامی و رعایت اصل خانه‌داری است. تا آنجا که امام علی (ع) فرمودند: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است «(تهج البلاغه، حکمت ۱۳۶) واقعاً حفظ خانواده‌ها، تربیت فرزندان سالم و تقویت روحیه شوهر در کارها و فعالیت‌های روزانه، کاری است بس بزرگ و حساس و اساسی‌ترین سنگ بنای اصلاح یک جامعه است.

امام خمینی می‌فرمایند: «زن باید در سرنوشت خود دخالت داشته باشد.» ... امروز خانم‌ها باید وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و با آن عفت عمومی، کارهای سیاسی - اجتماعی را انجام دهند؛ (تبیان، ص ۷۲).

حضور زن در تکامل‌گرایی بدین معناست که افق حساسیت و اندیشه زنان از سطح مسائل خرد و پیش پا افتاده و حتی از سطح احراز مناصب قدرت در درون جامعه و مناصب ظاهری، همچون وزارت و وکالت و مدیریت به افق بالاتری

پربکشد؛ یعنی به سطح حساسیت نسبت به وضعیت اسلام در قبال جهان کفر و اهداف و آرمان‌های بزرگ برسد. مقام معظم رهبری نیز در برخی از سخنان خود بر این امر تأکید می‌فرماید: «غربی‌ها مایل نیستند زنان در جوامع بجهان سوم، آرمان خواه و دارای فکر روشن و هدف‌های بزرگ باشند. لذا زنان جوان در جامعه ما باید مراقب این کمند ناپیدا و خطرناک فرهنگ و تفکر غربی باشند و از آن پرهیز کنند.» (جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰/۸/۲۲) نیز می‌فرماید: «زن مسلمان ایرانی در دنیای امروز، رسالتی عظیم بر عهده دارد و به عنوان الگوی زنان جهان، باید پیام متعالی خود را در عرصه‌های مختلف بشری به گوش جهانیان برساند؛» (همان، ۱۳۷۴/۹/۱۸).

تکامل گرایی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزش‌ها، ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه است. مسائل زنان تنها به مسائل حقوقی، آن هم در قبال مردان محدود نمی‌شود، زن نباید برای مرد صرفاً موجودی مصرف کننده باشد و صرفاً از توان ویژه او بهره‌برداری شود، بلکه باید در ایجاد توان جدید برای جامعه، نقش مؤثری داشته باشد، اعم از این که این نقش و توان، روحی یا فکری و یا عینی و عملی جامعه باشد. زن می‌تواند الگوهای رفتاری کامل‌تر و پسندیده‌تری از خود بروز دهد و بدین ترتیب سرمشقی برای سایر بانوان و حتی مردان قرار گیرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «برای اسلام، جنس (زن بودن و مرد بودن) مطرح نیست، تعالی بشر مطرح است. اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنس‌های بشری متوجه است مطرح است.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ورزشگاه آزادی ۷۶۷/۳۰).

ایشان در بخش دیگری می‌فرماید: «زنان باید میدان دار علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد باشند و در عین حال از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی حفاظت نمایند. این محیط‌های اسلامی واقعی و مظهر آن، جامعه بزرگ اسلامی ایران، تنها جایی است که غربی‌ها در ترویج زندگی زنان به سبک فرهنگ منحط غرب با شکست مواجه شده‌اند.

زنان مسلمان ما باید بدانند که امروز سنگربان ارزش‌های اسلامی در برابر وضع جاهلی دنیای غرب هستند و باید با پرورش اسلامی و پیشتاز شدن در میدان علم، فرهنگ، سیاست، اقتصاد از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت نمایند» (همان).

تکامل‌گرایی زن به معنای حضور او در دعوت به خوبی‌ها و ایشار او برای کمال عمومی جامعه و ایجاد فرصت برای کمال غیر است. حضور زن در تکامل‌گرایی به معنای حضور فعال زن در شکل‌دهی عواطف جامعه است. زن به تناسب طبیعت خود، قدرت تأثیرگذاری بر عواطف دیگران و خصوصاً مردان را داراست و بدین ترتیب، می‌تواند تا سطح رهبری عواطف جامعه، انجام وظیفه کند. (پیروزمند، ۱۳۸۰، صص ۱۲۱-۱۱۸).

زنان نیز در مقیاس خود می‌توانند در تغییر سرنوشت تاریخی جوامع مؤثر واقع شوند، چنان که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند، یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌توانند دنیایی و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند، آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نایل آمده است.» (مقام معظم رهبری، ۳۰/۷/۷۷).

تکامل‌گرایی زن به معنای تأثیرگذاری او در تغییر مفهوم تجمل و زیبایی است. زن به جای این که به حد شیء و کالا تنزل یابد، می‌تواند به گونه‌ای مثبت ایفای نقش کند و جمال صحیح به جامعه معرفی نماید.

امام خمینی (ره) در عبارتی زنان را از تنزل به حد یک شیء بدین گونه پرهیز می‌دهند: «در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنیان جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببندیشند»؛ (صحیفه نور، ج ۳، ص ۹۲).

جواز و حدود مشارکت اجتماعی زنان در قرآن

- ۱- قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین مظهر فعل سیاسی در جامعه است، برای زنان می‌پذیرد؛ (ممتحنه: ۱۲).
- ۲- هجرت یکی از حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است که در صدر اسلام دوبار اتفاق افتاد. زنان مسلمان در هر دو مهاجرت شرکت داشتند، این مهاجرت‌ها دارای ابعاد سیاسی بسیار بود از یک سو طرد و نفی نظام حاکم جامعه را نشان می‌داد، و از سوی دیگر ابلاغ پیام آئین جدید را به همراه داشت و از طرفی یک نوع تدبیر سیاسی بود. باری ماندگاری و پایداری مکتب نوظهور، بدین معنا که اگر مشرکان مسلمانان را در مکه نابود ساختند، پیروان آئین نو در مکانی دیگر به حمایت و حراست آن پردازند؛ (مهریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱).
- ۳- سومین فعالیت اجتماعی که قرآن درباره زنان می‌گوید، امر به معروف و نهی از منکر است. فرمان به خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها یکی از تکالیف اجتماعی اسلامی است که هر مرد و زن بالغ بدان موظف است. در قرآن کریم یازده آیه درباره این فریضه و قانون نازل شده است. (همان، ص ۱۰۴).
- ۴- قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت آنان را بر آن مترتب ساخته است. «برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است، و برای زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است»؛ (نساء: ۳۲).
- ۵- قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی- اجتماعی یاد می‌کند و حیای آنان را در حین عمل باز می‌گوید: ارتباط زنان و مردان به وضوح در این آیات مشاهده می‌شود؛ (قصص: ۲۳-۲۶). در این آیات، شبانی دختران شعیب، ارتباط و سخن گفتن با مردان، بینش اجتماعی و شناخت افراد، حیا و آزر، به خوبی تبیین شده و مورد تأیید خداوند قرار گرفته است؛ (مهریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷).
- ۶- داستان ملکه سبا و پادشاهی او در قرآن کریم به خوبی یاد شده و مورد نقد و

ذم قرار نگرفته است. از سوی دیگر آیات قرآنی، وی را فردی اهل رأی و نظر و نیز شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند، چرا که وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید.

۷- در مباحثه که رفتاری مذهبی اجتماعی است و قرآن کریم آن را در مقابل مسیحیان نجران بازگفته، مشارکت زنان و مردان به خوبی دیده می‌شود؛ (آل عمران: ۶۱).

۸- قرآن کریم تلاش‌های خواهر موسی را برای رهایی وی بازگفته است. آنگاه که خواهر تو می‌رفت و می‌گفت: «آیا شما را بر کسی که عهده دار او گردد دلالت کنم؟» (طه: ۴۰).

۹- مشارکت زنان در جهاد در تاریخ صدر اسلام بر کسی پوشیده نیست. زنان در جبهه‌های نبرد به یاری رزمندگان می‌شتافتند. غذا می‌پختند و مریضان را مداوا می‌کردند و....

با اوصاف یاد شده برای توضیح بیشتر باید به دیدگاه اساسی در اسلام اشاره کرد؛ بر این مبنای تنها راهی که به زن کرامت می‌بخشد و به سعادت او منتهی می‌شود، راه وحی و انبیاست. و بشر باید برای نجات از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها به وحی روی آورده و به اسلام بازگردد. آیا قرآن دیدگاه تساوی زن و مرد را در مورد آفرینش می‌پذیرد؟ کلام قرآن کریم این است که زن و مرد از نظر خلقت و آفرینش از یک حقیقت هستند؛ زیرا اگر چه انسان متشکل از روح و بدن است، اما آنچه حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد و همواره او را به تعالی و کمال و یا به سقوط و انحطاط می‌کشاند، روح مجرد اوست. و از نظر خلقت، روح مجرد است و تفاوت در آن راه ندارد و از این نظر مرد یا زن بودن مطرح نیست، حقیقت مجرد روح که حقیقتی است انسانی و یکسان، به دو صورت زن و مرد تجلی نموده است و از نظر رشد و تکامل هم، چون تکامل انسان مربوط به روح است زن و مرد یکسان هستند و در

رسیدن به فضایل انسانی، زن نیز می‌تواند همانند مرد به مراتب و قلیل ارزشها صعود نماید.

پس در پیمودن راه و رسیدن به درجات معنوی فرقی بین مرد و زن نیست، زیرا که حقیقت آفرینش این دو یکی است. در اسلام راه تکامل انسان با ایمان و عمل صالح پیموده می‌شود و مرد و زن هر دو بی هیچ تفاوتی مکلفند؛ (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۷-۲۹).

زن مسلمان وقتی می‌خواهد مسئولیت اجتماعی به عهده بگیرد، باید تقوا و پاکدامنی و حفظ ارزشهای الهی اسلام را رعایت کند. لذا اسلام زن را از حقوق و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و غیره محروم نکرده بلکه برای این فعالیتها مقرراتی وضع نموده است که با حفظ آن قوانین، تلاش زن و مرد، ثمربخش و سازنده خواهد بود؛ (همان، ص ۲۲۰).

انگیزه‌های مشارکت اجتماعی زنان در جامعه

۱- رشد شخصیت زنان: فعالیت اجتماعی زمینه حضور در عرصه‌های مختلف را فراهم می‌سازد و این سبب رشد ابعاد وجودی و شکوفایی استعدادها خواهد بود. اگر در حدیث آمده است: «هر کس تجارت را کنار نهد دو سوم عقلش از دست رود.» از آن رو است که خانه نشینی و انزوا و بریدن از جامعه و انسانها خمودی را دنبال دارد؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸، ح ۱۰).

اگر شعار پیامبر اسلام و آئین برترش، ترک رهبانیت بود، این امر مختص مردان نیست و شامل همه پیروان این دین چه زن و چه مرد می‌شود. و رهبانیت به ترک جامعه و پناه گرفتن در غارها نیست، بلکه زندانی کردن زنان در منزل و خارج ساختن آنان از صحنه اجتماع نیز نوعی رهبانیت است.

در پرتو حضور اجتماعی، تعلیم و تعلم محقق می‌شود، و زمینه خدمت به هم‌نوعان که نوعی کمال است فراهم می‌گردد. در پرتو مشارکت اجتماعی، فهم سیاسی و آگاهی

از زمان که یکی از آگاهی‌های لازم برای هر انسان است، محقق می‌گردد. «آنکه به زمانش آگاه باشد، فتنه‌ها بر او هجوم نیاورد»؛ (الحیات، ج ۲، ص ۲۹۶). در سایه فعالیت اجتماعی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عملی می‌گردد و در سایه همین مشارکت ارشاد جاهل که یک وظیفه انسانی است، ادا می‌گردد. چنانکه جهاد و هجرت نیز آن حاصل می‌شود.

از این‌رو یکی از انگیزه‌های دعوت به حیات اجتماعی زنان، بالا رفتن شخصیت علمی، معنوی و اجتماعی آنان است که بدون آن دست یافتنی نیست و یا با دشواری همراه است؛ (مهریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵).

۲- زندگی آسان: زندگی با نشاط و پاک، نیازمند آسانی و راحتی است و گرنه از حرکت خواهد افتاد و نشاط و رونق خود را از دست خواهد داد. آسان‌گیری یکی از اصول شریعت اسلامی است و قرآن کریم و سنت نبوی نیز بر این گواه است. بر این اساس، منع زنان از مشارکت اجتماعی خلاف اصل سهولت است. اگر زنان موظف باشند مسائل خود را از طریق مردان محرم بپرسند و تکالیف خود را با واسطه انجام دهند، زندگی و حیات خالی از حرج و صعوبت نخواهد بود. در زمان رسول خدا، زنان پرسش‌های خود را از پیامبر می‌پرسیدند و هیچ‌گاه رسول خدا آنان را از این کار منع نکرد. معاشرت و مباشرت پیامبر و امامان با زنان و در حضور مردان، امری طبیعی بود؛ (همان، ص ۱۱۶).

آداب مشارکت اجتماعی زنان: مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه اسلام آدابی دارد و تجویز و ترغیب به حضور اجتماعی با رعایت این آداب است. برخی از این آداب، مشترک میان مردان و زنان است و هر دو باید رعایت کنند و برخی دیگر به زنان اختصاص دارد.

الف. آداب مشترک

۱- غض بصر: قرآن کریم زنان و مردان مومن را به غض بصر فرمان می‌دهد: «به

مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی ورزند» (نور: ۳۰-۳۱). غض بصر به معنای بستن دیدگان نیست، بلکه خودداری از نگاه فتنه انگیز است.

۲- پرهیز دست دادن زنان و مردان

۳- جلوگیری از تجمع زنان و مردان

۴- اجتناب از خلوت

۵- پرهیز از محادثه: گفت و گویی که هزل و لعب را به همراه دارد و با نوعی

فتنه انگیزی همراه شود، ممنوع است؛ (مه‌ریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷-۱۲۱).

ب. آداب ویژه زنان

۱- پوشش مناسب

۲- خودداری از بوی خوش

۳- خودداری از به ناز سخن گفتن

۴- وقار در رفت و آمد (همان، ص ۱۲۴).

سرانجام اینکه رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان وظیفه اساسی زنان است و البته برای پایداری و سلامت خانواده، مردان و همه نهادهای اجتماعی باید بکوشند، چرا که بدون آن اجتماع سالم نخواهد بود.

آسیب شناسی حضور اجتماعی زنان

۱- تغییر تدریجی گرایش‌های معنوی به مادیات: یکی از واقعیت‌های نامطلوب جامعه در سال‌های اخیر، تغییرات تدریجی در افکار، روحیات و رفتارهای بخشی از افراد جامعه به ویژه بانوان است که کانون توجه از امور معنوی به ارزش‌های مادی معطوف شده است. بی توجهی به الگوهای مذهبی و روی آوردن به الگوهای غربی در

بعضی از ابعاد زندگی به ویژه در انتخاب نوع و مدل لباس و نحوه معاشرت و تنظیم ارتباطات فردی و اجتماعی، مصرف کالاهای لوکس و تجمل‌گرایی، اسراف و هدر دادن وقت، افزایش میزان طلاق و... همگی نشانه‌هایی تلخ از تغییر تدریجی روحیات و افکار و رفتار بانوان کشور در سال‌های اخیر است. بی‌شک هرگاه زنان یک جامعه به ارزش‌های اخلاقی و سنت‌های راستین آن جامعه بی‌توجه باشند و به تجمل‌گرایی، اسراف، راحت‌طلبی و بی‌مبالاتی مایل شوند، نه تنها از حضور در صحنه‌های حساس سیاسی و انقلابی و دفاع از ارزش‌های دینی و اخلاقی باز می‌مانند، بلکه شخصیت آن‌ها نیز در معرض خطر انحراف و انحطاط قرار می‌گیرد و به شدت آسیب‌پذیر خواهند شد. بنابراین، مسئولان و دستگاه‌های فرهنگی باید برنامه‌های مناسب و مؤثری را برای مقابله با این معضل، از طریق شناخت علل و سعی در رفع آن‌ها تنظیم نمایند؛ (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

۲- وجود سنت‌ها، گرایش‌ها، عادات و رفتارهای غیر اصیل: این عوامل از حضور منطقی و سالم زنان در سطح اجتماع تا حدودی جلوگیری کند، استاد شهید مطهری با زرف اندیشی به این مورد اشاره نموده و می‌فرماید: «مسأله حقوق و حدود زن در جامعه امروز از نظر اسلام، علاوه بر جنبه علمی، جنبه اعتقادی پیدا کرده است [در حقیقت آنچه در نظر اسلام نیست به نام اسلام ترویج و بعضاً نهادینه شده است]». برخی از نمودهای سنت‌های غیر اصیل همان ینش افراطی است که بر وظایف حتمی زن در خانه تأکید می‌ورزد و حتی در صورت خودداری زن از انجام این کارها، هر نوع برخورد توهین آمیز و اعمال خشونت در مورد او را مجاز می‌شمارد. و این سنن و عادات غیر اصیل و نادرست که در طول تاریخ، جامعه ما را تحت تاثیر قرار داده است به دلیل جهل و ناآگاهی مسلمانان و یا بی‌مبالاتی و عدم تعهد و تقید آن‌ها نسبت به احکام واقعی دین و عدم برخورد جدی متولیان دینی با خرافات و موهوماتی است که درباره مسائل زنان پدید آمده است. (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۳- وجود جریان روشنفکری بیمار و وابسته: در مقابل گروه‌های متعصب و

متحجری که سعی دارند زن را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و شرعی خود با عنوان پاسداشت ارزش‌های اسلامی محروم نمایند و حیطة مشارکت او را محدود سازند، گروه‌های افراطی دیگری نیز وجود دارند که هیچ حد و ضابطه‌ای برای زنان و عملکردهای اجتماعی آنان قایل نمی‌شوند و به آزادی مطلق زن می‌اندیشند و در حقیقت همان افکار و عقایدی را ترویج می‌دهند که امروز از طرف نهضت‌های فمینیستی و طرفدار زن‌گرایی و زن‌سالاری سرتاسر جهان غرب ترویج می‌شود. در حقیقت این نهضت‌ها برای تهی کردن زن از ارزش‌های اصیل الهی-انسانی و محو ارزش‌های دینی و خودمشغولی و تزیید هر چه بیشتر مصرف، از سوی نظام سلطه تقویت می‌شوند؛ (احمدی، ج ۴، ص ۳۱).

در باب آسیب شناسی حضور اجتماعی زنان، می‌توان به مواردی چون استفاده ابزاری از زنان، عدم تبیین حدود و ضوابط حضور زنان در اجتماع و عدم تعریف واقع‌بینانه از این موضوع، توجه نکردن به ظرافت‌های زنانه، به کارگیری افراطی و تقریبی و نقش استثمار در تخریب چهره اجتماعی زنان و... اشاره کرد؛ (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

نمونه‌های تاریخی حضور فعال زنان در تمدن اسلامی

همان‌طور که زنان در تاریخ اسلام در مبارزات و جنگ‌ها مشارکت داشتند در کسب علم و معرفت و ابلاغ آن به دیگران سهم به‌سزایی داشته‌اند. از نمونه‌های تاریخی آن، حضرت فاطمه (س) است که به عنوان یک مبلغه دین از توان بالایی برخوردار بودند. و از نظر علم و تقوی جز با امام معصوم قابل مقایسه نیستند و از نظر اخلاق و برخورد باید ایشان را با پدر بزرگوارشان مقایسه کرد. امام حسن عسگری (ع) فرمودند:

«زنی به خدمت فاطمه سلام الله علیها شرفیاب شد و سؤالی مطرح کرد و جواب آن را از حضرت شنید، سپس اجازه خواست و پرسش دوم را بیان کرد، حضرت

جواب آن را نیز داد به همین صورت ده مساله از بانوی عزیز آموخت، ولی دیگر احساس شرمندگی کرد و بیش از آن نخواست برای حضرت فاطمه سلام الله علیها ایجاد مزاحمت نماید. از این جهت اجازه خواست رفع زحمت نموده و خانه فاطمه را ترک گوید. حضرت احساس کرد، او از کثرت پرسش‌های خود شرمگین است و به این دلیل می‌خواهد خانه و حضور آن حضرت را ترک کند، لذا فرمودند: شما خجالت نکشید، من در برابر هر مسأله ای که به تو آموزش می‌دهم پاداش می‌برم، پاداشی مهم و آن این‌که: تعلیم دادن مسأله‌ای ارزش و ثوابش بیش از آن است، مانند آن که مابین زمین تا عرش خدا را از جواهرات ارزشمند پر نماید. ای زن! اگر کسی به کارگری مشغول گردد و بار سنگینی را به دوش گرفته و به پشت بام حمل کند و در برابر آن صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، آیا در این فرض، کارگر احساس خستگی کند؟! زن جواب داد: نه. فاطمه (س) فرمودند: من نیز در برابر آموزش‌هایی که انجام می‌دهم چنین احساسی دارم، زیرا پاداش من به مراتب بیشتر است.» (بابازاده، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳).

یکی دیگر از نمونه‌های تاریخی اسلام که در باب تحصیل دانش و آگاهی و ابلاغ آن می‌توان نام برد، زینب کبری (س) است که در وادی دانش اندوزی گوی سبقت از هم‌نوعان خود ربوده بود و در سنین خردسالی فکر و اندیشه اش را به درجات عالی کمال رساند و دل او در سایه افاضات الهی و تعالیم معلمان بزرگ وحی در مکتب نبوت و امامت از منبع علوم غیبی سیراب شد. در مقام و منزلت علمی حضرت زینب(س) همین بس که امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «عمه جان بحمدالله دانش تو دانش الهی است نه خواندنی و وصف کردنی و چشمه فهمی که در قلب شریف تو جاری است از منبع فیض الهی است»؛ (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸).

سال‌ها در مدینه محفل تفسیر قرآنش روشنائی‌بخش دل و دیدگان زنان و دختران شهر بوده است. مقام علمی حضرت زینب (س) بدانجا رسید که نیابت امامت را، برادرش حسین (ع) در کربلا به خاطر بیماری امام سجاد (ع) به او سپردند. شیخ صدوق می‌گوید: «زینب (س) نیابت خاص را از طرف امام حسین (ع) در بیان مسایل

حلال و حرام تا بهبودی امام سجاد (ع) برعهده داشت؛ (زینب کبری (س) فریادی بر اعصار، ص ۱۹).

یک نمونه هم از دوران معاصر نام می‌بریم که در راه علم و معرفت و تحصیل و مجاهدت کوشیده اند که حتی به درجه علمی بالایی نایل آمدند، یعنی به درجه اجتهاد، خانم مجتهده امین، زنی مجتهد، محدث، فیلسوف و عارفی به نام بودند.

ایشان علاوه بر خانه داری و تربیت فرزندان، به تحصیل علم پرداخت و این امور نتوانست مانع ادامه تحصیل و عشق به مطالعه و تحقیق ایشان در معارف اسلامی بشود. (بانوان عالمه و آثار آن‌ها، ص ۵۳). تا این که در چهل سالگی مرتبه و تسلط علمی ایشان مورد تأیید علما و مراجع تقلید قرار گرفت و به دریافت درجه اجتهاد نائل آمد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی مردم و ارشاد دختران و زنان پرداخت. ایشان با سرمایه خود مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه (س)» تأسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند؛ (مشاهیر زنان ایرانی، ص ۲۳).

در عصر حاضر نسبت به دین و شریعت هجمه‌های عظیمی وارد می‌شود و بالاخص نسبت به حقوق زنان اشکالات و شبهاتی مطرح می‌گردد که البته بیشتر صبغه سیاسی دارد تا علمی.

اما با توجه به جو دین ستیزی در غرب و شیوع آن در شرق که با امکانات و تجهیزات و تکنولوژی‌های پیشرفته مثل کامپیوتر، اینترنت و ماهواره و... صورت می‌گیرد یک جهاد علمی و فرهنگی می‌طلبد تا بتوان از دین و شریعت مقدس، آن طور که شاید و باید محافظت و نگهداری کرد. و این جهاد اگر از جهادهای نظامی و جنگی بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

سنت و سیره حضرت فاطمه زهرا (س) الگوی زنان مجاهد و ایثارگر

در همین راستا آنچه به وفور در سخنان زنان جهادگر و مسلمان ایران به چشم

می‌خورد این است که آنان الگوی خود را یگانه بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) معرفی می‌نمایند. بنابراین برای الگو برداری لازم است، به گوشه‌ای از مبارزات آن حضرت نگاهی کوتاه داشته باشیم.

حضرت فاطمه (س) در زمان پیامبر اکرم (ص) همواره در صحنه‌های مختلف جهاد و مبارزه حضور فعال داشته و پس از رحلت پیامبر (ص) نیز اولین مدافع حریم رهبری و ولایت بود که از بذل جان نیز دریغ نفرمود. ایشان با ایراد خطبه تاریخی و کوبنده خود در مسجد، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد. شیوه دیگر مبارزه او، سخن نگفتن و روی برگرداندن از غاصبان حقوق ولایت بود.

هنگامی که علی (ع) را به صورت نامناسبی به سوی مسجد می‌بردند، حضرت زهرا(س) به مقابله با آنان پرداخت تا جایی که جان خویش را بر سر این دفاع گذاشت، بازوی مبارکش با ضربه تازیانه دشمن کبود شد، در فشار بین در و دیوار و ضربه به پهلوی او فرزندش در رحم شهید شد. و سرانجام خود نیز به خاطر همین صدمات به شهادت رسید؛ (قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

حضرت امام خمینی درباره الگوپذیری زنان انقلاب از حضرت زهرا (س) چنین می‌فرماید: «... حضرت فاطمه (س) به اندازه خودش در مدت کوتاه عمر شریفش مجاهده داشته است، داشته است، با حکومت‌های وقت، محاکمه می‌کرده است حکومت‌های وقت را، شما باید اقتدا به او بکنید، زهد و تقوی و همه چیزهایی که داشته‌است و عفاف که او داشته است و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید آنها را تبعیت کنید...» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۹).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز درباره جهاد و مبارزات حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «... پس زندگی فاطمه زهرا (س) اگر چه کوتاه بود و حدود ۲۰ سال بیشتر طول نکشید، اما این زندگی از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت

است. این زندگی جهادی فاطمه (س) است که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر چه امروز و چه در آینده یک نقطه درخشان و استثنایی است. (حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۴۵).

نقش زنان مسلمان در روند جهانی شدن

موضوع زن، به عنوان بدنه‌ای از جامعه انسانی، به همان پایه، قابل بررسی و ژرف‌نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و بررسی ابعاد حیات زن، منهای ویژگی‌های صنفی و جنسی، در واقع تحلیل حیات انسان است. از این رو شناخت زن و منزلت و مقام او در حقیقت، شناخت انسان و کرامت اوست. این نیز تردید ناپذیر است که شناخت انسان از خود، معیار دیگر شناخت‌هاست به این جهت انسان در نخستین گام شناخت، به ضرورت باید به ژرف‌نگری و کاوشگری در خویشتن پردازد و از ژرفای بیکرانه‌خویش، آگاهی یابد. پس مطالعه در احوال زن و بررسی ابعاد حیات این بخش از جامعه انسانی، گامی در راستای انسان‌شناسی است. اگر منطق خلقت را مبتنی بر تناسب و انتظام اجزاء آن بدانیم، این تناسب و انتظام همان حکمت نهفته خداوندی است ازواج متمایز و در عین حال متلازم انسان، حیوان، نبات و اشیاء است که آنها، را پدیدار ساخته است. این تلازم نه تنها تصور استقلال و تجرد زن یا مرد را به کلی متفی می‌کند، بلکه یکی از آیات باشکوهی است که متاع روح انگیز آرامش، مودت و رحمت را برای همه انسانها فراهم می‌کند. به این ترتیب برتری و اولویت یکی بر دیگری در آیین فطرت قرار نمی‌گیرد؛ (مجتبوی، ۱۳۸۳، ص ۶).

اما برعکس این اندیشه، عالم واقع و تجربه تاریخ، بیان‌کننده حکایت دیگری است که در آن، زنان علاوه بر آنکه در مراتب مادون مردان قرار گرفته‌اند، از ناروایی‌های فراوان، تحقیر و اهانت نیز درامان نبوده‌اند. در این میان آنچه در دین اسلام مشاهده می‌شود پذیرش جایگاهی متعالی و انسانی برای زن است که باید با بینشی ژرف نگرانه آن را از میان تعالیم دریافت.

با وجود این، زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، اما اجحاف و تبعیض‌هایی که در طول تاریخ زندگی انسان بر زنان روا شده؛ آنها را چون نیمه خاموش جهان مطرح ساخته است. امروزه یکی از شاخص‌های توسعه انسانی همانا میزان حضور زنان و نحوه ایفای نقش آنها در عرصه‌های گوناگون فعالیت است که تأثیری جدی بر سایر این گونه اقدامات بر جای می‌گذارد. بدیهی است تا جوامع انسانی این حضور را جدی نگیرند، آرزوی رسیدن به یک جامعه سالم انسانی، سرایی بیش نخواهد بود؛ (همان).

امروزه بشر به موقعیتی رسیده است که بین شرایط کنونی و وضعیت و جایگاه گذشته خود از جهات مختلف تفاوت‌های اساسی احساس می‌کند. در حقیقت با پیشرفت و گسترش فناوری ماهره ای و الکترونیکی و همسویی آن با پیشرفت‌های رایانه‌ای و به دنبال آن گسترش اطلاع رسانی جهانی و افزایش سطح آگاهی‌های مردم، موقعیت‌های گذشته تغییر کرده است و امروزه ما به واسطه این فرهنگ الکترونیکی در جهان متفاوت با گذشته زندگی می‌کنیم که به ایجاد نهادهای جدید و موقعیت‌های تازه منجر شده است. و آنچه امروزه با عنوان جهانی شدن مطرح است تفسیر عامل ایجاد موقعیت‌های جدید و چگونگی واکنش بشر به آنها و چشم انداز آینده این واکنش‌ها و عملکردهاست و آنچه به عنوان جهانی‌سازی از آن یاد می‌شود در حقیقت تفسیر چگونگی مداخله آگاهانه بشر در شکل‌گیری موقعیت‌های جدید بخشیدن آگاهانه به عملکرد بشر در شرایط نوین جهانی است. طبیعتاً در موقعیت‌های جدید نیازهای بشری نیز تغییر کرده است و روش‌های برطرف کردن این نیازها نیز تغییر یافته و به گونه‌ای تمام اقشار و افراد جامعه بشری از این تغییر، تأثیر پذیرفته‌اند. حال اینکه این تأثیرپذیری می‌تواند به گونه‌ای قشری یا جنسی باشد که به دلیل شرایط گوناگون و همچنین تطور خاص تاریخی، زنان بیشتر از هر قشری سوژه تحلیلهای جهانی شدن و جهانی‌سازی قرار گیرد. (یعقوبی، ۱۳۸۳، ص ۸).

در طول تاریخ با قدرت گرفتن مردان به دلایل مختلف، زنان حقوق ابتدایی خود را

از دست دادند، اما پس از آن، با روند صنعتی شدن زمینه‌های پیشرفت و شکوفایی زنان تا حدودی فراهم شد و در اوایل قرن بیستم نیز با اصلاح حقوق زنان و در حقیقت اشتغال آنان و فراهم شدن زمینه‌های تحصیل علوم مختلف آنان کم کم به استقلال اقتصادی و به دنبال آن استقلال فکری نسبی دست یافتند. و در واقع به واسطه کسب این استقلال، آنان بسیاری از حقوق از دست رفته خود را احیاء کردند، اما در موقعیت‌های جدید خطرهایی نیز زنان را تهدید می‌کند و جهت این خطرها به سوی تنزل شخصیتی و همچنین سقوط جایگاه زنان است. در حقیقت با قانونی شدن امور ناپسندی چون همجنس بازی و ایجاد اشکال جدیدی از خانواده که در آن نقش زنان تغییر کرده، جایگاه زن در خانواده و در جامعه نیز به عنوان همسر و مادر رو به تنزل رفته است و خطرات و سوء استفاده‌های دیگری نیز در موقعیت‌های جدید زنان را تهدید می‌کند. اما آنچه مطرح است این است که جهانی‌سازی خود بالقوه مفهوم و روند منفی نیست، در حقیقت اگر در موقعیت‌های نوین تلاش بشر در جهت استفاده‌های مطلوب و انسانی باشد، جهانی‌سازی می‌تواند روند مثبت باشد. از این رو آنچه ماهیت جهانی‌سازی را تعیین می‌کند در حقیقت ماهیت تلاش‌های جهانی بشر در راستای جهانی شدن و جهانی‌سازی است. (همان) مهم‌ترین نقش زنان در حوزه جهانی شدن فرهنگ، فرهنگ‌سازی، و حفظ هویت ملی است؛ (حیات، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

به نظر می‌رسد جهانی شدن برای مردم جهان بیم و امید را به ارمغان آورده است. این پدیده دارای دو لبه است؛ لبه سیاه آن تهدیدی است که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند و لبه سفید آن فرصت‌هایی است که جهانی شدن برای این کشورها بوجود آورده است. اگر چه سازو کارهای مورد استفاده در فرایند جهانی شدن از مشابهت یکسانی برخوردار است، ولی آثار و پیامدهای آن در جوامع مختلف کاملاً متفاوت است.

در این میان آثار جهانی شدن بر زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. بدین ترتیب، اگر چه جهانی شدن آثار مثبتی چون افزایش درآمد، اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی،

افزایش بهره وری، افزایش حق انتخاب، افزایش سطح آگاهی‌ها و کاهش مولید را برای زنان به همراه داشته، به همان نسبت نیز آثار منفی‌ای چون رشد اشتغال غیررسمی، پرداخت دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزشهای سنتی، عدم امنیت شغلی و گسترش فرهنگ مصرف را نیز نزد زنان تشدید نموده است؛ (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ص ۲).

امروزه جهانی شدن به یک اصطلاح کاملاً رایج در رسانه‌ها، تجارت، اقتصاد، سیاست و مجامع روشنفکری تبدیل شده به گونه‌ای که این مفهوم به صورت یک واقعیت اجتناب ناپذیر در آمده است. هر چند روابط فرا جهانی پدیده‌ای کاملاً نو نیست، اما در چهار دهه پایانی قرن بیستم آهنگ و وسعت گسترده آن کیفیت استثنایی پیدا کرده به گونه‌ای که جهانی شدن بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری از جمله جامعه، حکومت، تولید، دانش، امنیت، صلح، عدالت، محیط زیست و... تأثیر گذاشته و موجب تغییر در شیوه تفکر و تعلق انسان از روابط اجتماعی شده و در عین حال از آن‌ها تأثیر پذیرفته است و متعاقب این تغییرات اجتماعی تأثیرات عمیق و مهمی بر زندگی روزمره و مراودات انسانها با معیارهای جهانی گذارده است، بدین لحاظ مباحث جنسیت، زنان، خانواده و... نیز مورد بحث قرار می‌گیرد؛ (پایدار، ۱۳۸۳، ص ۳).

جهانی شدن در اصطلاح، ایدئولوژی جدیدی است که هدف آن اعمال نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر تمام جهان است اما نه از راه اشغال نظامی سرزمین‌ها بلکه از راه تکنولوژی علمی و مادی و سیاسی فراگیر که غرب و مخصوصاً آمریکا از آن برخوردار می‌باشد.

بیشتر بررسی‌های جدید بر آن است که نوعی رابطه میان جهانی شدن و یکسان کردن جهان با تمام جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و رفتاری در سیستم جهانی واحد برقرار کند. و ریشه‌های صهیونیسم با آن را گره بزند، چنانکه در کنفرانس بازل سوئیس در سال ۱۸۹۷ به ریاست تئودور هرتزل به بازمینی و تجدید برنامه و توطئه

صهیونیستی پرداخته شده و بر موضوع زن نیز در این کنفرانس تاکید شده است. از آن تاریخ به بعد، صدور قوانین درباره زن شروع شد، تا اینکه، به بیانیه رفع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۶۷ انجامید. بنابراین در قلمرو جهانی شدن شاهد تهاجم گسترده تمدنی، انسانی و مادی هستیم که مقدمات و محور اصلی آن از میان برداشتن باقیمانده‌های پیوندها و پایبندی‌های موجود در جوامع ما است؛ (عفاف الحکیم، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

لذا، برای شناخت بهتر اهداف جهانی سازی و ارائه دیدگاه‌های خود، شرکت در مجامع بین‌المللی، به ویژه در موضوع زنان می‌بایست از موضع قدرت صورت گیرد. به این معنا که حضور از موضع انزوا یا انفعال، شایسته زن و مرد ایرانی نیست. جایگاهی که امروز مسلمانان به لحاظ سیاسی در جهان پیدا کرده اند (که این مسأله را می‌توان مرهون انقلاب اسلامی ایران دانست) نشانگر قدرت حادثه‌سازی است که بخشی از آن به عهده زنان مسلمان بوده است. لذا بهترین حوزه حضور در عرصه‌های بین‌المللی، داشتن نظام فکری برتر خواهد بود که قابلیت اثرگذاری و تغییر مواضع موجود یا به عبارتی حادثه‌سازی را داشته باشد، به دور از شعار یا پذیرش موقعیت‌هایی که با اهداف مسلمانان مغایرت دارد و به شکل قاعده مند، منظم و سیستماتیک جایگاه زن در اسلام را معرفی نماید. در غیراین صورت حضور در مجامع بین‌المللی در ارتقاء و تحول مثبت و سازنده در منزلت زن مسلمان تأثیری نداشته و حداکثر تجربه فردی افراد شرکت کننده را بالا می‌برد؛ (مکنون، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

مسائل اجتماعی زنان و خانواده

به دلیل اهمیت و تأثیر زنان در نهادهای مختلف جامعه، از جمله نهاد بسیار مهم خانواده باید به این گروه نگاه ویژه داشت، زیرا نقش زن در این نهاد نقش محوری و زیربنایی در تضمین سلامت اعضای آن است. سلامت روحی و روانی اعضای خانواده تأثیر مستقیم بر سلامت جامعه دارد و می‌توانیم بگوییم که اگر خانواده فضای متعادلی

را جهت رشد اعضا فراهم کند، جامعه نیز به طرف اعتدال سوق داده می‌رود. پس اعتدال در جامعه نتیجه اعتدال خانواده‌هاست و نقش مرکزی و محوری در خانواده بر عهده زنان است. باید توجه کنیم که فقط بر اساس باورهای ما نیست که چنین نقش مهمی برای زنان در جامعه در نظر گرفته شده است، بلکه در تمامی جوامع چنین رویکردی وجود دارد. برای مثال طبق آماری که اخیراً در سایت «چشم انداز امریکایی»، [HTP://WWW.amirican outlook.org](http://www.amirican outlook.org) وابسته به بنیاد هودسن، در مقاله ای تحت عنوان «خانواده و ملت» به قلم «هربرت لندن» به مسأله فروپاشی در جامعه کنونی آمریکا و تأثیر این امر در افزایش بزهکاری، پذیرش افکار فمینیستی افراطی، نابهنجاری اقتصادی و ... پرداخته است؛ آمده: که اگر در آمریکا از هم گسیختگی وجود دارد، دلیل اصلی آن، گسیختگی خانواده‌هاست و دلیل آن افزایش ۳۰ درصدی میزان طلاق نسبت به سال ۱۹۷۰، کاهش ۴۰ درصدی میزان ازدواج در همان سال و صعود سرسام آور تعداد کودکان نامشروع از ۵ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۳۳ درصد در حال حاضر است. همچنین اگر محیط خانواده به جای اینکه کانون آرامش و خرسندی باشد، تبدیل به میدان کارزاری شده که در آن والدین با هم ستیز می‌کنند و اگر در این روزگار به نظر نمی‌رسد که در آمریکا از هم گسیختگی جامعه قابل کنترل باشد، دلیلش همان از هم گسیختگی خانواده است.

هودسون می‌گوید: زمان آن فرارسیده تا خانواده را به عنوان کانون زندگی آمریکایی بازسازی و قدر آن را در حفظ همبستگی خود بشناسیم. بدون هیچ شبهه ای فساد خانواده معضل شماره یک اجتماعی در آمریکاست و فروپاشی خانواده مآکنی از فروپاشی ملت است؛ (قوی، ۱۳۸۳، ص ۱).

با بیان این مطلب، روشن می‌شود که اگر در ارتباط با نهاد خانواده و اهمیت بسیار مهم آن در اجتماع بخواهیم به دنبال یک عنصر مهم بگردیم، یقیناً زنان عنصر اصلی و قوام دهنده و سوق دهنده هستند و در به کمال رساندن اعضای خانواده، اعم از همسر و فرزندان نقش زنان بی بدیل و اساسی است. بنابراین، نگاهی ویژه به کیفیت رشد و

تعالی زنان در این عرصه اهمیت می‌یابد.

علاوه بر نقش زنان در خانواده، تأثیرگذاری‌شان در مشارکت اجتماعی، در ابعاد مختلف و مورد نیاز جامعه امروز غیر قابل انکار است. این تأثیر چه در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت‌های کلان و چه در عرصه آموزش، پژوهش و مسائل ویژه زنان، باید در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه در برخی مشاغل و رشته‌های دانشگاهی و مراکز پژوهشی و فرهنگی که در امور و زمینه زن در جامعه به معطاله و بررسی و نقش آفرینی می‌پردازند اولویت تصدی امور برای زنان را مد نظر قرار دهند. اگر بپذیریم که در بسیاری از امور اجتماعی - فرهنگی به ضرورت، حضور مشترک زن و مرد برای سازماندهی لازم است و در عرصه‌های ویژه، زنان، از اولویت برای تصدی امور برخوردار هستند؛ باید با پژوهش‌های دقیق و میدانی مشخص کرده که آیا در مقطع فعلی با توجه به ضرورت این گونه عمل می‌شود یا خیر؟

از بعد نظری و در تبیین و ارائه رهیافت‌ها و تشخیص ضرورت‌ها لازم است با برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی و تبادل نظر اندیشمندان در جهت ارزش‌گذاری رویکردهای ارائه شده به جامعه و بیان واقعیت موجود، در مسائل ویژه زنان نقشی داشته باشیم؛ (همان). شایان ذکر است مشکل زن مسلمان ایرانی در حال حاضر لزوماً مشکل زن آمریکایی یا اروپایی نیست. دیدگاه‌های فمینیستی در این زمینه، اختلاف فاحشی با دیدگاه‌های اسلامی دارند، به ویژه در زمینه‌هایی که زنان را در برابر مردان قرار می‌دهد یا زنان را به عنوان انسان‌هایی خودکفا و قشری که نیازی به مردان و تشکیل خانواده ندارند، تلقی می‌کند. این نوع دیدگاه‌ها که غالباً در دیدگاه‌های رادیکال فمینیستی وجود دارد با دیدگاه‌های اسلامی اختلاف آشکاری دارند؛ اما از آنجایی که دیدگاه‌های فمینیستی به رفع تبعیض علیه زنان و رفع ظلم و ستمی که بر زنان، چه در محیط خانواده و چه در محیط جامعه روا داشته می‌شود تأکید می‌کنند، فصل مشترکی با دیدگاه‌های اسلامی پیدا می‌کنند؛ (پناهی، ۱۳۸۳، ص ۷).

در دیدگاه اسلامی، اساس و مبنای نظر و عمل، عدالت اجتماعی و حقوقی است.

باید زنان در جای خود در جامعه مطرح و فعال باشند، چه در محیط خانواده و چه محیط جامعه، تا حقوق حقه آنان احراز شود و ظلم و ستم در حق‌شان روا نشود؛ چرا که ظلم و ستم به زنان در واقع ظلم و ستم به مردان و جامعه است؛ در حالی که می‌بینیم حتی در کشورهای اسلامی گاهی ظلم‌های مضاعفی در حق زنان روا شده است که با تعالیم اسلامی کمترین سازگاری ندارد. بنابراین آن نوع دیدگاه‌های فمینیستی که روی این ابعاد و رفع تبعیض و ایجاد عدالت اجتماعی و حقوقی و اقتصادی تأکید می‌کنند، با دیدگاه‌های اسلامی فصل مشترک قابل توجهی دارند؛ اما دیدگاه‌های فمینیستی رادیکال در بسیاری از موارد از این منظر دور می‌شوند و حتی می‌توان گفت در خیلی از زمینه‌ها نقطه مقابل دیدگاه‌های اسلامی قرار می‌گیرند. در حالی که باید با دیدگاه فرهنگی و جامعه‌شناسی خودی به موضوع زنان نگاه کرد، نه با دید فرهنگ و جامعه غربی. اگر می‌توانستیم با دید اسلامی - ایرانی و بومی وضعیت زنانمان را مطالعه و بررسی کنیم و با الگوپذیری از همین نظام ارزشی، اعتقادی و فرهنگی به آن‌ها راه‌حل مسائل‌شان را ارائه دهیم، در این صورت زنان و دختران‌مان را از لحاظ فرهنگی ریشه دار، خودباور توانمند و متکی به خود کرده‌ایم، چرا که متأسفانه زنان و دختران ما در معرض حمله‌های فرهنگی جدی از سوی فرهنگ غربی قرار دارند. نتیجه تأثیر شدن از این حمله‌ها این می‌شود که زنان و دختران، خود را از منظر فرهنگ اسلامی و ایرانی نبینند، بلکه از نگاه زن و دختر غربی با همان نیازها و انتظارات بنگرند و به جای اندیشیدن در جو فرهنگ بومی خود در فضای فرهنگ غربی نفس بکشند و مسائل و انتظارات‌شان را شکل دهند؛ (همان).

انقلاب اسلامی بیش از هر پدیده دیگر آزادی و علم را مورد توجه زنان قرار داد، شجاعت را در آنان برانگیخت و زن ایرانی را محور توجه جهان اسلام قرار داد. امروزه زنان جهان اسلام، زن ایرانی را نمونه‌ای گویا از توانمندی و کارآمدی می‌دانند و آمادگی الگوبرداری از وی را دارند. البته این واقعیت بر نظریه پردازان سیاسی غرب و طراحان خاورمیانه جدید نیز پوشیده نیست. از دیدگاه آنان، جامعه ایران مبتکر ایده

اصول‌گرایی اسلامی (اسلام اجتماعی) است و برای مهار این پدیده لازم است ایرانیان خود پایان عمر اسلام اجتماعی را اعلام نمایند. بدین منظور تلاش‌های بسیاری انجام می‌شود تا آن چه به برکت انقلاب اسلامی گسترش یافت، زمینه توسعه ارزش‌های جهان غرب گردد؛ (بازخوانی هویت زنانه، ۱۳۸۴، ص ۲).

توجه زنان به فعالیت‌های علمی و رشد تحصیلی آنان مرهون انقلاب اسلامی است تا زمینه توسعه ارزش‌های متعالی، گشودن دریچه‌های تازه در عرصه‌های دانش به ویژه تحولات جدید در حوزه علوم انسانی باشد و تلاش غرب آن است که نشاط علمی را به کانال‌های قوی واردات فرهنگی تبدیل کند؛ به گونه ای که زن مسلمان ایرانی مفاهیم بنیادین و مبانی اندیشه خود را از آنان اقتباس و خود و جهان پیرامون خود را از دریچه نگاه آنان ارزیابی نماید. آزادی اجتماعی برای زنان مسلمان بستری بود تا آنان را در مسیر دستیابی به آزادی معنوی و رشد فضایل اخلاقی توانمند سازد و از سویی همت جهان غرب آن است که آزادی را بستر گسترش ابتذال قرار دهد. انقلاب اسلامی شجاعت مثال زدنی به زنان اعطا کرد تا در صحنه حیات اجتماعی، مسیری به سوی فتح قله‌های خودباوری بگشایند و آن گاه از منظری متعالی به حیات طیبه و استقرار عدالت بیندیشند. نظریه‌پردازان سیاست غرب در نظر دارند از زنان ایرانی عناصری گستاخ برای شکستن حریم‌های اخلاقی و ارزش‌های اعتقادی بسازند. با نگرش و تفسیر انقلاب اسلامی از زن، که آن را موجودی ملکوتی می‌پندارد که به انتشار رایحه عفاف و انتقال ارزش‌های اخلاقی به نسل آینده اهتمام می‌ورزد و رکن فرهنگی تمدن اسلامی است و این باور طراحان خاورمیانه آمریکایی را متوجه می‌سازد که زن ایرانی را پیشتاز مصرف‌گرایی، فردگرایی و انتقال ارزش‌های مادی بخواهند؛ (همان، ص ۳).

در یک نگاه می‌توان خودباوری و حضور زنان را در عرصه‌های اجتماعی قابل توجه دانست. این حضور به گونه ای است که گاه به عنوان عنصری تعیین کننده در انتخابات ملی و محلی مورد توجه قرار می‌گیرد و فشار مطالبات آنان مراجع ذی ربط

را به پاسخ‌گویی وا می‌دارد. در عین حال نباید از کنار پیامدهایی که نگاه حاکم در مشارکت اجتماعی زنان به دنبال داشته است، به سادگی گذشت. گرچه رهبران نظام اسلامی همواره زنان را به حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فرا خوانده و شرکت در برخی از این امور را واجب کفایی یا عینی دانسته‌اند، اما انتظار آن است که نظام اسلامی به عنوان مدعی طرحی نو در حیات اجتماعی، پایه پای دعوت به مشارکت اجتماعی، الگویی دینی و کارآمد از حضور عنصر زنانه در حیات اجتماعی عرضه کند و پای را از طرح شعارها، توصیه‌های اخلاقی و پیشنهادهای موردی فراتر نهد تا در موضع عمل، شاخص‌های جهانی مشارکت اجتماعی زنان را که برآمده از نگرش لیبرالیستی و فمینیستی است به عنوان معیار توانمندی زنان و پیشرفت اجتماعی اتخاذ نکنیم و در نتیجه به پارادوکس میان فعالیت اجتماعی خانوادگی و مشکلات مهم در عرصه خانه و اجتماع گرفتار نیاییم؛ (بازخوانی هویت زنانه، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

فراخوان زنان به مشارکت اجتماعی در کنار کلیشه‌ای دانستن مادری، همسری و فعالیت خانگی سبب شد که موضوع حمایت از خانواده بیشتر در حد شعار باقی ماند و زنان خانه‌دار عناصری کم‌کار، افسرده و با فعالیت کم ارزش شناسانده شوند. کاهش درصد ازدواج در دختران به دلیل افزایش تمایل به تحصیل، اشتغال و حضور اجتماعی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران نتوانسته‌اند به الگویی عینی از هماهنگی میان خانه و اجتماع دست یابند.

آمار جرائم و نابهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی که دامنگیر زنان می‌شود درس آموز و عبرت‌انگیز است؛ چنان‌که افزایش شمار معتادان زن می‌تواند نشانه‌ای از ناکارآمدی خانواده و کم‌شدن پیوندهای عاطفی و نقش‌نظارتی آن به حساب آید. هم‌چنین افزایش آمار مبتلایان به ایدز تا مرز شصت هزار نفر (ایران، از ۸۰/۳/۱۰، ص ۴)، وجود هشتاد هزار مورد سقط جنین در سال [که بسیاری از این موارد ناشی از روابط نامشروع جنسی است]، افزایش طلاق نسبت به ازدواج در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ به گونه‌ای که درصد رشد ازدواج به طلاق در این مدت منفی ۲۳ درصد بوده است؛

(گزارش تحول وضعیت زنان طی سال ۱۳۸۳، ۱۳۷۶، ص ۴). افزایش آمار دختران خیابانی ناشی از کاهش کارآمدی خانواده را باید به این موارد اضافه کرد، و در یک مفهوم کلی، فرهنگ و رفتار فردگرایانه و لذت‌جویانه که علی‌الاصول فضائل اخلاقی را برنمی‌تابد، از دیگر مؤکدهای ناهنجاری‌های اجتماعی است؛ (بازخوانی هویت زنانه، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد

فهم جایگاه انسان و به تبع آن جایگاه و نقش اجتماعی زنان مسلمان در گرو شناخت جهان بینی اسلام است. و تنها در این صورت است که می‌توان به ارزش‌های تعیین‌کننده پایگاه و موقعیت زن مسلمان دست یافت.

هدف در جهان بینی توحیدی، تقرب به خداوند است و این امر، موجب تحقق مقام کرامت و رشد برای انسان است. و نقش‌های اجتماعی همگی مجرای برای نیل به این هدف بوده و حضور فعال زنان در صحنه‌های اجتماعی علی‌رغم تکامل جامعه اسلامی و تأمین نیازها در راستای تقرب به خدا و رسیدن به مقام کرامت و انسانیت است.

نقش زن مسلمان در امور سیاسی- اجتماعی و همدوشی با مردان در چهارچوب ایدئولوژی اسلامی تحلیل می‌شود؛ لذا حفظ موازین شرعی در روابط زن و مرد و رعایت حجاب از اصول تفکیک‌ناپذیر آن است.

اینجاست که تفاوت مدل اجتماعی نقش و پایگاه زنان مسلمان در جامعه اسلامی، با مدل اجتماعی نقش و پایگاه زنان در جوامع غیر اسلامی و غربی مشخص می‌گردد؛ (صفری، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷).

تعمیق ارزشهای معنوی و دینی می‌تواند زمینه ساز امنیت اجتماعی و باروری استعدادها و شایستگی‌های زنان در کلیه ابعاد مادی و معنوی باشد؛ (نقش زن و خانواده در توسعه انسانی، ص ۱۰۴).

سرانجام اینکه رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان وظیفه اساسی زنان است و

البته برای پایداری و سلامت خانواده، مردان و همه نهادهای اجتماعی باید برای سالم‌سازی جامعه بکوشند چرا که بدون آن این امر محقق نمی‌شود. اساسی بودن و اهمیت وظیفه خانه‌داری زنان به معنای نفی وظایف دیگر اجتماعی نیست. هم زنان به جامعه نیاز دارند و هم جامعه بدون زنان نمی‌تواند سالم و بالنده باشد. لذا، زنان می‌بایست تربیت فرزندان و امر خانواده را مهم و وظیفه اول بدانند و این امر به طور کلی منافاتی با مشارکت اجتماعی آنان ندارد؛ (اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵).

زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده مردان و پرورش دهنده جسم آنها نبوده‌اند، بلکه الهام بخش و نیرو دهنده و مکمل مردانگی آنها بوده‌اند. زن نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خود، یعنی حیا و عفاف و تقوا و دور باش زنانه است. آنجا که زن دورباش حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده این نقش تاریخی را از دست داده است.

بنابراین شرکت زن در فعالیتهای اجتماعی ملازم این است که در شرایطی که فتنه انگیز است مثل ازدحام‌ها، اختلاط نباشد و حریم رعایت شود. البته در غیر ازدحام اشکالی ندارد.

ورود زن در اجتماع به معنی اینکه اجتماع محیط شهوت‌رانی بشود نیست و نخواهد بود. این به معنی این است که زن و مرد دو انسانند و در انسانیت متساوی و مشابه یعنی در آنچه که به انسانیت انسان مربوط می‌شود برابر و همانند یکدیگرند ولی در عین حال مرد انسان مذکر است و زن انسان مونث؛ (مطهری، ۱۳۷۰)، ص ۶۵-۴۴). مفهوم حقیقی توسعه، توسعه هماهنگ مادی و معنوی است. باید به زنان اجازه رشد استعدادهای بالقوه داده شده تا بتوانند از حداکثر توانایی‌های خود استفاده کنند این امر موجب خواهد شد که زنان و مردان در کنار یکدیگر، دنیایی انسانی و توأم با امنیت را تضمین کنند.

هدف نهایی توسعه، تکامل و تعالی انسانهاست. و در این راستا، موارد زیر باید

مورد نظر قرار بگیرد:

- ارتقاء منزلت انسانی زنان به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار.
- احترام معرفتی، و حمایت از نقش باروری و مادری زن به عنوان یکی از عوامل و ستون اصلی توسعه انسانی.
- زن در بینش الهی آفریده‌ای است مستقل، انتخابگر و تصمیم گیرنده‌ای آزاد و مختار و با کرامت است که حق دارد از تمام مواهب الهی که برای تکامل بشری قرار داده شده بهره مند گردد و تا مقام خلیفه‌اللهی پیش رود.
- تأمین عدالت اجتماعی یکی از اهداف اساسی ادیان الهی است، تحقق این امر همچنین می‌تواند احقاق حقوق انسانی زن را در عرصه‌های مختلف دربرگیرد.
- از نظر ادیان الهی اصل روابط بین زن و مرد در چارچوب خانواده بر پایه مودت، رحمت، پایداری و استحکام خانواده در اجتماع بنیان گذارده شده است. نقش زن در تأمین محیطی مناسب برای تربیت فرزندان به منظور حفظ و تداوم کرامت و حرمت انسانی با اعتقاد به اصل «خانواده واحد بنیادین ساختار جامعه بشری» همواره مورد تاکید و توجه ادیان الهی است.
- تعمیق ارزشهای معنوی و دینی زنان و مردان و پاس داشتن این باورها از جانب حکومتها و موسسات اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز امنیت اجتماعی و باروری استعدادها و شایستگی‌های زنان در کلیه ابعاد مادی و معنوی گردد؛ (نقش زن و خانواده در توسعه انسانی، ص ۱۰۳-۱۱۰).
- با توجه به تاریخ اسلام و سیره و روش زندگی پیامبر اسلام روشن می‌گردد که زنان از دیدگاه اسلام مانند مردان حق شرکت در امور اجتماعی را دارند؛ (نوری همدانی، ۱۳۸۲، ص ۴۹).
- مسأله زن همواره با پیچیدگی همراه بوده و در طول تاریخ با فراز و نشیبهای فراوانی روبرو بوده و حقایقی چون زنده به گور شدن تا خدایی کردن را به خود دیده است. زن غیر از حقیقت انسانی چهره‌ها و جلوه‌های مختلف دیگری را نیز در خود

دارد که بایستی کشف و هویدا شود تا آن گونه که هست شناخته و معرفی شود. بدون شک قلم به حرکت در آمده تا بتوانند چهره اعجاب‌انگیز زن را ترسیم نموده و او را از هاله‌های ابهامی که به دور او تنیده شده است رهایی بخشند، اما نه تنها موفق نبوده‌اند بلکه بر تیرگی‌های آن افزوده‌اند.

گرچه سخن گفتن پیرامون این پدیده همواره با صعوبت همراه و با دشواری هم‌پاست لیکن فروغ تابناک وحی و شعاع تابنده دین فضای تیره را روشن و ذهن کدر را نورانی می‌کند. آنها که برای شناخت این پدیده، بدون سلاح وحی حرکت کرده یا می‌کنند بدانند که این راه، طولانی و این وادی، ظلمانی است. و تلاش آنها جز بر حیرت و کوشش آنها جز بر گمراهی نمی‌افزاید. دین سیمای زن را در حجاب عفاف و جلباب طهارت معرفی می‌کند تا جنبه‌های مختلف هستی او را بالنده و ششون وجودی او را جلوه‌گر سازد.

برخی با اندیشه‌ای برگرفته از جهل و فکری برخاسته از وهم درصدد ارائه چهره‌ای از زن هستند که نه تنها کمالات شایسته او را تأمین نمی‌کند، بلکه بذر تباهی و تخم فساد را در متن حیات اجتماعی ریخته که از آن چیزی جز شجره خبیثه و رذیلت به بار نمی‌آید. همانگونه که افکار انجمادی و آرای ارتجاعی احياناً موجب آن می‌شود که زن نه تنها به حد کمال خود نرسد، بلکه بسیاری از کمالات را که جامعه در مسیر تعالی و رشد بدان نیازمند است از دست بدهد؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که هزارها تجربه را در درون خود نهفته دارد، حرکات زنان و نهضت مؤثر آنها را در میدانهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی به عنوان یکی از بهترین شاخصه‌ها معرفی می‌نماید. لیکن باید از این تجربه بهره گرفته ضمن حفظ و ترمیم، آن را پالنده نگه داشت.

جامعه اسلامی باید به دور از غوغای برابری زن و مرد و دفاع از چالش‌های فمینیستی، با رعایت ارزشهای دینی و انسانی، اصالت و مصلحت خانواده، توجه فزون‌تر به کرامت و نقش مؤثر و سازنده زن، حفظ «عفت» در حوزه روابط زن و مرد،

اهتمام به حقوق شوهر، توجه به نیاز کودکان به آسایش و عطف‌مادر در زمان بارداری و دوره شیرخواری، در نظر داشت کارهای مورد علاقه زنان در پهنه زندگی اجتماعی و کارآمدی‌ها و علاقمندی‌های زن در بدست آوردن مشاغل اجتماعی؛ زمینه را برای حضور فعال زن در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی فراهم نماید و گرنه هم‌گامی و یکسانی زنان با مردان در صحنه فعالیت‌های اجتماعی پیامدهای سه‌گانه زیبراه همراه خواهد داشت:

الف) تزلزل و فروپاشی بنیان خانواده.

ب) گسترش فساد در جامعه، به دلیل کمبود محبت مادر در تربیت فرزندان

ج) واکنش نامناسب شوهر و فرزندان به دلیل کم‌توجهی و در نتیجه احساس تنهایی از سوی زنان در زندگی؛ (پژوهشهای قرآنی، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

بر واضح است که تا استیفای کامل حقوق زنان در جوامع اسلامی فاصله زیادی وجود دارد، اما این به معنای پذیرش وضعیت موجود در غرب نیست؛ زیرا فرهنگ جدید غربی مبتنی بر فردگرایی است و این فرهنگ جدید، خانواده را تحت الشعاع قرار داده و بنیان آن را متزلزل و زن را همانند مرد قرار داده است. فرد محوری باعث شده نگرش خاصی نسبت به زن شکل بگیرد و در آن، زن جدا از مفهوم خانواده مورد توجه قرار بگیرد. نگاه به کثرت اشتغال زنان در غرب دلیل بر منزلت بالا و تعالی نقش زن نیست و همچنین نگاه به ملت اشتغال زنان در جمهوری اسلامی دلیل بر پایین بودن منزلت زن نخواهد بود، بلکه معتقدیم که در جامعه اسلامی باید قابلیت‌ها و توانایی‌های زنان شکوفا شود و نگاه به زن گاهی معقول و متناسب با شخصیت او باشد؛ (قدیر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲۶).

دشمن با استفاده از نقطه ضعف‌هایی چون عدم معرفت زنان نسبت به حقوق و تکالیف و مسئولیت‌هایشان و همچنین نادیده انگاشتن نهاد خانواده و سست نمودن پایه و بنیان خانواده با پست انگاشتن نقش‌های زنانه، ایجاد روحیه بی‌اعتنائی به ارزش‌های اخلاقی و... و از سوی دیگر با سخنان و وعده‌های فریبنده، بهترین بهره

را برای همسان‌سازی فرهنگی زنان ما با فرهنگ غرب برداشت. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه به زیبایی به آن اشاره می‌فرماید که: «فاسدان، تخم گناه افشاندند و با آب غرور و فریب آبیاری کردند و محصول آن را که جز عذاب و بدبختی نبود برداشتند!» همان طور که پیداست در جامعه ما، افراد فاسد و مهاجم با وعده و وعیدهای دروغین و دهان پرکن و به اسم دفاع از حقوق زن و آزادی و... به ایجاد زمینه برای رشد گناه پرداختند، که سرانجام، ماحصلی جز تزلزل خانواده، افزایش آمار طلاق، بالا رفتن آمار جرم و جنایت و وجود افراد لایالی و هرزه و معتاد و... ارمغان دیگری برای جامعه ما نداشت. اما برای تضعیف نقش‌های مهاجمان در فرهنگ‌سازی، ضرورت دارد که به مسائل ذیل توجه داشته باشیم:

- توجه به رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری در مورد زنان به عنوان بهترین مفسران و تبیین‌کنندگان جایگاه زن در اسلام.
- اهتمام جدی مسئولان و متولیان امر برای برنامه ریزی اصولی در جلب مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی- فرهنگی و دینی به گونه‌ای که موجبات تزلزل خانواده و فرهنگ را سبب نشود.
- زمینه‌هایی برای اصلاح نگرش فرهنگ عمومی نسبت به زنان ایجاد گردد و فضائی برای پذیرش تحلیل درست مباحث مربوط به زنان فراهم شود.
- طراحی برنامه‌ای که منجر به رشد و تعمیق همه جانبه زنان گردد، بالاخص آشنائی زنان با حقوق و جایگاه زن در اسلام که از ضروریات است.
- فراهم ساختن زمینه برای خداباوری و ارتقاء روحیه آخرت‌گرایی در زنان و دختران برای حل معضلاتی که در اثر تاثیرپذیری از فرهنگ غرب برای جامعه دینی ما به ارمغان آمده است- و در نهایت دوری از هرگونه اعمال سلیقه شخصی و پرهیز از افراط و تفریط در حوزه مسائل زنان می‌تواند در پیش‌گیری از تاثیرپذیری زنان از فرهنگ غرب مؤثر باشد.
- با نظر به عدم اجتهاد در متون دینی و تبیین صحیح باورهای دینی و فقدان

آگاهی‌های لازم، می‌توان دریافت که چالش میان مدرنیسم و ارزشهای مذهبی فرازمان موجب بروز این باور شده که مذهب با شیوه‌های نوین زندگی سازگاری نداشته و در نتیجه مدرنیته مذاهب پیشرو را منزوی ساخته است. بنابراین انجام مطالعات و پژوهش جهت شناسایی باورهای اصیل و زدودن باورهای رایج غلط درباره زن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

- ارتقاء معرفتی و افزایش نقش استراتژیک مذهب در دستیابی به توسعه فرهنگی به ویژه برای شناخت جایگاه و منزلت زن در ادیان الهی.

- تاسیس و تقویت ساختارهای ملی که برای بهبود وضعیت زنان فعالیت می‌کنند.

- ضرورت توجه و تلاش دولت نسبت به رفع موانع و ایجاد تسهیلات لازم برای رشد معنوی زنان و احترام به آزادی اعتقادات دینی، با عنایت به سطح گرایش جامعه به معنویات در هر دوره.

- مقابله مستمر با ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی کشورهای سلطه گر که تلاش می‌کنند فرهنگ اصیل و باورهای دینی ملت‌ها را مسخ نمایند.

منابع و ماخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- احمدی، حبیب اله، فاطمه (س) الگوی زندگی، (۱۳۷۹) انتشارات فاطیما، قم.
- ۴- آیت ... نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ۱۳۷۲.
- ۵- آیت حضور، (۱۳۸۲) «مجموعه مقالات برگزیده یادواره زنان شهید استان قم»، تهیه و تنظیم بسیج دانشجویی استان قم.
- ۶- بازخوانی هویت زنانه، بیانیه تحلیلی از مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز مدیریت حوزه‌های عملیه خواهران قم، ۱۳۸۴.
- ۷- بابازاده، علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه زهرا (س)، ۱۳۷۶، ناشر: انتشارات انصاریان قم.
- ۸- پژوهشهای قرآنی (۱۳۸۰) فصلنامه ویژه زن، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
- ۹- پیام آیت ... خامنه ای به سمینار شأن و شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، مجله شاهد بانوان، شماره ۱۶۴ و ۱۶۵.
- ۱۰- تبیان، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره) دفتر هشتم، (۱۳۷۴) ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۱- تکاپو، بازتابی از شش سال فعالیت دفتر امور زنان کشور در ریاست جمهوری، ناشر: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری: تابستان ۱۳۷۶.
- ۱۲- تربیت، ماهنامه پرورشی، وزارت آموزش و پرورش، مقاله «نقش الگوها در

- سازندگی شخصیت»، علی مهرپویا، سال دوازدهم، شماره هفتم، ۱۳۷۶.
- ۱۳- تربیت، ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش، مقاله «نقش الگوها در جذب نوجوانان به نماز»، اصغر تقی زاده شکیبا، سال هجدهم بهمن ۱۳۸۱.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ناشر: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱.
- ۱۵- جویباری، محمود، شکوفه عصمت، ۱۳۷۵، انتشارات نبوی.
- ۱۶- روزنامه ابرار، سوم آبان، ۱۳۷۴.
- ۱۷- زنان و مسائل فرهنگی- اجتماعی و جهانی‌سازی ۱۳۸۳، کتاب ویژه همایش سراسری، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۱۸- زنان و مسائل فرهنگی و اجتماعی و جهانی‌سازی، ۱۳۸۳، مجموعه مقالات همایش زن و جهانی‌سازی، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۱۹- دوانی، علی (۱۳۷۶)، بانوی بانوان جهان، ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج.
- ۲۰- شیخ الاسلامی (۱۳۷۶)، حضرت زهرا (س) در کلام ولایت، ناشر: سازمان تحقیقات و خودکفایی بسیج.
- ۲۱- سجادی، سید محمد کاظم، الگوی مادران فاطمه (س)، انتشارات دانشجویی، سازمان تبلیغات اسلامی استان همدان.
- ۲۲- سجادی، محمدتقی، فاطمه زهرا (س)، تابستان ۱۳۸۰، انتشارات الزهرا.
- ۲۳- سید مشتاق الحلوی، زن در اسلام، پرتوی از اندیشه شهیده بنت‌الهدی (۱۳۷۹)، نشر عابد.
- ۲۴- صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی براساس دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۷۴)، ناشر: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

- ۲۵- قزوینی، سید محمد کاظم، *از ولادت تا شهادت فاطمه زهرا (س)*، ترجمه علی کریمی، پاییز ۱۳۷۵، نشر مرتضی.
- ۲۶- گرجی، منیره، *نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء*، ناشر: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی پاییز ۱۳۷۶.
- ۲۷- مجموعه مقالات و عملکرد تعاون، *زن و اشتغال (۱۳۷۵)*، ناشر: وزارت تعاون.
- ۲۸- محمدی نیا، اسدالله، *آنچه یک زن باید بداند*، ناشر: مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب الزمان (عج)، بهار ۱۳۸۲.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، *پیرامون جمهوری اسلامی*، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۷۰.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
- ۳۱- مهریزی، مهدی، (۱۳۷۷)، *زن*، نشر: خرم.
- ۳۲- مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار زن و دفاع مقدس اهواز، آذرماه ۱۳۷۴، کمیسیون امور بانوان استان خوزستان.
- ۳۳- محمدی اشتهاردی، محمد، *حجاب بیانگر شخصیت زن*، ناشر: معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا با همکاری انتشارات: ناصر قم.
- ۳۴- محمدی اشتهاردی، محمد، *زنان مرد آفرین تاریخ*، (۱۳۷۷)، ناشر موسسه انتشارات نبوی.
- ۳۵- مجموعه مقالات هم‌اندیشی، ۱۳۸۰، *بررسی مسایل و مشکلات زنان، اولویت‌ها، رویکردها*، ج ۱ و ۲، مرکز مدیریت حوزه‌های علمی خاوران قم.
- ۳۶- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۶)، *حقوق زن با نگرشی در سیره حضرت زهرا (س)*، ناشر: سازمان تحقیقات بسیج.
- ۳۷- *نقش زن و خانواده در توسعه انسانی*، مجموعه مقالات کنفرانس نقش زن و خانواده در توسعه انسانی.
- ۳۸- ویل دورانت، (۱۳۴۴)، *لذات فلسفه (پژوهشی بر سرگذشت و سرنوشت بشر)*، مترجم عباس زریاب خونی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

حق و مسئولیت زن در عرصه‌های اجتماعی

تأمین و حفظ امنیت اجتماعی
و رعایت حجاب

اسدالله جنت بوداغی

و اشرف سرمخت

حق و مسئولیت زن در عرصه‌های اجتماعی

واژه حجاب

کلمه حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده حاجب. بیشتر استعمالش به معنی «پرده» است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش دارد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.^۱

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن، یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است و فقها در کتاب‌های خود معترض این مطلب شده‌اند و کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را.^۲

بهرتر بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت حجاب «پرده» است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن است و همین امر موجب

۱ - مسئله حجاب، مرتضی مطهری.

۲ - همان.

شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.^۱

حجاب حق الهی

حجاب زن حقی است از حقوق الهی، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان «حق‌الله» مطرح است و خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفریده که معلم عطف است و پیام عاطفه بیاورد، اگر جامعه این درس را ترک کرد به همان فساد مبتلا می‌شود که در غرب ظهور کرد.

زن به عنوان امین حق الهی از نظر قرآن مطرح است یعنی این مقام و این حرمت را که حق خود اوست، به زن داد و فرمود: «این حق مرا، تو به عنوان امانت حفظ کن».

حجاب از نظر قرآن

اصل وجوب حجاب برای زنان از ضروریات دین اسلام است و منکر آن منکر حکم اسلام است و کسی که از روی عمد و آگاهی منکر ضروریات اسلام شود در حکم کفر است، مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا و یا رسول‌خدا(ص) نیست. ضروری و واجب بودن حجاب برای زنان از نظر قرآن و گفتار پیامبر(ص) و امامان(ع) به حکم عقل و اجماع و اتفاق رأی فقها و علمای اسلام ثابت است. در اینجا نظر شما را به ذکر آیاتی از قرآن که بر لزوم حجاب دلالت دارند جلب می‌کنیم. در قرآن برای وجوب حجاب و حدود آن چهار آیه که بر آن صراحت دارد تمسک شده است، ولی در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن در قرآن بیش از ده آیه وجود دارد. آیاتی که به طور صریح بر وجوب و لزوم اصل حجاب برای زنان دلالت دارند، چهار آیه است که عبارتند از:

آیه ۳۰ سوره نور - آیه ۵۹، ۲۳ و ۳۳ سوره احزاب.

آیه ۳۰ سوره نور "و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن . . ." ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نسازند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان و سایر افراد محرمشان. آیه ۵۹ سوره احزاب "یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین . . ." ای پیامبر! به همسران، دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده مهربان است.

این آیه به اصل و جوب حجاب برای زنان تصریح نموده است.

زنان الگو در قرآن

در ایام نزول قرآن حرمت زن محفوظ نبود، لذا قرآن بیش از حد توقع و انتظار بر مسأله حرمت زن تکیه نموده و در تمام شئون برای او سهمی قائل شده و به یگانگی او با مرد در مقام انسانیت تصریح نموده است.^۱

فاطمه (س) کلمة الله

فاطمه زهرا (س) برترین و بزرگترین چهره و الگویی است که می‌تواند رویاروی دختران جوان و همه زنان با ایمان قرار گیرد تا از او درس بگیرند و مشق بیاموزند.^۲ انوار عترت طاهره همان مقامات علمی است که حضرت آدم - سلام الله علیه - آن را تلقی کرد و زمینه نجات او پیدا شد.^۳

۱- زن در آئینه جمال و جلال، جوادی آملی، ص ۱۲۲.

۲- بانوی اول، جوادی نعیمی، ص ۲۸.

۳- زن در آئینه جمال و جلال، جوادی آملی، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

در دنیایی که چهره‌های دروغین ماسک زده و شخصیت‌های کاذب در پیش روی دختران و زنان قرار می‌گیرند شخصیت حضرت فاطمه اطهر(س) می‌تواند بهترین نمونه و الگوی رفتار، کردار و اندیشه زن مسلمان باشد. از دید حضرت زهرا(س) فراترین زینت و افتخار زن عصمت، عفت، طهارت و تقوا و تربیت فرزندان برومند و متعهد است^۱ و این افتخار برای زنان مسلمان پس که سیمای تابناکش در قرآن ستوده شده مانند کوثر^۲، سوره هل اتی^۳، آیه تطهیر^۴، آیه مباحله^۵ و آیه ذوی القربی^۶.

مریم(س) مظهر عفت

حضرت مریم(س) از لحاظ ملکه عفاف بودن، یا هم سطح یوسف صدیق(ع) است که خدا او را به عنوان عبد مخلص یاد کرد، و یا از او بالاتر است^۷. خداوند در قرآن می‌فرماید: و یاد آر حال مریم دخت عمران که رحمش را پاکیزه داشتیم، آنگاه در آن، روح قدسی خویش بدمیدیم که آن (مریم) کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا، بشمار بود^۸.

آسیه زن فرعون

آسیه زن فرعون بود که به خاطر خداپرستی، رنجهای فراوان دید، شکنجه‌های زیادی به او دادند و دشنامها و کتکهای فراوانی را تحمل کرد اما هرگز از عقیده خویش دست بردار نبود^۹ و پاک زیست.

۱ - بانوی اول، جواد نعیمی، ص ۲۸.

۲ - سوره کوثر، اول تا آخر سوره - جمع ۳ آیه.

۳ - انسان، آیه ۸.

۴ - احزاب، آیه ۳۳.

۵ - آل عمران، آیه ۶۱.

۶ - شوری، آیه ۲۳.

۷ - زن درآئینه جمال و جلال، جوادی آملی، ص ۲۶.

۸ - سوره تحریم، آیه ۱۲.

۹ - بانوی اول، جواد نعیمی، ص ۷۰.

خداوند در قرآن کریم به او مثل زده است و می‌فرماید: برای کسانی که ایمان آوردند خداوند همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان^۱.

حجاب از نظر فطرت

پوشش زنان و مردان، قبل از هر چیز از خواسته‌های فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آنها است. زیرا از همان آغاز خلقت بشر، هر یک از زن و مرد کوشیدند تا به نحو ممکن خود را بپوشانند بی‌آنکه قبلا در این مورد آموزش ببینند. این موضوع بیانگر آن است که در نهاد انسان عامل بازدارنده و هدایت کننده‌ای به نام حیا وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرها و انحراف‌ها حفظ کند و او را به راه صحیح هدایت نماید. بر همین اساس در قرآن آمده، هنگامی که آدم و حوا پس از چشیدن از آن درخت بهشتی که از آن نهی شده بودند از بهشت اخراج شدند، خود را برهنه یافتند.

"وطفقا یخسفان من ورق الجنة" شروع کردند با قرار دادن برگ‌های بهشتی بر یکدیگر، تا همدیگر را بپوشانند (سوره اعراف آیه ۲۲).

آدم و حوا قبل از این ماجرا برهنه نبودند، بلکه دارای نوعی از پوشش بهشتی بودند ولی بر اثر خطا، آن کرامت و پوشش بهشتی، از تن آنها فرو ریخت و پس از هیوط به زمین، وقتی که خود را از آن کرامت برهنه یافتند با شتاب سعی کردند همدیگر را بپوشانند^۲. سرعت در پوشیدن خود با برگ‌های بهشتی بیانگر آن است که پوشش برای زن و مرد، یک امر فطری و ذاتی است. مطابق روایتی از ابن عباس نقل شده، پس از ماجرا، قوچی را که از بهشت آمده بود ذبح کردند، حضرت حوا از

۱ - تحریم، آیه ۱۱.

۲ - پوشیده بودن آدم و حوا، قبل از خوردن آن درخت نهی شده در آیه ۲۷ سوره اعراف آمده است.

پوست آن لباس بلندی برای آدم(ع) فراهم کرد و برای خود یک پیراهن و روسری تهیه نمود^۱.

حجاب از نظر عقل

عقل سلیم آنچه را که برای انسان مایه کرامت و حفظ از انحراف و بیهودگی‌ها و پوچی‌ها است، آن را موجب استواری انسان می‌داند و آنچه را که باعث فساد اخلاقی و پیامدهای شوم برهنگی می‌شود آن را مذموم و ناپسند می‌داند.

خصلت حیا یکی از شعبه‌های عقل است. وجود حیا در انسان او را به سوی حفظ پوشش و عفت دعوت می‌کند و به عکس بی‌حیایی که از شعبه‌های جهل است، انسان را به برهنگی و بی‌عفتی و زیست عروسکی فرا می‌خواند. امیر مؤمنان(ع) فرمود: خداوند به آدم(ع) وحی کرد: «من تو را به انتخاب یکی از ۳ صفت مخیر نمودم که عبارتند از: عقل، حیا و دین، یکی از آنها را انتخاب نما و صفت دیگر را رها کن!» آدم عرض کرد: «من عقل را برگزیدم».

خداوند توسط جبرئیل به حیا و دین او فرمود: از عقل جدا گردید و او را به خودش واگذارید، آن‌ها به جبرئیل گفتند: «انا امرنا ان تکنون مع العقل حیث کان» ما از سوی خدا، فرمان داده شده‌ایم که از عقل جدا نگردیم. هر جا عقل باشد، ما همراه آن هستیم. جبرئیل گفت: چنین باشید!^۲.

حجاب و اصل آزادی

کرامت زن اقتضاء می‌کند، هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و باوقار باشد. در طرز رفتار و لباس پوشیدن هیچگونه عمدی که باعث تحریک و تهییج

۱ - حجاب بیانگر شخصیت زن، محمدی اشتهاردی، ص ۷۰.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱، حجاب بیانگر شخصیت زن - ص ۷۱.

شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبان در لباس نپوشد، زبان-دار راه نرود، زبان‌دار و معنی‌دار به سخن خود آهنگ ندهد.^۱

گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگر می‌زند.^۲

حقیقت این است که این وضع بی‌حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می‌افتیم از مختصات جامعه‌های پلید سرمایه‌داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی‌ها و شهوت رانی‌های سرمایه‌داران غربی است.^۳

فلسفه حجاب

درباره لزوم حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و علت و فلسفه آن، مسائل زیر را مدنظر قرار می‌دهیم که هر کدام به نحوی بیانگر لزوم پوشش اسلامی برای زنان است:

۱- چشم‌چرانی مردان و خودآرایی زنان

در مرد همواره غریزه جنسی فوق‌العاده قوی وجود دارد که او را به شدت نسبت به زن علاقه‌مند می‌کند. این غریزه اگر به طور صحیح اشباع نشود، موجب انحرافات و پیامدهای ویرانگری خواهد شد. از سوی دیگر، زنان علاقه شدید به خودآرایی و نمایش خود دارند، به طوری که اگر قانون و ضابطه‌ای برای کنترل آن‌ها نباشد تا آنجا پیش می‌روند که انگار می‌خواهند عریان شوند. اگر عفت و پوشش صحیح در جامعه نباشد موجب فسادهای گوناگون و زمینه‌ساز جرایم و بزهکاری‌های مختلف خواهد شد.

زن در آفرینش الهی، نسبت به مرد دارای ظرافت بیشتری است. اگر در محیطی

۱ - مسأله حجاب، ص ۸۶

۲ - همان، ص ۸۶.

۳ - مسأله حجاب، شهید مطهری، ص ۷۸.

بی‌قانون قرار بگیرد یا در محیطی که حاکمیت عقل و منطق در آن ضعیف است وارد شود مورد ستم قرار می‌گیرد. حجاب و پوشش برای زن و مرد یک سنگر نیرومند در جلوگیری از ظلم و ستم و تجاوز به حقوق همدیگر است.

۲- حفظ حرمت و کرامت زن

زن از نظر حقوق و شخصیت انسانی با مرد یکسان است و حرمت و کرامت او به این است که به عنوان یک انسان شرافتمند به او نگریسته شود، نه به عنوان یک وسیله جنسی و وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاق‌ها، عاملی برای جلب سیاحان و

۳- گسترش و دامنه فساد

یکی از عوامل مهم فحشاء و منکرات و جرایم ویرانگر و گسیج‌کننده در دنیا که همه را به شدت نگران و متأثر کرده است، برهنگی و بی‌حجابی است. مطابق آمارهای قطعی و مستند، هر روزه بر تعداد خانواده‌های از هم پاشیده و طلاق و فرزندان نامشروع و انحرافات جنسی افزوده می‌شود.

امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: در آخر زمان که بدترین زمان‌ها است، زنان بی‌حجاب و برهنه آشکار شوند که با زینت و آرایش بیرون آیند، آنها از مرز دین خارج شده و در فتنه‌ها وارد گشته و به سوی شهوت‌ها تمایل و شتاب دارند، حرام‌ها را حلال و سرانجام در دوزخ گرفتار عذاب ابدی خواهند شد.

۴- بیماری‌های روانی

هرگاه پوششی برای زنان نباشد و آنها با جلوه‌گری و عشوه‌گری آشکار گردند، به طور طبیعی مردان به خصوص جوانان در یک حالت هیجان قرار می‌گیرند و همین امر موجب هیجان‌های عصبی خواهد شد. چنانکه پزشکان می‌گویند: هیجان مستمر موجب بیماری روانی خواهد شد.

رواج فرهنگ غرب، یکی از حربه‌های استعمار

یکی از حربه‌های مهمی که استعمار جهانی و استعمارگران برای انحطاط و سقوط ملت‌های مظلوم جهان سوم به کار می‌برند تا آن‌ها را از درون تهی کنند و در نتیجه هرگونه استقلال را از آن‌ها گرفته و همواره دنباله رو و محتاج سازند رواج فرهنگ مبتذل غرب، هجوم یا شبیخون فرهنگی است.

علامه اقبال لاهوری در یکی از اشعار هشدار دهنده خود می‌گوید:

ای زافسون فرنگی بی‌خبر فتنه‌ها در آستین او نگر
از فریب او اگر خواهی امان اشترانش را زحوض خود بران

تاریخ حجاب در میان ملل و اقوام گذشته

ستر و حجاب زنان از قدیم‌ترین دوره‌های تاریخ به صور مختلف و برای منظوره‌های گوناگون در بین اقوام و ملل باستانی وجود داشته و از مخترعات اسلام نیست. اسلام این عادت قدیمی را که از اعتدال بیرون بود، مانند بسیاری از عادات دیگر، اصلاح و تعدیل نمود و به حد لازم، جزء فریضه دینی قرار داد.

به گواهی تاریخ، در یونان و روم و مصر و ایران، زنان به خصوص زنان شهرنشین و زنان طبقه اشراف خود را می‌پوشانیده و از نظرها دور می‌داشته‌اند. زن در یونان هنگامی که از خانه بیرون می‌رفت، بدن و صورت خود را می‌پوشانید. زنان آشوری نوعاً به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند. در روم شرقی (بیزانس) حجاب با شدت هرچه تمام‌تر رواج داشت. در میان مسیحیان و اروپائیان، حجاب معمول و متعارف بوده و این عادت تا قرن سیزدهم به طور جدی رایج بود و پس از آن دچار تحول شد. زنان اشراف و نجیبای ایران، بسیار کم از منزل بیرون می‌رفتند. حجاب از دیر زمان جزء عادات و آداب ملل متمدن جهان بوده و اسلام آن را به صورت متناسب

و موافق با مصالح اجتماعی معرفی کرده و حکم مذهبی قرار داده است.^۱

حجاب در عصر بت‌پرستی و در دوره حضرت خلیل(ع)

تورات (آیه ۱۶ از فصل ۲۰)^۲ از قول ابی ملک (پادشاه فلسطین)، خطاب به ساره زوجه حضرت ابراهیم(ع)، به وی گفت: اینک به برادرت^۳ هزار مثقال نقره دادم. اینک او (یعنی نقره) برای توبه جهت تمامی همراهانت با کل سایرین پرده چشم است و از این متنبه شد.^۴ مفسر آمریکایی، فرانکس در صفحه ۲۴۲ از تفسیر خود در شرح آیه می‌گوید: ابی ملک پول بسیار به ابراهیم خلیل الله(ع) شوهر ساره داد تا اینکه برای او نقاب بخرد که به صورت بیندازد و جمال خود را که محفل خوف ابراهیم(ع) بود بپوشاند از تمام سکنه آن مملکت و دیگران، و هر جا رود با نقاب باشد نه بی نقاب.^۵

حجاب در شرع کلیم

آیه ۶۴ و ۶۵ از فصل ۲۴: ربقاء (دختر بثوثیل) چشمان خود را گشود و اسحاق را دید و از شتر به زیر آمد و به غلام گفت: این شخص که از برای استقبال ما در صحرا می‌آید کیست؟ غلام گفت: آقای من است، پس رویند گرفته، خود را مستور نمود.^۶

حجاب در شریعت مسیح(ع)

انجیل متی؛ صحاح ۱۵، آیه ۱۸-۲۰.

انجیل مرقس؛ صحاح ۷، آیه ۲۰-۲۳.

۱- حجاب و پرده برداری، علی اصغر لاری- رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ص ۴۶۲.

۲- ترجمه و با همکاری فاضل خان گروسی همدانی. چاپ لندن، ۱۲۷۲/۱۸۵۶.

۳- مراد حضرت ابراهیم(ع) است.

۴- کتاب مقدس، ص ۳۳.

۵- طومار عفت، شیخ یوسف گیلانی، ص ۳۷۳؛ نمرود حضرت ابراهیم(ع) را به وضعی ناخوشی از بابل بیرون کرد و آن حضرت لباس از برای ساره تهیه کرد.

۶- به نقل از کتاب زن به ظن تاریخ و رسائل حجابیه.

در این آیات، تمام مذمت اخلاق باطنی و اعمال تقبیح شده که از آن قبیل زنای چشم است که چشم بد و خیالات بد را ممنوع داشته، و نظر کردن به زن اجنبیه را منع نموده که نگاه به غیر محارم را ناپاک کند، ناظر قرار داده، و از این قبیل آیات در اناجیل بسیار است که دال بر عدم رویت اجنبیه که اولین سد آن حجاب است^۱.

حجاب در زمان‌های قدیم

به شهادت تاریخ و مؤلفین ملل قدیمه، ظاهر می‌گردد که در زمان قدیم، ملل متعدده در حفظ شرافت ملیت و سعادت خود، احتیاج به قانون را احساس و درک نموده‌اند. دائرة المعارف لاروس می‌نویسد که عادت زن‌های یونان قدیم بر آن بود که با حجاب خویش صورت خود را مستور می‌داشتند.

اقوم مؤلفین یونان می‌نویسد: «ینیلوپ زن عولیس پادشاه ایதாக، اهتمام در حجاب داشت. زنان فنیقیات حجاب سرخ رنگ خوشگلی داشتند. زنان شهر تسب، حجاب مخصوص که غیر از دو چشم، تمامی صورت را می‌گرفت، داشتند و در اسپارت، دختران بعد از اختیار شوهر، با حجاب، صورت خود را می‌پوشاندند و زنان در وقت خارج شدن از خانه‌ها، مکلف به حجاب بودند.

در میان قبایل مادها و فارس یعنی ایرانی‌های قدیم و عرب عادت حجاب جاری بود و رومانی‌ها در عصر شوکت خود در اول جمهوریت به حد کمال اهتمام به حفظ قانون حجاب داشتند^۲.

بی عفتی، عامل نابودی دولت روم

بزرگترین شاهد تاریخ، دولت رومانی قدیم است. دسته‌ای از مهاجرین از ترواده

۱ - طومار عفت، ص ۳۷۵؛ و رسائل حجابه.

۲ - دائرة المعارف فرید و جدی، ج ۳، ص ۳۳۶-۳۳۵ (بیروت، دارالمعرفه)؛ الاسلام روح المعادینه، ص ۲۰۳-

رحلت و در شبه جزیره‌ای از اروپا، یعنی ایتالیا قرار گرفته، به مرور عده ایشان زیاد شد، به شجاعت و ثبات ذاتی شروع به جهان‌گیری کردند، به آسیا و افریقا تجاوز نموده، و دولت رومان را تشکیل دادند. مملکت رومان، مشرق علم و عرفان شد و شعاع خود را در اطراف دنیا منتشر ساخت و زمام عالم را به دست گرفت.

زن‌های رومان در پس پرده حجاب و عفت و حیا بودند. دائرة المعارف قرن نوزدهم می‌نویسد: «دور انحطاط و خرابی رومانی (روم)، وقتی شروع شد که عنصر خسیس یعنی مردها، زن‌ها را از پس حجاب و حیا خارج نموده و در مجالس لهو و لعب و فسق و طرب مخفی مهیا نموده، وسایل شهویه رذیله خود حاضر نمودند. میل و معاشرت زمامداران با زنان به حد جنون رسید که حاضر بودند در جلب خاطر و رضای معشوقه‌های خود مال و شرف و ملت رومان را قربانی کنند. این حب به زن‌ها، اختیار را از مردان سلب نمود. زن‌ها در دایره سیاست قدم گذاشته، در عزل و نصب و تعیین رجال مملکت، صاحب رای و قدرت شدند.^۱ یکی از حکیمان مشهور رومان می‌گفت که: این جمهوریت به دو مرض مهلک مبتلا است؛ یکی، افراط بخیل اغتیا و یکی، اسراف زن‌ها در زینت و آرایش و نمایش به جمال خود که از توجه مردها به آنها ناشی شده، این دو مرض، سرایت به جامعه نموده و اعضای آن را فاسد و معطل خواهد کرد.^۲»

اگوست کنت در کتاب خود موسوم به نظام سیاسی می‌گوید: طرفداران نشر قانون تساوی و توازن جنسین، نه تنها ضدیت به حکم عقل و طبیعت می‌کنند، بلکه این جنس را به طرف شقاوت و پریشانی و ذلت سوق می‌دهند و گمان می‌کنند که از حقوق او دفاع می‌کنند.^۳

۱ - منظور ورود زنان ضعیف النفس در عرصه سیاست‌گذاری است.

۲ - رسائل حجابیه/رسول جعفریان، ص ۱۷۲، به نقل از کتاب شیخ ابو عبدالله زنجانی.

۳ - همان، ص ۱۷۵.

حجاب در ایران قدیم

ایرانیان تا زمان خلیفه دوم پیرو آئین زرتشت بودند. اگر جوانان عصر برای شهوترانی تقلیداً می‌خواستند به قهقرا برگردند و به فرس قدیم پیوندند و کیش (مادزیستی) از سرگیرند سهو نکنند در دیانت فرس قدیم هم اولین شرط درستی ازدواج حجاب از نامحرم و نیامیختن با غیره بوده است.

نامه شت مها باد، آیه ۹۰: "زن خواهید و جفت گیرید و هم خفت و خوابه دیگری را نبینید و بر او منگرید و به او میامیزید" که در مذهب فرس قدیم هم نظر به اجنبیه حرام و عدم حجاب موجب نظر خواهد بود.

در مخزن شرف گهری جز حجاب نیست شمشیر دیده را سپری جز حجاب نیست^۱

پوشش زنان در عهد هخامنشی

آثار بدست آمده عهد هخامنشی نشان دهنده آن است زنان این دوره پارچه شستل ماندی روی سر می‌انداخته‌اند که حالتی شبیه به چادر داشته است.^۲

پوشش زنان عهد اشکانی

از نقوش و آثار به دست آمده معلوم می‌شود که زنان این دوره دارای حجاب بوده‌اند به طوری که پیراهن بلند می‌پوشیده‌اند و بر روی آنها چادر هم سر می‌کرده‌اند. حتی بعضی از آنان در زیر چادرهای خود بر سر تاج‌های مخصوصی می‌گذاشته‌اند.^۳

۱- طومار عفت، شیخ یوسف نجفی گیلانی (تألیف در سال ۴۶-۱۳۴۵ ق/ ۷-۱۳۰۶ ش).

۲- زن به ظن تاریخ، ص ۱۱۵؛ پوشش زن در گستره تاریخ، ص ۶۶.

۳- پوشش زن در گستره تاریخ، طیه پارسا، ص ۶۶.

چادر زنان اشکانی و عهد ساسانی

چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین بر سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای ساخته شده، می‌نماید که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده دارند.^۱

در عهد ساسانیان سپاه ایران از مسلمانان شکست خورد و پایتخت ایران به تصرف مسلمانان درآمد. مسلمانان با فتح و پیروزی برای مردم ایران، یگانه پرستی، آزادی و برادری را به ارمغان آوردند. مردم ایران به جهت برخورد و رفتار حسنه مسلمانان، شیفته اخلاق و تعالیم اسلامی شدند و از این طریق اسلام آوردند. همچنین در برابر تعالیم اسلامی از جمله مسأله پوشش و حجاب، سر تعظیم فرود آوردند.

اما متأسفانه مسأله حجاب و نوع پوشش اسلامی زنان تداوم نیافت و به مرور زمان، فرمانروایانی همچون مغول، تیمور و... خلافت را به دست گرفتند و برای رسیدن به منافع مادی و شهوانی خود از هیچ چیز دریغ نکردند. از جمله پوشش زنان را نیز مورد هجوم قرار دادند که آخرین هجوم‌ها از ناحیه رضاخان بود.^۲

کشف حجاب در ایران

بحث از حجاب، انتقاد از آن و شعار کشف حجاب، از برداشتن برقع و نقاب از روی تا برگرفتن حجاب به طور کامل از چهار مسیر به ایران رسیده است:

نخستین طریق آن، نشر افکار اروپایی در ایران بود که از راه‌های مختلفی صورت گرفت. ایرانیان که به نوعی شیفته غرب می‌شدند و مهمترین مسیر ورودی این افکار در داخل ایران، ایجاد مدارس نوین به خصوص مدارس بود که با حمایت و پشتیبانی

۱ - همان، ص ۶۸.

۲ - پوشش زن در گستر تاریخ / طیبه پارسا، ص ۷۰-۶۹.

خارجی‌ها و در اصل فرانسوی‌ها و امریکایی‌ها و به سبک مدارس اروپایی در ایران تاسیس شده بود.

دومین مسیر، افکار و تجربه‌هایی است که از طریق کشورهای عربی وارد ایران شده است که خود برگرفته از افکار اروپایی بوده است. با این حال قدری در محیط اسلامی و دینی کشورهای عربی بازخوانی اسلامی و محلی شده و پس از آن به ایران رسیده است.

سومین مسیر، افکار و تجربه‌هایی است که از ترکیه نوین به ایران رسیده است. چهارمین مسیر، نشر اندیشه‌های نوین از طریق هند به ایران بوده است.^۱ نمونه‌های روشن آن از طریق نشریاتی مانند *حبل المتین* بود که اصولاً روزنامه یاد شده، خط تجدد و نوسازی را در ایران دنبال کرد.

در سال ۱۳۰۷ در افغانستان کشف حجاب شد و پس از آن خاندان سلطنتی افغانستان به صورت بی‌حجاب به ایران وارد شدند، این مسأله به گونه‌ای خاص زمینه کشف حجاب را در ایران از پیش فراهم کرد.

در عصر ناصرالدین شاه، استعمار غرب دریافت که دین اسلام بزرگترین و محکم‌ترین عاملی است که سد راه آن‌ها است و برای اینکه این عامل را تضعیف کند از راه‌های گوناگونی وارد شد، از جمله با دین‌سازی خواستند بین مسلمانان ایجاد تفرقه کنند. در این راستا آئین استعماری بایبگری و بهائیگری را در ایران به وجود آوردند.^۲

سوء استفاده از زنان ضعیف النفس و به اصطلاح روشنفکر که در اروپا پرورش یافته بودند یکی از این راه‌ها بود. از نخستین زنانی که در مسیر بی‌حجابی گام برداشت، صدیقه دولت آبادی، خواهر یحیی دولت آبادی، مشروطه خواه بابی ازلی معروف (نویسنده کتاب *حیات یحیی*) است که در سورین درس خوانده و در

۱ - امام خمینی (ره) در کشف الاسرار، ص ۳۳۱-۳۳۰.

۲ - حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۸۱.

سال ۱۳۰۶ ش. به ایران بازگشت، رسماً بی‌حجاب در خیابان‌های تهران ظاهر شد. وی آنچنان در این باره اصرار داشت که حتی در وقت مرگ، در وصیتنامه‌اش نوشت: «زنانی را که با حجاب بر مزارم بیایند، نخواهم بخشید»^۱.

نمونه دیگر از این قبیل زنان، فخرالملوک دختر نصرالله خان زند مشهور به زندخت از خاندان زندیه است که به سال ۱۲۹۰ ش/۱۳۲۹ ق. متولد شد. پس از آن در سال ۱۳۰۹ ش. به تهران آمد و مجله *دختران ایران* را منتشر کرد. و به سال ۱۳۳۱ ش. درگذشت. کار اصلی وی روزنامه نگاری و شاعری بود. و پیش از آن در شیراز، توسط علما، تکفیر شده بود. او از حامیان فرهنگی رضاخان در امر کشف حجاب بود.^۲ این قبیل افراد، گاه برای فریب عامه مردم، نامی از دین و مظاهر دینی می‌بردند. برای نمونه همین فخرالملوک، امام علی (ع) را رئیس المتجددین می‌خواند.^۳

اما همو، تمام آرزویش آن بود که زنان ایرانی مانند زنان اروپایی شوند. قره‌العین، که زنی زیبا و عشوه‌گر بود با دسیسه طرفداران باب، به آن‌ها پیوست. او برای ترویج فرهنگ غرب، زیر ماسک دین، با آرایش کامل بدون حجاب در برابر چشم مردم ظاهر می‌شد و عملاً مردم را به بی‌حجابی دعوت می‌کرد. این زن هوس‌باز که شیفته مقام طلبی و شهرت بود، برای اینکه آزاد باشد از شوهرش جدا شد و مدتی به بغداد رفت. بی‌عفتی‌های این زن باعث شد که حاکم بغداد او را بیرون کرد.^۴

و اما تاریخ تکرار می‌شود و استعمارگران هنوز هم در تکاپو، و امروزه در قالب جایزه صلح نوبل (جایزه سال ۲۰۰۳ م به خانم شیرین عبادی که از تفکر سکولار و فرهنگ غرب دفاع و در ضدیت با دین و شرع مقدس فعالیت می‌کرده است.) و منع

۱ - انقلاب مشروطیت ایران، ژانت آفاری، ترجمه: رضا رضایی، تهران، بیستون، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷.

۲ - زندخت پشاهنگ نهفت آزادی بانوان در ایران، ص ۲۴ (تهران، ۱۳۷۶ ش، کتابخانه طهوری).

۳ - همان، ص ۱۳۹.

۴ - کتاب جامعه‌شناسی غربزدگی، نوشته دکتر علی محمد نقوی.

حجاب در کشورهای اروپایی دست بکار فرهنگند. در این صورت است که پیامبر(ص) می‌فرماید: «کن یفلح قوم اسندوا امرهم الیه امرأه»، هرگاه ملتی امور خود را بر اساس پیروی از زن انجام دهد، رستگار نخواهد شد (منظور زنانی هستند که حریم عفت و اسلام را رعایت نمی‌کنند و استقلال فکری ندارند).

زن و اجتماع

در درون اجتماع، زن موجودی ظریف، حساس و پرعاطفه تلقی می‌شود. کانون گرم اجتماع زمانی می‌تواند استمرار داشته باشد که بر شایستگی‌ها و توانمندیهای فردی زنان ارزش و اهمیت قائل باشد. معمولاً نگاه آحاد جامعه به زنان نگاهی مثبت‌گرایانه و واقعی بینانه نیست. نگاه ارزشی زمانی تحقق می‌یابد که به ارزش‌های فرهنگی و واقعی زنان در جامعه توجه همه جانبه کرده باشیم. پیکره فرهنگ‌ها، قداست، حریم و حرمت‌های جامعه تا حدود زیادی به کانون خانواده بستگی دارد. وجود زن در خانواده، بالندگی فرهنگ‌ها و پویندگی تمدن‌ها و شکوفایی اندیشه‌های اجتماعی را به دنبال دارد. هنر، مایه گرانبهای اجتماع به پدیده پاکدامنی زنان جامعه بستگی دارد. اگر جامعه می‌خواهد از بحران فساد و فحشا و تبعیض‌های روحی و فکری نجات یابد و اگر افراد به دنبال سلامت و بهداشت روحی و روانی هستند، بایستی به جایگاه زن و ارزش آن ارجح بنهند. اگر پیکره وجودی زنان آلوده به انواع واقسام فسادها باشد، انتظار نمی‌توان داشت که جامعه به سوی کانون سلامت گام بردارد. دیگر نمی‌توان انتظار داشت که رنگ و لعاب زندگی افراد از لجن‌زار شهوت‌زدگی مصون بماند، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که سلامت فرد و اجتماع در مقابل حوادث دچار آسیب‌پذیری نشود. به هر حال، زن در اجتماع به عنوان ضروری‌ترین، حیاتی‌ترین و مطمئن‌ترین ثمره حیاتی جامعه تلقی می‌شود و اگر درخت تنومند اجتماع می‌خواهد در قبال طوفان‌ها، تهدیدها، حفظ و حراست یابد، بایستی آب پاکدامنی را در سایه سار وجودی آن درخت ارزشمند ریخت و این امر

فقط از عهده زنان پاکدامن بر می‌آید که قامت رعناى خویش و ریحان وجودی خویش را برای اعتلا بخشی و احیاء بخشی قرار می‌دهند. آری! زن زینت اجتماع است، بدون زن، اجتماع چهره زیبای خویش را از دست خواهد داد. نقاب خوشبختی اجتماع به حجاب ارزش زنان بستگی دارد و بازگشت به درون خویش از طریق پاکدامنی مادران ما شکل می‌گیرد و شکوفا می‌گردد.

زن و امنیت

مقوله امنیت به عنوان حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز جامعه تلقی می‌شود و بدون آن جامعه به رشد و تعالی همه جانبه نخواهد رسید. اگر آرامش و امنیت در شاهراه سعادت نهادینه بشود، آنگاه می‌توان انتظار داشت که جامعه در حول محور چرخه امنیت گام برداشته است. عوامل مختلفی در تقویت بنیه امنیتی کشور نقش دارد. یکی از آن عوامل؛ وجود زنان با عفت در جامعه است. اگر زنان پاکدامن در درون جامعه حی و حاضر باشند، جامعه به سمت و سوی امنیت روحی و عاطفی خواهد رفت. فاصله گرفتن از گردونه پاکدامنی موجب اضمحلال پارامترهای امنیتی می‌شود، از یک طرف زن مقدمات لازم برای امنیت زندگی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر الهام بخشی و تحقق بخشی آن را به دنبال دارد. وجود زنان معیوب و نالایق در جامعه، ضربات جبران ناپذیری به پیکره خانواده‌ها وارد می‌سازد و خانواده را دچار بحران و تهدید می‌سازد و اگر مادران ما از لحاظ فیزیکی و جسمی دچار عیب و نارسایی باشند، شالوده شخصیتی فرزندانمان دچار خدشه می‌شود و ناامنی را به کانون تندرستی بچه‌ها ارزانی می‌دارد. از سوی دیگر پیکره روحی جامعه و میزان و معیار سلامت جامعه به موقعیت روحی و عاطفی زنان هم مربوط می‌شود. تربیت فرزندان سالم مدیون و مرهون مادرانی است که دارای امنیت عاطفی و روحی کامل باشند. اما آنچه فرهنگ جامعه را پایدار و ثابت نگه می‌دارد وجود مادرانی است که در حیطه فرهنگی قامت رعناى خویش را نمایان ساخته و گامی در تقویت بنیه فرهنگی جامعه برداشته‌اند.

وجود زنان لایق و شایسته در حیطه فرهنگی این نوید را به کانون فرهنگی جامعه می‌دهد که تندرستی همه جانبه تا حدود زیادی به رفتارها و بایدها و حریم‌های فرهنگی زنان بستگی دارد. پس اگر می‌خواهیم پیکره فرهنگی جامعه سالم بماند و امنیت فرهنگی داشته باشیم، باید نوع نگاه‌ها و روش‌ها را درباره زنانمان عوض کنیم و گرنه نه زنان ما می‌توانند مقدمات امنیت همه جانبه را فراهم بکنند و نه جامعه می‌تواند جایگاه ارزشی زنان را حفظ کند و در نتیجه به این نکته اشاره کنیم، اگر زنان ما بانیان امنیت نباشند حاملان بی‌امنیتی تلقی خواهند شد و جامعه را در گرداب بی‌امنیتی غوطه‌ور خواهند ساخت.

زن و سعادت بشری در جامعه

زنان به عنوان حاملان خوشبختی، طلایه‌دار شادکامی و پرچمدار سرفرازی تلقی می‌شوند. وجود زنان پاک در پیکره اجتماع، موجب دوام و بقا ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌شود. شالوده اساسی مکتب‌های فکری و فرهنگی و عقیدتی برای این است که تا جهان بشری به سوی کامیابی و خوشبختی سوق پیدا نکند نمی‌تواند به اقلیم عشق حقیقی گام بگذارند. گام گذاشتن در این وادی نیازمند درایت و توجه زنان اندیشمند، خاضع و پرتوان است. ارزش و اهمیت زنان زمانی محقق می‌شود که میدان بالندگی و شکوفایی را برای آن‌ها فراهم کرده باشند. زن سعادت‌مند در جستجوی انتقال خوشبختی‌ها و کامیابی‌ها به نسل‌های بعدی است. اگر محیط مناسب برای تربیت زنان فراهم نشود، اگر شاخص‌ها و مؤلفه‌های یک زن مطلوب در خانواده‌ها تحقق نیابد، نبایستی انتظار داشت که جامعه در محور تندرستی‌ها و خوشبختی‌ها به راه خویش ادامه دهد. اگر خواهان سلامت جامعه هستیم، اگر به دنبال توفیقات جامعه بشری هستیم بایستی زن را در آیین سعادت‌مندی‌ها ببینیم. زن شکست خورده و آسیب دیده نمی‌تواند مقدمات لازم جهت سعادت بخشی جامعه را فراهم بکند. اگر تعمقی به تاریخ زنان موفق داشته باشیم متوجه می‌شویم که آنان زیر چتر پاکدامنی‌ها، حفاظت‌ها

و ضمانت‌ها قرار گرفته بودند و اگر زنان کشور ما در لوای ارزش‌های حقیقی و انسانی قرار نگیرند نمی‌تواند به‌روزی و سربلندی آیندگان را به ارمغان بیاورند. اگر چنین آموزه‌های تربیتی و پرورشی در دامن زنان ما تحقق نیابد نایستی انتظار داشت که موفقیت‌ها و شادکامی‌ها در جریده زندگی انسان‌ها نمودار بشود. پس اقلیم وجودی خوشبختی‌ها را در درون پاکدامنی‌ها و گوهر پاک زنان پاک نیت و پاک اندیش جستجو کنیم. ارمغان تندرستی جامعه بدست زنان تحقق می‌یابد و ترازوی خوشبختی به‌دست آنها به حرکت در می‌آید. آن‌ها به عنوان نردبان ترقی، چشم و چراغ تندرستی، کلید موفقیت، کشتی کامیابی، خورشید خوشبختی تلقی می‌شوند و بی اغراق می‌توان گفت سعادت فرد و جامعه به میزان سعادت و موفقیت زنان بستگی دارد و بس!

زن و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت در ابعاد مختلف اجتماعی یکی از مهم‌ترین فرضیه‌ها تلقی می‌شود و مهم‌تر از آن این است که فاعل آن مسئولیت شرایط مسئولیت‌پذیری را داراست. زنان در جوار مردان نقش مسئولیت‌پذیری در بیشترین محورها را برعهده دارند و ظرافت‌کاری آن‌ها نشان از توانایی آنان در قبال پذیرش مسئولیت‌ها دارد. زنان مسئولیت‌پذیر فرزندان مسئول را در بهترین شرایط تربیت می‌کنند و تحقق شاخص‌های تربیتی مسئولیت‌همگانی را به دنبال دارد. اصولاً در تقسیم مسئولیت‌های اجتماعی، زنان پرچمدار فعالیت‌ها معرفی شده‌اند. زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری فعالیت چشم‌گیری از خود به نمایش گذاشتند و انتظار بر این است در محورهای اقتصادی و سیاسی و قضایی جایگاه خویش را بدست آورند. شرایط اقتضا می‌کند که زنان در شغل‌ها و پست‌های مختلف دخالت مستقیم نداشته باشند و این به دلایل و شرایط فیزیکی و عاطفی است که از پذیرش آن مسئولیت‌ها سربازده‌اند. اما تجربه نشان داده است که زنان در تقسیم وظایف و تحقق فعالیت‌ها نقش بسزایی داشته و دارند و نادیده گرفتن آن‌ها در فعالیت‌های مختلف

موجب بحران‌های مختلف می‌شود. هرچند که بیشترین مسئولیت زنان در تربیت فرزندان و شوهرداری نهفته است اما در اوج این‌اگرگی هم وظایف محوله مادری را بر عهده می‌گیرند و هم در خارج از مدرسه به انجام وظیفه مشغول هستند تا چرخه زندگی به نحو مطلوبی بچرخد. دین اسلام سفارش‌های زیادی در قبال مسئولیت‌های زنان کرده است و با توجه به ظرفیت‌های روحی و عاطفی و جسمی آنان مسئولیت‌هایی را از آنان می‌خواهد. آری! زن در جوار مرد نقش کشتیانی را دارد و اگر کشتی تربیتی خویش را به ساحل امن و آرامش نرساند نمی‌توان انتظار داشت که فردا فرزندی سالم و مطمئن داشته باشیم. همانندسازی زنان به زنان اسوه اسلامی، چون فاطمه زهرا و حضرت معصومه(س) می‌تواند افق‌های تربیتی را برای فرزندان این مرز و بوم بگشاید. پس اگر خواهان سعادت و ترقی جامعه هستیم، اگر می‌خواهیم جامعه ما به سوی تندرستی حرکت نماید، بایستی به جامعه مادری ارج بنهیم و بستر مناسب برای تحقق وعده‌های تربیتی را برای آن‌ها فراهم نماییم.

زن و حقوق اجتماعی

از توصیه‌ها و سفارش‌های قرآنی و احادیث نبوی می‌توان این نکته را استنباط کرد که حقوق بین زن و مرد بالسویه است، آنچه تمیز دهنده دو جنس مذکور است، تفاوت‌های فردی و خصوصیات روحی و جسمانی است، اما حقوق اجتماعی و استفاده از مزایای قانونی برای تمامی انسانها یکسان است. حق آزادی، حق انتخاب، حق امنیت، حق شغل و حق تحصیل و ده‌ها حق دیگر برای تمامی انسان‌ها یکسان می‌باشد. اما در بعضی موارد شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. در امر تقسیم اموال و ارث و قانون طلاق و ... تفاوت وجود دارد و این مسئله با توجه به دلایل مختلف قابل پذیرش و اصلاً تبعیضی در آن وجود ندارد. اما آنچه در جهان کنونی وجود دارد و بسیار نگران کننده است؛ اجحاف به حقوق زنان در بسیاری از قوانین جزایی و

قضایی است. و زن را به عنوان یک کالا تلقی می‌کند و خرید و فروش صدها عاطفه سرلوحه کار ده‌ها خود فروخته می‌شود و نگاه ترحم و برده انگارانه به زنان دارد. اما پیامبر اکرم (ص) برای احیاء ارزش‌های عالی زنان با خرافات و آداب و رسوم غلط عرب‌ها که همانا زنده به گور کردن دختران بود جنگید و مبارزه همه جانبه کرد و حقوق بر باد رفته زنان را یک بار دیگر احیاء کرد. اما در دنیای کنونی در بسیاری از کشورهای غربی و آفریقایی زن به عنوان کالا معامله می‌شود، چهره پاکدامنی را از شالوده ذهنی آن‌ها برداشته و به دید دیگر می‌انگارند. در کشورهای اسلامی حقوق زنان به مراتب بیشتر از سایر کشورها رعایت می‌شود، اما هنوز باحقوق حقوقی فاصله زیاد داریم. از سوی دیگر به این نکته توجه باید کرد که با سست شدن پایه‌های اجتماعی خانواده‌ها، نیاز همه جانبه به احیای ارزش‌های والای انسانی داریم تا کانون زندگی را به سوی آرمانی آن سوق بدهیم. جلوه‌های حقوق اجتماعی زنان زمانی نمایان می‌شود که همگان پایبند به اصول و مقررات حقوقی باشند و برچرخه قانون، حقوق را به منصفه ظهور برسانند. پس بایستی اذعان داشت زن در آئینه جمال اجتماعی بروز و ظهور می‌کند و به شکوفایی می‌رسد. در این راستا از آفت‌های اجتماعی چون تبعیض، خیانت و تعصب که حقوق اجتماعی را دچار مخاطره می‌سازد جلوگیری کنیم و حافظ ارزش‌ها و قدرت‌ها و حریم‌های قانونی زنان پاکدامنی باشیم که برای اعتلا بخشی نسل‌ها به تکاپو و تلاش مشغول هستند.

زن و ارزش‌های انسانی

ارزش‌ها، آیه‌ها و نشانه‌های روشن در عرصه اجتماعی تلقی می‌شوند. تبلور شخصیت و ارزش‌ها در شاهراه تربیت تحقق می‌یابد. تبلور ارزش در جامعه زمانی نمودار می‌شود که حاملان ارزشی بتوانند آن را سرلوحه زندگی انسان‌ها قرار دهند. وجود زنان ارزشمند موجب تقویت بنیه ارزشی کانون اجتماع می‌شود. اعتبار بخشی

به ارزش‌های انسانی مرهون زنان پاکدامنی است که توشه‌های ناب ارزش را به یدک می‌کشند. عفت، پاکدامنی، حیا، حجاب، غیرت در قبایل بیگانگان، تربیت سازنده، پرورش منزلت، صیقل دادن روح و روان و ده‌ها شاخصه دیگر باعث شده است تا دوام و بقای توشه‌های معرفتی را دو چندان کند، اهمیت وجودی زنان پاکدامن هم در عرصه‌های مختلف نمایان می‌شود و هم در شالوده وجودی نظام تربیتی. ترمیم حریم‌ها، حرمت‌ها، ایده‌ها، افق‌ها، نوآوری‌ها، سازندگی‌ها و قداست‌های یک جامعه توسط معمار اندیشه تربیتی چون زن تحقق می‌یابد. اگر زنان ما از این مؤلفه‌ها خارج باشند ضربات جبران ناپذیری بر بیکره نظام تربیتی وارد می‌آید و جامعه را به سوی انحطاط و سقوط سوق می‌دهد. اگر می‌خواهیم ارزش‌ها در جامعه نمود عینی به خود بگیرد، اگر منتظر مدینه فاضله در شاهرآء تربیتی هستیم، اگر به سرمایه‌های وجودی تربیت یافتگان صالح می‌اندیشیم، بایستی اذعان کنیم طیب دردهای جامعه بشری زنان وارسته و شایسته است و این زنان پاکدامن هستند که چراغ ارزش‌ها را سرلوحه زندگی فرزندان نمودار می‌سازند و کلید سعادت‌مندی را به دست تربیت یافتگان عرصه علم و عمل قرار می‌دهد و محفل انس ارزشی را برای پویندگان فراهم می‌آورد. اینک بر ماست در یک انقلاب روحی به دنبال ارزش‌ها باشیم که جامعه بشری به دنبال آن است و آن جز ارزش پاکدامنی و عفت نیست. پس اگر در انتظار ارزش‌هایی وجودی خویش هستیم بایستی بر ارزش‌های وجودی زنان ارج بنهیم و آنان را سرچشمه ارزش‌ها و قداست‌ها بدانیم و افق ارزشی را در سایه‌سار زنان جامعه ببینیم و به آرزوهای ارزشی زنان توجه ویژه‌ای بنماییم.

زن و رقابت‌های اجتماعی

هنر زنان امروزی در کشورهای اسلامی به ویژه در ایران اسلامی را می‌توان در تمامی محورها مشاهده کرد. زمانی که در تحقق اصول ارزشی در درون اجتماع نقش رقابتی خود را با سایر افراد داشته و دارند و هر لحظه بر رقابت خویش می‌افزایند. زنان

در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی فعال و موفق بوده‌اند و توانستند پست‌های مختلفی را تصاحب کنند. اما نگاه دیگران در قبال زنان در انجام کارها، نگاه ضعیف و کوتاه‌بینانه و تنگ‌نظرانه در اوج خود بود، اما زنان با استعداد و خلاقیتی که از خود نشان داده‌اند میدان‌دار عرصه‌ها شدند. در میدان علمی بهترین و بیشترین کرسی‌ها را از آن خود کردند، در عرصه اقتصادی بهترین تولیدات به ویژه تولیدات صنایع دستی و در امور اجتماع پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را یکی پس از دیگری جشن می‌گیرند. زنان بانیان رقابت و توسعه دهندگان آن هستند. هنر زنان ایرانی در زمانی نمایان می‌شود که حس رقابت را کنار مردان نمایان می‌سازند و برای شکوفایی مردان، رقابت را با رفاقت‌ها قرار می‌دهند. خوشبختانه رقابت‌ها فقط در جنبه‌های علمی نیست، بلکه در تمامی محورها، حضور زنان را می‌توان مشاهده کرد، در محور اقتصادی آنان از تربیت‌کنندگان و تولیدکنندگان فرهنگ اقتصادی اعم از نیروی انسانی و کالای خدماتی هستند. در عرصه فرهنگی چشم و چراغ فعالیت‌ها تلقی می‌شوند و بنیان‌گذار فرهنگ ناب استعدادهای اقتصادی تلقی می‌شوند. در عرصه اجتماعی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین شایستگی را به منصفه ظهور می‌رسانند. به هر حال زنان ما، آینه تمام‌نمای فعالیت‌ها، ابتکارات، اختراعات، خلاقیت‌ها، خدمات، و تولیدات هستند و جامعه‌ای می‌تواند شکوفا باشد که از وجود رقابت‌های زنان برخوردار باشد و در پیشرفت‌ها و سازندگی‌ها، آنها را دخیل ساخته و مقدمات لازم را جهت تقویت بنیه رقابتی در زنان فراهم آورده باشند.

زن و آرامش خانواده

قرآن و احادیث مختلف توصیه‌های مهمی دارند که کانون آرامش خانواده‌ها مرهون و مدیون زنانی است که از خصلت‌های چون ایمان پروری، سعه‌صدر، صبوری، فداکاری، علم، تربیت، و انعطاف‌پذیری همه‌جانبه بهره‌مند باشند. اگر در حیطه مدیریتی به اصول و ابزارهای مدیریتی متمسک شویم و سهل‌الوصول‌ترین راه را برای

رسیدن به آن ارزش‌ها و خصیصه‌ها به کار بریم، آنگاه می‌توان امیدوار بود که به جایگاه ورزش و مقام زنان توجه و عنایت داشته باشیم و تربیت یافتگانی شایسته تحویل جامعه داده‌ایم. آرامش بخشی خانواده‌ها مرهون فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها، باورها، عقیده‌ها، منش‌ها و امیدهای زنانی است که خود را برای احیاء آن ارزش‌ها بسیج کرده‌اند. اگر خانواده‌ها از وجود مادران با شخصیت بهره‌مند نباشند کانون شکست‌ها و یأس‌ها و تفرقه‌های اجتماعی خواهد بود.

زنی که از معیارها و شاخص‌های ارزشی بهره‌مند باشد، دیگر تسلیم امواج طوفان‌های زندگی نمی‌شود. برای رهایی زنان از ناآرامی‌ها و بحران‌ها راهی جز اندیشیدن، تجربه‌کردن و پذیرفتن ایده‌های مختلف منطقی و واقعی نیست. اگر سنگ بنای عقیده‌ها را بر پایه استدلال منطقی قرار دهیم می‌توان انتظار داشت که چرخه زندگی در راه مطمئن به گردش در بیاید. به هر حال زن در خانواده، کشتی خانواده را به سوی ساحل امن و آرامش سوق می‌دهد.

نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد

حجاب یکی از شاخص‌های مهم در عرصه زندگی هرکسی تلقی می‌شود، حجاب، حافظ اخلاق فردی و اجتماعی است، نگهبان خلل‌ناپذیر ارزش‌های روحی، روانی، فکری و جسمی و طلایه‌دار شیرازه‌های خانوادگی است. حجاب، سنگر محکمی در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانگان است. تحقق حجاب در جامعه موجب توسعه ابعاد فرهنگی، هنری و اجتماعی می‌شود. پوشش و حجاب فطرتاً در ساختار ذاتی انسان‌ها وجود دارد و همراه با خلقت انسان‌ها بوده و قرآن مجید ارزش و اعتبار آن را در سوره‌های احزاب و نور بیان فرموده است. در حالی که تمامی پیامبران و امامان معصوم مَهر تأیید بر آن زده‌اند و عقل منطقی‌پذیرای فلسفه حجاب است. اما عده‌ای از غفلت زدگان غربی و شرقی بر این باور هستند که تحقق پوشش و حجاب اسلامی مانع بزرگی بر پیشرفت جامعه می‌شود؛ آنان از جایگاه حجاب اطلاعی ندارند و از پیامها و اهداف آن بی‌خبرند. عده‌ای ملت‌های خاصی را در این مورد دیده‌اند و به غلط عدم امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی، تسلط مرد بر زن، استثمار، مشکلات روحی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به حجاب نسبت می‌دهند. در دیدگاه اسلام همه این عوامل رد و مورد انتقاد قرار می‌گیرد و هیچ یک از آن عوامل نمی‌تواند مانع ترقی و پیشرفت زنان و مردان در جامعه بشود.

پر واضح است که میزان تأثیرپذیری این شاخصه بیشتر در زنان نمایان می‌شود و به قول پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) اعتبار حجاب و پوشش در عرصه عفت و پاکدامنی میان زنان و مردان نسبت ده به یک است و نه قسم آن به زنان اختصاص دارد و یک قسم از آن مردان است.

به هر حال آثار درخشان حجاب را در تمامی محورهای مختلف جامعه شاهد هستیم، اما ضعف ایمان و اعتقاد و عدم پایبندی به ارزش‌ها، فشارها، برخوردهای بیجا

و... باعث شده است این مؤلفه تا حدودی در جامعه ما رعایت نشود. بایستی بپذیریم که حجاب دژ محکم ترقی جامعه است و سرمنشأ تغییرات و تحولات فردی و اجتماعی. این عامل محدودیت به دنبال ندارد، و باعث مصونیت فرد و جامعه می‌شود و هیچ تعارضی با آزادی فرد ندارد.

در پایان برای تحقق اهداف حجاب و تعمیق و گسترش آن در جامعه راه‌حل‌هایی به نظر می‌رسد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

- ۱- برنامه‌ریزی مدون و پویا در عرصه ارائه مفاهیم فرهنگی، برای نسل آینده.
- ۲- انتشار نشریات ویژه دانش‌آموزی و دانشجویی پیرامون حجاب اسلامی.
- ۳- ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به استفاده از فرهنگ حجاب در تمامی شئونات زندگیشان.
- ۴- توجه بیشتر مسئولان فرهنگی و تبلیغی و اجرایی به امر پوشش اسلامی.
- ۵- بهره‌برداری از دیدگاه‌های متخصصان داخلی و خارجی جهت ارتقاء بینش آحاد مردم در امر فریضه حجاب اسلامی.
- ۶- ایجاد نمایشگاه حجاب و انجام مسابقات فرهنگی در این حیطه برای تمامی مقاطع تحصیلی.
- ۷- برنامه‌ریزی بر اساس تقویم زمانی سالانه برای هفته حجاب، جهت احیاء پیام‌های مختلف در عرصه پوشش.
- ۸- تهیه سریال‌ها و فیلم‌های مناسب به منظور توسعه بینش آحاد مردم و حجاب در جامعه.
- ۹- جلوگیری از عوامل تخریب‌زای فردی و اجتماعی وارداتی بیگانه در عرصه حجاب و پوشش مناسب.
- ۱۰- تقویت فرهنگ حجاب در دانشگاه‌ها، خانواده‌ها و کانون‌های علمی و تحصیلی.

- ۱۱- اختصاص دادن بودجه کافی برای مبارزه با افراد سودجو در امر جذب و فریب نسل جوان به‌ویژه «دختران فراری در جامعه».
- ۱۲- اهتمام به نظرات از دانش آموزان و دانشجویان موافق و مخالف حجاب با برگزاری همایش‌ها و میزگردها به منظور رفع معضلات و نواقص موجود.
- ۱۳- مراقبت و کنترل در موقعیت‌های خاص اجتماعی توسط مسئولان اجرایی و انتظامی.

**شیوه‌های تاثیر گذاری
جهانی زنان مسلمان**

عشرت شایق

شیوه‌های تأثیرگذاری جهانی زنان مسلمان

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض تفسیرهای متفاوت قرار گرفته و همواره با افراط و تفریط عجین شده شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زن است. همیشه این سوال مطرح است، چرا بشر علی‌رغم این همه ترقی و پیشرفت صنعتی و تکنیکی و گسترش قدرت در طبیعت، هنوز آگاهی و تکامل لازم را برای درک نیازهای متفاوت و مشترک دو عنصر اساسی مرد و زن و اصلاح مناسبات اقتصادی، جنسی و حقوقی آنها را بدست نیاورده است. جای بسی تأسف است اعلام شود کسانی که انسان را بدرستی نمی‌شناسند برای آن برنامه‌ی زندگی و علوم انسانی می‌نویسند نظریه‌پردازی می‌کنند. و این آغاز فاجعه است که نیاز به بررسی و مطالعه دقیق دارد.

این بحث که مهمترین ویژگی قرن حاضر، رجعت به عصر معنویت و بازسازی اخلاق است لازم است فارغ از دیدگاه‌های مختلف، به عنوان ورود، به دیدگاه اسلام مبتنی بر قرآن و سنت و دکترین امام(ره) و رهبری در عصر حاضر پرداخته شود:

قرآن کریم عالی‌ترین نظر را در وصف منزلت و کمالات علمی را که ناظر به مقام انسانیت زن هاست بیان نموده که آن مقام فقط به افراد ذکور تعلق نمی‌گیرد. چه بسا مردانی که سقوط کرده‌اند و مصداق آیه «اولئك كالانعام بل هم اضل» می‌شوند و چه

بسا زنانی که مشمول آیه «یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضية مرضية» شوند؛ با توجه به آیات و روایات متعدد، حتی نبوت زن پذیرفته شده است، البته نه رسالت نبوت که رسول می‌گردد، چرا که رسول مامور به تبلیغ و تبشیر و انذار است ولی نبی شخصی است که به لحاظ دریافت و تحمل انباء از سوی خداوند متعال به این عزت و مکتب اختصاص یافته است. در ارائه تاثیرگذاری جهانی زنان مسلمان لازم است پیش درآمدی از اهداف عالی اسلام، ویژگی‌های تفکرات ناب اسلامی و موانع پیش روی رشد و تعالی زن مسلمان که بازدارنده تاثیرگذاری آن در سطح جهانی است و بدین منظور راه کارهای و شیوه‌های اثرگذار ارائه شود تا با توجه به اهداف مقدس نظام ارزشمند اسلام، ویژگی‌های بی بدیل و عمیق و فراگیر اسلام را پذیرفته و برای رسیدن به آرمان بلند اسلام در راستای احیای حقوق حقه‌ی زن مسلمان تلاش گردد و در این تلاش عوامل بازدارنده و موانع فرا روی زنان جامعه مسلمانان کاهش و رو به نابودی روند، که این امر نیازمند همکاری، سعی، پیگیری و استمرار حرکت‌های زیربنایی فکری و علمی زنان مسلمان است که در این مرحله راه کارهای علمی هر کدام می‌توانند برای رسیدن به اوج قله معنویت و پیشرفت زن مسلمان در چارچوب قوانین و تکالیف جاری اسلام باشد تا شاهد پیاده شدن شیوه‌ها و روش‌های موثر رفتاری و گفتاری و همه جانبه زنان مسلمان در جهان باشیم.

امید است که این بحث اقدامی در جهت کسب رضایت الهی و خوشنودی قلب نازنین حضرت فاطمه زهرا (س) که الگوی همیشه اعصار است برای زنان عالم گردد.

اهداف تاثیرگذاری جهانی زنان مسلمان

پر واضح است، هر حرکت و اقدامی که به دنبال اهداف مشخص شده‌ای نباشد در واقع حرکت و اقدامی باطل و بی اثر خواهد بود، پس برای هر تحقیق و تالیف اثرگذار باید اهدافی را پیش بینی نمود و در مسیر دستیابی به آنها قدم برداشت.

در بررسی شیوه‌های تاثیرگذاری جهانی زنان مسلمان اهدافی مد نظر قرار دارد که از آن جمله می‌توان به اهداف زیر اشاره نمود:

- ۱- تبیین و تبلیغ الگویی زهرایی، و زینبی به‌عنوان زنان بزرگ و با عظمت؛ زنانی که می‌توانند دنیایی و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند [به هدف نائل شدن به مقام شامخ انسان الهی].
- ۲- پیروی از حضرت فاطمه زهرا (س) در جهت مبارزه و تلاش برای بسط خصلت‌ها و رفتارهای آن حضرت و گسترش بعد معنوی شخصیت ایشان.
- ۳- احیای کرامت انسانی زن بر پایه و اصول اعتقادات اسلامی.
- ۵- آگاه‌سازی زنان از حقوق و تکالیف خود بر مبنای اصول اسلامی.
- ۶- تقویت روحیه و خودباوری زنان با تصویر و ترسیم تکالیف الهی.
- ۷- شناسایی علمی و دقیق مسائل و مشکلات زنان و اولویت بندی آن‌ها جهت رفع این مشکلات در چارچوب قوانین مبتنی بر ارزش‌های دینی.
- ۸- تبیین وجود زن به‌عنوان بستر الهی رشد و پرورش انسان‌های جدید و کشتگاه مقدس انسانی.
- ۹- وفاداری به اصول و دکترین رهبری انقلاب که امری ممکن و میسر است. این دکترین نگاه تناسب‌گرایانه و عدالت‌جویانه دارد با توجه این فرمایش که: «زن نباید تحت ستم باشد و مرد خود را حاکم بر زن بداند».
- ۱۰- افزایش سطح خردمندی و اندیشه زنان از طریق فعالیت‌های گوناگون فکری، اجتماعی، اقتصادی، ادبی و هنری.
- ۱۱- بازیابی هویت علمی و معرفتی.
- ۱۲- برخورد قانونی و اخلاقی با متعديان به حقوق زن در جامعه و زدودن نگرش‌های صنفی، تبعیض‌نژادی، تبعیض‌های جنسیتی و ...
- ۱۳- تأمین مصالح فردی و اجتماعی که مظهر حیات و بقاء یک نظام اعتقادی حیات بخش در جامعه انسانی است در قالب نیروی کار و فعال اجتماعی.
- ۱۳- احقاق حق حیات اجتماعی زن.
- ۱۴- زنده ماندن روح مقاومت، امید نشاط در زنان.

- ۱۵- زمینه‌سازی حل مشکلات زنان بطور عملی.
- ۱۶- تقویت شعار؛ اگر بدانید و آگاه باشید و بخواهید، همه موانع را از پیش رو خواهید برداشت.
- ۱۷- رعایت حقوق فردی، اجتماعی (حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی، حقوق قضایی و....) و خانوادگی زن.
- ۱۸- کمک به رسیدن مدارج عالی معنوی.
- ۱۹- مبارزه با احساس از خود بیگانگی زن.
- ۲۰- ایجاد امنیت روانی، روحی و آرامش در محیط‌های تحصیلی و اجتماعی (سلامت جامعه).
- ۲۱- بیمه کردن سلامت جامعه با حجاب و عفاف که باعث دور شدن و بیماری‌های متعدد اجتماعی و پایدارسازی طراوت و جمال زن مسلمان است.
- ۲۲- حمایت از حجاب زن مسلمان به‌عنوان نماد فرهنگی تمدن دینی که به زن مسلمان هویت بخشیده است.
- ۲۳- معرفی حجاب به‌عنوان نهاد، استقلال فرهنگی، سبیل مبارزه با استعمار، پرچم استحکام بخش نظام خانوادگی و ایجاد آرامش روانی.
- ۲۴- پیشگیری از مفاسد اجتماعی و پیامدهای ناشی از بی‌پندوباری با تقویت حجاب و پوشش مناسب اسلامی.
- ۲۹- مبارزه پیگیر با اسارت فرهنگی زن که مانع اساسی رشد زنان است.
- ۳۰- ارضای صحیح غریزه جنسی در خانواده هم زمینه ساز سلامت جسم و روان است و هم سلامت اجتماعی و مصونیت اخلاقی جامعه.
- ۳۱- مبارزه با راه‌های بردگی و تجارت و بهره‌برداری جنسی زن.
- ۳۲- حمایت از جریان‌های اسلامی و انسانی دفاع از حقوق حقه زن و حمایت از زنان مومن و محجبه.
- ۳۳- تلاش علمی و تربیت‌فرزند با حفظ پوشش مناسب اجتماعی.

- ۳۴- ارتقاء بخشیدن به آموزش در تمامی سطوح.
- ۳۵- ترسیم الگوی فعالیت های اجتماعی زنان از جمله اشتغال جهت کارآمدی زنان.
- ۳۶- از بین بردن تفکر صف آرای و مقابله با مردان.
- ۳۷- معرفی این دیدگاه که ارزش های زن به مرد وابسته نیست و هر دو به یک اندازه شایسته نام انسان هستند. پذیرش اصل انسانیت به عنوان فصل مشترک تساوی زنان با مردان، و در پی آن بررسی تفاوت های طبیعی.
- ۳۸- مبارزه با دیدگاهی که قصد نادیده گرفتن و انکار زن بودن زن را دارد و نگاه مردانه به زن نگاهی که بزرگترین اهانت به آن است.
- ۳۹- زدودن اهانت های متعدد و شبهات نسبت به زنان در طول تاریخ.
- ۴۰- از بین بردن ستم تاریخی با راه حل های علمی و فرهنگی واجتماعی که از آن بطور مکرر یاد شده است.
- ۴۱- نگاه اصولی- اعتدالی، تنها راه پیشرفت ترقی و تعالی زن است. این نگاه تعامل خردمندانه بدور از هر گونه افراط و تفریط بین وظایف انسانی، نقش های خانوادگی و ضرورت های اجتماعی را رقم می زند.
- ۴۲- ورود به عرصه عمل و پرهیز از شعارزدگی.
- ۴۳- راهکارهای مناسب کاربردی و اجرایی برای بهبود وضعیت زنان و بازگرداندن کرامت انسانی زنان.
- ۴۴- تامین خدمات لازم و مؤثر به ویژه خدمات در حوزه بهداشت و خانواده.
- ۴۵- حمایت فراگیر از زنان سرپرست خانوار و زنان روستایی.
- ۴۶- مبارزه مؤثر و منطقی با اشکال مختلف نقض حقوق زنان [مبتنی بر ارزشهای دینی].
- ۴۷- عملی نمودن اندیشه های ناب اسلامی درباره زنان.

- ۴۸- تولید دانش‌های تجربی ویژه جامعه زنان مسلمان.
- ۴۹- معرفی خانه بعنوان بهترین محل برای بروز استعدادها و توانمندی‌های زن است و انجام پیچیده‌ترین و دشوارترین فعالیت‌های فرهنگی و هنری در جایگاه مادری.
- ۵۰- ضرورت حق تفاوت و نگاهداشت هویت زن.
- ۵۱- گسترش فرهنگ خانواده: زیرا که خانواده مخزن خوبی برای فرهنگ هر کشور و عالی‌ترین مرکز رشد و بالندگی معارف تربیتی اسلام است.
- ۳) خانواده نخستین سنگ بنای ساختمان بشریت و تنها مسیر مشروع برای تولد، تربیت و تکامل انسانهاست.
- ۵۲- ضرورت توسعه عواطف انسانی و مهرورزی با حفظ نقش ویژه مادری.
- ۵۳- مفهوم خانواده محوری حذف زنان از جامعه نیست؛ بلکه مفهوم اثربخشی، عمق بخشی، آگاهی بخشی و تسهیل حضور فرهنگی و تربیتی زنان در حفظ خانواده است.
- ۵۴- جلوگیری از بنیان خانواده با بازسازی صحیح نگرش جایگاه‌های اعضای خانواده خصوصاً زن به‌عنوان رکن اصلی خانواده بعنوان همسر، مادر، مری و ...
- ۵۵- تحکیم خانواده بر اساس محبت، صمیمیت، انس، وحدت، همدلی، دلسوزی همسران.
- ۵۶- ضرورت حفظ پاکی و عفاف و صیانت از نفس.
- ۵۷- چگونگی بهره‌برداری زنان خانه‌دار در فرآیند رشد برای جلوگیری از عقب‌ماندگی.
- ۵۸- داشتن ابتکار عمل و خلاقیت زنان جهان اسلام در عرصه‌های بین‌المللی از موضع اقتدار و پویایی.
- ۵۹- ترغیب و فعال کردن مسئولان جهانی برای پاسخگویی به این سوال که با

توجه به جمعیت جهانی تا چه اندازه مصالح زنان در تصمیم‌گیری‌های جهانی در نظر گرفته شده است و سازمان ملل متحد و تشکل‌های اقماری آن با همه ادعایی که برای دفاع حقوق زنان داشته‌اند چه جایگاه عملی را برای زنان مشخص کرده‌اند خصوصاً در بخش تولید، توزیع، مصرف و بهره‌برداری از قدرت.

۶۰- مشخص شدن جایگاه زنان مسلمان در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی.

۶۱- چگونگی تقویت زنان و خانواده در برابر موج جهانی سازی (بررسی ناکارآمدی سیستم خانواده).

۶۲- از بین بردن ضعف‌ها و کاستی‌های بخش اطلاع‌رسانی با نگاه علمی.

۶۳- رفع ضعف‌های ارتباطات بین‌بخشی مربوط به حوزه زنان.

۶۴- مصونیت‌سازی و ایمن‌سازی در مقابل ویروس‌های مهلک و عرصه وسیع ارتباطات.

۶۵- افزایش توانمندی و امکانات و کارآمدی زنان مسلمان که در مقابل تحولات تحمیلی جهانی شدن با ادعای دفاع از حقوق زنان و در واقع در راستای به برده‌کشی زنان صورت می‌گیرد.

۶۶- پرهیز زنان فعال و موثر مسلمان از انفعال در عرصه‌های بین‌المللی.

۶۷- ارائه و طریق و چگونگی حضور هدفمند، موثر، همه‌جانبه، آگاهانه و کارآمد در عرصه‌های بین‌المللی مشارکت زنان اندیشمند و خلاق مسلمان.

۶۸- رویارویی با چالش‌های فرا روی زنان سیاست‌گذار و سیاست‌ساز.

۶۹- فراهم کردن شرایط رشد و تعالی زنان در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگ حاکم هر کشور و با توجه به عرف و خرده‌فرهنگ‌ها و آداب و رسوم جوامع مختلف که مخالف ارزش‌های دینی نیست.

۷۰- پاسخگویی به پارادوکس‌های بزرگ بین‌المللی در تعریف شخصیت و منزلت زن و ارائه راهکارهایی که در هر دو نقش خود (خانواده و اجتماع) حضور یابد پرداختن به یکی مخل دیگری نباشد.

۷۱- جلوگیری از قربانی شدن زنان به دلیل ناهنجاری‌های اقتصادی.

۷۲- تسهیل فرآیند مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف از طریق تکنولوژی

اطلاعات و ارتباطات.

۷۳- بازنگری کلیه قوانین ناظر بر امور خانواده

ویژگی‌های حقوق زنان از دیدگاه اسلام

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، درباره زن، دیدگاهی مترقیانه و درعین حال متعادل دارد و زن را همانند مرد دارای سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال می‌داند. شناخت ویژگی‌های حقوق زنان در اسلام و تقویت و ارائه آن‌ها می‌تواند در تاثیرگذاری حضور زنان مسلمان در عرصه جهانی بسیار مفید باشد. بعضی از ویژگی‌های دیدگاه اسلام در مورد زن بشرح زیر است:

- ۱) الهام گرفتن از احکام اسلامی برای رساندن زنان به وضع مطلوب، تقویت نهاد خانواده و جایگاه ویژه زن در آن.
- ۲) احساس آرامش و امنیت، و امکان بروز استعدادها و رفع ستم و تبعیض در جامعه در خانواده.
- ۳) توجه به خانواده از این نظر که بنیانی‌ترین نقش را در جریان تربیت و شکل‌دهی شخصیت فرزندان بعهده دارد.
- ۴) پرهیز از پرداختن امور بی‌ارزش و دون پایه.
- ۵) تبیین حقوق زن و مرد خصوصا در کانون خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین هسته تربیت نسل آینده با آموزه‌های اسلامی.
- ۶) ارتقاء بخشیدن تسهیلات و ضوابط با مسئولیت‌های خانوادگی زنان در مراحل جذب، بکارگیری، بازنشستگی.
- ۷) بررسی جایگاه ویژه زن به‌عنوان رکن اساسی خانواده و تربیت و هدایت و به‌عنوان حافظ و عنصر اصلی تشکیل خانواده.

- ۸) نظر جایگاه رفیع خانواده در اسلام
- ۹) زنان مدیران لایق و کارآمد خانه هستند و گردش خانواده با مدیریت عاطفی زن است، زن مدار خانواده و فرزندان موضوع خانواده قرار گرفته است.
- ۱۰) ویژگی سازنده و موثر دین اسلام در نقش تعیین کننده و محوری برنامه‌های زندگی که سرلوحه آن دستورات الهی است با مدیریت عاطفی زن و خانواده تعیین شده است.
- ۱۱) خانواده بهترین محل پیوند زن و مرد است و بیشترین و مهم‌ترین زمینه‌ساز کمال آن دو است.
- ۱۲) آفرینش زن و مرد در اصل به این معناست که هر کدام برای رسیدن به کمال خود خلق شده اند نه آنکه اصل، کمال مرد باشد و زن ابزاری برای کمال یابی مرد.
- ۱۳) اسلام در خانواده نه مرد سالاری و نه زن سالاری بلکه انسان سالاری، حق‌سالاری و تکلیف سالاری را ترویج می‌کند.
- ۱۴) مصون سازی خانواده از تهاجمات نظامی و صدمات مستقیم جنگ.
- ۱۵) در دیدگاه قرآن هدف از خلقت زن و مرد عبودیت خداوند و تقرب به درگاه اوست .
- ۱۶) اوج شخصیت انسانی زن زمانی است که موعود امم، یک زن را مقتدای خویش قرار داد.
- ۱۷) بزرگترین انسان تاریخ حضرت پیامبر(ص) شکوهمندترین و عظیم‌ترین لقب (ام ابیها)(س) را به یک زن داد.
- ۱۸) برای اسلام جنس زن یا مرد بودن مطرح نیست بلکه تعالی بشری، اخلاق بشری و بروز استعدادها مطرح است.
- ۱۹) توجه به اختلاف‌های غیرارادی و تفاوت‌هایی که منشاء جنسیتی دارند مربوط به طبیعت مرد و زن نه شخصیت آنها.

(۲۰) مبارزه با غفلت از اصالت‌ها و ارزش‌های معنوی.

(۲۱) تمرین مدیریت برای حق محوری، حق مداری و تربیت نیروهای حق محور.

(۲۲) خودداری از مصرف گرایی و اسراف.

(۲۳) رهاسازی زن مسلمان از اسارت زر و زیور.

(۲۴) اهتمام به حفظ حجاب و عفاف به عنوان رکنی که وسیله‌ای برای تعالی شخصیت زن و تکریم زن در چشم دیگران است و مایه احترام و تعالی شخصیت زن است، زیرا حجاب مهد آرامش زن بوده و همیشه پوشیدگی زن خاکریز بزرگی در برابر موج وسوسه و کجروی‌ها بوده است و به همین علت حجاب برتر یعنی چادر بعنوان سمبل مبارزه با استعمار شناخته شده و این مقوله مهم در دل استعمارگران بیم و هراس ایجاد کرده و مهم‌تر آن که حجاب تجلی زیبایی‌های معنوی زن مسلمان است.

(۲۵) تکلیف به حجاب همچون دیگر احکام و قواعد حقوقی دین اسلام در راستای تامین سعادت همه جانبه جامعه و خانواده است. حجاب با حقوق و آزادی زن نه تنها منافات ندارد بلکه باعث تثبیت آزادی، تقویت شرافت، عزت و کرامت انسانی زن است. حجاب از احکام برجسته اسلام در پیشگیری از فساد است و امنیت بخش زن و مرد و یاری دهنده زن در رسیدن به رتبه عالی معنوی است چرا که حجاب مساله ارزشی است و مقدمه‌ای برای تعالی بیشتر و بالاتر است و به نوعی تکریم زن که حجاب هنر زن و زن هنر آفرینش الهی است. حجاب مدال افتخار جویندگان کمال و مدال پیروزی بر نفس اماره است و تجلی زیبایی‌های معنوی زن در عالم خلقت است و در این میان چادر بارزترین نمونه حجاب اسلامی در عصر حاضر به‌عنوان برترین بهترین و سالم‌ترین پوشش است. و منشأ آن را باید از خداترسی و تقوای زن مسلمان دانست.

(۲۶) تغییر موازنه قوا در مواضع مختلف به نفع اسلام و فرهنگ اسلامی با ایفای

نقش واقعی زنان طبق مسئولیت‌های محوله اسلامی.

۲۷) مبارزه با آزادی‌های نامشروع از جمله آزادی از قید و بندهای اخلاقی و خانوادگی.

۲۸) جایگاه با عظمت، و شکوه حضرت بلقیس به‌عنوان ملکه سبا که در تفاسیر قرآنی به ویژگی‌های وی چنین اشاره شده است:

- پادشاه و حکمرانی زیرک، با حسن تدبیر، هوشمند و دارای بهره‌عقلانی.
- حاکمی با روحیه صلح‌جویی و جنگ‌گریزی.
- فرمانروایی کاردان و سیاستمدار همراه با ادب و احترام شایسته یک ملکه.
- دارای شوکت و اقتدار نظامی یک حاکم، با اندیشه سیاسی و توان بالا در تحلیل امور کشور.

• پادشاهی توانمند و آگاه.

• اینچنین حاکمی در برخورد با رسالت نبی خداوند (حضرت سلیمان(ع)) با انقلاب درونی و ایمان قلبی و توحید خالص بر آستان الهی تعظیم کرد. این همه نقش و تأثیر گسترده زن در گرایش جامعه به خداوند را رقم می‌زند.

۲۹) مثال‌های ویژه از عبرت‌های آموزنده قرآنی از نمونه‌های زندگی حضرت مریم(ع) و دختران حضرت شعیب تا زن حضرت نوح(ع) لوط(ع) تا کوثر بی‌متهای نبی اکرم (ص) هل اتی ...

۳۰) زنان تأثیرگذار بر سیر و سلوک عرفان از حضرت زهرا(س) و فرزندان و نوادگان و وابستگان خاندان معصوم(ع) گرفته تا افرادی همچون رابعه عودیه، شعوانه ابلیه، بحریه، عنیده، عایشه نیشابوری، همسر ابوالسعید ابوالخیر، ام زهرا، فاطمه قرطبی، مریم بنت محمد همسر ابن عربی، خواهر شیخ مکبب الدین (شیخیه اعجاز) و...

۳۱) بیعت روشن‌ترین نماد حرکت سیاسی، اجتماعی و مظهر حضور در متن جامعه که زنان از روزهای اول اسلام در این تکامل سیاسی مخاطب بوده‌اند و اولین ارزش رای‌گیری به این شیوه به زنان اختصاص دارد.

۳۲) تأکید قرآن در موارد متعدد و متنوع حقوق انسانی زنان از جمله:

- ۱- پذیرفتن اصل استقلال اقتصادی زن با اجازه کسب و درآمد حلال. سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۳۲.
 - ۲- نداشتن مسئولیت مالی در قبال فرزندان و خانواده، چرا که با وجود حقوق اقتصادی زن تامین نفقه‌اش با پدر و سپس با همسر است.
 - ۳- زن مستقلا می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.
 - ۴- دریافت مهر و صداق (مالی که زن بر اثر نکاح مالک آن می‌شود) - سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۴.
 - ۵- دریافت نحله (عطیه، بخشش).
 - ۶- تثبیت حق ارث - سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۷.
 - ۷- زن در کلیه عقود و معاملات حقوقی مختار و آزاد است و در وصیت هم اختیار کامل دارد. سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۱۸۰ و مواد ۸۳۵ و ۸۳۸ قانون مدنی در باب وصیت موصی اعم از زن و مرد است.
 - ۸- رأی که صورت پیشرفته بیعت است ارزشی است که از صدر اسلام به زن داده شده است - سوره مبارکه ممتحنه آیه شریفه ۱۲.
 - ۹- یکسان بودن زن و مرد در قبال احکام شرعی - سوره مبارکه احزاب آیه شریفه ۳۵.
 - ۱۰- هیچ تفاوتی در زمینه پایبندی به ارزش‌های دینی، پاداش اخروی و دعوت کتاب آسمانی قرآن بین زن و مرد وجود ندارد. سوره مبارکه توبه / ۷۱، سوره مبارکه نساء / ۳۲، سوره مبارکه مائده / ۳۸، سوره مبارکه نور / ۲، سوره مبارکه آل عمران / ۱۹۵، سوره مبارکه احزاب / ۳۶.
 - ۱۱- در مسئله ارث، تثبیت حق ارث در اسلام و اینکه منشاء حقوقی مساله ارث زن، نقض شخصیت حقوقی زن نیست بلکه به توازن در مسائل مادی در عرصه حقوق و تکالیف بر می‌گردد.
- ۳۳ تقویت برخورداری تامین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی.

۳۴) مبارزه پی‌گیر با تجارت و بردگی زنان و بهره‌کشی جنسی.

۳۵) جدی گرفتن اصل رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی.

۳۶) توجه ویژه به خانواده به عنوان مهم‌ترین و اولین حلقه از زنجیره فرآیند جامعه‌پذیری.

۳۷) بیداری جهان اسلام در عصر کنونی ویژگی مثبتی است که نباید مغفول بماند و از مهمترین شرایط ایجاد شده برای تأثیرگذاری مسلمانان خصوصاً زنان مسلمان مدیر و مدبر آفرین، انسان ساز و تاریخ ساز است.

موانع اثرگذاری جهانی زنان مسلمان

با توجه به اینکه هر حرکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود با موانعی مواجه می‌شود، مسلماً حرکت برای دستیابی به اهداف موانعی را نیز سد راه خود خواهد داشت که شناخت این موانع و تجزیه و تحلیل آنها می‌تواند چالش‌ها را به فرصت تبدیل نماید و باعث تسهیل حرکت برای رسیدن به اهداف مورد نظر باشد. بعضی از موانع که در این مسیر اثرگذاری جهانی زنان مسلمان بیشتر جلب توجه کند عبارتند از:

۱- ناآگاهی سیاسی توأم با شایعه سیاسی، نشر شایعه را به دنبال دارد که در پیشرفت اهداف متعالی رشد و تعالی و اثرگذاری جهانی زنان مسلمان مانعی بزرگ است.

۲- فقر مالی و فرهنگی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، بی‌سرپرستی و بی‌اعتباری زنان فاقد سرپرست در جامعه، عدم تطابق نیازها و خواسته‌های انسانی بین افراد، عدم رعایت حقوق زن در عرف اجتماع از دیگر موانع تأثیرگذاری بین‌المللی زن مسلمان است.

۳- اختلال در نقش‌های مردانه.

- ۴- خسته کننده و کلیشه‌ای قلمداد کردن نقش‌های مهم زنان بویژه مادری، همسری، خانه داری.
- ۵- انسان محوری (اومانیزم).
- ۶- تفکر پاکسازی جامعه و فضای زندگی از قیود و ارزشهای دینی (سکولاریسم).
- ۷- دیدگاه مبتنی بر حس‌گرایی و نفی ارزش‌های اخلاقی و واقعیت‌های متعالی که در محک تجربه حس نمی‌آید (پوزیتیویسم).
- ۸- حاکمیت تمایلات و شادکامی‌های فردی (فردگرایی).
- ۹- آزادی ولنگاری و رهایی از هر قید و بند از جمله قیود اخلاقی (لیبرالیسم).
- ۱۰- تضعیف میل مادری به دلیل حضور اجتماعی و ایجاد پارادوکس بین حضور در خانواده و اجتماع.
- ۱۱- فشار تبلیغاتی همه جانبه و مستمر زنان برای احقاق حق در قالب شعارهای فردگرایی و... .
- ۱۲- عدم تبلیغ و تبیین مناسب نقش اثرگذار زن مسلمان در کتب درسی و آموزشی.
- ۱۳- عدم اعتماد به نفس و نگرش غلط برخی از زنان جامعه در مواضع مختلف.
- ۱۴- شیوع آسیب‌های روحی و روانی و عدم کارآیی لازم زنان.
- ۱۵- ورود به بحث‌های انحرافی در مقوله زنان و حقوق آنها.
- ۱۶- دفاع زن گرایانه از مرد (فمنیسم) تقویت شعار، «ما زنان برای بهتر شدن چاره ای جز مرد شدن نداریم».
- ۱۷- اقدام‌های بی‌منطق، حرکت‌های مبتنی بر نا آگاهی بدون تکیه بر فطرت و طینت زن و مرد و بدون اتکا بر سنت‌های الهی از موانع اساسی اثربخش جهانی و منطقه ای زنان مسلمان است.
- ۱۸- داعیه حقوق بشر، حقوق زن که در واقع سنگ بنای آزادی غربی و بی بندوباری است از دیگر موانع است.

۱۹- دیدگاه مبنی بر احساس مالکیت مرد به استخدام و استعمار زنان.

۲۰- مردسالاری غربی که زن را برای مرد می‌خواهد تا به التذاذ بصری برسد و ابزاری برای ارضای تمتعات جنسی او باشد از موانع پیشرفت زنان است و طبیعتاً مانعی بزرگ برای عمق بخشیدن به اثرات رفتاری زنان مسلمان است.

۲۱- عدم اطلاع رسانی لازم از وضعیت زنان در کشورهای به اصطلاح پیشرفته باعث ایجاد مدینه فاضله کاذب در اذهان زنان مسلمان می‌گردد و مانعی بزرگ برای رشد و ارتقاء و اثربخشی آنهاست در نتیجه باعث برخوردهای انفعالی و وادادگی فرهنگی و سیاسی می‌شود. به نمونه‌هایی از اوضاع زنان در سایر کشورها اشاره می‌گردد:

الف: داعیان حقوق زن در مقایسه دستمزد کارگران زن نسبت به مردان چنین آماری را به خود اختصاص داده‌اند. در ایتالیا حقوق و دستمزد کارگران زن ۲۸٪ کمتر از مردان است. در اتریش ۱۲٪ و در فرانسه مهد به اصطلاح دمکراسی و تمدن ۱۲٪ و در ژاپن ۷٪ است و مشاغلی که پرداختی به آنان تعلق نمی‌گیرد سهم زنان ۹ برابر مردان است و در آمریکا زنان همواره ۶۰ سنت در برابر هر دلاری که مردان کسب کرده اند بدست آورده‌اند.

ب: آمریکا، کشوری که بیشترین ادعای حمایت از حقوق زنان را دارد و خود را سردمدار دادن جایگاه‌های مهم تصمیم‌سازی به زنان می‌داند ۲۰ شغل اول زنان در آن به ترتیب زیر است: منشی گری، صندوق داری، مدیریت فروش داخلی، سرپرست فروش، پرستار رسمی، کمک پرستار، آموزگار، کتابدار - کارمند پذیرش هتل‌ها، حسابداری، اپراتوری، آشپزی، بازرسی، نظافتچی، دبیر، کارمند کارخانه، آرایشگری، اپراتوری ماشین، نساجی و ... به این ترتیب پس از مدتی زن، ابراز انگیزش برای مصرف هرچه بیشتر در جامعه شده و برای او اقتدار اجتماعی و هویت سیاسی در شکل عینی و حقیقی مفهوم نخواهد داشت.

ج: در غرب، شاخص‌های مربوط به پیشرفت زنان معرفی و تأکید می‌شود. تنها، حضور صوری تعداد معینی از زنان در مناصب وزارتی و قانونگذاری به چشم

می‌خورد و زنان با توجه به شرایط حاکم، دچار بحران هویتی شده‌اند که موجب عکس‌العمل‌هایی همچون جسارت فردی به شکل تبرج و جلوه‌گری مادی شده است. ۲۲- مشکلات چند گانه زنان، در موارد حقوقی، فرهنگی، آموزشی، قضایی، اقتصادی، سیاسی و... از موانع اثربخشی در سطح جهان است.

۲۳- نتایج دهشتناک ناشی از جنگ‌ها و درگیری‌های محلی، بارزترین و نخستین قربانیان خود را مستقیم یا غیرمستقیم به زنان اختصاص می‌دهد و این قربانیان نزاع‌ها و تنش‌ها که درصدد رفع مشکلات طاقت‌فرسا و رقت‌بار جنگ و نزاع و درگیری می‌شوند از رشد و پیشرفت و ارتقاء و موثر بودن در عرصه‌های بین‌المللی باز می‌مانند.

۲۴- کمبود نیروهای انسانی محقق و کارآمد علمی، اخلاقی و سیاسی و اجتماعی زنان از مهمترین موانع رشد و اثرگذاری زنان مسلمان در سطح جهانی است.

۲۵- درحاشیه ماندن شأن انسانی زن در جامعه.

۲۶- هیجانات فردی که زن را به طغیان و سرکشی وا می‌دارد و بدینوسیله او را به مراتب پست و تزلزل شخصیت انسانی می‌کشانند مانعی برای بلوغ فکری فرهنگی زنان و سدی برای موثر بودن زن است.

۲۷- استخدام کلیه امکانات در جهت ترویج بی‌حجابی و اباحه‌گری که عامل ترویج فساد در جامعه، وسیله مصرف‌گرایی، شکستن سد عفاف و ایمان و حرکت‌های سیاسی است و بازماندن از سیر صعودی اخلاقی و ارزشی.

۲۸- تضعیف رشد اقتصادی با هدف سوق دادن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع.

۲۹- مصرف دائمی زنان اهل تبرج و اسیر ظواهر دنیوی برای کارخانجات لوازم آرایشی

۳۰- امروزه در جهان، به نام آزادی و دفاع از حقوق زن، ابزار تأمین شهوت مرد شده است و با پیشرفت فن آوری این بردگی و اسارت مانع بزرگی محسوب می‌شود.

۳۱- ترویج فرهنگ غربی در جهان که ماهیت آن قرار دادن زن به عنوان ابزار

- لذت جویی مردان است ولاغیر و بقیه ادعاها در حد فضا سازی برای این جریان است.
- ۳۲- آزادی از قید ازدواج و تشکیل خانواده.
- ۳۳- فردگرایی شاخه اصلی فرهنگ جدید غربی است که در خانواده سبب حفظ منافع شخصی جهت پیوند اعضای خانواده است.
- ۳۴- استفاده از لباس‌های مهیج، لباس شهرت و مصرف زدگی.
- ۳۵- بی‌حجابی بعنوان یک فقر فرهنگی دینی یادآوری می‌گردد. سرسخت‌ترین مخالفین حجاب مردان مستکبر و شهوترانی هستند که حجاب را مانع لذت جویی چشم‌های هرزه خویش می‌بینند و این از موانع زیربنایی و اساسی رشد و تعالی و اثرگذاری زنان مسلمان است که بسیار قابل تأمل است.
- ۳۶- اختلاط بی شرط و قید زنان و مردان که باعث شیوع بیماری‌های مقاربتی، تزلزل خانواده‌ها، پریشانی نسل‌ها می‌گردد و اساس هویت زن را زیر سؤال می‌برد.
- ۳۷- رفتارهای تحقیرآمیز و ظالمانه ای که در برخی خانواده‌های مسلمان با زنان می‌شود هیچ منشأ و توجیه دینی نداشته و مطلقاً قابل استناد به اسلام نیست ولی در عین حال این رفتارها مانعی برای اثرات همه جانبه و فراگیر زنان مسلمان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است.

راهکارها و شیوه‌های اثرگذاری جهانی زنان مسلمان

برای رسیدن به اهداف ذکر شده و رفع موانع اعلام شده، راهکارهای متعددی متصور است که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند و بهترین آن‌ها که قابلیت اجرا را داشته باشند به‌عنوان شیوه عمل و مسیر حرکت انتخاب شوند. طبیعی است که در این راه توجه به وضع موجود و موانع و امکانات در دسترس و همچنین نتایج قابل پیش بینی در اجرای هر یک از راهکارها ضروری است. نقش دولت‌ها و مجالس کشورهای مسلمانان و افراد موثر و صاحب نفوذ مسلمان و جهان اسلام برای احیای حقوق زنان مسلمان و کارآمدتر بودن و مفید بودن برنامه‌های اثرگذار بر جهان بسیار

مهم و سرنوشت ساز است. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی راهکارهای زیر می‌توانند برای دستیابی به اهداف اعلام شده مورد کنکاش و عمل قرار گیرند:

۱- طراحی و تقویت و نظام مند کردن شخصیت زن در اسلام با:

- نظام توصیفی شخصیت زن (نظام تکوینی)

- نظام ارزشی شخصیت زن (نظام اخلاقی)

- نظام تکلیفی شخصیت زن (نظام حقوقی)

این سه نظام مجموعاً در درون خود شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

۲- ارائه دکترین رهبری انقلاب (امام امت^(۱)) و مقام معظم رهبری) در مورد جایگاه و شخصیت زن مسلمان به‌عنوان رویکرد نوینی در حوزه زنان با اعتلابخشی به اندیشه و تفکر اسلامی.

۳- ارتقای معنویت، اخلاق، دیانت و سطح دانش و آگاهی زنان، همراه با حفظ هویت زنان مسلمان پای بند به موازین دینی و فرهنگی.

۴- ترویج و تشویق زنان موفق در عرصه های معنوی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌عنوان زنان فعال و معرفی چهره‌های سال با اعطای مدال با عنوان فاطمیه از طرف جمهوری اسلامی.

۵- ارائه تعریف صحیح از جایگاه علمی زنان مسلمان، توانایی نظام اجتماعی را در پیاده سازی سیستم های برگزیده اجتماعی بر مبنای اسلام (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) افزایش خواهد داد و اصول ارزشی و پیوندهای اجتماعی در قالب یک دستگاه نظام‌مند، تعریف شده و در چنین چارچوبی است که شعار مشارکت سیاسی زنان در جامعه اسلامی ایران و حتی برای زنان مسلمان و آزادی‌خواه جهان معنا پیدا خواهد کرد و وجوه مشترک اختلاف و امتیاز زن در جامعه اسلامی با جامعه غربی معین خواهد شد و گام موثری برای اثرات مثبت جریان‌های زلال و فعال و مقتدرانه زن مسلمان در سطح جهان خواهد بود.

۶- تقویت انسانیت زن که وجه مشترک بنیادین زن و مرد و دلیل بر یک نوع بودن و از یک جوهر بودن آنهاست؛ جوهری که نامش انسان است. به این معنا که انسانیت در صنف مرد و هم در صنف زن نیز مشاهده می‌شود.

۷- تضعیف و تقلیل ابراز رفتارهای مردانه و تقویت نقش‌های زنانه زنان.

۸- آماده سازی بستر آرامش برای این که سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان باشد و زنان مسلمان با توجه به ساختار وجودی و رسالت عظیم تربیت نسل پویا، خلاق، مقاوم به این آرامش نیاز بیشتر دارند.

۹- ارتقاء حضور فعال زنان در تحولات جهانی توسط دولت و مجالس کشورهای مسلمان. ایجاد تشکلهای تخصصی در حوزه ملی و منطقه ای برای موثر بودن در عرصه بین‌المللی.

۹- مبارزه با وابستگی به زخارف دنیوی که عزت و شرافت انسان را پایمال می‌کند.

۱۰- تقویت حریم عفاف توسط پیروان حضرت فاطمه زهرا(س) با حجاب و پرهیز از فرهنگ مصرف و تجمل و زینت تحریک آمیز.

۱۱- نوآوری و زمان شناسی و مکان شناسی در استیفای حقوق زنان مسلمان.

۱۲- پرهیز از تبرج (خودنمایی زنان در مقابل مردان) برای جذب و فتنه انگیزی.

۱۳- تبیین و تبلیغ و ترویج حجاب که عامل عفت و بازدارنده از عمل منکر و وسیله حفظ وصیانت عفاف انسانی است و بر حرمت و حفظ شخصیت و اقتدار زن مسلمان را تأکید می‌کند.

۱۴- تقویت گرایش به ازدواج و کاهش تمایل به استقلال فردی در زنان مسلمان

- استحکام بخشیدن به خانواده و سلامت جامعه بر پایه و اساس مادر و سلامت فرزندان.

۱۵- مبارزه پی‌گیر با استثمار زنان و کودکان توسط سرمایه‌داران.

۱۵- برنامه ریزی برای روزآمدی و کارآمدی نقش‌های زنانه.

۱۶- تقویت روحیه فرهنگ ساز زنان فکسور و اندیشمند مسلمان در فرآیند

فرهنگ‌سازی جایگاه و منزلت ویژه ای دارد و عامل مهمی در تأثیرپذیری جامعه از رفتار این قشر موثر دارد.

۱۷- تلاش در دستیابی جایگاه والای زنان شایسته از نظر فردی و اجتماعی و استفاده از تعالیم ارزشمند دین مبین اسلام که توان حضور فعال به این قشر را خواهد داد (توان بخشی و کارآیی فراگیر و جامع زن مسلمان).

۱۸- تقویت نقش فراگیر زنان مسلمان در عرصه دست‌یابی به توسعه صلح پایدار.

۱۹- از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی، فقر و... در حوزه زنان.

۲۰- تقویت نقش زنان که قادر به سازماندهی نیمی از جمعیت است و قدرت بالقوه نیمه دیگر را برای تبدیل به فعل دارد برای ارتقاء سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که راه دست‌یابی به روند صلح جهانی را آشکار می‌سازد.

۲۱- تعیین نقش‌ها و حمایت از نقش‌ها برای تداوم فعالیت.

۲۲- تقویت توسعه اجتماعی که مهمترین رکن توسعه اجتماعی انسان است و زنان در پرورش نیروهای انسانی متعادل، متخلق، قانع، علم دوست، کاری، بانشاط و همگرا بیشترین سهم را ایفا می‌کنند.

۲۳- تقسیم کار و توزیع مسئولیت بین زن و مرد در نهاد خانواده برای پیشرفت امور.

۲۴- احقاق حقوق زنان با مبانی اسلامی.

۲۵- مساعدت در تحکیم بنیان خانواده که اصلی‌ترین عامل پیشرفت اجتماع است. با توجه به اینکه هیچ پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی حاصل نمی‌شود، مگر اینکه اساس آن از خانواده شروع شده باشد چرا که زن مهم‌ترین نقش را در پیوند عاطفی دارد، این پیوند عاطفی نقش اساسی در استحکام و بقاء خانواده در جامعه ایفا می‌کند.

۲۶- رشد تربیت فرزند و کارآمد کردن اعضای خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین هسته اجتماع که اصلی‌ترین عضو این هسته زن است. از آنجایی که محیط خاص خانواده

برای شکل‌گیری فرزند است برای زمینه‌سازی سلامت اخلاقی فرزندان لازم است که سرمایه‌گذاری وسیعی بر روی محوری‌ترین عنصر تربیت خانواده یعنی مادر انجام شود.

- ۲۷- فراهم نمودن و برقراری زمینه منطقی میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و حل پارادوکس نقش خانوادگی زن و حضور در اجتماع.
- ۲۸- دفاع اخلاقی و قانونی از زنان با ایجاد قوانین مناسب.
- ۲۹- حل تدریجی مشکل زنان با وضع و اصلاح برخی قوانین.
- ۳۰- اصلاح نظام ارزش‌گذاری متناسب با نقش‌های ویژه زن و مرد.
- ۳۱- حداکثر استفاده از جایگاه و ارزش انسانی در حقوق اقتصادی زنان.
- ۳۲- ارتقای کنش‌های عقلانی مبتنی بر ارزش که از آن رفتارهای سیاسی آگاهانه و همراه با بینش و بصیرت و مبتنی بر ایمان و عقیده از زنان مسلمان بروز می‌کند.
- ۳۳- تلاش برای مولد بودن زنان ایرانی در عرصه علم و دانش و پژوهش.
- ۳۴- حضور فعال سیاسی زنان در ایران و کشورهای مسلمان با توجه به گرایش‌ها و تفکرات این قشر هدفمند و ارزشمند کارساز بوده و خواهد بود.
- ۳۵- حضور فعال زنان مسلمان با تخصص‌های متنوع در صحنه‌های علمی و اجرایی همراه با فراهم آوردن ابزار و امکانات حضور.
- ۳۶- ایجاد زمینه‌های مساعد برای حضور زنان توانمند در برنامه‌ریزی‌های کشوری، منطقه‌ای و جهانی.
- ۳۷- احقاق حق فقرای جهان که ۸۰٪ آن‌ها زنان هستند. حرکت جهانی دفاع از مظلومان قدم موثری برای فعالیت‌های فراملی و جهانی زنان مسلمان است.
- ۳۸- احیای هویت زنان خانه‌دار. زیرا که خانه‌داری یکی از مهم‌ترین، اصیل‌ترین، حساس‌ترین، هنرمندانه‌ترین، ظریف‌ترین مدیریت‌هاست و نفی این ایده مدیریت زنان خانه‌دار مدیریت فردی یا حاشیه‌نشین است و پذیرش این باور که خانه‌داری مدیریتی کلان و زیربنایی و اساسی است.

۳۹- شکوفا کردن استعداد‌های علمی، اختراعات و اکتشافات و استعداد‌های سیاسی و کارهای اجتماعی زنان مسلمان و ثبت در تاریخ فعالیت‌های آن‌ها جهت علمی شدن نعمت‌های به ودیعه گذاشته خداوند در وجود زنان.

۴۰- پررنگ نمودن ارزشهایی که در جامعه مسلمان ایران وجود دارد در مقابل قوانین موجود برخی از کشورها از جمله: یک زن متأهل دارای شخصیت حقوقی مستقل به نام خانوادگی خود است و این دلیل آن است که دختر مسلمان به محض ازدواج، شخصیت و وجود فردی اش در همسرش حل نمی‌شود، در حالیکه در غرب اینچنین نیست.

۴۱- بازسازی نیروی انسانی با توجه به نیروهای مدیریتی زنان.

۴۲- حفظ و تقویت یکپارچگی جنبش‌های زنان در سطح ملی و فراملی با توجه به قوانین و ارزشهای اسلامی.

۴۳- دقت در مقوله جهانی شدن اقتصاد و توجه به حوزه زنان برای راهکارهای مبتنی بر ارزشها و تکالیف دین اسلام.

۴۴- بهبود بخشیدن روند حقوقی مسائل زنان.

۴۵- تسهیل و ممکن سازی ازدواج جوانان؛ چرا که ازدواج سبب طهارت معنوی شده و زمینه ساز کرامت وجودی فرد است.

۴۶- پیدا کردن شیوه‌های ابتکاری برای مطالعه و کتابخوانی زنان به‌طور اعم و تحقیق و پژوهش بطور اخص برای بهتر اندیشیدن و بروز ابتکار در راستای موثر بودن زنان مسلمان.

۴۷- اهتمام به مسأله تعلیم و تربیت مادران که نقش مادر در تربیت و سازندگی انسان به‌عنوان مظهر مهر و عاطفه و محبت و صفا است.

۴۸- تحقق بخشیدن به شیوه‌های مهارتی فنی مورد نیاز زنان مسلمان در چارچوب احکام اسلامی.

۴۹- تقویت تعاونی‌های بانوان مسلمان به منظور دستیابی به اهرم مناسب برای

توسعه اقتصادی با هدف بهبود شرایط کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد، تمرین و مسئولیت‌پذیری.

۵۰- تقویت کبان خانواده با رویکردهای محبت، کاهش مشکلات و دشواری‌ها، تفاهم و تعاون، همکاری و همیاری، تحمل و سهل‌گیری و مدارا با نقش محوری زنان که بدون تردید در این مورد نقش بسیار وافر دارند.

۵۱- تقویت توانمندی‌های زنان مسلمان در منظر و عرصه بین‌الملل و ارتقاء سطح این توانمندی و کارآمدی.

۵۲- گسترش مسابقات ورزشی زنان جهان اسلام به صورت منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی با مقررات اسلامی.

۵۳- امحای سلاح‌های شیمیایی، موشک‌های قاره‌پیمای، بمب‌های میکروبی و هیدروژنی در جهت زدودن بیماری‌های مهلک و کشنده و خسارت‌های روحی و جسمی زنان و خانواده‌های آنها.

۵۴- توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی بین بانوان جهان اسلام با موازین قانونی با تشکل‌های مجامع و تشکل‌های متعدد با توجه به شاخص‌های تخصصی و موضوع‌های متنوع موجود در میان زنان مسلمان.

۵۵- آگاهی بخشی و خیررسانی از رویدادها و مسائل سیاسی، فرهنگی جهان اسلام با ایجاد خبرگزاری جهانی زنان مسلمان.

۵۶- حضور فعال زنان متخصص و نظریه‌پرداز و خلاق در عرصه‌های بین‌المللی.

۵۷- تشکیل انجمن‌های مشاوره‌ای و خیریه توسط زنان توانمند و فعال مسلمان حمایت از سالمندان، امداد خانواده، مشاوره همسران و همسران جوان در سطوح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی.

۵۸- تشکیل بانک اطلاعاتی جهانی زنان مسلمان برای ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان زنان متخصص و فرهیخته مسلمان و زنان فعال دیگر مذاهب.

- ۵۹- ایجاد شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی بین زنان فعال مسلمان برای فعالیت‌های هماهنگ مبتنی بر تحلیل موقعیت سیاسی، فرهنگی جهان.
- ۶۰- ورود زنان تاجر و فعال اقتصادی با رعایت موازین اسلامی در عرصه تجارت الکترونیک که بهترین مشخصه آن حضور بیشتر در فضای خانوادگی و در عین حال بهره‌وری از استعداد و پتانسیل تخصصی، تجاری و اقتصادی زنان مسلمان است.
- ۶۱- ایجاد تشکل قوی و فعال زنان مسلمان برای حضور فعال در اداره تبلیغ و حفاظت بخش‌های بانوان حرمین شرفین و عتبات عالیات
- ۶۷- ایجاد پل ارتباطی تبلیغی میان زنان مسلمانان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در راستای وحدت بخشی و استفاده بهینه از وجود زنان مسلمان خلاق و مبتکر با رعایت موازین و تکالیف اسلامی.
- ۶۸- رفع نیازهای آموزشی زنان مسلمان جهت آمادگی لازم برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی با کلبه ابزار و سازوکارهای ارائه شده منطبق بر ارزشهای اسلامی.
- ۶۹- ارتباط تنگاتنگ با دیگر زنان غیرمسلمان که در ابعاد انسانی رشد و پیشرفت‌های مثبتی داشته‌اند و در جهان امروز منشاء خدمات شایانی هستند از جمله زنان نمونه دانشمند، اندیشمند، آگاه به زمان، متخصص و کارآمد ... بدون وابستگی فکری به قدرتهای امنیتی.
- ۷۰- تلاش برای حضور قوی و غالب در مجامع بین‌المللی به‌عنوان تولیدکننده فکر و عامل به رفتار دینی نه مغلوب دستورات دیکته شده برخی مجامع بین‌المللی.
- ۷۱- ایجاد سازمان‌های اسلامی زنان در جهت دفاع از حق طبیعی زنان در چارچوب حقوق اسلامی، تا قادر به بررسی جوانب گوناگون حقوق و مسائل و مشکلات زنان باشند و تشکیل گروه‌های کاری برای ارائه راهکارها.
- ۷۲- ارائه نقش‌های مثبت و ارزشی و موثر از زنان در رسانه‌های جمعی و پرهیز از نقش‌های پست و کم ارزش از زنان مسلمانان در برنامه‌های رسانه‌های جمعی.

۷۳- ایجاد دانشگاه و مراکز آموزش عالی جهانی برای تحصیل علوم اسلامی که زیربنایی‌ترین کار برای زنان مسلمان است که باعث انتشار اندیشه‌های اسلامی در میان زنان و جدی گرفتن حرکت علمی و پرورشی استعدادهای برجسته است.

امید است زنان مسلمان با خودباوری و خودسازی فکری و معنوی و بازیابی خویش و اعتماد به نفس، هویت‌یابی آنان تقویت شده و زنان مسلمان ایرانی با زنده کردن هویت اسلامی خود بتوانند در دنیا با استفاده از دکترین رهبری انقلاب اسلامی و ولایت امر باعث تأثیرگذاری بیش از پیش در ایفای نقش الگویی حضرت زهرا(س) باشند تا شاهد رشد علمی و فرهنگی زنان مسلمان در دایره اسلام و تقویت نهاد خانواده با نقش اساسی و جایگاه رفیع زن در کسوت حافظ و مدیر خانواده باشیم.

بیان این همه امتیاز و ارزش زن مسلمان، در پیروی از فاطمه زهرا(س) الگوی مجسم زن امروز در سراسر جهان است که با زیباترین و پرجاذبه‌ترین نوع ترسیم شخصیت زن همراه با آمیزه‌ای علم، تقوا، جهاد و گذشت ... است. پر پیداست که تکریم نام و یاد او پیروی عملی از اوست.

منابع

- قرآن مجید.
- طباطبائی محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، ۱۳۷۰.
- بانکی پور امیر حسین، آئینه زن (سخنان مقام معظم رهبری)، قم، ۱۳۸۱.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۲.
- دفتر مقام معظم رهبری، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، ۱۳۷۸.
- مجلسی محمد باقر، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- جوادی آملی عبد الله، زن در آئینه جلال و جمال، تهران، ۱۳۷۵.
- مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، ۱۳۷۶.
- مطهری مرتضی، مسئله حجاب، قم، ۱۳۵۸.
- نوری همدانی حسین، جایگاه بانوان در اسلام، قم، ۱۳۸۲.
- الشیخ الصدوق، النخصال، قم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- دشتی محمد، ره آورد مبارزات حضرت فاطمه زهرا (س)، قم، ۱۳۸۱.
- کتاب نقد، حقوق زن، تهران، ۱۳۷۸.
- امامی سید حسن، حقوق مدنی، تهران، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، ۱۳۷۸.
- سبحانی محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، ۱۳۸۲.
- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات هم‌اندیشی مسائل و مشکلات زنان (دو جلد)، قم، ۱۳۸۰.
- گرت استفانی، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقانی، ۱۳۸۰.
- زیبایی نژاد محمد رضا، سبحانی محمد تقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، ۱۳۸۱.
- تقی زاده محمد، روان‌شناسی و تربیت جنسی، تهران، ۱۳۸۰.

- بابا زاده علی اکبر، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، تهران، ۱۳۷۵.
- موسسه شیعه شناسی، فصلنامه بانوان شیعه، تهران، ۱۳۸۳.
- پارسا طیبه، پوشش زن در گستره تاریخ، قم، ۱۳۷۸.
- صفائی سید حسین، امامی اسد الله، حقوق خانواده، تهران، ۱۳۷۰.
- مجد محمد، روانشناسی زن و مرد، تهران، ۱۳۷۱.
- حسین خانی هادی، تربیت الگونی زنان در قرآن، قم، ۱۳۸۲.
- اکبری محمد رضا، حجاب در عصر ما، قم، ۱۳۸۰.
- داوودی سعید، زنان و ۳ پرسش اساسی، قم، ۱۳۸۲.
- موسوی مدنی سید علیرضا، سیمای زن در قرآن، تهران، ۱۳۸۵.
- وب سایت نیان.

دموکراسی و مشارکت سیاسی زن در اسلام

پژوهشی در فقه و تفکر اسلامی

أ.د. علی محی الدین قره‌داغی

استاد دانشگاه شریعت - قطر

دموکراسی و مشارکت سیاسی زن در اسلام

مقدمه

مسأله زن از مهم‌ترین مسائلی است که بیش از یک قرن جهان به طور عام و جهان اسلام به طور خاص به آن پرداخته است. این مسأله شایسته توجه است زیرا مربوط به نیمی از پیکره جامعه است که عقب‌ماندگی یا پیشرفت یک جامعه به آن بستگی دارد. با این وجود، به مسأله مشارکت سیاسی زن توجه بیشتری شده و یا به عبارت بهتر، این موضوع جنجال بیشتری به پا کرده است و آراء متفاوتی در این باره وجود دارد. برخی در این مورد کوتاهی کرده و برخی زیاده روی نموده‌اند. عده‌ای در حق زن اجحاف کرده و برخی دیگر حتی اصول ثابت، درباره آن را ضایع کرده‌اند. فتواها، برخی به ممنوعیت آزادی زن ناظر است و برخی در مباحات آن صادر شده است. به همین دلیل شایسته بود این موضوع بر اساس روش میانه‌روی که اسلام در حل و فصل همه مسائل دارد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بنابراین، بررسی ما درباره این موضوع در چارچوب اصول "عقلانیت متعادل" است، از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را در دست‌یابی به آنچه مقصودمان است موفق بدارد.

توضیحی درباره عنوان کلمات مورد بحث

ابتدا اندکی درباره دموکراسی صحبت می‌کنیم. اصل کلمه دموکراسی به

معنای "حکم مردم" یعنی حکم از آن یک ملت است نه یک فرد. پایه‌های دموکراسی تفکیک میان قوای مقننه، مجریه و قضائیه و قانونی بودن تکثیر سیاسی و رسیدن حاکم به حکومت از طریق انتخابات، بیان از تساوی حقوق و آزادی‌های عمومی است.

اما درباره حکومت مردم بر مردم باید گفت که مسلمانان ممکن نیست برخلاف اصول اسلام حکم کنند و در همان حال حق دارند از طریق علمای دین در موارد خاص بهره‌مند شوند و از اجتهاد آنان استفاده کنند.

آنچه در اینجا به بحث ما مربوط می‌شود، مسأله تساوی (برابری) حقوق و آزادی‌های زن و مرد است. تساوی میان زن و مرد و حتی تساوی میان شهروندان در نظام‌های قدیم (روم - یونان) که دموکراسی را ابداع کردند، وجود نداشت؛ بلکه در عصر حاضر از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به وجود آمد. این تساوی میان زن و مرد شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱ - تساوی میان زن و مرد در حقوق و وظایف؛
- ۲ - تساری زن و مرد در حقوق سیاسی؛

چکیده تاریخ حقوق سیاسی زن

زن در تمدن‌های پیش از اسلام از حقوق شهروندی و اجتماعی خود محروم بوده است. در قانون روم زن صلاحیتی نداشت و در بعضی از تمدن‌ها به زن به عنوان شری که ناگزیر از آنها نگاه می‌کردند. در دوره جاهلیت زنده به گور شدن، سرنوشت بسیاری از زنان بود و در اکثر تمدن‌های قدیمی زنان همچون کالاهایی بودند که بنا بر آنچه معروف است به ارث می‌رسیدند.

زمانی که اسلام ظهور کرد به گونه‌ای دیگر به زن نگرسته شد. به او کرامت کامل بخشیده شد و ریشه این مبدأ را در آن قرار داد که اصل زن و مرد یکی است. همه

شما از آدم هستید و آدم از خاک است.^۱ و "از نطفه آمیخته."^۲ و همه آیات مربوط به کرامت بنی آدم، پاداش، جزا، حقوق و واجبات شامل هر دو می شود. با این وجود خداوند متعال در این آیه بر آن تأکید دارد که: "زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانکه شوهران را بر زنان، لیکن مردان را بر زنان افزونی خواهد بود و خداوند بر هر چیز دانا و توانا است."^۳ و این درجه همان درجه اداره منزل و هدایت کشتی زندگی با مشورت و رضایت دوطرفه و اطمینان به سوی ساحل امنیت است. و نیز خداوند در این مورد می فرماید: "برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره ای است."^۴

تصوری به اشتباه نزد همه ادیان گذشته پذیرفته شده بود که نخستین زن (حواء) باعث هبوط آدم از بهشت بوده است و به دنبال آن زن را مسبب همه گرفتاری های اولاد آدم می دانستند ولی قرآن کریم این موضوع را به وضوح بیان می کند که دستور نزدیک نشدن به درخت خطاب به هر دو آنان (آدم و حوا) بوده است. "به این درخت نزدیک نشوید و گرنه از ستمکاران خواهید بود."^۵ و آنها هر دو فریب شیطان را خوردند. خداوند می فرماید: "پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید."^۶ و آنها هر دو از امر خدا سرپیچی کردند: "پس آنگاه که آن دو از میوه آن درخت چشیدند"^۷ و هر دو: "زشتی های شان (مانند عورات و سایر زشتی های پنهان) آشکار گردد و بر آن شدند که از برگ درختان خود را پوشانند."^۸ همان طور که آن دو در

(۱) سوره انسان، آیه ۲

(۲) سوره انسان، آیه ۲

(۳) سوره بقره، آیه ۲۲۸

(۴) سوره نساء، آیه ۲۲

(۵) سوره اعراف، آیه ۲۲

(۶) سوره اعراف، آیه ۲۲

(۷) سوره اعراف، آیه ۲۲

(۸) سوره اعراف، آیه ۲۲

راننده شدن از درگاه خدا مساوی بودند. خداوند متعال فرمود: "پروردگارشان بر آن‌ها بانگ زد مگر شما را از آن درخت نهی نکرده بودم."^۱ و آنگاه هر دو به گناهان خود اعتراف کردند و توبه کردند: "گفتند پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیان‌کاران خواهیم بود."^۲ حتی برخی از آیات قرآن سرپیچی و مسزولیت را تنها به آدم نسبت می‌دهد. خداوند می‌فرماید: "پس آدم از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد و به بیراهه رفت."^۳ و نیز آیات قرآن بر تساوی زن و مرد در اجر و ثواب و کیفر دلالت می‌کند. خداوند می‌فرماید: "مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان عبادت‌پیشه، مردان و زنان راستگو، مردان و زنان شکیب، مردان و زنان فروتن، مردان و زنان صدقه‌دهنده، مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان پاک‌دامن، مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگ فراهم ساخته است."^۴

اسلام تمامی آداب و رسوم را که مخالف با کرامت و انسانیت زن است باطل می‌کند که در اینجا فرصتی برای پرداختن به آنها نیست. اما تمامی زنان و مردان با انصاف و مسلمان و غیرمسلمان به آن گواهی می‌دهند.

بسیاری از زنان آزاداندیش اعتراف کرده‌اند که اسلام دین اصلاح است و برای دفع ظلم از ستم‌دیدگان آمده است. به همین دلیل بر نقش خدیجه به عنوان اولین زن مسلمان و سمیه و دیگر کنیزانی که اسلام آوردند و نقش اسماء بنت ابوبکر صحابی جلیله و انقلابی مبارز سیاسی دلالت‌های بزرگی وجود دارد.

در عصر حاضر دولت‌های پیشرفته به طور کلی در اعتراف به حقوق سیاسی زن اندکی دیر اقدام کردند. در آمریکا در سال ۱۹۲۰ میلادی و در انگلستان در سال ۱۹۲۸

(۱) سوره اعراف، آیه ۲۲

(۲) سوره اعراف، آیه ۲۳

(۳) سوره طه، آیه ۱۲۱

(۴) سوره احزاب، آیه ۳۵

میلادی و در فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم، حقوق سیاسی زن را به رسمیت شناختند.

اهمیت زن

۱ - زن نیمی از پیکره اجتماع است. ۲ - شق دوم برای تکمیل جامعه انسانی است و نیم دیگر، نیروی انسانی هر جامعه‌ای است. ۳ - اوست که مسؤولیت پرورش مردان و تربیت قهرمانان را به دوش می‌کشد. ۴ - قسمت اعظم مشکلات متوجه اوست. با این اوصاف هنوز نقش سیاسی زن در تمام دنیا از دیگر نقش‌ها کمرنگ‌تر است.

اما حقوق سیاسی زن در قرن بیستم از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شد و آنجا بود که کار برای گسترش زمینه‌های بررسی حقوق و آزادی‌های متعلق زن تدوین و به شکل یک قانون لازم الاجرا شد.

از نتایج این اقدام، ایجاد اسناد مهمی است که ارتباط مستقیمی با حقوق زن، به خصوص در زمینه سیاسی دارد. مانند قرارداد ویژه حقوق سیاسی زن در سال ۱۹۵۲م و قراردادی ویژه برای محو اشکال تبعیض علیه زنان که در سال ۱۹۷۹م. تصویب و اجرای آن در سال ۱۹۸۱م. آغاز شد. مهم‌ترین موضوع در این قرارداد این است که به شکل دقیقی زمینه‌های جهانی این حقوق را مشخص کرده و در ضمن مواد این قرارداد بر ضرورت تساوی حقوق زن با مرد در موارد زیر تصریح شده است:

۱. رأی دادن در همه انتخابات‌ها
۲. داشتن صلاحیت برای کاندید شدن
۳. مشارکت در شکل‌گیری سیاست‌ها و اجرای آن
۴. تصدی مسؤولیت‌های عمومی در همه زمینه‌های دولتی
۵. مشارکت در سازمان‌ها و جمعیت‌های غیردولتی
۶. نماینده دولت در سطح بین‌المللی
۷. مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی

حقوق سیاسی زن در قانون اساسی کشورهای عربی

در جوامع عربی برخورد با حقوق سیاسی زن تحت تأثیر عوامل مختلفی است؛ بخشی از آن مرتبط با آداب و رسوم آن است و بخشی مربوط به نحوه تأویل متون دینی از نظر آنهاست. ولی این کشورها را در کل می‌توان نسبت به نحوه برخورد سیاسی زنان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - دولت‌هایی که قانون اساسی یا قانون مدون دیگری برای تنظیم حقوق شهروندان (زن و مرد) ندارند. ۲ - دولت‌هایی مانند کویت و امارات که قانون اساسی صادر کردند ولی در احکام خود حق مشارکت سیاسی به زن ندادند مثلاً قانون اساسی کویت اخیراً تغییر کرده است و با ضوابط نورانی شریعت این حق را به زن واگذار کرد. ۳ - دولت‌های عربی که صاحب قانون اساسی و قوانین دیگری هستند، بر حق مشارکت سیاسی زن به وضوح تأکید می‌کند مانند تونس، مصر، سوریه، عراق، اردن، مغرب، لبنان، یمن، بحرین، قطر و کشورهای دیگر.

مهم‌ترین موانع پویایی نقش زن در زندگی اعراب

- ۱ - میراث تاریخی برگرفته از فرهنگ و رسوم رایج است، نه از دین حنیف که نقش زن را محدود در موارد معینی می‌کند. ۲ - مشکل بی‌سوادی که نقش مهم و اثرگذاری در فعالیت‌های ملی و دموکراسی زن ایفا می‌کند؛ زیرا بی‌سوادی نقطه مقابل همان چیزی است که اسلام از زمان نزول اولین سوره از قانون اساسی خود قرآن کریم خواهان آن بوده است. آنجا که می‌فرماید: "بخوان به نام پروردگارت که آفرید." (سوره علق، آیه ۱) بی‌سوادی را نمی‌توان تنها در توانایی خواندن و نوشتن و آگاهی زن از حقوق شرعی و قانونی و سیاسی خود خلاصه کرد. اما اگر بی‌سواد پایه و اساس فعالیت زن در جامعه باشد، در این صورت همه این‌ها پوچ خواهد بود. ۳ - فاصله عمیق میان متن قانون اساسی و قوانین ترتیب یافته برای اجرای تساوی

ممکن میان زن و مرد و تطبیق آن بر واقع امر باعث شده است که واقعیت زن از زمینه های اصلی دور و مشارکت سیاسی او کاهش یابد.^۱

مسأله زن و سیاست استعماری و بومی

دولت‌های استعمارگر و آنان که چشم طمع به ثروت کشورهای اسلامی دوخته‌اند، تلاش کردند که از مسأله زن به نحو درستی بهره ببرند. در راستای این هدف، اقدام به تأسیس برخی اتحادیه‌ها و انجمن‌های ویژه زنان کردند و کوشیدند که موارد دیگری شبیه به آن را دائر کنند.

برای نمونه کافی است به این مورد اشاره کنیم: در هنگام خروش مردم مصر علیه اشغال انگلیسی‌ها، هدی شعراوی^۲ "مؤسس جمعیت اتحاد زنان در سال ۱۹۲۳ م. اعلام کرد که باید قبل از آزادی از قید استعمار، آزادی زن مطرح شود و نیز" صفیه زغلول" در سال ۱۹۱۹ م. رهبری تظاهرات زنان در مقابل سربازخانه‌های ارتش انگلیس را به عهده داشت که علیه شعار می‌دادند. در خلال مراسم، او پوشش خود را در مقابل تظاهرات کنندگان برداشت و آن را زیر پایش لگدمال کرد و دیگر زنان نیز از او تبعیت کردند و در حقیقت مسأله اصلی و اساسی را فراموش کردند.^۳ "دریه شفق" که در سال ۱۹۷۵ م. اقدام به خودکشی کرد، اتحادیه "بنت النيل" را در سال ۱۹۳۹ م. تأسیس کرد و ارتباط نزدیکی با سفارت انگلیس و آمریکا در مصر داشت. او زنان را به الگوپذیری از زن آزاد انگلیسی دعوت می‌کرد.^۴

(۱) سایت: <http://www.balagh.com/woman>

(۲) هدی شعراوی متولد (۱۸۷۹-۱۹۴۹م) اسم کاملش نور الهدی محمد سلطان پاشا بود که طبق عادت غربی‌ها نام خانوادگی همسرش "علی پاشا شعراوی" را برگزید. خانواده او با اشغالگران انگلیسی رابطه زیادی داشت. وقتی که ۱۲ ساله بود علیرغم میلش با علی پاشا که فرد مسنی بود ازدواج کرد، سپس متارکه کرده و بعد از ۸ سال رجوع کرد.

مراجعه شود به: "زمن النساء و الذاکرة البلدية"، نجلاء حماده، همایش ذاکرة المرأة ۱۹۹۸ م.

(۳) تقصیه تحریر المرأة، محمد قطب، دارالوطن (ریاض) ۱۴۱۰هـ.

(۴) همان، محمد اسماعیل، ص ۱۱۸

به‌همین دلیل افراد مصلح و احزاب ملی مانند حزب ملی مصر به ریاست مصطفی کامل^۱ در مقابل این گونه دعوت‌ها ایستادند، زیرا پشت سر آنها دستان استعمارگری در کار بود که هدفشان انحراف امت از مسیر خود بود. در زمینه داخلی نیز در دهه ۵۰ رهبران کودتاهای نظامی عربی با ایدئولوژی مارکسیستی و سرمایه داری - که به مسائل دینی اعتقاد نداشته و به‌سوی بی‌بندوباری مطلق مردم را فرا می‌خواندند - با هدف دور ساختن دین از زندگی مردم از مسأله زن نهایت استفاده را بردند. به طوری که در تظاهرات مارکسیستی عراق بعد از کودتای عبدالکریم قاسم^۲، مردم به وضوح خواستار دور ساختن دین از زندگی و حذف نکاح و مهر، قیود و عقود شدند.^۱

در زمان اشغال و استعمار عصر جدید، هیأت حاکمه آمریکا به ریاست بوش توجه بسیاری نسبت به مسأله زن از خود نشان داده است که بر اساس سخنرانی‌های رسمی جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، اصلاح سیاسی و آموزشی و دموکراسی را در اولویت امور خود قرار دادند و فشارهای سیاسی در این زمینه مسیر خود را پیش گرفت.

در سال ۱۹۰۸م. در مصر، انتشار کتاب "تحریر المرأة" نوشته قاسم امین^۳ مسأله زن را متحول کرد و از حد و مرز خود گذراند. در سال ۱۹۱۹ م. نیز "منیره ثابت" خواستار حقوق سیاسی برای زنان شد که هدی شعراوی و دریه شفق نیز در این زمینه با او هم عقیده شدند و خواستار حق کاندید شدن، حق انتخاب و عضویت در مجلس برای زن شدند؛ سپس اتحادیه زنان مصر در تأیید آنان (تعدیل قانون انتخاب مبنی بر تساوی زنان با مردان در حق انتخاب) را در اساسنامه خود قرارداد.^۲

زنان مصری مانند فاطمه نعمت راشد و دریه شفق تلاش کردند تا احزاب سیاسی تأسیس کنند که دریه شفق موفق به تأسیس حزب "بنت النیل" شد. تلاش‌های زنان، برخی از نویسندگان و نمایندگان مجلس را برآن داشت که این حق را برای آنان

(۱) ما شنیدیم که با لهجه های محلی می گفتند: (بعدها الشهر ماكو عقد و لامهر)

(۲) خاطرات هدی شعراوی، ص ۳۳۲.

مطالبه کنند. در نتیجه در سال ۱۹۴۶ پیشنهادی مبنی بر اعطای حق انتخاب به زنان به مجلس شیوخ مصر ارائه شد و به دنبال قانونی در سال ۱۹۴۷ م. و ۱۹۴۸ م. در همین زمینه تصویب شد. در همان زمان اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست ۱۹۴۸/۱۲/۱۰ خود در پاریس صادر گردید.

در مقابل این دعوت‌ها و اقدام‌ها (که حق و باطل را با هم درآمیخته و بر بی‌حجابی و غرب‌زدگی متمرکز شده بود) دیدگاه‌های معتدلی از سوی زنان متعهد و نیز اندیشمندان مصلح مانند "محمد عبده" و "رفاعه طهطاوی" و "علی مبارک" هم وجود داشت. خود محمد علی پاشا به مسأله آموزش دختران اهمیت می‌داد. او مدارس را برای تعلیم دختران در سال ۱۸۳۲ م. با نهایت پابندی به اسلام و اصول آن تأسیس کرد. مثلاً هنگامی که اولین دبیرستان دخترانه را در قاهره افتتاح کرد همه‌ی معلمان آن به جز معلم زبان عربی (به خاطر نبودن معلم) زن بودند. با وجود این، او مردان متأهل مسنی را که به درست‌کاری معروف بودند برای تدریس عربی انتخاب می‌کرد. دختران دانش‌آموز با ماشین‌هایی که با پرده پوشیده شده بودند به مدرسه و خانه رفت و آمد می‌کردند و یا همراه پدران خود می‌آمدند.

فتوای متعارض و نقش زمان در آن‌ها

علمای ما در دوره‌های اخیر (سه قرن گذشته) تنها به بیان احکام شرعی درباره مسائل زمان خود اکتفا نکردند، بلکه بر اساس آنچه درباره مسائل احتمالی آینده به ذهن‌شان خطور می‌کرد آینده نگری کرده و راه حل‌های شرعی را برای آنها وضع کرده‌اند. علمای عراق به این امر مشهور هستند و آن مسائل "أریتة" نامیده می‌شوند، یعنی: "أرایت إن كان كذا..." (اگر اینچنین باشد که...) به عبارت دیگر، یعنی تجسم کردن احتمالات آینده از طریق حصر عقلی و بیان حکم شرعی برای هر کدام از وضعیت‌های ممکن. مثلاً گفته‌اند: اگر زنی از مغرب در هنگام غروب با مردی از مشرق ازدواج کند و آن مرد هنگام طلوع آفتاب از دنیا برود سپس مشخص شود که

آن زن باردار است و بعد از ۶ ماه بچه‌اش متولد شود؛ گفته‌اند حمل به دنبال هم بستری ایجاد شده است چون احتمال دارد که آن مرد در هنگام شب به سوی او پرواز کرده و سپس برگشته و از دنیا رفته است.

علاوه بر آن، مرور زمان بر فتواهای اجتهادی تأثیر می‌گذارد تا جایی که امام "ابن‌القیم" فصل مهمی از کتاب نفیثش "اعلام الموقعین عن رب العالمین" را به تغییر فتواها همراه با تغییر زمان و مکان و وضعیت‌ها و نیت‌ها و... اختصاص داده است و در مورد آن گفته است: "این فصل بسیار مفیدی است که به دلیل جهل به آن، خطاهای بزرگی در شریعت به وجود آمده و سختی‌ها و تکالیف زیادی را ایجاد کرده است و شریعت نورانی اسلام که در بالاترین مراتب مصلحت بینی قرار دارد آن را ایجاد نکرده است. زیرا پایه و اساس شریعت به مصلحت بستگان در زندگی و معاد است و شریعت به طور کلی شامل عدالت، رحمت، مصلحت و حکمت است.

بسیاری از فتواهای متعارض که از علمای مشهور صادر شده است، بر این پایه‌اند. به طوری که می‌بینیم همه آن‌ها نظرات متنوع، روایات مختلف و سخنانی به ظاهر متعارض دارند. به طور مثال امام شافعی هنگامی که وارد مصر شد در همه نوشته‌هایش تجدیدنظر کرد. شاگردانش می‌گفتند: او همه آنچه را پیش از ورود به مصر نوشته بود بازنویسی کرد به جز کتاب "الصدائق" را و در مقابل آراء سابقش نظرات جدیدی را مطرح کرد.^۱ اما بیشتر علما در دوره‌های اخیر از این نمونه و روش نیکو استفاده نکردند. برخی از آن‌ها در عصر حاضر فتواهای شتابزده‌ای درباره منع دختران از تحصیلات ابتدایی، دبیرستان و دانشگاه صادر کردند. اما وقتی که این امور به واقعیت تبدیل شد، فتوا به جایز بودن آن دادند در حالی که باید در مورد آنچه حلال است از همان ابتدا با وضع مقررات شرعی مطلوب، فتوا به حلال بودن آن بدهند. و این همان چیزی است که ما در مسأله سیاسی زن نیز با آن مواجه می‌شویم. آنجا که بیشتر فقها

(۱) المجموع النوری.

در ابتدا با قاطعیت در مقابل آن ایستادند سپس فتواهایشان تغییر کرد و رأی به جایز بودن آن دادند.

کمیته فتوا در الأزهر به ریاست^۱ شیخ محمد عبدالفتاح عنانی^(ره) در رمضان سال ۱۳۷۱هـ برابر با ۱۹۵۲م. فتوای مفصلی تحت عنوان «حکم شریعت اسلام درباره مشارکت زن در انتخابات مجلس» صادر کرد که با مقدمه زیبایی آغاز شده و در آن آمده است که: «و بعد از بحث‌ها و بیان دلایل پر بار، موضوع مشارکت سیاسی زن و این که او می‌تواند از نمایندگان مجلس باشد و در انتخاب اعضای آن از حق رأی برخوردار باشند، زیرا مجلس مخصوص قانون‌گذاری است. با استناد به حدیث معروفی که آن را بخاری و احمد نسائی و ترمذی با سند از ابوبکر نقل کرده‌اند حق حاکمیت برای زن جایز نمی‌باشد و حدیث این است: «هنگامی که رسول خدا را خبر دادند که دختر کسری ملکه ایرانیان است»، فرمودند: «قومی که ولایت امر خود را به زنی واگذار کنند هرگز رستگار نمی‌شوند». فتوی می‌گوید: شکی نیست که این نهی برگرفته از حدیث پیامبر همه زنان را در هر عصری که باشند از تصدی ولایت‌های عامه منع می‌کند.^۱

اما فتواها در الأزهر و امروزه در دنیای اسلام تغییر کرده و آن را جایز شمرده‌اند، به طوری که اکثر علمای مسلمان و جنبش‌های اسلامی، مشارکت سیاسی زن را به عنوان نماینده مجلس و یا انتخاب کننده اعضای مجلس با ضوابط شرعی جایز می‌دانند. از آخرین موارد درگیری‌های سیاسی و فقهی درباره مشارکت سیاسی زنان، اتفاقی بود که در کویت افتاد. زمانی که بر اساس اولین ماده قانون آن کشور در سال ۱۹۶۲م. حق انتخاب تنها برای مردانی بود که به سن ۲۱ سالگی رسیده باشند و زنان حق انتخاب نداشتند. این ماده نتیجه رأی کمیته فتوا وابسته به وزارت اوقاف کویت و توصیه اکثر مسلمانان و تأیید پارلمان بود. سپس در سال ۱۹۹۹م. مصوبه صادر شد که

(۱) فتوای کمیته الأزهر؛ چاپ «الحركات النسائية وصناتها بالاستعمار»، اثر استاد محمد عطیه خمیس؛ دار الانصار، ص ۹۸-۱۲۷.

به زن کویتی حق انتخاب و کاندید شدن را می‌داد، اما مجلس با اکثریت آرا آن را رد کرد و جنجال‌ها ادامه یافت تا این که در اواخر سال ۲۰۰۵ م. در همان پارلمان مشارکت زن در انتخابات و کاندید شدن به شرط تعهد به آداب اسلامی که با فتوای فقها در داخل و خارج کویت تأیید می‌شد به تصویب رسید.

وجود این تعارض واضح در فتواها با همه توجیهاتی که ما برای آن آوردیم نشان می‌دهد که آن‌ها نتیجه یک بررسی عمیق نبوده و تحت تأثیر شرایط موجود و تقلید قرار می‌گیرد که با تغییر آن‌ها فتوا نیز تغییر می‌کند و نشان می‌دهد که این‌گونه فتواها وابسته‌اند نه مستقل که در حقیقت باید از نوع دوم باشند.

روش دقیق بررسی موضوع

اگر به تاریخ و تجربه بشر نگاه کنیم می‌بینیم که بیشترین مشکلات و گرفتاری‌ها در میان دو امر افراط و تفریط نهفته است، یا به قول معروف "دولنگه در را باز کردن هیچ مانع و مقرراتی باقی نمی‌گذارد" که این منجر به آشوب فراگیر می‌شود و یا در را چنان محکم بسته و میخ می‌کنند که هیچ چیز حتی هوای آزاد هم از آن نفوذ نمی‌کند و در نتیجه هرچه داخل آن است فاسد می‌شود.

از طرف دیگر افراط و تفریط در بسیاری از اوقات به دلیل نگاه یک جانبه و محدود و گاهی در میان یک دایره با یک زاویه یا حتی مجموعه‌ای از زوایا اتفاق می‌افتد که در واقع بدون نگاه فراگیر و جامع است که ذات یک چیز از حقیقت دور می‌شود و نتایج بر آن مترتب می‌شود که فقه واقع، فقه پویا نامیده می‌شود.

ما در این مسأله مهم سعی می‌کنیم این روش را بر اساس دیدگاهی جامع و فراگیر بر موارد زیر منطبق سازیم:

اول: زن به اعتبار انسانیت و حقوق انسانی‌اش کاملاً با مرد برابر است. او همانند

مرد کرامت دارد؛ اما به بنی آدم کرامت دادیم^۱ کلمه بنی آدم در این آیه شامل همه مردان و زنان می شود پس کاستن از شأن و منزلت زن و ایجاد تبعیض میان زن و مرد چه از نظر کرامت، حفظ حقوق، قضاوت، آزادی فکری و دینی، جایز نیست. (حتی در مواردی مانند عدم جواز کشتن او در میدان های جنگ). زن در استقلال مالی حتی تا قرن بیستم با مرد برابر بود.

زن در اسلام نسب و صلاحیت و اموالش، وابسته به هیچ کس حتی همسرش نیست - به همان شکل که در حال حاضر در غرب وجود دارد - بلکه او مکمل زندگی بشری است. به همین دلیل خداوند متعال زن و شوهر را زوج نامیده است. زوج عبارت است از دو عدد کاملاً مساوی، پس زن مانند مرد است در اندیشه، اراده و اختیار و همانند مرد از آزادی کامل برخوردار است.

دوم: آیا زن از همه لحاظ شبیه مرد است؟

جواب طبیعی و حقیقی برای این سوال که هیچ کس دربارہ آن اختلاف نظر ندارد این است که: "مرد مانند زن نیست"^۲ و البته زن هم مانند مرد نیست. این حقیقتی است که هیچ کس از نظر عقلی منکر آن نبوده و از نظر اعضای بدن (فیزیولوژیک) نیز آن را پذیرفته اند.

هدف از این بحث

مقصود از بیان تفاوت فیزیولوژیک برتری مرد بر زن و یا بالعکس نیست، بلکه هدف بیان تفاوت های طبیعی، رفتاری، جسمی، هورمونی و عناصر حیاتی است که در نتیجه در چارچوب وظایف و مسؤولیت های زن و مرد بروز پیدا می کند و خداوند ما را بعد از انجام عبودیت و بندگی که در آن هیچ فرقی میان زن و مرد نیست برای آن

(۱) سوره اسراء، آیه ۷.

(۲) سوره آل عمران، آیه ۳۶.

آفریده است. تنها تفاوت موجود در تقسیم وظایف و نقش‌ها بوده است، تا آبادانی زمین به بهترین نحو، محقق شود.

بنابراین، برای آبادسازی هستی که اساساً همه چیز از دو زوج تشکیل شده است عقلاً و شرعاً نادیده گرفتن این تفاوت‌ها جایز نیست. خداوند می‌فرماید: "و در آن کوه‌های عظیم بر نهادیم و از آن هر گیاه و نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت پرویاندیم." (سوره حجر، آیه ۱۹)

در اینجا به این پاسخ می‌رسیم که حل مسأله در میانه‌روی و اعتدال است و اصل برابری و تفاوت‌های ذکر شده و تکامل برای رسیدن به یک خانواده موزون و هماهنگ است. در نتیجه اجتماع و امت هماهنگی را شاهد خواهیم بود. وقتی که این موازنه و هماهنگی جهانی که همه چیز در آن به اندازه گذاشته شده و وزن بزرگ و کوچک در آن رعایت شده است و هر چیزی در مکان مشخص خود قرار گرفته است، محقق شود.

زن و مرد، ازدواج و تکامل نه شکاف و جدایی

قرآن کریم زن و مرد را زوج نامیده است. این‌پدان معناست که آن دو از یک وجود واحدند که از دو عنصر مساوی به نام انسان تشکیل شده‌اند. اصلاً همه هستی از زوج و دوتایی، از مثبت و منفی، از نر و ماده آفریده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: "پاک و منزّه است خدایی که همه ممکنات عالم را جفت آفرید؛ چه از نباتات و حیوانات و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که شما از آن آگه نیستید." (سوره یاسین، آیه ۳۶)

فرمود: "و قسم به حق جفت و حق فرد" (سوره فجر، آیه ۳). پس چگونه یکی از آن دو می‌تواند ادعا کند از دیگری برتر است؟ حتی این امر در نزد خدای متعال نیز بر اساس تقوی و عمل صالح است که می‌فرماید: "ای مردم! ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را به صورت دسته‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.

همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست و خداوند دانا و آگاه است. (سوره حجرات، آیه ۱۳) و نیز می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هیچ قومی از شما قوم دیگر را مسخره نکند شاید بهتر از آنها باشند. و زنان نیز یکدیگر را مسخره نکنند شاید که دیگری از آنها بهتر باشد. (سوره حجرات، آیه ۱۱)

هم‌سویی شریعت با طبیعت جنین

زن و مرد از دیدگاه اسلام _ همچون سایر حیوانات و گیاهان و جمادات _ آفریده خالقی بی‌هتا و مبدع و دانا و حکیم هستند. "آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با این که خود باریک‌بین و آگاه است" (سوره ملک، آیه ۱۴).

اگر در این جهان وسیع تضاد و تناقض و برخوردی نباشد پس انسان چگونه مخلوق بزرگی است که خداوند خود او را آفریده و از روح خود بر آن دمیده است و آن را به زیباترین و نیکوترین شکل ممکن پدید آورده و بسیاری از صفات را به او داده است. به همین دلیل مسأله زن و مرد و مثبت و منفی مسأله همه هستی است.

اگر عالم جمادات و حیوانات و گیاهان سوای از انسان و جن با بهترین نظم ممکن حرکت می‌کنند و نقش هر یک مشخص شده است به این دلیل است که هر جزء از آن‌ها نقش ثابت و محکمی دارد که خداوند متعال آن‌ها را بر اساس سنت‌ها و قوانین تخلف‌ناپذیری آفریده است. خداوند متعال می‌فرماید: "ای آسمان و زمین به سوی خدا به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید، عرضه داشتند ما با کمال میل به سوی تو می‌شتابیم." (سوره فصلت، آیه ۱۱)

خداوند متعال شریعت‌هایش را که آخرین آن‌ها شریعت جاودان، کامل و فراگیر اسلام بود نازل کرد تا جامعه بشری بر اساس این نظام دقیق که همه چیز در آن به مقدار معین است و هر چیزی وزن خود را دارد حرکت کند تا جامعه بشری مسلمان نیز متوازن شده و بتواند به سعادت دنیا و آخرت نائل شود و هستی را در سایه روشن خداوند متعال آباد سازد. با توجه به آنچه گفته شد، به این موارد می‌رسیم که:

۱ - شریعت همسو با جهان هستی است و به دلیل وجود موارد ثابت و متغیر در هستی، شریعت نیز دارای موارد ثابت و متغیر است و انسان نیز از نظر احساسات و اندیشه‌اش ثابت و از نظر تجدد متغیر است و این امر در مورد احکام ویژه زن و مرد نیز در شریعت صادق است.

۲ - زن و مرد دو جزء یک عنصر به نام انسان هستند. پس این زوجیت (نر و ماده یا مانند مثبت و منفی) در همه‌جای این جهان وجود دارد.

۳ - تقسیم وظایف برای رسیدن به تکامل است تا هر چیزی با دقت و حکمت سر جای خود قرار گیرد.

۴ - اجتناب از تضييع حقوق زن (کوتاهی کردن).

۵ - دوری از زیاده‌روی در مورد زن و یا واگذاری هر یک از وظایف به هر یک از زن و مرد در مواردی که تخصص آن را ندارند باعث می‌شود که هر کدام در جای غیر اصلی خود قرار گیرد و نظم جهان مختل شود.

۶ - رسیدن به توافق با فطری نه برخورد با آن و ایجاد رابطه و تکامل و ارتباط و آمیختگی میان دو طرف به دور از درگیری و تضاد و دشمنی و ستیزه‌جویی.

از سوی دیگر، فلسفه رایج در غرب (به خصوص در اروپا) فلسفه مبتنی بر فردیت، خودخواهی، و سودجویی قائم بر لذت که زن را تبدیل به کالایی برای لذت‌جویی و عرضه و تبلیغات کرده است. مسأله تأثیرپذیری جوامع اروپایی از فلسفه برخورد و نزاع و ایجاد تناقض میان ملت‌ها و جوامع، آب را گل‌آلودتر کرده است، زیرا آن فلسفه‌ای است که حتی بر نزاع میان خدا و انسان نیز تأکید می‌کند. افسانه یونانی می‌گوید: برمی‌سوس بود که آتش مقدس را از الهه^۱ دزدید و این فلسفه بر روابط خانوادگی و اجتماعی و حتی بر روابط میان ملت‌ها هم تأثیرگذار بوده است. شیخ سعید نورسی می‌گوید: "این فلسفه تا آنجا در تاریکی و گمراهی خود فرو رفت که

قانون نزاع را حاکم بر همه موجودات دانسته و تأکید کرد که همه زندگی، درگیری و نزاع است^۱

آنچه بر این روش موزون مترتب می‌شود

این روش که ریشه آن اسلام و تفکر صحیح متکی بر میانه‌روی، واقعیت و دقت است چنان که قبلاً گفتیم دو امر اساسی بر آن مترتب می‌شود.

اول برابری

با توجه به این که زن و مرد از یک نفس واحد هستند و ویژگی‌های مشترکی دارند و صفاتی شبیه به هم، پس زن در موارد زیر مانند مرد است:

۱ - برابری در حقوق، هر یک از زن و مرد در زمینه‌های مختلف زندگی از حقوق مساوی برخوردارند؛

۲ - برابری در همه امور آخرت مانند اجر و ثواب و بهشت و جهنم و برابری در عقیده و شعائر اسلام به جز در مواردی که از زن برداشته شده است مانند شرایط حیض و نفاس و بارداری و شیردهی و شبیه به آن؛

۳ - برابری در مقابل قانون و قضاوت؛

۴ - برابری در آزادی عقیده و دعوت به سوی خدا و امر به معروف و نهی از منکر.

۵ - برابری در حقوق اجتماعی و شهروندی؛

۶ - برابری در مالکیت، تصرف و اجرای معاملات و غیره؛^۲

۷ - برابری در حقوق مالی، به طوری که مسئولیت‌ها و وظایف مرد در عوض

(۱) کلیات رسائل النور، الکلمات؛ ترجمه احسان قاسم صالحی؛ دار سوزلر، استانبول؛ ۱۹۹۲ م. ص ۶۴۴.

(۲) مراجعه شود به: مبدأ الرضا فی العقود، دکتر علی قره داغی، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۹۸۹ بیروت، ص (۲۷۹/۱-۳۱۵)؛ و حقوق الانسان، دکتر هانی طبعمات دار الشروق اردن، ۲۰۰۱ م.

تفاوت‌هایی است که میان ارث و نفقه وجود دارد. علاوه بر آن در برخی حالات، زن و مرد مساوی هستند و گاهی سهم زن بیشتر است؛

۸ - برابری در ابداء رأی و جواب شنیدن رأی او. که دلیل بر آن گفتگویی است که میان رسول خدا(ص) و خنساء دختر خزام انصاری انجام شد. او گفت که: "پدرش بدون اجازه او، وی را به عقد پسر برادرش درآورده است. پس حضرت رسول(ص) امر را به او واگذار کرد و هنگامی که خنساء از این حق مطلع شد، گفت: اما من می‌خواستم بدانم آیا زنان در این باره حقی دارند؟ و در روایت ابن ماجه، حافظ هیشمی آن را تصحیح کرده که خنساء گفته است: «اما می‌خواستم زنان بدانند که در این مورد پدران حقی ندارند.»^۱

در زمینه ازدواج، خداوند به زوجین امر می‌کند که کار را با رضایت و مشورت میان خود حل و فصل کنند و می‌فرماید: "پس اگر با رضایت و مشورت هم خواستند از هم جدا شوند، حرجی بر آنان نیست." (سوره بقره، آیه ۲۳۳).

زنی در مقابل عمر ایستاد و در مورد مشخص کردن مهریه به او اعتراض کرد و گفت: "آن برای تو نیست!" عمر پرسید: "چرا؟" گفت: خداوند می‌فرماید: "و اگر به یکی از آنها مال فراوانی داده باشید چیزی را پس نگیرید." پس عمر از رأی خود برگشت و گفت: "هرکسی از عمر فقیه‌تر است."^۲

دوم - نابرابری در برخی امور (اختلاف تنوع نه اختلاف تضاد)

از آنجا که زن از نظر تکوین و خلقت و هورمون‌ها - چنانچه گذشت - با مرد تفاوت دارد در نتیجه این اختلاف‌ها تنوع است نه تضاد. و این اختلاف در برخی موارد خاص است در اعمالی که با فطرت او تناسب ندارد به خصوص در موضوع حقوق سیاسی که مورد بحث ماست.

۱) مراجعه شود به: سنن ابن ماجه؛ کتاب نکاح (۶۰۲/۱) و سنن نسایی کتاب نکاح (۷۱/۶) سنن ابی داوود (۱۲۰/۶) و مستدرک احمد (۱۳۶/۶).

۲) روایت بیهقی در (السنن الکبری)، صدق (۲۳۳/۴).

حق تصدی پست‌های اصلی برای زن (ولایت عامه)

ولایت (باکسره): در لغت به معنای امارت است و با فتحه به معنای پیروزی و نسب فامیلی است.^۱ ولایت در اصطلاح فقها دو نوع است:

نوع اول: ولایت عامه که قاضی ابویعلی آن را به چهار قسمت تقسیم کرده است:

۱ - ولایت عامه در وظایف عامه مانند خلافت (یا ریاست دولت تحت عنوان هر اسم دیگری) و وزارت؛

۲ - ولایت عامه در وظایف خاص مانند امارت مناطق؛

۳ - ولایت خاص در وظایف عامه مانند: قاضی القضاات و فرمانده ارتش و مرزبان و مسؤول خراج و جمع‌کننده صدقات؛

۴ - ولایت خاص در اعمال خاص مانند قاضی شهر یا منطقه و...^۲

و برخی از معاصرین در شرح آن گفته‌اند که شامل انجام وظیفه هر یک از سه قوه مقننه و مجریه و قضائیه می‌شود.^۳

نوع دوم: ولایت خاص در زمینه اجرای معاملاتی است که گفته شده، آن اجرای سخن بر دیگری است که این نوع آن مقصود ما نیست و از موضوع ما خارج است.

فقها درباره میزان صلاحیت زن برای تصدی ولایت عامه سه رأی دارند:

- رأی اول: منع مطلق

- رأی دوم: جواز مطلق

- رأی سوم: تفصیل

در اینجا به شرح مختصر این آراء و دلایل آنها می‌پردازیم:

(۱) برای توضیح بیشتر مراجعه شود به: لسان العرب؛ قاموس المحيط؛ المعجم الوسيط؛ ماده (ولی).

(۲) الاحکام السلطانیة؛ ابویعلی، مصطفی الحلبي؛ ۱۹۶۶؛ قاهره، ص ۲۸.

(۳) شیخ عبدالمجید زندانی؛ مرجع سابق؛ ص ۵۶.

رأی اول منع مطلق: این رأی گروهی از فقها مذاهب اربعه است، به استثنای بعضی که در رأی سوم به آنها اشاره می‌کنیم و نیز رأی گروهی از معاصران است. در این رأی به کتاب و سنت و اجماع و قیاس استناد کردند.

اولاً کتاب، که به مجموعه‌ای از آیات استناد کردند. از جمله:

الف: «مردان بر آنان درجه برتری دارند.» (سوره بقره، آیه ۲۲۸).

ب: «مردان سرپرست زنانند چون خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده و چون از اموالشان خرج می‌کنند.» (سوره نساء، آیه ۳۴).

ج - «و آنچه را خداوند در آن بر دیگری برتری داده را آرزو نکنید.» (سوره نساء آیه ۳۲).

د - «در خانه هایتان بمانید» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

دوم دلایلی از سنت پاک، از جمله قوی‌ترین و صریح‌ترین دلایل، روایتی است که بخاری و عده‌ای دیگر از ابوبکر نقل می‌کنند. گفت: «هنگامیکه به رسول خدا (ص) خبر دادند که دختر کسری بر ایرانیان حکومت می‌کند، فرمودند: «قومی که ولایت‌شان را به زنی واگذار می‌کنند، هرگز رستگار نخواهند شد.»^۱

معنای کلی این حدیث نشان می‌دهد که راوی آن ابوبکر، زمانی که برای ملحق شدن به جنگ جمل با فرماندهی عایشه فرا خوانده شده بود گفت: «وقتی که نزدیک بود به اصحاب جمل ملحق شوم و با آنها وارد جنگ شوم، خداوند با سخنی که از رسول خدا (ص) شنیده بودم مرا یاری رساند»^۲ افرادی که مانع مشارکت زن بودند در شرح این حدیث روده درازی کردند و دلایل آن را بر منع زن از هرگونه ولایتی بارها

(۱) صحیح بخاری؛ کتاب مغازی (۱۲۹/۱۲۶/۸).

(۲) صحیح بخاری (۱۲۶/۸).

برشمردند.^۱ و به احادیث دیگری نیز استناد کردند که مربوط به موضوع ما نمی‌شود. **سوم اجماع، اجماع بر آن است که زن صلاحیت ولایت عامه را ندارد.** این قدامه می‌گوید: «زن برای امامت عظمی و ولایت کشورها صلاحیت ندارد. به همین دلیل رسول خدا(ص) و هیچ‌یک از خلفا و نه کسی بعد از آنها امر قضاوت و ولایت را واگذار نکردند اگر این امر جایز بود غالباً همه زمان‌ها از آن خالی نبود.»

چهارم قیاس، پنجم مصلحت، زیرا اساس در ولایت‌های عامه، کفایت دائمی، نیرو و قدرت است که این موارد در زن - همچنانکه گذشت - ضعیف است.^۲

رأی دوم افرادی که تصدی ولایت عامه را برای زن مطلقاً جایز شمردند: شیخ محمد غزالی و معاصرین دیگری نیز جزء آنها هستند که به موارد زیر استناد می‌کنند:

اول کتاب، آیاتی که در آن ولایت عامه را تثبیت می‌کند، از جمله:

الف: سخن خداوند متعال: «زنان و مردان مؤمن برخی دوستدار یکدیگرند، به کارهای نیک دعوت می‌کنند و از بدی‌ها نهی می‌کنند.» (سوره توبه، آیه ۷۱).

ب: و می‌فرماید: «کارشان را به‌مشورت یکدیگر انجام دهند» (سوره شوری، آیه ۳۸).

ج: قصه ملکه سبا که قرآن کریم با تقدیر از این زن عاقل و حکیم که قومش را از خود دور کرد و ایمان آورد، ذکر می‌کند.

د: آیاتی که در آنها به بیعت زنان با رسول اکرم، اشاره می‌کند، مانند: «ای پیامبر اگر زنان مؤمن برای بیعت با تو آمدند... با آنها بیعت کن» (سوره ممتحنه، آیه ۱۲).

دوم - از سنت مطهر: احادیثی وجود دارند که نشان می‌دهند زن حق ولایت دارد:

۱ - حدیث خنساء انصاری که ذکر شد.

(۱) مراجعه شود به: شیخ زندانی، مرجع سابق، ص ۷۰-۷۹.

(۲) مراجعه شود به شیخ زندانی؛ مرجع سابق؛ ۹۴-۹۶.

۲ - سیره شریف نبوی(ص)، نشان می‌دهد که از همان ابتدای دعوت حضرت رسول(ص) و تفکر درباره تأسیس دولت اسلامی، زنان در بیعت با رسول خدا(ص) شرکت کردند. زنان در عقبه نیز مشارکت داشتند. "بیعت زنان با رسول خدا بر چند چیز دلالت می‌کند؛ دلالت اول، استقلال شخصیت زن و این که او تابع مرد نیست، بلکه او نیز همانند مرد می‌تواند بیعت کند.

دلالت دوم، بیعت زنان با رسول خدا(ص) بر دو اساس است: اول، پیامبر(ص) به اعتبار مبلغ بودنش دوم، به اعتبار امام مسلمانان.

۳ - مشورت رسول خدا(ص) با ام سلمة (چنانچه گذشت).

۴ - موافقت رسول خدا(ص) به این که اسماء بنت یزید به نمایندگی از سایر زنان خدمت حضرت بیاید. گفت: "من فرستاده گروهی از زنان مسلمان هستم که سخن من سخن آنهاست و رأی من... الخ"^۱ و منظور از آن این است که یک زن نماینده گروهی از زنان شده است و دلالت بر این دارد که، اتحادیه‌های ویژه زنان که از طریق آن در مقابل مردان مسلمان از حقوق خود دفاع کنند، قانونی است.

۵ - مشورت رسول خدا(ص) به صورت عمومی. در عیون الاخبار ابن قتیبه آمده است که "زیاده" روایت کرده: حماد بن زید از هشام و او از حسن روایت کرده است که گفت: "حضرت رسول (ص) حتی از زنان هم نظرخواهی می‌کردند و وقتی از طرف زنان نظری داده می‌شد آن حضرت می‌پذیرفتند."^۲

۶ - در مورد سیره خلفای راشدین نیز چنین است. هنگامی که عبدالرحمن بن عوف در مورد عثمان و علی (علیه السلام) حتی با دختر باکره نیز مشورت کرد. رأی سوم طرفداران تفصیل و ادله ایشان، آن‌ها در چگونگی تفصیل با هم

(۱) کنز العمال (۱۱/۱۶)، حدیث ۴۵۱۵۷.

(۲) عیون الاخبار (۸۲/۱).

اختلاف دارند که در موارد زیر خلاصه می‌شود:

اول، ابن جریر طبری و ابن حزم ظاهری قضاوت را برای زن جایز می‌دانند و از سخن آنان چنین دریافت می‌شود که از نظر آن‌ها امامت کبری برای زن ممنوع است. (یعنی خلیفه مسلمین یا رئیس دولت).

دوم، حنفی‌ها قضاوت را برای زن جز در حکم در جنایات و حدود جایز می‌دانند. سوم، گروهی از معاصران مانند شیخ علامه یوسف قرضاوی معتقدند که زن می‌تواند همه ولایت‌ها و سمت‌ها را داشته باشد غیر از امامت عظمی به شرط این که همه ضوابط شرعی مطلوب فراهم شده و مفسده‌ای مانند سهل‌انگاری در امر خانواده و مانند آن نداشته باشد.

مناقشه دلایل

می‌توان در مورد مخالفان دلایل مشارکت زن در موارد زیر بحث کرد:

اول، سخن خداوند متعال که می‌فرماید: "و مردان بر آن‌ها درجه برتری دارند." (سوره بقره، آیه ۲۲۸). این آیه بر منع مطلق ولایت دلالت نمی‌کند، بلکه تنها نشان می‌دهد که درجه اختیار و رجوع به دست مرد است، زیرا این آیه در ابتدا از موضوع طلاق و رجوع صحبت می‌کند: "زنان که طلاق گرفته‌اند تا سه مرتبه پاک شدن از حیض صبر کنند و ازدواج نکنند و نباید آنچه را خداوند در رحم‌هایشان آفریده است پنهان کنند و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند و شوهرانشان اگر قصد اصلاح داشته باشند با بازگرداندن آن‌ها شایسته‌ترند و مانند آنچه از معروف برای مردان است برای آنان نیز هست و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند عزیز و حکیم است." (سوره بقره، آیه ۲۲۸). و مقصود از آن، درجه برتری در اداره خانواده است که در سوره نساء آیه ۳۴، خداوند متعال آن را شرح می‌دهد: این دو آیه

تنها در مورد ولایت مرد بر همسرش در خانواده صحبت می‌کند نه ولایتی دیگر. و این که حق طلاق و رجوع و اداره خانه به دست مرد است و همین درجه برتری او بر زن است. و آیه " مردان سرپرست زنانند به دلیل برتری" بر همین ویژگی مرد دلالت دارد.^۱

دوم - در مورد آیه "و در خانه های خود بمانید..." (سوره احزاب، آیه ۳۳) این گونه پاسخ می‌دهند:

الف: آیه کریمه، زنان پیامبر(ص) را مخاطب قرار می‌دهد زیرا آنها مانند زنان دیگر نیستند. پس چگونه احکام آنها باید بر همه زن‌ها عمومیت یابد؟ زنان پیامبر منزلت عظیمی دارند و به خاطر این که همسر پیامبر بزرگ خدا(ص) هستند ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند، به‌ویژه وقتی این آیات بعد از قضیه افک نازل شد. مسأله‌ای که جامعه اسلامی را تکان داد و در طول چهل روز حرکت آن را متوقف ساخت و به دنبال آن شریعت اقتضا می‌کرد که قید و بندهای محکمی برایشان وضع کنند. و رسول خدا(ص) پیش از نزول این آیه آنان را بین بقا و طلاق مخیر ساختند که آنان خدا و رسولش(ص) را برگزیدند و آنگاه دستورات خاصی برای آنها نازل شد که به آن پایبند باشند و از جمله آنها ماندن در خانه به هدف حمایت از آبروی رسول خدا(ص) بود.

ب: منظور از کلمه «وَقَرْنَ...» در آیه، به معنای عدم خروج مطلق نیست، زیرا بعضی از همسران پیامبر(ص) برای حج و عمره و جهاد و به جا آوردن صله رحم از خانه خارج می‌شدند.

سوم، محکم‌ترین دلیل، آنها حدیث معروف: " قومی که ولایت خود را به زن..."

(۱) مراجعه شود به: سبب نزول، تفسیر رازی؛ (۸۸/۲)

است که با موارد زیر درباره آن می‌توان بحث کرد:

۱ - این حدیث مخصوص همان اتفاقی است که درباره آن گفته شده است که دختر کسری امپراطور ایرانیان شده بود، چنان که سخن رسول خدا درباره آن‌ها به حقیقت پیوسته و شکست خوردند و امپراطوریشان سقوط کرد.

۲ - به دلیل بعضی از روایت‌های ثابت از این حدیث، آن ویژه ولایت عظمی است. در دو روایت با لفظ (تملکهم) یعنی زن مالکیت آنها را به عهده بگیرد. یکی حدیث "لا یفلح قوم تملکهم امرأة"^۱ و دیگری حدیث "لن یفلح قوم تملکهم امرأة"^۲ و دو روایت دیگر حدیث را الفاظ دیگری نقل کرده‌اند مانند: "لا یفلح قوم أسندوا امرهم إلی امرأة"^۳ و "لن یفلح قوم أسندوا امرهم إلی امرأة"^۴

۳ - سبک و سیاق حدیث که محققان اصولگرا تخصیص عموم به آن را جایز نمی‌دانند، به وضوح نشان می‌دهد که حدیث در مورد امپراطوری عظمی است که پروانه دختر کسری عهده‌دار آن بوده است.

۴ - لفظ "امرهم" در حدیث به عموم یا به کمال دلالت می‌کند که این جز در ولایت عظمی محقق نمی‌شود.

۵ - در آن میان، دلایل دیگر جمع شده است که حذف یکی از آنها بهتر است.

چهارم، قیاس ولایت در طلاق و ازدواج با آنچه در زیر می‌آید هماهنگ نیست:

۱- اگر حق طلاق را مرد به همسرش واگذار کند به اتفاق آراء - چنان که گذشت

- صحیح است. با این که مخالفان، ولایت زن را در ابتدای ولایت جایز نمی‌دانستند.

ولایت زن در مورد ازدواج خود یا ازدواج زن دیگری محل اختلاف بسیاری است،

(۱) احمد آن را روایت کرده (۴۳/۵) و مستند شهاب (۵۱/۲).

(۲) احمد آن را روایت کرده (۵۱/۵).

(۳) احمد آن را روایت کرده (۴۷/۵).

(۴) احمد آن را روایت کرده (۳۸/۵): مستند ابی داوود طیالسی حدیث ۱۱۸.

اما حنفی‌ها آن را جایز می‌دانند. بنابراین اصل چیزی که بر آن قیاس می‌شود محل اتفاق نیست تا ملزم باشد.

پنجم، اما قضیه مصالح و مفاسد را می‌توان از طریق ضوابط شرعی و قید و بندهایی که مانع آن می‌شوند، حل کرد علاوه بر این که دلایل معتبری نیز نیستند که محل توافق فقها باشند.

پاسخ به برخی گفته‌ها

درباره منع مشارکت سیاسی زن، برخی نکات بیان شده است، از جمله:
اول، در صورت مشارکت زن، اختلاط حرام و ارتکاب ممنوعیت‌ها پیش می‌آید.
جواب:

۱ - کسی که آن را جایز شمارد با مقررات شرعی آن را ملتزم می‌کند، که اگر آن شرایط فراهم نبود جایز نخواهد شد.

۲ - ملازمی میان این دو امر نیست.

۳ - این حرمت تنها مخصوص زنان نبوده، بلکه مردان را نیز شامل می‌شود. آنان نیز در برخورد با زنان ملزم به رعایت احکام الهی هستند.

دوم، مشارکت سیاسی نیازمند جرأت و شجاعت است که زنان فاقد آن هستند.

جواب: این مطلب درستی نیست، زیرا این موضوع از قدیم در مورد مردان نیز صدق می‌کند. چه بسیار زنانی که به شجاعت و دلیری مشهور بودند، تا حدی که مردان به پای آن‌ها نمی‌رسیدند و بسیاری از صحابه و تابعین (زن) با شجاعت نظرات خود را در مقابل رسول خدا(ص) و خلفای راشدین ابراز می‌کردند.

سوم، در طبیعت زن، احساس بر عقل و حکمت غلبه دارد، حتی آیات سوره احزاب نیز به چشمداشت زنان، حتی همسران پیامبر(ص) به زینت و متاع این دنیا

اشاره می‌کند. چنان که در آیه ۲۹ سوره احزاب و آیه ۴ سوره تحریم به اعتراض آنان نسبت به آن حضرت اشاره شده است.

علامه شیخ یوسف قرضاوی در پاسخ به این مطلب می‌گوید: "کسی که این سوال را مطرح کرده فراموش کرده است به این مطلب اشاره کند که آنان (همسران پیامبر(ص)) زمانی که مخیر شدند، همه آنها خدا و رسولش(ص) و روز قیامت را انتخاب کردند و نیز آن دو زن که در سوره تحریم به آنان اشاره شده توبه خالصانه کردند. چشمداشت آنان به زینت و متاع این دنیا همانند سایر زنان به ویژه زنان بزرگ، دلیل کوتاه فکری و عدم صلاحیت آنان در اندیشیدن به امور عامه نیست، بلکه آن، احساسی فطری و بر اساس طبیعت زنانه است. چنانکه با نزول آیه تغییر، آیا مردان از این گونه موارد مستثنی هستند؟ آنان نیز گاهی به سمت دنیا می‌روند و بعد از این که هوشیار شدند یا وحی آنان را متوجه اشتباه و غفلتشان کرد، دوباره باز می‌گردند.

آیا قرآن خطاب به رسول اکرم(ص) در شأن صحابه چنین نگفت که: "اگر تجارت یا لهو لعبی را ببینند به سوی آن می‌شتابند و تورا تنها می‌گذارند. بگو آنچه نزد خداست از لهو و تجارت بهتر است و او بهترین روزی‌دهندگان است." (سوره جمعه، آیه ۱۱).

آیا پس از غزوه احد، خداوند آیاتی را برای سرزنش اصحاب پیامبر(ص) (برترین نسل بشر) به دلیل سرپیچی از فرمان و ترک مواضع خود و پایین آمدن برای جمع‌آوری غنائم - که چه عواقب وخیمی را در پی داشت - نازل نکرد؟ خداوند فرمود: "قطعاً خدا وعده خود را با شما راست گردانید آنگاه که به فرمان او آنان را می‌کشید تا این که سست شدید و در تقسیم غنائم به نزاع پرداختید و پس از آن که آنچه دوست داشتید به شما نشان داد نافرمانی کردید. برخی از شما دنیا و برخی آخرت را می‌خواهید." (سوره آل عمران، آیه ۱۵۲).

قرآن درباره موضع برخی از مؤمنان در پیش از غزوه بدر و بعد از آن این موضوع را بیان می‌کند: همان‌گونه که پیامبر تو را به حق از خانه‌ات بیرون آورد حال آن که گروهی از مؤمنان سخت کراهت داشتند. با تو درباره حق مجادله می‌کنند. گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند و ایشان می‌نگرند به یسارآوری‌ها هنگامی که خدا... (سوره انفال، آیه ۵-۷) و بعد از واقعه درباره موضع آنان در مقابل اسرا می‌فرماید: آنان دنیا را می‌خواهند و خداوند برایشان آخرت را می‌خواهد. او عزیز و حکیم است اگر از جانب خدا نوشته‌ای نبود قطعاً در آنچه گرفته‌اید به شما عذابی بزرگ می‌رسید. (سوره انفال، آیه ۶۷-۶۸).

با این وجود، هر زنی صلاحیت ولایت را ندارد همچنان که هر مردی این شایستگی را ندارد، بلکه ولایت، شروطی دارد و شاید برای زنی که می‌خواهد این حقوق را داشته باشد، شروط دیگری نیز اضافه شود.

از سوی دیگر، امروزه اعمال سیاسی درست و موفق مانند سابق نیست، بلکه بر مؤسسات و بر رای گروهی متکی است. رئیس، یک زن یا مرد به تنهایی تصمیم نمی‌گیرد، بلکه با مشارکت حزب یا پارلمان اقدام می‌کند. آنچه برتری‌اش برای من ثابت شده است این است که در تقسیم وظایف و نقش‌های زن و مرد، بدون توجه به اینکه نقش یکی از دیگری کمرنگ‌تر است، اصل بر تکامل است. بقای نسل بشر به این بستگی دارد که زن وظیفه بارداری زایمان و رسیدگی به خانواده را به دوش بکشد که این خود از بزرگ‌ترین وظایف در دنیا و آخرت است. زیرا، آن وظیفه، تربیت مردان و ساختن نسل هاست و نقشی است که تعطیلی بردار نیست و چیز دیگری بر آن برتری ندارد و تحقیر و سبک شمردن آن جایز نیست و آن است که سعادت دنیا و آخرت ما را محقق می‌کند. با حفظ این نقش بزرگ و با برکت، زن حق مشارکت سیاسی و تصدی پست‌های مدیریتی - به جز امامت عظمی - را در صورت فراهم بودن شرایط آن دارد

و شروط آن به شرح ذیل است:

- ۱ - فراهم شدن فضای مناسب شرعی از نظر روابط اجتماعی و ممنوعیت‌های شرعی مانند: خلوت حرام و نگاه کردن و غیره؛
- ۲ - تعهد نسبت به ضوابط شرع، اخلاق و ارزش‌های اسلامی در نوع پوشش و غیره برای زنی که ولایت را به عهده می‌گیرد.
- ۳ - مشارکت سیاسی و ولایت عامه او به حساب فرزندان و خانواده‌اش نباشد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نقش ولایت زن، ساختن مردان و تربیت قهرمانان و فراهم نمودن آرامش و امنیت برای خود و خانواده‌اش است، اما اگر مشارکت او با این نقش اساسی و مهم تعارضی داشته باشد، به نظر من مشارکت او ممنوع است. علاوه بر آن، زن با ضوابط و شرط‌های ذکر شده در موارد زیر حق مشارکت سیاسی دارد:

- ۱ - حق رأی دادن در انتخابات سیاسی و دیگر انتخاب‌ها. زیرا این امور نیاز به شهادت‌هایی دارد و حق آن اجماع است. از باب تعاون برای رساندن شخص صلاحیت‌داری به حکومت یا به پارلمان یا مجالس دیگر است و نیز از باب وکیل بودن برای زن جایز است، می‌تواند همراه با وکیل بودن به پارلمان نیز راه یابد تا براساس امر به معروف انجام وظیفه کند.
- ۲ - حق کاندید شدن در پارلمان برای اینکه از اعضای آن باشد. چون بیشتر کار پارلمان قانون‌گذاری است (و در جامعه اسلامی با اصول ثابت تعارض دارد) این از باب اجتهادی است که مرد وزن با اجماع در آن اشتراک دارند. عایشه توانست به درجه‌ای از علم در سنت و فقه برسد که بر برخی از صحابه بزرگ نیز پیشی گیرد.^۱

(۱) "زرکشی" این احادیث را در کتابی جمع کرده است به نام: *الاجابة لما استدرکه أم المؤمنین عائشة*.

۳ - مشارکت در تظاهرات‌های سیاسی و همه وسایل مشروع برای رسیدن به آنچه به مصلحت مردم یا برکنار کردن حاکم ستمگر است، به طوری که مفسده بزرگی بر آن مترتب نشود.

۴ - مشارکت در کار پلیس و امنیت عمومی مربوط به زنان یا زندان و بازرسی زنان و مانند آن و یا کارهای اداری که متناسب با فطرت و بنیه اوست، البته با سه شرط سابق.

۵ - مشارکت در جهاد دفاعی با اجماع (یعنی هنگامی که کفار بلاد مسلمین را اشغال می‌کنند) با کشتن و هر کاری که در حد توانش باشد و مشارکت در جهاد طلب تا حدی که متناسب با فطرتش باشد. در صدر اسلام زنان بسیاری بوده‌اند که در جنگ و جهاد و مبارزه شرکت داشته و نقش‌ها و وظایفی را همچون مردان در کشتن دشمن و مداوای مجروحان، آب دادن مجروحان و... را انجام داده‌اند. در جنگ‌های پیامبر(ص) نمونه‌هایی از زنان رزمنده بوده‌اند که نام و نقش آن در کتب روایی و تاریخی بیان شده است.

**حقوق زن ومسئولیت اقتصادی
او در خانواده و جامعه**

احمد بن سعود السبایی
از کشور عمان

حقوق زن و مسئولیت اقتصادی او در خانواده و جامعه

حقوق زن در اسلام

حقوق زن به صورت کلی با توجه به آیه ۷۰ (آیه تکریم) سوره مبارکه اسراء، در ضمن حقوق انسان وارد شده است: "وَمَحْقَقًا مَا فَرَزْنَا لَكُمْ أَدَمَ الرَّحْمَةِ وَ الشَّرَافَةَ وَ بَخْشِيْدِيْمَ وَ أَنَّهُمْ رَا فِيْ خَشْكِيْ وَ دَرِيَا سَوَارَكْرَدِيْمَ وَ أَنَّهُمْ رَا فِيْ أَنْوَاعِ پَاكِيْزَهَا رُوْزِيْ دَادِيْمَ وَ أَنَّهُمْ رَا فِيْ بَسِيَاْرِيْ اَزْ اَفْرِيْدَهَايْ خُوْدِ بَرْتَرِيْ كَامَلِ دَادِيْمَ".^۱

علماء و دانشمندان برای این تکریم نسبت به انسان، موارد متعددی را ذکر کرده‌اند، که از آن جمله است:

- جانشینی در زمین: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: "وَ هِنْكَامِيْ كِهْ پَرُوْرْدِگَارْتِ بِهْ فَرَشْتِگَانِ گُفْت: هِمَانَا مَن دَر رُوِيْ زَمِيْنِ جَانَشِيْنِيْ قَرَارِ خَوَاهَمِ دَاد."^۲

- نیکویی صورت: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۶۴ سوره مبارکه غافر می‌فرماید: "شَمَا رَا صُوْرْتِ بِنْدِيْ كَرْدِ وَ صُوْرْتِ هَايْشَانِ رَا نِيْكَوْ نَسُوْدِ وَ شَمَا رَا اَزْ پَاكِيْزَهَا رُوْزِيْ نَمُوْد."^۳

(۱) "وَ اِذْ قَالَتْ رَبِّكَ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِيْ الْاَرْضِ خَلِيْفَةً".

(۲) "وَ صُوْرَكُمُ فَاحْسَنُ صُوْرَكُمُ وَ رَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيْبَاتِ".

- قامت مستقیم و اعتدال قامت: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۴ سوره تین می‌فرماید: "به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال و استقامت آفریدیم."^۱

- نیکویی آفرینش: خداوند تبارک و تعالی در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون از مراحل آفرینش انسان از ابتدای وجود تا کامل شدن آفرینش وی سخن می‌گوید: "به یقین ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم پس او را به صورت نطفه‌ای در فرارگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را از علقه (به شکل خون بسته) کردیم پس علقه را به صورت مضغه (شبهه به گوشت جویده شده) ساختیم. آنگاه مضغه را تبدیل به استخوان نمودیم سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم. سپس آن را خلقی دیگر ایجاد کردیم. پس آفرین بر خدا و پرخیر و برکت است او که نیکوترین آفرینندگان است."^۲

- خواندن و نوشتن: خداوند در آیه اول سوره مبارکه علق و در آیه اول سوره مبارکه قلم می‌فرماید: "بخوان به نام پروردگارت که آفرید."^۳، "نون، و سوگند به قلم و به آنچه می‌نویسند."^۴

- نیکویی سخن گفتن: خداوند در آیات ۱ تا ۴ سوره مبارکه الرحمن می‌فرماید: "خداوند رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، او را بیان آموخت."^۵

همه انسان‌ها، چه زن چه مرد در همه این خصوصیات و تصاویر، یکسان و مساوی هستند، همچنان‌که آیه مساوات نیز هم شامل زن و هم شامل مرد می‌شود. خداوند در سوره ۱۳ سوره مبارکه حجرات آیه مساوات می‌فرماید: "ای مردم بی‌تردید ما همه شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را به صورت قبیله‌هایی قرار دادیم تا همدیگر

(۱) "لقد خلقنا الانسان في أحسن تقويم".

(۲) "ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه في قرار مكين . ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظماً فكسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً فبارك الله أحسن الخالقين".

(۳) "اقرأ باسم ربك الذي خلق".

(۴) "نون والقلم وما يسطرون".

(۵) "الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان".

را بشناسید. مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.^۱

همچنان‌که می‌دانیم، عدالت اسلام به هر صاحب‌حقی، حقش را بدون ظلم و ستم و بدون هیچ‌گونه گرایشی به باطل اعطا کرده است، خواه صاحب‌حق زن باشد و مرد. خداوند در آیه ۱۵ سوره مبارکه شوری و آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: "وَأْمُرْهُمْ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَخَافُونَهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ" "به یقین خداوند به عدالت و به نیکی کردن و ادای حقوق خویشاوندان فرمان می‌دهد و از گناهان بسیار زشت و عمل‌های ناپسند و تعدی و تجاوز باز می‌دارد."^۲

همه این دستاوردهای اسلامی شامل زنان و مردان می‌شود و حقوق زن از جمله عدل و تکریم و مساوات از همین دستاوردهای عظیم و مبارک آغاز می‌گردد.

اگر به وضعیت زن قبل از اسلام بنگریم، می‌بینیم که زن حقوق پایمال، اراده‌اش سلب، حرکتش دچار نقصان و تدبیرش از بین رفته بود. در آن وضعیت دو دیدگاه وجود داشت: دیدگاه دینی و تعبدی و دیدگاه ملی یا نژادپرستانه. دیدگاه دینی مانند شأن و جایگاه زن در یهودیت و مسیحیت و بودایی و دیگر ادیان، و دیدگاه ملی یا نژادپرستانه مانند شأن و جایگاه زن نزد عرب‌ها و دیگر ملت‌ها. این دیدگاه کاملاً واضح و آشکار است و نیاز به توضیح و تفصیل ندارد.

اما اسلام آمد و زن را گرامی‌داشت و جایگاه او را بالا برد و تمام حقوقش را به او بخشید و او را در جایگاه شایسته‌اش قرار داد. اسلام زن را در جایگاه مادر بودن گرامی می‌دارد. هنگامی‌که در آیه ۱۵ سوره مبارکه احقاف به انسان نسبت به پدر و مادرش سفارش می‌کند: "و ما انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی

(۱) "يا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ."

(۲) "وَأْمُرْتُمْ بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ."

(۳) "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ."

کند (خاصه مادرش) زیرا مادرش او را به سختی حمل کرده و به سختی فرونهاده است.^۱ با دقت در این آیه می‌بینیم که انسان با توجه به رنجی که مادر از بارداری و شیردهی متحمل می‌شود، نسبت به مادرش بیشتر از پدر سفارش شده است، تا قلب انسان در برابر مادر بیشتر از پدر نرم گردد. پیامبر گرامی ما نیز نسبت به این موضوع بی‌توجه نبوده است: مردی نزد پیامبر آمد و در مورد احسان و نیکی به پدر و مادرش از او سؤال کرد و پرسید که کدام یک از آنها بیشتر از دیگری شایسته احسان و نیکی است. پیامبر (ص) او را نسبت به نیکی به مادرش تشویق کردند. آنجا که در پاسخ به وی سه مرتبه فرمودند: مادرت و سپس برای بار چهارم فرمودند: پدرت.^۲

اسلام زن را در جایگاه دختر بودن گرامی می‌دارد. خداوند تعالی کسانی را که از ولادت دختران ابراز بیزاری می‌کردند، مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهد. آنجا که در آیه ۵۸ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «و چون یکی از آنان را به دختری بشارت می‌دادند، صورتش سیاه می‌گردید در حالی که خشم گلویش را می‌قشرد و سخت دلتنگ می‌شد، از بدی بشارتی که به او داده شده بود، از میان قبیله خود متواری می‌شد و نمی‌دانست آیا او را با سرافکنندگی نگاه دارد یا زیر خاک پنهانش سازد. هان! بد قضاوتی می‌کنند.»^۳

اسلام، زن را در جایگاه خواهر بودن گرامی می‌دارد. پیامبر اکرم (ص) نیز خواهرش را گرامی داشت: مسلمانان در جنگ حنین، «شیماء سعديه» خواهر رضاعی پیامبر (دختر «حلیمه سعديه» دایه پیامبر) را به‌عنوان کنیز گرفته بودند و او در میان اسرای هوازن بود. هنگامی که مسلمانان در بازار با او با خشونت برخورد کردند، به آنها گفت: «به خدا سوگند! من خواهر رضاعی (شیری) صاحب و رهبر شما هستم.

(۱) «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرهًا».

(۲) بخاری و مسلم.

(۳) «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ، ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكَ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ».

مسلمانان گفته او را باور نکردند، تا این که او را نزد پیامبر (ص) بردند. شیما به پیامبر گفت: "ای رسول خدا! من خواهر شیری شما هستم." پیامبر فرمود: "علامت و نشانه آن چیست؟" گفت: "هنگامی که در کودکی من تورا بر پشت خویش سوار کرده بودم، پشت مرا گاز گرفتی و اثر آن بر پشت من باقیست." هنگامی که پیامبر آن نشانه را شناخت، عبايش را برای او پهن کرد و او را روی آن نشانده و به او حق انتخاب داد و گفت: "اگر دوست داری نزد من بمانی، نزد من دوست داشتنی و گرمای خواهی بود و اگر مایل هستی تورا توشه دهم و تو نزد قومت بازگرد." شیما گفت: "مرا توشه ده و نزد قومم باز گردان". سپس پیامبر او را بهره‌مند ساخت و شیما اسلام آورد و پیامبر به او سه برده و یک کنیز و یک گوسفند و یک شتر بخشید^۱

اما تکریم زن در جایگاه همسری که این مورد نیز در رفتار و برخورد پیامبر(ص) با همسرانش آشکار است. رفتاری آنچنان عالی و انسانی که قلم از وصف آن ناتوان است. از شیوه رفتار آن حضرت با همسر وفادارش "خدیجه بنت خویلد" گرفته تا آخرین آنها "ماریه قبطیه" مادر پسرش.

دیدگاه عمومی و کلی اسلام نسبت به زنان در کنار مردان این است که آنها شقائق مردان هستند. شقائق جمع شقیقه است و شقیقه یعنی خواهر مرد. شقیقه مؤنث کلمه شقیق و آن به معنی نصف هر چیز است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: "أَمَّا النِّسَاءُ شقائق الرجال" یعنی زنان شقائق مردان هستند و این همان چیزی است که از آن به نصف جامه تعبیر می‌شود. اسلام بین زن و مرد در تمامی سطوح، مساوات و برابری کامل برقرار کرده است. خداوند کریم در آیه ۱۹۵ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: "پس خدا اجابت کرد دعای ایشان را که البته من که پروردگارم عمل هیچ کس از مرد و زن را، بی‌مزد نگذارم"^۲

اگر در برخی موارد مشاهده می‌کنیم که اسلام به مردان چیزهایی را عطا کرده است

۱) ابوالحسن الندوی، سیرة النبویة، ص ۳۰۰

۲) فاستجاب لهم ربهم أنى لا أضيع عمل عامل منكم من ذكر أو أنثى بعضكم من بعض.

که به زنان نداده است، این مطلب جز زیادی تکلیف و مسئولیت مرد و تکریم زن به منظور حفظ احساسات زنانه و مراعات طبیعت جسمانی زن نبوده است. علاوه بر این دستاوردهایی که ذکر کردیم و دیگر دستاوردهای اسلامی که بدون شک فراوان است و بیان آن در این مقاله نمی‌گنجد، اسلام به زن شایستگی پذیرش و قدرت قبول مسئولیت در داخل خانواده یا در فضای جامعه را داده است.

مسئولیت اقتصادی زن در خانواده

مهریه

اسلام ازدواج را در قالب قانون وضع کرد و آن را به صورت سنت درآورد و آن را رشته‌ای میان زن و مرد و عهد و میثاتی ناگسستنی میان آنها قرار داد. همان‌طور که می‌دانیم در ازدواج، مرد از زن سود و منفعتی می‌برد که آن سود و منفعت لذت جنسی است و در فقه از آن به "استمتاع" تعبیر می‌شود. به همین دلیل اسلام در مقابل این استمتاع مرد از زن، مهریه را وضع کرده است.

مهریه یولی است که مرد به زن تقدیم می‌کند. به همین علت و بر اساس دستور خداوند تبارک و تعالی مهریه حق خاص زن بوده و هیچ‌کس جز خود او، حتی پدر زن و دیگر نزدیکان او حق هیچ‌گونه مشارکتی در آن ندارند.

خداوند تبارک و تعالی در آیات شریفه ۴ و ۲۴ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: "و مهریه‌های زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید."^(۱) و با هر زنی از آنسان که کامیاب شدید، مهر او را به عنوان واجب بپردازید."^(۲)

در قرآن از مهریه به "نحله" تعبیر شده است. تعبیر قرآنی "نحله" معانی زیادی را شامل می‌شود و آن مهریه‌ای است که زوج با آرامش خاطر به زوجه‌اش می‌دهد و آن امری است که خداوند تبارک و تعالی بر مرد واجب کرده است و او باید از روی

(۱) "وأتوا النساء صدقاتهن نحلة".

(۲) "فما إستمتعتم به منهن فأتوهن أجورهن فريضة".

دینداری و تعبد آن را به زوجه بپردازد.

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است و تأکید دارد که مرد باید وجوباً ضروری مهریه همسرش را به وی بدهد، در غیر این صورت مرد خود را در معرض نابودی و هلاکت قرار داده است. بسیاری از مواقع یا گاهی اوقات به صورت عادت شده است که مرد یا خواستگار، پیش از ازدواج و به منظور زمینه‌سازی برای رسیدن به ازدواج مورد نظر، هدیه‌ای را به دختر تقدیم می‌کند و معمولاً چنین است که دل‌ها با این هدیه‌ها آرامش می‌یابد و این هدیه‌ها وسیله‌ای برای دوستی و محبت میان مردم‌اند. برخی احادیث نبوی به این مسئله اشاره دارند: **«به یکدیگر هدیه بدهید تا دوستی و محبت میان شما به وجود آید.»**^۱

این هدیه‌ها نیز حق زن بوده و تحت مالکیت وی است. او می‌تواند هرطور که بخواهد در آنها دخل و تصرف کند، بدون این‌که کسی غیر از خودش بخواهد آن را برای خود بردارد. احکام فقهی موضوع این‌گونه هدایا را مورد مناقشه قرار داده است. در اینجا آن چه پیرامون این هدایا در کتاب *شرح النبیل* نوشته شیخ اطفیش آمده است را نقل می‌کنم: **«اگر شخصی از زنی خواستگاری کند و به او هدیه‌ای دهد سپس آن زن را ترک کند، زن نباید آن هدیه را به او باز گرداند و باید از دادن آن امتناع ورزد.»**^۲ ولی اگر با هم ازدواج کنند و زندگی زناشویی مورد نظر میان زوج و زوجه برقرار گردد و زن و شوهر زندگی خوب و سعادت‌مندی را داشته باشند، شاید این احتمال وجود داشته باشد که زن بخواهد به خاطر اخلاق خوب و برخورد خوب همسر محبوبش، مقداری از مهریه‌اش را به او بدهد. حال برای این که مرد به سختی نیافتد و گمان نکند که در این مال شبهه‌ای وجود دارد، اسلام این اجازه را به زن داده است که در مهریه‌اش هرگونه که می‌خواهد دخل و تصرف کند و مقداری از آن را به

(۱) *تهأوا تحابوا* - مالك در *الموطأ* آن را روایت کرده است.

(۲) اطفیش محمد بن یوسف؛ *شرح النبیل* ج ۶، ص ۸۰. این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع فقهی مذهب اباضی محسوب می‌شود.

همسرش بدهد و از سوی دیگر نیز برای مرد مباح کرده است که آن را بگیرد و بدون هیچ مشکلی نوش جان کند!

خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: "و اگر چیزی از آن (مهریه) را با رضای خاطر به شما ببخشند، آن را نوش و گوارا مصرف نمایید." این آیه به مالکیت کامل زن بر مهریه‌اش دلالت دارد و این که وی می‌تواند در آن دخل و تصرف تام و کامل داشته باشد.

ارث

میراث یا ارث ترکیه‌ای است که شخص مرده بر جای می‌گذارد و معنای ارث در لغت، باقی مانده هر چیز است. چنانچه در دعا آمده است: "آن وارث را از ما قرار بده" اما چگونه به زن ارث رسید یا زن چگونه به میراث دست یافت؟ و یا زن قبل از اسلام از نزدیکانش ارث می‌برد؟

شأن نزول آیات مربوط به ارث و همچنین روایت‌های مرتبط با آن نشان می‌دهد که عرب‌ها هیچ گونه ارثی برای زن از ماترک نزدیکانش باقی نمی‌گذاشته‌اند - گمان می‌کنم ملت‌های دیگر نیز چنین بوده‌اند - با این بهانه و دلیل که زن بر اسب سوار نمی‌شود، با خود سلاح حمل نمی‌کند و با دشمن نمی‌جنگد و این گفته کنایه از ضعیف بودن زن است - آن چنان که می‌گویند - فقط مردان بوده‌اند که این کار را می‌کنند؛ یعنی بر اسب سوار می‌شوند و با خود سلاح حمل می‌کنند و با دشمن می‌جنگند. به همین علت در دیدگاه آنان، زن شایستگی ارث بردن نداشت.

برخی از عرب‌ها حتی نسبت به مردان نیز چنین دیدگاهی داشته‌اند، به این معنا که آنان حق ارث را فقط برای بزرگسالان قرار می‌دادند. چرا چنین بوده است؟ آنها

(۱) فان طین لکم عن شی منہ نفساً فکلوه هتیناً مریناً.

(۲) "واجعل ذلك الوارث منّا، السالمی، شرح الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۴۳۹. این کتاب شرح الجامع الصحیح مستند امام الربیع بن حبیب الفراهیدی است.

می گفتند که کوچکترها نمی توانند سلاح حمل کنند و هنگامی که دشمن در خانه هایشان به آنها حمله کند، نمی توانند مبارزه کنند و آنها باید از سوی بزرگترها حمایت شوند.

در دیدگاه آنها پول حمایت را به دنبال داشت یا سبب حمایت می شد و حمایت کننده نیز به پول نیاز داشت .

اما روایات، شأن نزول آیات مربوط به ارث و میراث را چنین بیان کرده اند که : بیوه "اوس بن ثابت" و سه دخترش از مال پدرشان چیزی به ارث نبردند و کسی که به مال "اوس" دست یافت، دو پسر عموی او به نام های "سويد" و "عرفجه" بودند. همسر "اوس بن ثابت" و سه دخترش نزد رسول اکرم آمدند و او را از ماجرا با خبر و از آن موضوع به رسول خدا شکایت کردند. همچنین گفته شده که زن "سعد بن ربیع" نیز به همراه دو دخترش نزد رسول خدا آمدند و از همان قضیه ای که زن "اوس بن ثابت" از آن شکایت داشت، نزد رسول خدا شکایت کردند. زیرا پسر عموی "سعد بن ربیع" مال آنها را تصرف کرده بود.

این دو واقعه، بعید نیست که حوادث مشابه آن نیز وجود داشته اند که روایات آنها را ذکر نکرده اند، شأن نزول آیات مربوط به ارث هستند. ابتدا، آیه ۷ سوره مبارکه نساء نازل شد: "برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکانشان به جای گذارده اند بهره ای است - از آنچه اندک باشد یا بسیار- بهره ای معین و واجب".^۱ سپس آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره مبارکه نساء نازل گردید و رسول اکرم (ص) دستور دادند حق را به حقدار بدهند.^۲ خداوند شما را درباره میراث اولادتان توصیه می کند که سهم هر پسر به اندازه سهم دو دختر باشد.^۳

(۱) "للرجال نصيب مما ترك الوالدان و الاقربون و للنساء نصيب مما ترك الوالدان و الاقربون مما قل منه أو اكثر نصيباً مفروضاً".

(۲) علی بن احمد الواحدي، اسباب النزول، ص ۱۰۶ و نگاه کن: اطفیش، تیسیر التفسیر ج ۳، ص ۱۴۷.

(۳) "یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین".

اما این امر برای عرب‌ها آسان نبود و موجب شگفتی و تعجب آنها شد و اگر نیروی ایمان نبود، هرگز آن را قبول نمی‌کردند و اجرا نمی‌کردند.

سهم زن بر حسب خویشاوندی وی با متوفی چنین بود:

۱- دختر

- نصف سهم برادرش از ماترک مرده: "خداوند شما را درباره میراث اولادتان توصیه می‌کند که برای هر پسر به اندازه سهم دو دختر باشد"^۱
- نصف ارث هنگامی که تک باشد: "و اگر وارث یک دختر باشد، نصف ماترک از آن اوست."^۲
- دو سوم اگر دو دختر یا بیشتر باشند: "پس اگر همه ورثه زن باشند، بیش از دو دختر- دو سوم ماترک از آن آنهاست."^۳

۲- مادر

- یک ششم اگر پسرش یک فرزند داشته باشد: "و برای هر یک از پدر و مادر میت اگر فرزند داشته باشد، یک ششم است."^۴ همچنین مادر در صورتی که میت چندین برادر داشته باشد نیز یک ششم می‌برد.
- یک سوم اگر پسرش فرزندی نداشته باشد: "و اگر فرزندی نداشته و ارثش را تنها پدر و مادر می‌برند پس برای مادرش یک سوم مال است."^۵

۳- همسر

- یک چهارم، اگر همسرش فرزندی نداشته باشد: "برای زنانان یک چهارم ماترک شماست اگر شما را فرزندی نباشد."^۶

(۱) "یوصیکم الله فی أولادکم للذکر مثل حظ الانثیین ...".

(۲) "فإن كانت واحدة فلها النصف".

(۳) "فإن کن نسأه فوق اثنتین فلهن ثلثا ما ترک".

(۴) "ولأبویه لکل واحد منهما السدس مما ترک ان کان له ولد".

(۵) "فإن لم یکن له ولد و ورثه أبواه فلأمه الثلث".

(۶) "و لمن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد".

- یک هشتم، اگر همسرش فرزندی داشته باشد: "و اگر شما را فرزندی باشد، برای آنها یک هشتم از ماترک شماست."^۱

۴- خواهر

حالت‌های متعددی وجود دارد که بین یک ششم و یک سوم در نوسان است و گاهی اوقات خواهران، همراه دختران مرده وارث می‌شوند. اسلام به زن، حق دخل و تصرف و اهلیت و شایستگی کامل در هردوی آنها، یعنی مالکیت و دخل و تصرف، را عطا کرده است.

پس کدام عدالت جز عدالت اسلام به زن چنین حقی را داده و در حق او به عدالت رفتار کرده است؟

همکاری داخل منزل

اسلام شأن و منزلت زناشویی را بزرگ داشته و آن را پیوندی مقدس می‌داند و آن را با حصار محکم دور اندیشی و تدابیر احاطه کرده است، تا آن عهد و پیمان محکمی که زوجه از زوج می‌گیرد، باقی بماند و تداوم یابد. جای هیچ شک و تردیدی نیست که همکاری میان زن و شوهر این پیوند را حفظ می‌کند، بلکه این پیوند را محکم می‌کند و آن را به عروة الوثقی تبدیل می‌کند که: لا انفصام لها (یعنی هیچ جدایی در آن نیست).

به همین خاطر همکاری میان زن و شوهر، از مهم‌ترین عوامل استمرار و دوام خانواده برای فرمانبرداری و اطاعت از دستور خداوند به شمار می‌آید. خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: "در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید."^۲ این دستوری است که از طرف

(۱) "فان كان لكم ولد فلهن الثمن مما تركتم".

(۲) "وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان".

خداوند برای همه بندگان مؤمنش، چه زن و چه مرد و یا زن و شوهر آمده است. اگر مرد ببیند که همسر صالحه‌اش خانه را محیطی برای آسایش و راحتی و آرامش و اطمینان قرار داده است، وی به ثبات و استقرار دست می‌یابد، اما بر مرد نیز واجب است که اسباب و وسایل رسیدن به آن استقرار و آرامش را فراهم کند. از آن جمله است: فراهم آوردن مایحتاج منزل مانند، نفقه، اثاث، لباس و هرآنچه که به زن صالح امکان ایجاد خانواده‌ای خوشبخت و سعادتمند و فضایی آرامش بخش می‌دهد. اگر این همکاری و واکنش مثبت میان زن و شوهر ایجاد شود، آن مودت و دوستی و آن رحمتی که خداوند آن را ثمره و میوه ازدواج سعادتمند قرار داده است، تحقق می‌یابد و در این محیط است که دل زن قطعاً به آرامش کامل می‌رسد و روح مرد نیز به سکون و آرامش دست می‌یابد. خداوند حکیم در کتابش - آیه ۲۱ سوره مبارکه روم می‌فرماید: "و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید که در کنار آنها آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد."^۱

تدبیر امور منزل، پایه و رکن اساسی مسئولیت اقتصادی زن در خانواده محسوب می‌شود. در خانه است که حس اقتصادی زن آشکار می‌شود و تدبیر وی برای امور زندگی ظاهر و آشکار می‌گردد. خانه، مملکت زن است؛ در آن می‌تازد و جولان می‌دهد. این را می‌گذارد، آن را بر می‌دارد. این را مرتب می‌کند و آن را پاکیزه می‌کند. بنابراین بر عهده زن است که خانه‌ای خالی از آشفتگی، سرو صدا و سستی، تنبلی و خانهای مرتب و منظم و پاکیزه ایجاد کند. چگونه چنین نباشد؟

آیا رسول اکرم(ص) با این سخن خود - "زن در خانه شوهرش نگاهبان است"^۲- این نکته را تأیید نمی‌کند؟! ما می‌گوییم برای این که آن فضای خانوادگی شاد به وجود آید و خانه سرشار از سعادت و سرور و محبت و شادی گردد، زن و شوهر باید

(۱) "ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم أزواجاً لتکونوا إلیها ، وجعل بینکم مودة ورحمة".

(۲) بخاری و مسلم

با یکدیگر همکاری داشته باشند و هر یک از آنها باید به یاری و مساعدت دیگری بیاید .

سرور، الگو، رهبر و حبيب دل‌هایمان، حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله وسلم - در کارهای خانه به همسرانش کمک می‌کرد. آن حضرت لباسش را می‌دوخت و کفشش را پینه می‌کرد و گوسفندش را می‌دوشید.^۱ بعد از ایشان نیز خلفا و اصحاب گرامی‌شان راه ایشان را در پیش گرفتند. اگر کتب فقهی اسلامی را مورد مطالعه قرار دهیم، در می‌یابیم که آنها حقوق هر یک از زوجین را به طور مفصل ذکر کرده‌اند. در این کتاب‌ها آمده است بر مرد واجب است نفقه زن را که شامل خوراک، پوشاک و مسکن است، فراهم آورد. اما بر زن واجب است که در حفظ و حراست از اموال شوهرش بکوشد و به اندازه کفایت و نیاز و بدون اسراف و تبذیر، از اموال شوهرش خرج نماید. چرا که بر اساس احادیث شریفه، زن صالح در غیاب شوهرش اموال او را حفظ و حراست می‌کند.^۲ اما اگر مرد، بخیل و خسیس باشد زن می‌تواند به اندازه نیاز خود و فرزندان از اموال او بردارد.

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که "هند" دختر "عقبه" همسر "ابوسفیان بن حرب" از خساست ابوسفیان نزد او شکایت کرد، به هند اجازه فرمودند که از اموال همسرش بردارد: "به اندازه نیاز خود و فرزندان از اموال او بردار"^۳ فقها در تعیین کارهایی که بر زن واجب است، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. چه چیزی بر زن واجب است؟ آیا زن باید به همسرش خدمت کند؟ یا این که نباید به همسرش خدمت کند؟ یا این که این امری است که به خود زن بر می‌گردد، یعنی در صورت تمایل می‌تواند چنین کند و این کار زن به منزله خدمتی داوطلبانه برای شوهر است؟

۱) عبدالرزاق در المنصف آن را روایت کرده است.

۲) عبدالرزاق در المنصف و طبرانی در الاوسط آن را روایت کرده‌اند.

۳) اطفیش، شرح التبیان، ج ۱۶، ص ۴۱۶.

درباره این مسئله سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول: خدمت به شوهر برای زن واجب نیست و اگر زن بخواهد می‌تواند به صورت داوطلبانه این کار را انجام دهد.

نظریه دوم: خدمت به شوهر برای زن واجب است.

نظریه سوم: وضعیت زن در خانه شوهر همانند وضعیت زن در خانه پدری‌اش است، یعنی اگر در خانه پدر خدمتکار داشته، در خانه شوهر نیز باید داشته باشد.

با این وجود اختلافاتی که میان فقها در این زمینه وجود دارد، اما همه آنها براساس مفهوم آیه شریفه "تعاونوا علی البر و التقوی"، بر وجوب همکاری در خانه اتفاق نظر دارند. به همین دلیل زن و شوهر باید در تدبیر امور منزل از جمله کارهای داخل خانه و مرتب و منظم کردن آن و حفظ و حراست از آن و انتخاب لوازم ضروری زندگی و غیره با یکدیگر مشارکت داشته باشند.

اما برای این که این همیاری و همکاری حاصل شود، وسایل و لوازمی مورد نیاز است که به این مهم کمک می‌کند. از جمله ی این لوازم و وسایل، مشورت و تفاهم میان زوجین است. چرا که خداوند به جماعت مؤمنان دستور داده با یکدیگر مشورت کنند و آنها را به انجام این کار تشویق کرده است. آنجا که در آیه ۳۸ سوره مبارکه شوری، مؤمنان را چنین وصف می‌کند: "وکارشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند."^۱

این آیه به صورت خبری ذکر شده است، اما معنای امری از آن مستفاد می‌شود. هر کاری که جماعت مؤمنان را نظم می‌بخشد، شامل هر فردی از مؤمنان می‌شود و زن و شوهر نیز جزو این گروه قرار می‌گیرند.

همچنین تجربه و آگاهی نشان می‌دهد که مشورت و تفاهم و هماهنگی میان دو طرف، بسیاری از فاصله‌ها و جدایی‌ها را از بین می‌برد و اختلافات را حل می‌کند. پس زندگی

(۱) "وَأمرهم شورى بينهم".

زنانشویی با تمام پیچیدگی‌ها و حساسیت‌هایش نیاز به تفاهم و مشورت میان زن و مرد دارد، خواه زن و شوهر با هم زندگی کنند یا در آستانه طلاق و یا درگیر مسائلی چون نفقه و شیر دادن به بچه باشد.

به‌همین دلیل خداوند به زن و شوهری که از هم جدا هستند، دستور می‌دهد تا پای میز مذاکره بنشینند و با تفاهم و همیاری، مسایل مربوط به ادامه شیردهی فرزندشان و مسایل مربوط به نفقه را حل کنند.

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: "اگر پدر و مادر بخواهند روی توافق و مشورتشان فرزند را از شیر بگیرند بر آنها گناهی نیست."^۱ اگر حکمت خداوند در مورد زن و شوهری که از هم جدا هستند چنین اقتضا می‌کند، پس خداوند به طریق اولی این موضوع یعنی تفاهم و مشورت و هماهنگی را برای همسران دائمی که با هم زندگی می‌کنند نیز بخواهد.

مسئولیت اقتصادی زن در جامعه

حق مالکیت

از زمانی که خداوند تبارک و تعالی آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء را نازل کرد: "برای مردان بهره‌ای است از آنچه کسب کرده‌اند و برای زنان نیز بهره‌ای است از آنچه کسب کرده‌اند و از هرچه خواهید از فضل خدا درخواست کنید."^۲ زن بعد از آن که زن بودنش علت عدم شایستگی وی در مالکیت اموال محسوب می‌شد، اهلیت و شایستگی خود را به دست آورد. براساس آن چه قبل از اسلام در میان ملت‌ها و اقوام مختلف مرسوم و معمول بوده است، زن اهلیت و شایستگی مالکیت و دخل و تصرف در اموال را نداشته است.

خداوند تبارک و تعالی در کتاب عزیز خود که بر زبان پیامبر گرامی‌اش (ص)

(۱) "فإن ارادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما".

(۲) "للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن و أسألوا الله من فضله".

جاری ساخته است، سهم زن از ارث و میراث را به او اعطا کردو از آن زمان به بعد، زن از پدر، برادر، همسر، پسران و دیگر نزدیکان خود بر حسب درجه نزدیکی خود به آنها ارث می‌برد و مالکیت زمین‌ها خانه‌ها و دیگر اموال را با تمام شرایط مالکیت داراست. همچنان که می‌تواند به کار خرید و فروش و تجارت نیز بپردازد. زن حق دارد به هر کس که بخواهد از اموالش ببخشد و یا نبخشد.

شیخ محمد عبده^{۱۰} می‌گوید: این درجه که خداوند زنان را تا آن درجه بالا برده است، هیچ دینی قبل از اسلام و هیچ شریعتی، بلکه هیچ ملتی از ملت‌ها قبل از اسلام و بعد از آن به آن درجه نرسیده‌اند. از نشانه‌های تمدن ملت‌های اروپایی آن است که در احترام به زنان و گرمی داشت آنها بسیار کوشیده‌اند و به تربیت و تعلیم علوم به آنان بسیار همت گمارده‌اند، ولی با وجود همه اینها همچنان پایین‌تر از آن درجه‌ای هستند که اسلام زنان را تا آن درجه بالا برده است چرا که هنوز قوانینی وجود دارد که زن را در تصرف در اموالش بدون اجازه همسرش باز می‌دارند. علاوه بر این حق، اسلام حقوق دیگری را نیز از سیزده و نیم قرن پیش برای زن قائل شده است، و این در حالی است که زنان تا پنجاه سال پیش در اروپا مانند دوره جاهلیت اعراب بلکه بدتر از آن بوده‌اند. و این فرنگی‌ها که مدینتشان در بالا بردن شأن و جایگاه زن در برابر دین ناقص است، بر ما فخر می‌فروشدند و بلکه ما را در برخورد با زنان به جهل و نادانی متهم می‌سازند و جاهلان آنها می‌پندارند مشکلاتی که ما داریم به دلیل دین ماست.^{۱۰}

حق مالکیت زن با تمام اختیارات مربوط به آن، امری است که بسیاری از وقایع تطبیقی به آن استناد می‌کنند و در تاریخ و مقررات دین اسلام شواهد و مثالهای فراوانی بر صحت این ادعا وجود دارد. به طوری که زن حق مالکیت مهریه، ارث و میراث، هرآنچه به او هدیه می‌شود و آنچه را که از تجارت، صنعت و زراعت به دست

(۱) ابھی الخولی، الاسلام و المرأة المعاصرة، ص ۲۵.

می‌آورد را دارد، بدون این که شخصی - چه دور و چه نزدیک - بتواند در آن کمترین تصرفی داشته باشد.

حق دخل و تصرف در اموال

اگر زن حق مالکیت کامل دارایی‌های خود را دارد، آیا علاوه بر این حق مالکیت، حق دخل و تصرف آن را نیز دارد یا خیر؟ افرادی هستند که از حق مالکیت برخوردارند، اما اجازه دخل و تصرف در آن را ندارند، مثل خردسالان و یا افراد ناشایست یا افرادی که از اهلیت کامل برای تصرف اموال برخوردار نیستند. دین اسلام درباره زنان تأیید می‌کند که زن نیز مانند مرد حق مالکیت و حق تصرف را داراست. خواه آن امر متعلق به عمل اخروی و پاداش مربوط به آن باشد یا آن امر متعلق به عمل دنیوی و منافع مادی مربوط به آن باشد. خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۹۵ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «پس پروردگارشان دعای آنها را اجابت نمود که بی‌تردید من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما از مرد یا زن که همه از یکدیگر و باهم پیوند دارید، ضایع نخواهم نمود.»^۱ اسلام تأیید می‌کند که زن می‌تواند از مالش ببخشد و صدقه بدهد. پیامبر اکرم (ص) زنان را به دادن صدقه از اموالشان تشویق می‌کردند: «هیچ کدام از شما همسایه‌اش را در صدقه دادن تحقیر نکند، حتی اگر آن چه صدقه می‌دهد، پاچه سوخته گوسفندی باشد.»^۲

یک‌بار زینب همسر عبدالله بن مسعود^۳ شنید پیامبر اکرم (ص) به زنان دستور می‌دهند که صدقه بدهند. زینب نزد پیامبر آمد و از ایشان پرسید که صدقه‌اش را به چه کسی بدهد، چرا که همسرش با توجه به فقر و نیاز شدیدشان به همسرش گفته بود که وی و فرزندشان برای گرفتن صدقه شایسته‌تر از دیگران هستند. پیامبر

(۱) «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض».

(۲) الربیع بن حبیب در مستدرک آن را روایت کرده است.

اکرم (ص) فرمودند: "صدقه را به همسر و فرزندت بده" ^۱ از همه اینها نتیجه می‌گیریم که زن حق دارد از اموالش به دیگران صدقه، زکات و هدیه بدهد و این دلیلی است بر اهلیت و شایستگی کامل زن در مالکیت و دخل و تصرف در اموال.

کار زن

خداوند تبارک و تعالی هستی و تمام موجوداتش را با قدرت و حکمتش آفرید و به‌منظور رسیدن به تکامل و حفظ همزیستی و انسجام، از هر چیزی دو زوج آفرید. خداوند به صورت عمومی و کلی به جنس نر و ماده و به صورت اختصاصی به نر و ماده انسان، سوگند یاد کرده است. سوره مبارکه لیل آیه ۳: "سوگند به آن که نر و ماده را آفرید" ^۲ می‌دانیم که خداوند تبارک و تعالی به این دو یعنی مذکر و مؤنث قسم یاد کرده تا هر یک از آن دو را به خصوصیات دیگری متنبه و آگاه سازد.

برای رسیدن به تکامل میان مذکر و مؤنث، زن در زندگی در کنار مرد با او همکاری و مشارکت می‌کند. این همکاری در بیرون از خانه در میان زنان روستایی - یا بگذارید بگوییم در زندگی روستایی - هنگامی آشکار می‌گردد که زن روستایی در کنار یک مرد، خواه پدر یا همسر یا برادرش در باغ و مزرعه و دیگر صحنه‌های زندگی مشاهده می‌شود و گاهی اوقات این حضور دو نفره به یک کار جمعی تبدیل می‌گردد و آن هنگامی است که انجام آن کار حضور گروهی از مردان و زنان را در کنار هم می‌طلبد و بدون شک این کار در چارچوب ادب و احترام و دور از هرگونه ابتذال و ذوب شدن یا حل شدن صورت می‌گیرد. ما در "عمان" آن زندگی روستایی را تجربه کرده‌ایم. عمان جامعه‌ای عربی اسلامی و محافظه‌کار است که شاهد حضور زن و مرد با هم به صورت دونفره و حضور زنان و مردان به صورت جمعی هنگام کار در

(۱) سید سابق، نقه السنه، ج ۱، ص ۳۴۳.

(۲) "وما خلق الذکر والأُنثی".

مزارع و باغ‌های خرما یا دیگر کارهایی است که همکاری میان اهل منطقه و محله یا روستا را می‌طلبد. اما یک سوال باقی می‌ماند و آن این است که آیا مسئله مطرح شده در عصر حاضر پیرامون کار زن همان کاری است که در زندگی روستایی با آن مانوس بوده‌ایم؟ طبیعتاً نه! مقصود از کار زن در وقت حاضر، خارج شدن زن از خانه برای کار در خارج از خانه است خواه آن کار در بخش عمومی مثل کار در مؤسسه‌های دولتی و سازمان‌ها و اداره‌های مرتبط با آن باشد و خواه در بخش خصوصی مثل کار در مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و یا کار برای افراد باشد. درباره مسئله کار زن به این صورت در دوی بخش عمومی و خصوصی اختلاف نظر وجود دارد و آراء در این باره به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظریه اول خروج زن از خانه را برای کار در خارج از منزل تأیید می‌کند و خواستار کار بیشتر زن است. این دسته معتقدند کار، آفاق دید زن را گسترش می‌دهد و ارزش‌های وجودی و شخصیت او را رشد داده و آشکار می‌سازد و با کار زن، مجد و بزرگواری ملت تحقق می‌یابد. زیرا سرفرازی ملت در گرو افزایش عوامل کار است. به همین دلیل زن با کار خود به سرپرست خود کمک می‌کند یا حتی کسانی را که سرپرستی ندارند، اداره و سرپرستی می‌کند.

- نظریه دوم، نظریه اول را قبول ندارد، چراکه معتقداند زن به دلیل مادر بودن و خصوصیات زنانگی، نمی‌تواند هم کار خانه را انجام دهد و هم حق همسر و تعلیم و تربیت فرزندان را ادا کند و نیز در بیرون از خانه کار کند و در هر دوی آنها موفقیت باشد. در نتیجه مجبور می‌شود در حق همسر و فرزندان یا در کارهای خانه کوتاهی و غفلت کند.

- نظریه سوم کار زن را در بیرون از خانه جایز می‌داند. به اعتبار این که کار به خودی خود یک عمل مشروع است و تا زمانی که در آن گناه و معصیت نباشد حرام نیست. اما کار باید وقت زن را نگیرد و فکر و وجدان او را مشغول نکند و او را از

خصوصیات، مقتضیات و مسئولیت‌های فکری‌اش خارج نکند. پس زن می‌تواند هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد. اما باید به پوشش و عدم آرایش و رفتار سنگین خود متعهد و پایبند باشد و از اعمال منافی عفت دوری کند.^۱

در برابر این سه نظریه، ما خود را متمایل به نظریه سوم می‌یابیم چرا که این نظریه برای حفظ مقام زن و کرامت و عفت او شایسته‌تر است. حضور زن در خانه و کار آن اصل است و خروج او برای کار مشروع، فرع است.

به‌همین علت شایسته نیست که یک فرع، اصل را بپوشاند هنگامی که علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه السلام) و همسرش فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) نزد پیامبر اکرم (ص) رفتند و کار فاطمه (س) را به وی عرضه کردند، حضرت رسول چنین حکم کردند که کار خارج خانه برای علی (ع) و کار داخل خانه برای فاطمه (س) باشد.

اما با پیشرفت عظیمی که در زندگی امروزی پدید آمده است، کارهایی خارج از منزل به وجود آمده که حضور زنان را طلب می‌کند. پس چاره‌ای جز خروج زن از خانه برای حضور در این کارها وجود ندارد. شاید مناسب باشد این موضوع را با سخن زیبایی از برنارد شاو - ادیب و متفکر انگلیسی - به پایان برسانیم: «کاری که زنان به آن می‌پردازند کاری است که بی‌نیازی از آن ممکن نیست و هیچ چیز دیگری را نمی‌توان با آن عوض کرد و آن مسئله بارداری و به دنیا آوردن بچه‌ها و شیردهی به آنها و تدبیر امور منزل است.

اما آنها به خاطر این کارها هیچ پول نقدی دریافت نمی‌کنند و این همان چیزی است که سبب شده بسیاری از نادانان فراموش کنند که این اعمال نیز بدون شک، کار محسوب می‌شود و هنگامی که از کار صحبت می‌شود، فقط نام مردان بر زبان‌هایشان جاری می‌شود و او را همان تلاشگری می‌دانند که برای به دست آوردن رزق و روزی،

۱) الاسلام والمرأة المعاصرة (باتغییر) ونیز، ن.ک. به: محمد حسین فضل الله، تأملات الاسلامیة حول المرأة،

سعی و تلاش مضاعف می‌کند. آنها چنین اوصافی را با جهل و نادانی و افترا به مردان نسبت می‌دهند.

اما زن در خانه کار می‌کند و این در حالی است که کار زن در خانه، از ازل برای وجود و بقای جامعه، امری ضروری و حیاتی بوده است.^۱

حال آن که میلیون‌ها مرد، خودشان را مشغول می‌کنند و عمرشان را با کارهای پست و فرومایه از بین می‌برند و شاید تنها بهانه مردان برای پرداختن به این کارها این باشد که آن‌ها با کار کردنشان، همسرانشان را سرپرستی می‌کنند.

همسرانی که بی‌نیازی از آنها ممکن نیست، اما با وجود همه این‌ها، مردان، مغرور و خودخواه هستند و نمی‌خواهند که بفهمند.^۱

خلاصه:

حقوق زن جزئی از حقوق کلی و عمومی انسان محسوب می‌شود. او مثل مرد و شقیقه و نصف اوست. زن و مرد هم در امور مادی و دنیوی و هم در امور اخروی از حق کامل برخوردار هستند. اسلام، زن را گرامی داشته است و او را در جایگاه مادری، خواهری، دختری و همسری و همچنین در بافت عمومی و کلی جامعه، گرامی داشته است. زیرا زنان نصف جامعه را تشکیل می‌دهند.

اسلام حق مالکیت و حق دخل و تصرف در اموال را به زن داده است. حق مالکیت در مهریه را به او داده است و او بر حسب درجه نزدیکی به مرده از او ارث می‌برد و این در حالی بود که در میان عرب‌ها و غیر عرب‌ها از حق ارث برخوردار نبوده است. اما پیرامون همکاری در کارهای منزل و تدبیر امور منزل، زن باید کارهای خانه را انجام دهد. اما برای این‌که زندگی به استقرار و ثبات برسد، بر عهده مرد است که در کارهای خانه به مساعدت و یاری زن بشتابد. همان عملی که پیامبر اکرم (ص) با همسرانشان در خانه انجام می‌دادند. همچنین بر مرد واجب است که تمام مایحتاج

۱) الاسلام و المرأة المعاصرة، به نقل از مجله الملال، شماره مارس ۱۹۶۵ میلادی.

زندگی را فراهم آورد تا زن بتواند با مشورت و تفاهم و هماهنگی میان خود و شوهرش به تدبیر امور منزل بپردازد.

اسلام همچنین حق مالکیت و حق دخل و تصرف اموال و ممتلكات را به زن داده است. زن می‌تواند از مال خودش ببخشد، صدقه دهد، زکات بپردازد و به دیگران از اموال خود هدیه دهد.

پیرامون کار زن در خارج از منزل: بر اساس نظریه‌ای که آن را برگزیدیم، کار زن اشکال ندارد تا زمانی که در آن کار معصیت و گناهی نباشد و آن کار وقت زن را نگیرد و فکر و وجدان او را مشغول نسازد و با خصوصیات فطری زنانه او یعنی مقام مادری و مقام همسری او در تضاد نبوده و او را از ادای حق همسری و کار در خانه و تربیت فرزندان باز ندارد.

سخنرانی دکتر غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

در مراسم اختتامیه کنفرانس

سخنرانی دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی

در مراسم اختتامیه کنفرانس

آقای دکتر حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم اختتامیه همایش بین المللی حقوق و مسؤولیت‌های زن در نظام اسلامی گفت: نمی‌توان زنان عالم اسلام را به نام حقوق بشر از فرهنگ و اعتقادات خود جدا کرد و قواعد جهانی نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که ملت‌ها رادر مقابل فرهنگ خودشان قرار دهد.

ایشان ضمن ابراز تأسف از وضعیت لبنان و فلسطین، جنایات این روزهای اسرائیل را محکوم کرده و به همه مادران فلسطینی و لبنانی که بار سنگین مبارزه را از ۶۰ سال پیش تاکنون و به‌خصوص در روزهای اخیر به دوش کشیده‌اند، تسلیت گفت.

وی با اشاره به موضوع زن در جهان امروز به ویژه جهان اسلام گفت: مسأله زن مسلمان مهم‌ترین موضوع جهان اسلام است که حدود ۱۵۰ سال پیش تمدن اسلامی را با تمدن غربی مواجه کرد. تمدن غربی مدعی شد که عالم اسلام عقب مانده است و غرب رسالت دارد تا عالم اسلام را از عقب ماندگی نجات دهد. وی تأکید کرد که کلمه استعمار از چنین پیش فرضی حکایت می‌کند.

رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: خانواده بستر انتقال فرهنگ است، شیوه

انتقال فرهنگ به زندگی خانوادگی اسلامی اختصاص دارد و جامعه‌ای که خانواده آن مسخ شده باشد، فرهنگ و ارزش‌ها نیز در آن مسخ می‌شود.

وی گفت: تربیت زن مسلمان آینده از وظایف امروز ماست، اگر زنان جامعه اسلامی نمی‌خواهند به سرنوشت رقت انگیز زن غربی دچار شوند، باید تربیت دختران مسلمان را جدی بگیرند و هرگز در آن کوتاهی نکنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: نادیده گرفتن زن و شأن او و تبدیل آن به ابزاری برای هوسرانی، همان طوری که امروز در جوامع غربی مرسوم است و به آن دامن زده و تبلیغ می‌شود، به معنای فروپاشی خانواده است و فروپاشی خانواده هم به معنای فروپاشی فرهنگ در جامعه است.

حداد عادل با اشاره به الگوی مطلوب زن در جامعه اسلامی تاکید کرد: وقتی از الگوی زن مسلمان صحبت می‌کنیم نمی‌خواهیم وضعیت زنان مسلمان را در تاریخ تکرار کنیم، در این نوع نگاه ما نقادانه است که گذشته و امروز را نقد می‌کنیم، به طوری که نه گذشته را تأیید و نه رد می‌کنیم.

حداد عادل طی سخنانی گفت: تصویری که ما از زن مسلمان در جهان امروز داریم، تصویر انسانی صاحب اندیشه، آزادی، مسئولیت، حرمت و کرامت است و الگویی است که در آن تأکید می‌کند مقتضیات طبیعی و روحی زن نادیده گرفته نشود و در عین حال زن به عنوان شهروند درجه دوم نیز شناخته نشده است.

وی خاطر نشان کرد: زن مسلمان می‌تواند در عین حال که نقش خود را به عنوان همسر، مادر و مدیر خانواده ایفا کند، نقش خود را در جامعه نیز از نظر سیاسی و اجتماعی برعهده گیرد و وظیفه ما در مجلس هم این است که تلاش کنیم مجموعه قوانین و مقرراتی را وضع کنیم که ایفای همزمان این دو را ممکن کند.

رئیس مجلس در پایان خاطر نشان کرد: که تربیت زن مسلمان آینده از وظایف امروز ماست. هر یک از ما و شما بای زن مسلمان را جدی بگیریم و هرگز در آن کوتاهی نکنیم.

**بیانیه پایانی اولین کنفرانس
حقوق و مسؤولیت‌های زن
در نظام اسلامی**

بیانیه پایانی کنفرانس

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بیکران بر خاتم پیامبران محمد مصطفی و خاندان پاک و اصحاب

پاکدامن او باد

به مناسبت سالروز ولادت دخت گرامی پیامبر مکرم اسلام، فاطمه زهراء (سلام الله علیها) برگزیده زنان عالم و همچنین سالروز تولد سلاله پاکش حضرت امام خمینی (ره)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با مشارکت برخی از سازمان‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۰ - ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۲۷ اولین کنفرانس بین‌المللی «حقوق و مسئولیتهای زن در نظام اسلامی» را برگزار نمود. علما و دانشمندانی از ایران و سایر کشورها در آن شرکت کرده و سخنرانی‌های ارزنده‌ای ارائه نمودند.

آنان همچنین بیانیه پیشنهادی قبلی و وضعیت کنونی جهان اسلام به دقت مورد بررسی قرار داده و در پایان توصیه‌های ذیل را ارائه کردند:

۱. نظر به اهمیت موضوع، شرکت‌کنندگان این اجلاس بر مصوبات بین‌المللی اسلامی در این زمینه بر سندهای ذیل تأکید می‌نمایند:

از جمله:

الف: بیانیه اسلامی حقوق بشر

ب: بیانیه هشتمین اجلاس کنفرانس سران کشورهای اسلامی (اجلاس تهران) پیرامون حقوق زنان

ج: مصوبات مجمع جهانی فقه اسلامی و از جمله مصوبه شماره ۵۹ (۱۷/۸) و ضرورت توجه لازم به آن.

۲. تدوین یک استراتژی برای مدت یک سال یا دو سال که در برگرفته برنامه‌هایی برای رویارویی با غربزدگی و مفاهیم جدید باشد. و زن مسلمان را نسبت به چالشهایی که با آن روبرو است و هویتش را تهدید می‌کند آگاهی بخشد.

۳. شرکت کنندگان طرح پیشنهادی حقوق و مسئولیت‌های زن را تایید می‌کنند و بررسی آن را از طرف اعضا با اهداف زیر ضروری می‌دانند.

الف: حصول اطمینان نسبت به احکام صادره در این خصوص و میزان انطباق آن با موازین شریعت اسلامی.

ب: ضرورت بازنویسی آن بگونه‌ای که بیانیه ساختاری قانونی و بدور از هر گونه شائبه تکرار ابهام داشته باشد.

ج: بیانیه دو مرحله ذیل را مورد توجه قرار دهد:

اول: جایگاه حقوق و مسئولیت زنان عموماً از نظر اسلام

دوم: جایگاه حقوق و مسئولیت زنان مسلمان از نظر اسلام

۴. به منظور تحقق اهداف کنفرانس در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دبیرخانه دائم دایر گردد.

۵. درخواست از سازمان کنفرانس اسلامی جهت تشکیل گروهی برای پی‌گیری امور زنان در جهان اسلام

۶. در عرصه‌های سیاسی کنفرانس خاطر نشان می‌سازد:

الف: کنفرانس ضمن حمایت کامل خود از مقاومت شجاعانه اسلامی در فلسطین و لبنان، تجاوزهای ناجوانمردانه صهیونیستها به این دو کشور را شدیداً محکوم و از جامعه جهانی خواستار پایان دادن به این تجاوزها است.

ب: شرکت کنندگان در کنفرانس، همه اقشار ملت عراق را به وحدت و همدلی و ازین بردن بهانه حضور دشمن در خاک خود فرامی خواند و تلاش بیشتر آنان را برای پایان بخشیدن به اشغال خاک عراق خواستار شدند.

ج: کنفرانس از حق جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به تکنولوژی مسالمت آمیز هسته‌ای پشتیبانی بعمل می آورد.

د: کنفرانس ضمن حمایت از وحدت و یکپارچگی ملت سومالی نسبت به بازگشت اشغالگران هشدار داده و خواهان بازسازی نهادهای آن کشور شد.

در پایان :

شرکت کنندگان در این کنفرانس از رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای و رئیس جمهور ایران و سایر نهادهایی که فرصت شرکت در این کنفرانس را برای آنها فراهم آورده‌اند صمیمانه تشکر می نمایند و امیدوارند تلاشهای پی گیر در این راه ادامه یابد.

